

نسل کشی در ایران

چهره پنهان فاشیسم مذهبی



## مقدمه

بحث را با این پرسش آغاز می‌کنیم که چرا و چگونه و بچه علت خشونت‌های بی حد و حصر نسل‌کشی در برهه‌هایی از تاریخ بشر روی داده است؟ در تاریخ گذشته بشر، متأسفانه مواردی از خشونت‌ها و کشتارهای گسترده وجود داشته که بعنوان جنایت علیه بشریت شناخته شده‌اند. علت رویداد این اتفاقات خانمانسوز در نگرش‌های گوناگون، از جمله در باورهای دینی، در سلايق سياسي، در برتری جویی قومی و نژادی و ... بوده است. اعتقادات اسلامی البته در این راستا مستثنی نبوده، اما مهم است که تفاوت میان اقوام، دین‌ها و فرهنگ‌ها را در نظر داشته باشیم و عموماً نباید یک دین یا یک گروه فکری را به طور کلی با نسل‌کشی مرتبط کنیم.

در مورد باورهای دینی، باید توجه داشت که اسلام به عنوان یک دین، اصول اخلاقی، عدالت، صلح و محبت به همگان را توصیه و ترویج می‌کند. اما با همین ادعا و اعتقاد اقشار یا گروه‌هایی بوده‌اند که دین را ابزاری برای تحقیر و اعمال خشونت و سلطه قدرت خود مورد سوء استفاده قرار داده‌اند. در تاریخ اسلام کم نبودند فتوحاتی که از خشونت، تعارض و جنگ‌ها بهره بردند و سلطه خود را برای کشورگشایی به کار بردند، خشونت‌هایی که به مراتب فراتر از حد تحمل انسانی بوده‌اند.

آنچه در این مطالعه حائز اهمیت است روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران با محوریت ولایت فقیه، مبتنی بر فقه ساخته شده فقها است، ولایت فقیه‌ی که با اختیارات مطلقه به نام اسلام حقوقی را بر پایه حدود فقهی تدوین کرده و خود را ولی و تام‌الاختیار جامعه انسانی می‌داند.

امروز جامعه بشری با نگرشی به نهادینه شدن حقوق و نفی خشونت از عرش والای انسانیت به پدیده «نسل‌کشی» یا «جنایت علیه بشریت» می‌نگرد و در صدد دست یافتن به این حقیقت پنهان است و به پاسخی برای این تناقض می‌اندیشد که چگونه از درون

ایده ها و نظراتی که ابتدائاً اخلاقی است، روشی زور مدارانه سر برون می کشد و به آن لباس زور پوشانده می شود و حضور غیر خود را بر نمی تابد.

در مدرسه نیکوکاری، با معرفت از پشت پرده های دیوار فریب ولایت فقیه، ماجرای حذف مخالفین را که به نوعی از نسل کشی حادث گردیده است می نگریم و سرنوشت تلخی را که این جنایتها رقم زده مرور می کنیم.

دریغا که دیر هنگام به صرافت این مسئولیت معنوی و انسانی، در وادی بلازده و حیات سوز ایران به «نسل کشی» در نیم قرن گذشته می پردازیم. امیدواریم در این سفر با دست نوشته ها و دلنوشته های شما عزیزان همراه باشیم و به نور حقیقت دست یابیم. از شما دعوت می کنیم تا با ما، در مسیر طلوع نیروهای روشنی از اهل اندیشه، به آفاق گسترده این پدیده خانمان سوز همراه باشید. بیایید با هم نقش و نگار دیوانه وار این پرده سیاه را روشن و گویا کنیم و به تاریخ نگاری فرهنگ نیکوی انسانیت ادامه دهیم.

شعله های پروانه وار عشق و اندیشه را بر گرد تفکر جنایتکارانه نسل کشی با ابزار احکام فقهی موجود بچرخانیم و با هم، این روند پدیده را بنگریم و آرمان های آسمانی فردا را به همت جمعیت متحد عقل و باور، ممکن بسازیم. با همدیگر، خواهیم نوشت تا تمامی اسرار قتل عامی که با مظروف فقه و احکام جنایتکارانه مبتنی بر آن صورت گرفته، این «نسل کشی» را بازخوانی کرده تا نوید بخش پیروزی تلاشگران آزادی برای دستیابی به دنیای روشن فردا باشیم.

مسیر تاریخ در قرون گذشته، شاهد پدیده نسل کشی، برای کنترل منابع طبیعی در دنیای جدید در امریکای شمالی بوده است، قتل عام برای خوردن خارجیان غیر بومی «مائوری» ها را دیده است، نابودی نسلی را بخاطر قحطی سبب زمینی از گروه های جدایی طلب ارتش جمهوریخواه ایرلند دیده است، نسل کشی وحشیانه آرامنه در ترکیه را شاهد بود است، جنایت علیه قوم پیگمی، کشتار اقلیت قومی مسلمانان بوسنیایی و صرب را در کوشش برای پاکسازی قومی را مشاهده کرده است، نسل کشی نازی ها و

حکومت توتالیتار هیتلری در آلمان نسبت به یهودیان و گروه‌های دیگر از اقوام، که شهره تاریخ شده را دیده است.

اسناد مختلفی در زمینه نسل‌کشی در آرشیو ملی ارمنستان و در بسیاری از کشورهای متمدن جهان جمع‌آوری شده که اگر برای عدالت و دادخواهی در این واقعه تاریخی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند، یقیناً همه آنها برگ‌های برنده‌ای برای افشای این پدیده خشنونترا خواهد بود. بنابر این بر خود وظیفه یافتیم که بازتاب این واقعه تاریخی را به زبان فارسی از میان کتابها و اسناد و رسانه‌ها در حد توان و امکان، جمع‌آوری نموده و در مجموعه‌ای مستقل ارائه دهیم. شایان یادآوری است که بخش عمده‌ای از مطالب گردآوری شده، یافته‌هایی است که بر اساس منابع مختلف قابل دسترس، جمع‌آوری شده که البته داوری آن، نیک در عهده خواننده گرامی خواهد بود.

جای بسی خرسندی است که بازتاب اندیشه متفکران، محققان، نویسندگان، مترجمان و قضات معروف جهان در تلاش‌های علمی و کار بردی در این زمینه وصف ناپذیرند که باید مورد مطالعه و قدرشناسی قرار گرفته و برای دادخواهی و محکوم کردن نسل‌کشی در ایران که قوم و ملت نمی‌شناسد روشنگر باشند. بسیاری از کشورهای جهان در این زمینه تلاش‌های ارزشمندی را نموده‌اند که به زبان‌های زنده رایج جهان آثار آنها به طبع رسیده است.

تاریخ کهن ایران نیز جنایتها و قتل‌عامهای سنگینی را به چشم دیده است، قصد بازگو کردن تاریخ کهن ایران را نداریم، اما از آنجایی که موضوع این مطالعه قتل‌عام و نسل‌کشی در ایران است، جا دارد گوشه‌ای از این قتل‌عامهای ویران‌گر و طاق‌انسانها، قتل‌عامها و کشتارهای قومی تعجب‌برانگیزی که تاریخ کهن ایران شاهد بوده را یاد آور شویم:

حمله مغول به ایران در جنگ جلالیه ۱۰ سال پیش از هجرت (۶۱۲ تا ۶۱۵ میلادی):  
نخستین حمله مغول به ایران در آن دوره نبود، بلکه پیش از آن حمله و جنگ‌های زیادی

بین مغول‌ها و ایرانیان رخ داده بود و قتل عام‌های بزرگی اتفاق افتاده بود. در طی جنگ‌های جلالیه بین ایرانیان و مغول‌ها، تعداد زیادی از ایرانیان کشته شدند. منابع تاریخی به طور تقریبی این کشتار را **تا ۱۰ میلیون نفر** نقل کرده‌اند.

حمله مغول‌ها به خراسان از سال ۹۸-۱۰۰ هجری (۶۱۹-۶۲۱ میلادی) : که توسط چنگیزخان مغول انجام شد، تعداد زیادی از اهالی این منطقه کشته یا به بردگی گرفته شدند. ذکر دقیق آمار کشته‌های این حمله دشوار است، اما تخمین‌ها چیزی **حدود ۲۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر** را ثبت کرده‌اند. این حمله مانند حمله هولانگو به خراسان در طول دوره‌های مختلف تاریخ تخریب‌ها و نابودی نسلهائی از انسانهای آن سر زمین را به همراه داشت.

حمله تیمورلنگ (تیمورخان)، به ایران ۷۶۳-۷۸۳ هجری (۱۳۸۵ تا ۱۴۰۵ میلادی) به وسیع‌ترین تجاوزات و جنایات در تاریخ معروف شد زیرا وسیع‌ترین اراضی این سر زمین تحت قیمومت تیمور قرار گرفت. در این حمله به ایران، تعداد کشته‌ها بسیار زیاد بود. به عنوان مثال، در جنگ آناتولی بین تیمورلنگ و سلاطین ایلخانی، حدود **۷۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر** کشته شدند.

حمله اعراب به ایران ۳۳-۳۷ هجری (۶۵۵ تا ۶۵۹ میلادی) که در دوره خلفای اولیه اسلامی برای تسخیر ایران رخ داد. این حمله در زمان نهمین خلیفه اموی، توسط ارتش اعراب تحت فرمان ابومسلم گنکی<sup>۱</sup> بود که به ایران حمله کرد، این حمله منجر به کشتار

---

۱- ابومسلم گنکی (خراسانی) یک شخصیت تاریخی مهم در تاریخ اسلامی است. او در قرن هشتم میلادی در منطقه خراسان (که اکنون بخش‌هایی از ایران، ترکمنستان و افغانستان را شامل می‌شود) متولد شد. ابومسلم به عنوان یک مقام دینی و سیاسی معروف در دوران امویه شناخته می‌شود.

های گسترده و مرگ و زخمی شدن بسیاری از ایرانیان شد و نهایتاً منجر به تسخیر ایران توسط اعراب شد.

در دوران معاصر، در زمان حاکمیت رضاخان، مردم خراسان در اعتراض به تصمیم شاه، در مسجد گوهرشاد مشهد اجتماع کرده بودند که به دستور قزاقان جنایتکار او به سوی جمعیت آتش گشودند در نتیجه این حمله وحشیانه دستکم هزار هشتصد (۱۸۰۰) نفر به قتل رسیدند.

در ماجرای کشتار سیاسی سیاهکل در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۷ میلادی)، نیروهای امنیتی محمدرضا پهلوی با حمله به مسجدی که توسط مخالفان رژیم اشغال شده بود، تعداد زیادی از مخالفان را کشتند. کشتار بزرگ زاهدان در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی)، نیز، نیروهای امنیتی محمد رضا پهلوی در برابر تجمع کنندگان مخالف در شهر زاهدان در استان سیستان و بلوچستان عمل کردند و تعداد کثیری از مردم را به قتل رساندند.

با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی کشتارهای بی سابقه و گسترده زندانیان سیاسی و همراه با جنگ ایران و عراق را داریم، این رژیم سرکوبگری‌ها را که بسا جنایتکارانه تر از رژیم شاه بود بنیان گذاشت و به کشتار رشیدترین فرزندان مردم ایران مبادرت نمود، دانشگاه‌های ایران را تحت عنوان انقلاب فرهنگی با سرکوب گسترده به تعطیلی کشاند و با جنگ خانمان سوزی که خود زمینه ساز آن بود و سالها بر ادامه آن اصرار می ورزید که در نتیجه آن نسلی از ایرانیان را به نابودی کشاند، یک میلیون کشته و بیش از ۳۶ هزار کودک دانش آموز در طرف ایرانی را به وادی مرگ سپرد، علاوه بر آن یک و نیم میلیون مجروح و معلول روی دست ملت گذاشت.

باید توجه داشته باشیم که تاریخ نگاران و منابع مختلف در مورد جزئیات این حوادث ناگوار و تأثیراتی که بر جامعه امروز ایران گذاشته کتابها نوشته اند.

جهان امروز، نسل کشی بدلیل داشتن یک مرام را تجربه نکرده بود. می دانیم در اسلام، نسل کشی محکوم و با اصول و احکام این دین تعارض دارد. اسلام به تمام انسان‌ها، بدون توجه به نژاد، ملیت، یا دینشان احترام می‌گذارد و زندگی و حریم شخصی آنها را محترم می‌داند. در قرآن، آیتی وجود دارد که این اصل را تأیید می‌کند. علاوه بر این، به مبارزه با ظلم و استبداد و برقراری عدالت اجتماعی تأکید دارد. اصول اسلامی نسل کشی و هر گونه خشونت بی‌رحمانه علیه هر نژاد یا گروه اجتماعی را جایز نمی‌داند و به صراحت هرگونه قتل عام و انتقام‌جویی نسبت به یک قوم و نژاد را که منجر به نسل کشی و از بین بردن کرامت انسان‌ها باشد را باطل می‌داند.

قرآن درباره حقوق انسانی و احترام به زندگی و منزلت انسان‌ها بسیار صریح است و هیچ‌گونه تردیدی نسبت به محکومیت قتل و نسل کشی باقی نمی‌گذارد. در آیه ۳۲ از سوره مائده آمده است :

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن است که همه مردم را کشته) این آیه از عذاب قتل عمد بی‌گناهان، به ویژه مسلمانان، بسیار سختگیرانه خبر می‌دهد و مجازات سنگینی را برای قاتلان بی‌رحم آن تعیین می‌کند.

موضوع مورد بحث ما، کشف یک معمای تاریخی است، معمایی که تا کنون پژوهش‌های فراوانی بر روی آن شده، اما هنوز در پرده ابهام باقی مانده است. معمای نابودی تام و تمام تفکری در برابر تفکر عقب افتاده و قرون وسطایی ولایت مطلقه فقیه، نابودی تفکری که با تفکر ولایی اینهمانی ندارد.

مگر نه این بود که پیام پیامبران، از ابراهیم تا محمد، رهبران معنوی از بودا و زرتشت تا فلاسفه و اسطوره‌های اخلاق و همه دلسوزان بشریت برای انسان صلح بود، صلح برای جلوگیری از جنگ و جنایت و رفع ظلم و ستم بر انسان و انسانیت، پیام آنها برقراری آرامش و آزادی برای انسان بود. این الگوهای تاریخی، هر کدام در میدان عمل، نماد حل مشکل و معضلات انسان‌های زمان خود بودند.

## فصل اول

### تاریخچه نسل کشی

#### مبانی

پیش از هر چیز، لازم است تعاریف، مبانی و ساختار این پژوهش مشخص گردد. موضوع اصلی آن پدیده نسل‌کشی است که همه اصول و قواعد حقوق بشر جهانی را زیر پا می‌گذارد. نسل‌کشی تاریخی تاریک، سرشار از رنج و خون دارد. ما در اینجا قصد داریم نگاهی اجمالی به این پدیده و تاریخ آن بیندازیم.

نسل‌کشی به معنای نابودی یک گروه اجتماعی خاص از انسانها به دلیل نژاد، باور دینی، جنسیت، ملیت یا وابستگی به یک گروه اجتماعی مشخص است، با هدف پاک‌سازی قومی یا حذف بخشی از جمعیت به شیوه‌ای نظام‌مند. نسل‌کشی نام جدیدی برای یکی از خشن‌ترین اقداماتی است که بشریت تجربه کرده است، نه تنها در تاریخ باستان که چهره‌هایی چون اسکندر مقدونی، سزار امپراتور روم، چنگیزخان، تیمور لنگ و... خاطراتی تلخ از خود بر جای گذاشته‌اند، بلکه در دوران معاصر نیز رهبران بی‌رحم با امکاناتی به مراتب گسترده‌تر و مرگبارتر، تاریخ معاصر را با لکه‌ای سیاه از قتل‌عام گروه‌های قومی و نژادی روبرو کرده‌اند.

نسل کشی بر اساس اعمال مشخص شده در ماده ۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی تعریف می شود، یعنی اعمالی که با قصد نابودی کامل یا جزئی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می شوند. این جنایات می توانند از سوی مقامات دولتی یا افراد متعلق به جامعه مدنی، چه در زمان صلح و چه در زمان درگیری های مسلحانه بین المللی یا داخلی صورت گیرند. بنابراین جنایت نسل کشی هنگامی رخ می دهد که کسی، یکی از اعمال ذکر شده در ماده ۶ را «با قصد نابودی» مرتکب شود. شرط اساسی این جنایت، همان نیتی است که در ماده ۶ به آن اشاره شده و در واقع عنصر معنوی جرم را تشکیل می دهد. در غیاب این نیت، عمل انجام شده می تواند به عنوان جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی تلقی شود.

برای شناسایی جنایت های نسل کشی، وجود عناصری چون نابودی کامل یا نابودی بخشی یک گروه فکری، با نیت و ارتکاب اعمال ممنوعه در ماده ۶ منشور مورد نظر است که تعریف آن مطابق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ درباره نسل کشی ارائه شده است.<sup>۲</sup>

## سابقه

گذشته تاریخی نسل کشی به دوران های تلخ و تاریک تاریخ برمی گردد، آن زمانی که انسان ها به دلایل مختلفی نظیر تبعیض نژادی، اجتماعی، مذهبی یا سیاسی تحت سلطه دیگران قرار گرفته و جان خود را از دست می دادند. این تباهی های بشری اغلب با عنوان تجاوز علیه بشریت یا جنایت های ضد انسانی شناخته می شوند.

2 - Treaty Collection, « Déclaration universelle des droits de l'homme », Nations Unies. <https://treaties.un.org/>

تاریخ نسل کشی و خشونت‌های فراوان آن، به عنوان فصلی مهم از خاطرات خوف و دهشت از تاریخ بشریت، بر زندگی ما تأثیرگذار بوده است. این واقعیت‌های خشونت بار تاریخی، در طول زمان و در دوره‌های مختلف تاریخ، تکرار شده که شناخت جامعه شناسی و شرایط تاریخی دقیق هر کدام از آنها امری پیچیده شده است.

از بدو تاریخ انسانی، جنگ‌ها، نبردها و کشتارها به خاطر حفظ منابع، کنترل سرزمین، انتقام و دیگر دلایل اجتماعی بوقوع پیوسته اند. افسانه‌هایی که بر دیوارهای معابد و آثار باستانی منقش شده‌اند، تجلی‌گر نبردها و کشتارهای دوران گذشته تاریخ هستند.

تاریخ مکتوب نیز شواهد زیادی از نسل کشی‌ها و خشونت‌ها را در خود ثبت کرده است. از دوره جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی، گرفته تا جنگ‌های ناپلئونی، جنگ‌های دنیای مدرن و صنعتی شدن جهان و در تداوم آن جنگ‌های جهانی اول و دوم که با نابودی میلیون‌ها انسان پایان داده شد. با وجود این، نسل‌کشی‌های نژادی، اتحادیه‌ای و تفکرات تبعیض‌آمیز در دوران معاصر نیز ادامه پیدا کرده است. به عبارت دیگر، نسل‌کشی و خشونت، نمادی از ناتوانی‌ها و نمایانگر تنش‌ها و عصبانیت‌ها در جوامع انسانی بوده که از گذشته‌های دور تا به امروز، همچنان ماهیت خود را حفظ کرده و ادامه یافته‌اند.

هنوز خاطره کشتار ارمنیان، سوزاندن یهودیان، قتل عام تاتارهای کریمه و آلمانیهای ناحیه ولگا، کشتارهای سرخ پوستان آمازونی، کشتار مردم ایبو در بیافرا و انتقام جویی از مردم مای لای در ویتنام برای نسل امروز فراموش نشده است. آیندگان نیز خاطره تلخ کشتار دهشتناک مردم حلبچه، رواندا و صربرنیتسا (یوگسلاوی سابق) را همواره در ذهن خواهند داشت. هیچ دوره اجتماعی را در طول تاریخ بشر نمی‌توان یافت که چنین پدیده‌ای به اشکال مختلف در آن اتفاق نیفتاده باشد. در میان رویدادهایی که با کشتار مردمان پیوند داشته، بایداز جنگ‌های تمام عیاری نام برد که بر خلاف دوران گذشته که هدفشان در هم شکستن قدرت نظامی کشور متخاصم بود، دامنه تقریباً گسترده‌تری یافته و امروزه قلمرو مالی، اقتصادی، بازرگانی و حتی فرهنگی را نیز در بر گرفته است.

در حقیقت، هدف جنگ‌ها تضعیف توان و استعداد‌های رزمی و بالقوه طرف متخاصم بود، اما خشونت‌های کلان جهان معاصر به گونه‌ای است که تشخیص جبهه جنگ از پشت جبهه و رزمنده از غیر رزمنده در مخاصمات میان کشورها را روز به روز دشوارتر می‌کند. از این رو خطر و تهدید کشتار جمعی به مثابه ابزار جنگی تحلیل برنده جان افراد غیر نظامی را به شدت تهدید می‌کند.

ژان پل سارتر در گزارش خود به دادگاه برتراند راسل موضوع استعمار گران را که قرابت آن در طول تاریخ استعمار با نسل کشی مردم سرزمین‌های استعمار شده شناخته شده، در کنار جنگ‌ها بیان می‌کند و آن را حادثه عبرت آموزی برای مردم بومی می‌داند. از نظر سارتر: دسته‌های استعمارگر وجود خود را با ارباب و وحشت، یعنی با کشتارهای پیاپی و مداوم، بر مردم تحمیل می‌کنند. این کشتارها جنبه عام دارند. هدف آنها گروهی از مردمند (یعنی گروه‌های نژادی، ملی یا مذهبی) که باید نابود شوند تا بقیه مردم بترسند و جامعه بومی منهدم گردد.<sup>۳</sup>

اصطلاح نسل کشی (Genocide) در قرون معاصر، از سال ۱۹۴۴ میلادی در مطبوعات پدیدار شد، این اصطلاح به جنایات خشونت باری اطلاق می‌گردد که علیه یک گروه به قصد نابودی کامل آن گروه صورت بگیرد. همانگونه که در اصلاحیه ده گانه قانون اساسی آمریکا در زمینه حقوق بشر و یا در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوبه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ آمده، این اصلاحیه جنایت و خشونت را محکوم و حقوق افراد و حقوق بشر را گرامی می‌داند.<sup>۴</sup>

۳ - مصطفی رحیمی، (گردآورنده و مترجم)، کشتار عام، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۷، ص ۱۹

۴ - در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، ۵۸ کشور عضو که در آن زمان مجمع عمومی را تشکیل می‌دادند، اعلامیه جهانی حقوق بشر را در پاریس در کاخ شایو به تصویب رساندند. به قطعنامه (III) A 217 نگاه کنید.

در سال ۱۹۴۴، یک وکیل یهودی لهستانی به نام رافائل لمکین (۱۹۵۹) درصدد برآمد که سیاستهای نازی درباره قتل های سازمان یافته از جمله نابودی یهودیان اروپایی را توضیح دهد. او کلمه «génocide» را که ترکیبی از دو کلمه «geno» (در زبان یونانی به معنی نژاد یا قبیله) و کلمه «cide» (در زبان لاتین به معنی کشتن) تبیین کرد. با پیشنهاد این اصطلاح جدید، لمکین برنامه ای نظام یافته را برای جلوگیری از خشونت هایی که شامل اقدامات مختلف با هدف نابودی پایه های اصلی بقای گروه های ملی و در نهایت از بین بردن خود گروه ها طرح ریزی شده بود. سال ۱۹۴۵ دادگاه نظامی بین المللی در نورنبرگ نازی های طراز اول را به «جنایت علیه بشریت» متهم ساخت. کلمه «نسل کشی» در آن دادگاه نیز جهت توصیف و نه به عنوان یک اصطلاح قانونی، در دادخواست گنجانده شد.

در ۹ دسامبر ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد تحت تاثیر واقعه هولوکاست و به دلیل تلاش های رافائل لمکین، کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل کشی را به تصویب رساند. طبق این کنوانسیون «نسل کشی» جرم بین المللی شناخته شد و کشورهای امضاکننده آن ملزم به منع آن شدند. قطعنامه اکتبر ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد مبنی بر ممانعت و مجازات نسل کشی، هر گونه فعالیتهایی که منجر به نابودی در بخشی یا در کل گروههای مذهبی، ملی، قومی یا نژادی بشود را از مصادیق نسل کشی معرفی می کند، این فعالیتها در قطعنامه سازمان ملل عبارتند از:

- ۱- کشتن اعضای یک گروه.
- ۲- ایجاد هر گونه آسیب بدنی یا وارد کردن صدمات روحی، روانی شدید به اعضای یک گروه.
- ۳- تحمیل اقداماتی جهت جلوگیری از زاد و ولد در گروههای انسانی.
- ۴- نقل و انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر با خشونت.
- ۵- وارد کردن خسارات به شرایط زندگی اعضای گروههای انسانی به منظور نابودی فیزیکی بخش یا تمامیت گروه.

گرهارد ورله (Gerhard Werle) «برده سازی» را نیز نوعی نسل کشی می داند، او می نویسد: به نظر می رسد، جنایات علیه بشریت، جنایات توده واری هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی انجام می گیرد و می توان جدی ترین شکل این جنایات را کشتار گروه های مردمی دانست که با نسل کشی قرابت زیادی پیدا می کند. اما جنایات علیه بشریت، مفهومی وسیع تر از نسل کشی دارد. در جنایات علیه بشریت، لازم نیست که یک گروه خاص مورد هدف قرار گیرد بلکه به طور کلی، یک جمعیت غیرنظامی شامل گروه های سیاسی غیره ممکن است موضوع این جنایات واقع شود. همچنین برخلاف جنایت نسل کشی، در جنایات علیه بشریت، قصد، ارتکاب نابودی کل یا بخشی از گروه مورد نظر شرط نیست. تاریخ از جلوه های تاسف بار دیگر جنایات علیه بشریت، پرده برداشته که از آن جمله برده سازی از طریق کار اجباری، اخراج مردم از مناطق بومی و اجدادی شان، زندان خودسرانه یا شکنجه مخالفان سیاسی، تجاوز جنسی گسترده به زنان بی دفاع، ناپدید شدن اجباری و آزار و اذیت با وضع قوانین و تدابیر تبعیض آمیز قابل ذکر است. جنایت آپارتاید به عنوان شکل نهادینه شده تعدی نژادی یکی از نمونه های بارز این تبعیض است.<sup>۵</sup>

با وجود این که موارد متعددی از خشونت علیه گروه ها، حتی پس از تصویب این کنوانسیون «نسل کشی» صورت گرفته است، ولی شرح و بسط قانونی و بین المللی این اصطلاح در دو دوره مختلف برجسته تر شده است: از زمان ابداع این اصطلاح تا پذیرش آن به عنوان قانون بین المللی در سال ۱۹۴۸ و زمان آغاز بکارگیری آن با پایه گذاری دادگاه های جنایی بین المللی برای پیگرد قانونی جنایات نسل کشی در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸، جلوگیری از نسل کشی، که از تعهدات اصلی این کنوانسیون است، هنوز هم به صورت یک چالش مهم در بین ملت ها و مردم وجود دارد.

۵ - گرهارد ورله (Gerhard Werle)، نشریه حقوقی بین المللی، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

## نمونه‌ها

فهرست کوتاهی از مهمترین موارد دهشتناک نسل‌کشی‌های ثبت شده را در زیر می‌آوریم.<sup>۶</sup>

### ۱ - نسل‌کشی آمریکاییان بومی

تعیین تعداد آمریکاییان بومی پیش از ورود کریستوفر کلمبوس غیر ممکن است، اما تخمین‌های محافظه‌کارانه معمولاً این رقم را حداقل یک میلیون نفر می‌داند. در سال‌های بعد از ۱۴۹۲ میلادی اروپاییان وارد آمریکا شدند و موج جدیدی برای کنترل منابع طبیعی دنیا به راه افتاد که مردم بومی تنها مانع در برابر آن موج بودند. در آمریکای جنوبی، فرانسیسکو پزارو، مردم «اینکا» را قصابی کرد. در مکزیک، هرنان کورتز، آرتک‌ها را نابود کرد. اما ویران‌کننده‌ترین از همه برای مردم بومی، بیماری، بویژه آبله بود که هیچ مصنوعیتی در برابر آن وجود نداشت. میلیون‌ها بومی نابود شدند، تا جایی که گرگ‌ها آنها را در حالی که در روستاهایشان سرگردان بودند می‌بلعیدند. امروز جمعیت آمریکاییان بومی پراکنده هستند، و بسیاری از قبایل و سنت‌های قدیمی برای همیشه از بین رفته است.

### ۲ - نسل‌کشی موریوری

مائوری‌ها مردم بومی جزایر پلینزی نیوزلند هستند، که حدود ۸۰۰ سال در منطقه زندگی می‌کردند. حدود ۵۰۰ سال پیش، گروهی از مائوری‌ها به جزایر چاتام مهاجرت کردند

---

۶ - نگاه کنید به «هولوکاست در دیداری جدید» نوشته پیتر هایت، «آنشلوس» و به نگاه کنید به هولوکاست: تاریخچه، پیامدها و تفسیرها نوشته دیوید میلتن و یا به «نسل‌کشی قومی» تخت جمشید: یک تحقیق جامع درباره کشتار جمعی کردها و بختیاری‌ها در سال ۱۳۵۸ نوشته حسن بلادیان و به تاریخ زندان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران نوشته منوچهر مهاجرانی.

و جامعه‌ای را که بر زندگی صلحجویانه متمرکز بود بنا نهادند و خود را «موریوری» نامیدند. بقیه، قبایل جنگجوی مائوری بزودی با آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تماس برقرار کردند، در حالی که جلسات اولیه گاهی با خوردن خارجیان پایان می‌یافت. در آغاز سال ۱۸۳۵، مائوری‌های بسیار مسلح وارد جزایر چتام شدند و به کشتن و خوردن خویشاوندان بی‌دفاع خود پرداختند. آنهایی که جان بدر برده بودند ناچار بودند با مائوری‌ها ازدواج کنند. در کمتر از ۳۰ سال فقط ۱۰۱ موریوری در این جزیره باقی ماندند.

### ۳- نسل‌کشی قحطی سیب زمینی

در حالی که بریتانیا نمی‌تواند مستقیماً مسئول بلایی که قحطی سیب زمینی ایرلند موجب شد شناخته شود، اما مورخان گفته‌اند قصور بریتانیا از اقدام مناسب می‌تواند به معنای نسل‌کشی باشد. برای قرن‌ها، خونریزی بین بریتانیایی‌های پروتستان و ایرلندی‌های کاتولیک در جریان بوده است، و تا امروز با اقدامات گروه‌های جدایی طلب مانند «ارتش جمهوریخواه ایرلند» ادامه دارد.

بین سالهای ۱۸۴۶-۱۸۵۲ هزاران نفر در اثر بیماری و گرسنگی جان باختند. زمینداران ثروتمند بریتانیایی کشاورزان را وقتی قادر به پرداخت اجاره نبودند، از زمین‌هایشان بیرون می‌کردند. در نتیجه، یک میلیون ایرلندی از گرسنگی مردند، و یک میلیون دیگر ناچار به مهاجرت شدند.

### ۴- نسل‌های به سرقت رفته در استرالیا

ابوریجینال‌ها از جمله قدیمی‌ترین نژادها در سراسر جهان هستند. آزمایش‌های اخیر «دی‌ان‌ای» حاکی است که آنها ریشه‌ای آسیایی دارند، و ۵۰ هزار سال پیش یا بیشتر وارد استرالیا شدند. از آغاز ۱۹۰۹ تا دهه ۱۹۷۰ دولت استرالیا سیاست دور کردن اطفال ابوریجینال از پدران و مادراشان را به اجرا گذاشت.

انگیزه دقیق این عمل هنوز مورد بحث است، برخی ادعا می‌کنند برای «حفاظت» از آنها در برابر شیوه‌های بدوی والدینشان بود. دیگران معتقدند بچه‌ها یا برای جلوگیری از ازدواج با سفیدپوستان، یا ترغیب به آن، برده می‌شدند. مورخان در این باره که آیا این اقدام به معنای نسل‌کشی بود یا نه بحث دارند، اما در سال ۲۰۰۸، دولت استرالیا رسماً از «نسل به سرقت رفته» عذرخواهی کرد.

## ۵ - نسل‌کشی ارامنه

اسناد مختلف جمع‌آوری شده در زمینه نسل‌کشی ارامنه چه در آرشیو ملی ارمنستان و چه در بسیاری از کشورهای متعدد جهان همگی شواهد ارزشمندی در تایید نسل‌کشی ارامنه می‌باشند که بررسی همه آنها در حوصله این مطالعه قرار نمی‌گیرند، اما بطور خیلی خلاصه باید گفت امپراتوری عثمانی مسئول بسیاری از موارد نقض وسیع حقوق بشر بود، که هیچکدام وحشیانه‌تر از نسل‌کشی ارامنه نبود. از آغاز سال ۱۹۱۵، در حالی که بقیه جهان مشغول جنگ جهانی اول بود، عثمانی‌ها ارامنه را هدف قرار دادند.<sup>۷</sup>

لینا ملک‌میان در تحقیق خود علت نسل‌کشی ارامنه را اینگونه توضیح می‌دهد: «طرفداران وقوع نسل‌کشی یکجانبه ارامنه معتقدند که پان‌ترکیسم به قتل عام مبادرت کرد چون ارمنیان همچون دیواری آهنین میان ترک‌های عثمانی و ترک‌زبانان قفقاز که هیچ‌گونه پیوند نژادی با آنان ندارد و ترکان آن سوی دریای خزر بودند، قرار گرفته بودند. و...»<sup>۸</sup> این نسل‌کشی، هر چند به اندازه هالوکاست شناخته شده نیست، اما بسیار دهشتناک بود. مردان قصابی می‌شدند، و زنان و کودکان را به راه پیمایی‌های مرگ با عبور از صحرای سوریه مجبور می‌کردند. تمامی روستاها با ساکنانشان به آتش کشیده می‌شدند، و قایق‌های پر از ارامنه به دریای سیاه برده و غرق می‌شدند. نسل‌کشی ارمنیان در دوران جنگ

۷ - لینا ملک‌میان، نسل‌کشی ارامنه، نشر آیش، تهران، ۱۳۹۴، ص ۲۵

۸ - همان لینا ملک‌میان.

جهانی اول سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳ بوسیله امپراتوری عثمانی در ترکیه نسل‌کشی بر علیه ارمنیان به عنوان یکی از بزرگترین جنایت‌های تاریخ شناخته می‌شود، این نسل‌کشی تا ۱/۵ یک میلیون و نیم نفر ارمنی به دست نیروهای عثمانی کشته شدند.<sup>۹</sup>

## ۶- نسل‌کشی هالوکاست

از زمان‌های قدیم، یهودیان توسط مصریان، رومن‌ها و مسیحیان هدف آزار قرار گرفته‌اند. اما کمتر یک نسل‌کشی به فراگیری هالوکاست نازی‌ها بوده است: «راه حل نهایی» آدولف هیتلر برای حل مسأله یهودیان نابودی آنان بود.

هولوکاست، یکی از تاریخچه‌های تلخ و تاریک جنگ جهانی دوم است که به عمده جنایت‌های نازی‌ها و حکومت هیتلر در آلمان نسبت به یهودیان و گروه‌های دیگر از اقوام معتقد به نژادپرستی، انجامید. نخستین مرحله هالوکاست از سال ۱۹۳۳ با به قدرت رسیدن هیتلر و حزب نازی او آغاز شد و تا انتهای جنگ جهانی دوم ادامه یافت. خلاصه‌ای از رویدادهای هالوکاست به این شرح است.

آغاز هالوکاست: پس از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان، حکومت نازی‌ها شروع به اجرای سیاست‌های نژادپرستی کرد. در این سیاست‌ها، یهودیان و گروه‌های دیگری که توسط نازی‌ها به عنوان انسان‌های درجه دوم محسوب می‌شدند، به طور جدی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

قوانین نژادپرستی: قوانین مخصوص به نژادپرستی و طرده‌ها در مورد یهودیان و گروه‌های دیگری تصویب شدند و آنها از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محروم شدند. ممنوعیت‌ها و تحریم‌ها محدودیت‌های بسیاری برای زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها به همراه داشت.

۹ - یرواند پاسترماجیان، تاریخچه ارمنستان، ترجمه: محمد قاضی، انتشارات: نشر تاریخ ایران، چاپ اول ۱۳۶۶ - اسماعیل راتین، نسل‌کشی ارمنی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷ ش.

تشکیل اردوگاه‌های کار اجباری: نازی‌ها اردوگاه‌های کار اجباری را برای تبعید و کار اجباری یهودیان و گروه‌های دیگر تاسیس کردند. این اردوگاه‌ها محل شرایط بد اقتصادی، آزار و اذیت و نهایتاً کشتار بی‌رحمانه این افراد بودند.

نابودی اتحادیه‌های یهودی: نازی‌ها اقدام به تخریب اتحادیه‌ها و انجمن‌های یهودی کردند تا تلاش‌های مبارزه‌ای یهودیان را برای بقا و دفاع از حقوقشان از بین ببرند. کشتار عام و نابودی: در اردوگاه‌های کار اجباری و اردوگاه‌های کشتار، میلیون‌ها یهودی و گروه‌های دیگر آرام آرام کشته شدند. نیروهای نازی از روش‌های مختلفی نظیر گازکشی، تیراندازی جماعتی و غیره استفاده کردند.

پایان هالوکاست: با پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، جنایات نازی‌ها علنی شد و هالوکاست به عنوان یکی از بزرگترین جنایات‌های جنگی تاریخ به ثبت رسید. هالوکاست یکی از تلخ‌ترین و تاریک‌ترین صفحات تاریخ بشریت است که آموزه‌هایی ارزشمندی را برای احترام به حقوق انسان از آن باید فرا گرفت.

مهم است وضعیت اقتصادی و اجتماعی آلمان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول را بشناسیم. در معرکه هرج و مرج برآمده از آن وضعیت اقتصادی، هیتلر پیام نفرت خود را تبلیغ می‌کرد و از یهودیان به عنوان سپر بلای از دست دادن شکوه آلمان استفاده می‌کرد.

آن چه در تاریخ ثبت شده عبارت از این است که یهودیان دسته دسته به محله‌های محاصره شده «گتو‌ها» رانده می‌شدند و سپس با قطار به «اردوگاه‌ها» مرگ برده می‌شدند و در آنجا شکنجه و کشته می‌شدند. تا ۱۹۴۵، زمانی که یهودیان از اردوگاه‌ها آزاد شدند، می‌گویند دست کم شش میلیون یهودی کشته شده بودند.<sup>۱۰</sup>

۱۰- به گزارش سالنامه یهودیان آمریکا، جمعیت یهودیان اروپا در سال ۱۹۳۳ حدود ۹.۵ میلیون نفر بود. تا سال ۱۹۴۵، بیشتر یهودیان اروپا (دو نفر از هر سه نفر) کشته شده بودند. «جمعیت باقی‌مانده یهودیان اروپا در سال ۱۹۴۵»، دایرةالمعارف هولوکاست، موزه یادبود. هولوکاست ایالات متحده آمریکا. بایگانی شده از نسخه اصلی در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۸

## ۷ - نسل‌کشی پیگمی

تاریخ نسل‌کشی پیگمی (سیاه پوستان) یا «جنایت علیه قوم پیگمی» به اصطلاح انسان‌شناسی، به مجموعه‌ای از اعمال خشونت‌آمیز و نسل‌کشی‌هایی اشاره دارد که در برابر اعضای اقلیت‌های پیگمی صورت گرفته‌اند. این اتفاقات در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ و در مناطق مختلف آفریقا اتفاق افتاده است.

نسل‌کشی پیگمی یک مسئله‌ی بسیار حساس و تاریخی است که همچنان نمودهایی از آن در برخی مناطق و در برابر اقلیت‌های پیگمی هنوز وجود دارد. این اتفاقات معمولاً بر سر: علت رقابت برای منابع، اسارت و کارفرمایی، اختلافات قومی و نژادی و ادعاهای تبعیض‌آمیز، همچنین دلایل فرهنگی و اجتماعی دیگر اتفاق می‌افتند.

قبایل پیگمی در آفریقای مرکزی می‌زیستند. آنها که اکثراً بدوی و جنگل‌نشین بودند، در جریان جنگ‌های داخلی کنگو در آن منطقه به شدت آسیب دیدند. نمایندگان پیگمی به سازمان ملل متحد متوسل شدند و ادعا کردند که جناح‌های شورشی، مانند جنبش برای آزادی کنگو، مردم آنها را شکار می‌کنند و می‌خورند. تعداد آنها در برابر کشتار و جنگ به شدت رو به کاهش می‌رود و فقط ۵۰۰ هزار پیگمی باقی مانده است.

## ۸ - نسل‌کشی توتسی رواندا

نسل‌کشی توتسی، که به عنوان «هولوکاست توتسی» شناخته می‌شود، در دهه ۱۹۹۰ میلادی در کشور رواندا اتفاق افتاد. این نسل‌کشی بخشی از تناژ افراطی بین قومی، بین قوم میان‌هوتو و توتسی بود که در اواخر ماه آوریل تا ماه ژوئیه ۱۹۹۴ به شدت گسترش یافت. در این فاجعه، میلیون‌ها توتسی، عضو اقلیت قومی مسلمان، به وحشیانه‌ترین روش‌ها کشته شدند.

به طور خلاصه، نسل‌کشی توتسی یکی از تراژدی‌های بشریت در دهه ۱۹۹۰ میلادی بود که به زندگی میلیون‌ها نفر پایان داد. این واقعه نشان‌دهنده خشونت‌های بین‌قومی و

اجتماعی و اختلافات سیاسی عمیق در منطقه بود و هنوز هم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های انسانی در تاریخ شناخته می‌شود.<sup>۱۱</sup>

هوتوها و توتسی‌ها اجداد مشترک دارند. در حقیقت بین آنها تا پیش از ورود امپریالیست‌های بلژیکی و آلمانی اختلاف زیادی وجود نداشت. اروپایی‌ها زمینه‌های اقتصادی را بین این دو گروه تقسیم کردند، اما توتسی‌ها ثروتمندتر شدند.

توتسی‌ها سالها طبقه حاکم در رواندا بودند و احکام و مقررات خود را در برخی موارد با خشونت علیه مردم هوتو اجرا می‌کردند. اما در اوائل دهه ۱۹۹۰ قیام آغاز شد و هوتی‌ها در کشتار جمعی توتسی‌ها درگیر شدند. صدها هزار نفر کشته شدند، شیوه ترجیحی اعدام مخالفین استفاده از قمه بود، زیرا مهمات برایشان بسیار گران و تهیه آن دشوار بود.

## ۹ - نسل‌کشی بوسنی

فروپاشی اتحاد شوروی پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشت، هیچکدام ویران‌کننده‌تر از آنچه در یوگوسلاوی سابق اتفاق افتاد نبود. از آغاز سال ۱۹۹۰، کشور به جمهوری‌هایی مختلف تقسیم شد، و تنش‌های قومی شدید و ویرانی‌هایی را بین مردم بوجود آورد. بدترین جنایت‌ها در بوسنی اتفاق افتاد، در آنجا ژنرال راتکو ملادیچ، رهبری اعدام هزاران مسلمان بوسنیایی و صرب را در کوشش برای «پاکسازی قومی» منطقه بر عهده گرفته بود.

## ۱۰ - نسل‌کشی جیلوق‌ها

در اوایل قرن نوزدهم جهان دستخوش تحولات عظیمی شد، جنگ جهانی اول که آثار آن هنوز هم ادامه دارد و بعضا زخم‌های تازه‌ای از آن سرباز می‌کند یکی از این تحولات بود. در این جنگ، یک طرف نیروهای متحد و در راس آنها آلمان و عثمانی

۱۱ - نسل‌کشی توتسی <https://tinyurl.com/5d6y4dar>

بودند و در طرف دیگر متفقین قرار داشتند که بریتانیا، فرانسه و روسیه، مهمترین کشورهای تشکیل دهنده آن بودند. ایران نیز با آنکه اعلام بی‌طرفی کرده بود، اما در عمل تحت اشغال بریتانیا و روسیه درآمد. اولی، جنوب ایران تا همدان را در کنترل خود داشت و دومی شمال کشور را اشغال کرده بود.

تلاش و طمع روسیه، فرانسه و بریتانیا برای تجزیه و غارت این مناطق بعضاً با درگیری و لشکرکشی‌های مستقیم و یا با تسلیح و حمایت از گروه‌های مختلف قومی در سرزمین عثمانی، قفقاز و ایران صورت می‌گرفت، گروه‌های قومی منطقه ای وسائلی بودند که به آلت دست این قدرت‌ها برای پیشبرد اهداف‌شان تبدیل می‌شدند. روس‌ها برای تثبیت قدرت خود در این مناطق روی ارامنه و آشوری‌ها حساب ویژه ای باز کرده بودند. محمدصادق میرزا معزالدوله (نوه عباس میرزا) حاکم ارومیه در گزارشات و نامه‌هایی که در آن دوران (۱۹۱۵) به تهران ارسال کرده از تحریک و مسلح شدن ارامنه توسط روس‌ها خبر داده است. استعمارگران اشغالگر انگلیس، فرانسه و روس از طریق سه گروه عمده قومی کار خود را به پیش می‌بردند، آشوریان به فرماندهی بنیامین مارشیمون (که رهبر مذهبی آنان نیز بود)، ارمنیان به فرماندهی آقا پطرس که مدتی نیز سرکنسول عثمانی در ارومیه بود و گروه سوم بخشی از کردها به رهبری اسماعیل آقا سیمقتو، از رهبران این گروه‌های قومی بودند.

در پی نسل‌کشی یک و نیم میلیون نفر از ارمنیان توسط ترکیه عثمانی در سال ۱۹۱۵ میلادی و به دنبال وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و عقب نشینی نیروهای روس از مرزهای ایران و ترکیه، ارتش ترکیه با استفاده از فرصت پیش آمده تصمیم به حمله به قفقاز گرفت و نیروهای خود را به رهبری «علی احسان پاشا» وارد منطقه شمال غربی ایران در آذربایجان کرد. ترکیه در تلاش بود تا با نقشه «پان ترکیست» خود برای الحاق مناطق ترک زبان به خاک کشورش جامه عمل بپوشاند. در این حمله‌ها تعداد زیادی از ارمنیان ساکن خوی و منطقه «زمار» قره داغ قتل عام شدند و ارتش ترکیه وارد تبریز شد و جمعی از ارمنیان و ایرانیان از جمله شیخ محمد خیابانی را به اسارت خود درآورد.

علت اینکه پان ترکیست‌ها دست به این اقدامات زدند، آن بود که آنها به دستور دولت‌های باکو و آنکارا سعی می‌کردند معادلی برای نسل‌کشی ارمنه توسط ترکیه بیابند و موضوع انتشار «قتل عام ارمنه» را در مجامع جهانی و کشورهای مختلف دنیا خنثی کنند.<sup>۱۲</sup>

این حوادث در آذربایجان به «جیلولوق» معروف شد. نقش ارمنیان به عمد از سوی پان ترکیست‌ها به صورت تحریف شده‌ای ارائه شده است، این تحریف عمدتاً ناشی از کنترل و ممیزی منابع و اطلاعات صحیح تاریخی بوده است. پان ترکیست‌ها عمداً برای مقابله با شناسایی جهانی نژادکشی ارمنیان توسط ترکیه عثمانی در سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳ میلادی و نیز به منظور ایجاد تفرق و تفرقه قومی در میان اقوام ایرانی، ارمنیان را مقصر این حوادث می‌دانند که توسط «جیلوهای» مسیحی آشوری به رهبری «مارشیمون» و گروهی از کردها به رهبری «سیمیتقو» در ارومیه، خوی و سلماس رخ داده است. این در حالی است که ارمنیان، همانند آذربایجانی‌ها، خود، در این حوادث دچار خسارات و تلفات فراوانی شدند.

بعد از حوادث «جیلولوق»، مردم ارومیه و سلماس دوباره این امکان را یافتند که در موطن اجدادی خود به زندگی ادامه دهند و آثار و خسارات آن را ترمیم کنند، زیرا با نسل‌کشی ارمنه توسط ترکیه اکثریت قریب به اتفاق ارمنه از موطن اجدادی خودشان یعنی از ارمنستان غربی در شرق ترکیه رانده شده بودند و هرگز نتوانستند به خانه و کاشانه خود باز گردند. پان ترکیست‌ها صرفاً به خاطر ایجاد تفرقه میان اقوام مختلف ایرانی و ایجاد روحیه ارمنی‌ستیزی، جنایات گروه خاصی از کردها و آشوری‌های عثمانی را به ارمنیان نسبت می‌دهند!<sup>۱۳</sup>

۱۲ - آرشیو نشریه «آیگ»، سالهای ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ شمسی، در روزنامه «آلیک»، چاپ تبریز، ترجمه دکتر کارن خانلری از نشریه پیمان، چاپ تهران، شماره ۳۳

۱۳ - رزماری هارطونیان، کتاب «آروسیاک بازمانده خوی»، ترجمه زهره باوندی، نشر افکار، تهران، ۱۳۸۸ شمسی، ص ۹۸

## ۱۱- نسل‌کشی روهینگیا

گسترش اسلام در میانمار به سالهای آغازین قرن اول هجری برمیگردد. تا زمان به قدرت رسیدن بوداپایا اختلافی میان مسلمانان و دیگر اقلیت‌های مذهبی مشاهده نشده بود، پس از به قدرت رسیدن بوداپایا، موج مخالفت با مسلمانان با هدف پاکسازی مذهبی و جلوگیری از گسترش اسلام آغاز شد و این خصومت سبب فعالیتهایی از قبیل؛ عدم دسترسی مسلمانان به نیازهای اولیه زیستی، بیرون راندن آنان از خانه‌هایشان، جلوگیری از ازدواج و زاد و ولد آنان، آتش زدن خانه‌ها، مثله کردن مردان، شکنجه و آتش زدن اجساد، تجاوز به زنان در انتظار عمومی و... شد.

نسل‌کشی روهینگیا، که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های انسانی در قرن ۲۱ محسوب می‌شود، از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. این نسل‌کشی علیه اقلیت مسلمان روهینگیا، که بیشتر آنها در میانمار (برمه) زندگی می‌کنند، با خشونت‌های جمعیتی، تبعیض نژادی، ارتقای محرومیت اجتماعی و اقتصادی، و اخراج‌های اجباری به طور مداوم و نظام‌مند از سوی نظامیان و نیروهای امنیتی میانمار رخ داده است. روند نسل‌کشی روهینگیا بیانگر آن است که رژیم نظامی میانمار با هدف تخریب و نابودی اجتماع روهینگیا، به شکل طرح‌ریزی شده‌ای به اقدامات خشونت‌آمیز متوالی پرداخت. این جنایات شامل کشتارها، قتل‌عام، آتش‌زدن روستاها، تجاوز جنسی، زندانی کردن غیرقانونی، تبعیض نژادی و محرومیت اقتصادی و اجتماعی بودند.

فاجعه نسل‌کشی روهینگیا در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ مخصوصاً نسبت به عملیات نظامی شدیدی که توسط نیروهای امنیتی میانمار در برابر روهینگیاها انجام شد، به اوج خود رسید.

## جمع‌بندی

بخاطر طولانی نشدن این بحث و برای جمع‌بندی لیست بلند بالای نسل‌کشی، به همین مقدار از نمونه‌های فوق‌اکتفا می‌کنیم، زیرا تاریخ نسل‌کشی بسیار مفصل و طولانی‌تر از مجموعه فوق‌است. بنا به بررسی‌های تاریخی انجام شده، مجموعه این قتل‌عام‌های وحشتناک، دلخراش و نابخشودنی به بیش از پنجاه مورد نسل‌کشی می‌رسد، از این رو ذیلاً تنها به فهرست مهم‌ترین نسل‌کشی‌های جهان همراه با علل قتل‌عام و تعداد قربانیان می‌آوریم:

- نسل‌کشی هولوکاست در آلمان نازی به بهانه: تبعیض نژادی، آنتی‌سمیتیسم، ایدئولوژی نازی، ترویج افکار ارتشی و نژادپرستی، با ۶ میلیون نفر قربانی.
- نسل‌کشی در کامبوج به دلایل ایدئولوژیکی برای ایجاد یک جامعه بدون طبقه، تبعیض نژادی، ترویج ادراکات فرهنگی و انگیزه‌های اعتقادی، با سه میلیون قربانی.
- نسل‌کشی در رواندا به بهانه: تنش‌های قومی و اقلیتی، تبعیض نژادی، ترویج افکار نظامی و انگیزه‌های سیاسی، با ۸۰۰ هزار نفر قربانی.
- نسل‌کشی ارمنیان در امپراتوری عثمانی به بهانه: تبعیض نژادی، مذهبی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی، همچنین انگیزه‌های ترکی‌خواهی و فرهنگی، با بیش از ۷۰۰ هزار نفر قربانی.
- نسل‌کشی در بوسنی و هرزگوین به بهانه: تنش‌های قومی و مذهبی، تبعیض نژادی، انگیزه‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی، با ۵۰۰ هزار نفر قربانی.
- نسل‌کشی در دارفور، سودان به بهانه: تنش‌های قومی و اقلیتی، تبعیض نژادی، تصمیم‌گیری‌های دولتی، و خشونت‌های نظامی، با ۵۰۰ هزار نفر قربانی.
- نسل‌کشی تامل‌ها در سریلانکا به بهانه: تنش‌های قومی و اقلیتی، تبعیض نژادی، مطالبات سیاسی و خشونت‌های دولتی، با ۱۴۰ هزار قربانی.

- نسل کشی جیلولوق‌ها (نمونه از نسل کشی در ایران) در ارومیه، سلماس و سولدوز، به دلیل: طمع استعمارگران انگلیس، فرانسه و روس برای تشکیل یک کشور ارمنی، مسیحی با ۳۰۰ هزار نفر قربانی.
  - نسل کشی روہینگیا در میانمار به بهانه: تبعیض نژادی، مذهبی، تصمیم‌گیری‌های دولتی، اخراج و تبعیض اجتماعی، با ۴۳ هزار نفر قربانی.
- برای اطلاع بیشتر از فهرست کامل نسل کشی به تابلویی از آمارهای تحقیق شده همراه با عنوان، مکان وقوع، تاریخ و بر آورد تعداد قربانیان، به زیر نویس نگاه کنید<sup>۱۴</sup>:

---

۱۴- «فهرست کامل نسل کشی‌ها» <https://tinyurl.com/3u3zjysb>

## فصل دوم

### ولایت فقیه، ولایت مطلقه فقیه

#### پیشگفتار

چرا قوانین عهد عتیق عوض شدند ولی قوانین فقهی ثابت مانده اند؟ بطور کلی احکام مقدس حاصل شرایط اجتماعی و تاریخی معین دوران خود بوده اند. هنگام ظهور اسلام، در زندگی اجتماعی عربستان آن زمان قوانینی حاکم بود که پیش از اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اسلام با اندک تغییراتی آنها را پذیرفت و بنا بر رسالتش و قرآنی که با خود آورد، قوانین تازه ای را پایه گذاری کرد. از آن پس نیز احکام و قوانین اجتماعی دوران دگرگون شده و تغییر یافتند. اما قوانین فقه ساخته شده قرون چهارم هجری ثابت ماند. این فقه با از خود بیگانه شدن و در نتیجه بیگانه شدن از دین حق مدار و تبدیل آن به دین تکلیف مدار، حاصل کشمکش های دائمی بین دو نوع اندیشه و دو نوع تفکر شد.

کشمکشی بین تفکری جزمی، ایستا، عقب مانده و تفکری متحول و پویا. کشمکشی که بطور دائم، پنهان و آشکار مورد جدال و رو در روئی با یکدیگر قرار گرفته اند، نزاعی که می خواهد احکام بی پایه ای را ثابت و لا متغیر در چهارچوبی معین، بی حرکت ثابت نگه دارد، دیدگاه باورمندانی که این احکام را مقدس، آسمانی و کامل می پندارند و خود را با این احکام سازگار می سازند و دیدگاهی دیگر که نگاهی بر روش جامعه شناسی اجتماعی دارد و قوانین اجتماعی یا قوانین موضوعه یا قوانین زمینی خود را

می پذیرد. به عنوان نمونه در ایران، تغییرات قوانین قدیم، نوعی آمیختگی قوانین یاسا و قوانین عرفی و محلی دیده می شد. از دوران غازان خان که به اسلام گروید، کوششی بعمل آمد تا در موارد بسیاری یاسا با قانون های شرع مطابقت داده شود و سرانجام پس از دو قرن در روزگار فرمانروائی شاهرخ و به فرمان او «در اسناد رسمی اعلام شد که یاسای چنگیز خان لغو گردید و تنها شریعت است که نافذ است.»<sup>۱۵</sup>

کشمکش میان قوانین «الهی» و قوانین بشری در طول تاریخ و بیش از همه در دوران معاصر از عوامل اساسی تنش و دوگانگی جوامع اسلامی و پریشانی مسلمانان شده است. اگر قوانین الهی حقدند و اگر این قوانین هستی شمول هستند، لاجرم، کار درست و بایسته علمی باید این باشد که حق گم شده از دل این قوانین بیرون آورده شود. اما بجای این حق یابی، مدافعان احکام ثابت فقه می گویند، وحی به معنای قرآنی خود کلماتی است که بر زبان پیغمبر جاری می گردیده و بی کم و کاست «کلام الله» می باشند و در نتیجه هر کلمه، کلمه ای مطلق، بیرون از زمان و مکان و در همه دورانها و تا روز رستاخیز ثابت، بر قرار و لازم الاجرا خواهند بود.

اجرای پاره ای از احکام همچون قصاص، حدود، خرید و فروش بنده، در کشورهای اسلامی، بویژه در دوران معاصر با مشکلات جدی روبرو بوده و عملاً قابل اجرا نیستند زیرا به موازات این احکام، قوانین و مقررات تازه ای توسط انسانها وضع و اجرا گردیده و بنا بر شرایط زمان و مکان، تغییر و تحول یافته اند و احکام مربوط به گذشته کاملاً الغا شده اند، اما در برخی از دول اسلامی هنوز این احکام بدوی بعنوان قوانین «الهی» و آرمانی همچنان باقی مانده اند و در بسیاری از زمینه ها، این دوگانگی قانون، بین احکام

۱۵ - ویلیام ویسیلی بارتولد (Wilhelm Vasili Barthold)، خلیفه و سلطان، ترجمه، سیروس ایزدی،

انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۹۷۹، ص ۴۶

فقهی و قوانین موضوعه غیر دینی که از نخستین سده های اسلام تا امروز پیوسته وجود داشته حیات انسانها را در تناقض این دو دیدگاه قرار داده است.

در آتن و یونان قدیم، قانونگذاری کار آدمیان بود نه کار خدایان. مجموعه قوانین «سولون» فرمانروا و قانونگذار معروف آتنی مربوط به قرن ششم پیش از میلاد مسیح است.<sup>۱۶</sup> در اندیشه یونانی ها (مانند هندی و ایرانی) کیهان قوانینی دارد که بر اساس آن قوانین پیش می روند و به دلیل وجود آن قوانین است که نظام ها سامان خاص وجودی خودشان را می یابند. در برابر قانون (Logos) متعالی و ایزدی، قانون دولتشهرها (Nomos) امری اجتماعی است که از انسانها سرچشمه می گیرد. این قوانین انسانی باید بازتاب آن قوانین ایزدی باشند. در نظر افلاطون «حق ویژگیهایی دارد و محتوای قانون باید حق باشد و این حق، قوانین خاص خود را دارد و باید این قانون ها را یافت و بر زندگی اجتماعی جاری کرد. اما شناخت این قانون ها کار عقل و کار فیلسوفان است و به همین سبب آنها باید قانونگذار باشند. در اندیشه افلاطون، اگر چه نمونه اعلا و مثال (Idée) پدیده های جهان در عالم بالا قرار دارد، ولی در رساله قوانین که آخرین اثر اوست در این زمینه نظری خلاف جمهوری بیان شده است» در اینجا قانون «دولتشهرها ناشی از قرارداد بین شهروندان است.»<sup>۱۷</sup> خلاف به این دلیل که قانونی که ناشی از قرار داد می شود، هر گاه قرار داد رابطه قوای قدرت حاکم را تنظیم کند بیانگر حق نمی شود، کمال قانون وقتی است که در آن قانون جز حق نباشد.

هدف قانونگذار از قانون، آزادی، سلامت اجتماعی، ایجاد روابط دوستانه میان شهروندان و خوشبختی و تقوای آنان است. از این رو قانون امری اجتماعی و کشف آن به عقل

16 - Plato Ed: Edith Hamilton and Hantigton Cairns, New York, 1966.

(افلاطون، جمهوری، ص ۶۰۶ و قوانین ص ۱۴۴۵)

۱۷- افلاطون، قوانین، ترجمه محمدحسن لطفی، خوارزمی، تهران، ۱۴۰۱، صص ۱۲۳۲-۱۲۸۷

بشری وابسته است و به هیچ روی از آغاز کامل نیست و همپای عقل آدمی میتواند کامل تر شود.

در تمدن غرب از همان آغاز، برداشت و دریافتی بکلی متفاوت در رابطه با قانون وجود داشت و در نتیجه تحولات و پیامد های دیگری نیز به بار آورد. در مسیحیت قانون از «کتاب» نمی آید. انجیلها اندرزهای اخلاقی و سرگذشت عبرت آموز مسیح هستند. سرگذشت مسیح معنای دوج جهانی دارد و تاریخ این جهان و پایان آن رستاخیز را بنیان می نهد. پند های او حکمت الهی (Logos) است. مسیح خود «حکم» های عملی (قانون های) «عهد عتیق» را نقض کرد و اصل های اخلاقی را به جای آنها نشانند، همانگونه که پیش از مسیح در شکستن فرمان های ده گانه (لوصایا العشر) که در کوه طور بر موسی نازل شده بود روی داد. و یا وقتی یکی از «فریسیان» از مسیح پرسید: ای استاد کدام حکم در شریعت بزرگتر است و عیسی وی را گفت: «اینکه خدای خود را بر همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت بنمائی، اینست حکم اول و اعظم».<sup>۱۸</sup> همچنین احکام تورات در باب قصاص، طلاق، زنا و سوگند دروغ، شکسته یا دگرگون شد.<sup>۱۹</sup> وقتی مسیح می گوید قتل و دزدی و زنا ممکن، دستور او دستوری اخلاقی است و نه حکم قانونی، اخلاق مگر نه حق باید باشد، پس دزدی بر قرار کردن رابطه زور و تجاوز به حقوق دیگران است، پس هرگاه قانون دزدی را ممنوع کند هم محتوای قانون حق خواهد شد و هم وجدان اخلاقی حکم به اجتناب از دزدی می کند، مانند آنست که بگوید «مال خود را بفروش و به فقیران ببخش».<sup>۲۰</sup> همه این دستور ها با هم و یکسان می آیند و بر خلاف احکام تورات هیچیک ضمانت اجرائی قانونی ندارند. اضافه بر اینها، مسیح احکام عبادات را هم می شکند، برای درمان بیمار یا به مناسبتی دیگر «سَبْت»

۱۸- متی، ۲۲-۳۶ و بعد از آن

۱۹- متی، ۵-۲۱. مرقس، ۲-۱۰

۲۰- متی، ۱۶-۱۹، مرقس، ۱۰-۱۹، لوقا، ۱۷-۱۸

(شَبْت، روزشنبه) را رعایت نمی کند و می گوید «سَبْت به جهت انسان مقرر شده نه انسان برای سَبْت، بنا براین پسر انسان مالک سَبْت نیز می باشد.»<sup>۲۱</sup>

این چنین است که مسیح احکام «عهد عتیق» را شکست و خود قانونی وضع نکرد بنابراین در مسیحیت کتاب، سرچشمه قوانین موضوعه نیست و حق وضع قانون، آنهم در زمینه شرعی به کلیسا وانهاده شد و قانون ها بتدریج، بنا به احتیاج و بوسیله بشر وضع شده و می شود. نخستین قانون کلیسا در سال ۴۹ میلادی بوسیله حواریون که در بیت المقدس گرد آمده بودند وضع شد. بدین ترتیب کلیسا برای خود حق قانونگذاری و نقض احکام پیشین را قائل گردید و مسیحیت از نظام قانون یهود جدا شد.<sup>۲۲</sup>

در دین اسلام، حقوق اسلامی پدیده ثابت و همیشه یکسانی نبوده که بتوان به سادگی در باره آن گفتگو کرد. گذشته از مکاتب فقهی، حقوق اسلامی در تاریخ خود تحول و دگرگونی های فراوانی داشته و دوره هایی از تاریخ، خود را باز ساخته و تجدید حیات کرده است. با قبول «نص» احکام، همواره در اسلام، «صراط مستقیم» و یا حق چیست مورد سؤال و جای پرسش بوده است که چه کسانی آن حق را دارند یا از آن محرومند و میان آنان چه عدالتی حکم فرماست؟ و کدام قضاوت بر میزان حق است؟

در دانش فقهی که طی قرنهای کلیاتی از آن جمع آوری شده جای سؤال دارد که این دانش چه ویژگی هایی دارد و در قیاس با نیازها و خواست های امروز جامعه چگونه سنجیده می شود؟ و سؤالی که بی پاسخ باقی مانده است این است که: آیا حاکمیت قانون، برای «حق ذاتی» انسان ها است و یا بعکس حاکمیت قانون تنظیم کننده رابطه انسان با قدرت های مسلط است؟ قانونی که حق را در بر نداشته باشد نمی تواند پایدار و دائمی باشد؟

۲۱- مرقس، ۲-۲۷ و ۴-۳۰

22 - Jean des Graviers, *Le Droit Canonique (Que sais-je?)* P.U.F. Paris, 1967, p. 29.

در موضوع حدود قضایی این مطالعه اصل را بر اساس باز بینی بر روی منابع اولیه و مأخذ های ثانویه و استدلالهای فقهای اسلامی گذاشته است، استدلالهایی که این فقها و دانشمندان در طول تاریخ همواره تکرار و باز تکرار همان رساله های عملیه گذشتگان خودشان بوده و ما را به چشم انداز جدیدی هدایت نمی کند، از این رو علاوه بر این منابع، منابع سبیری زبان نیز در بیرون این حوزه های سنتی زده و نظریه های دانشمندان غربی مشرق شناس را نیز مورد مطالعه قرار دادیم.

در بیرون حوزه های علمیه و علمای فقه سنتی که عموماً نظریه های سه قرن اول یا قرون هفت یا هشتم هجری را در امر قضا و قضاوت تکرار کرده اند، میتوان نظر گاههای علمای دیگر به ویژه صاحب نظران در غرب و اندیشمندان خارج از محدوده روحانیت و علمای اسلامی را مورد توجه قرار داد. پژوهشگران غربی با تحقیقات و کارهای علمی و چالشهای مهمی که بر روی حقوق و حدود قضایی در دوران غیبت انجام داده اند، عموماً به شیوه منتقدانه، موضوع احکام حقوقی اسلامی را مورد ارزیابی قرار داده اند. می بینیم این پژوهشگران با رویکرد ها و نظرات کاملاً متفاوتی بطور تاریخی موضوع حدود قضایی و مجازات اسلامی را باز خوانی کرده و روی برخی از نکات مهم آن علامت سؤال گذاشته اند. دورتر مفصلاً به این نظریه ها خواهیم پرداخت، اما بطور خلاصه بعنوان نمونه، به موارد زیر نگاه می کنیم: ایگناز گلدزیهر (I. Goldziher) در جزوه ای بنام «نفوذ پارسها در اسلام» می نویسد احادیثی که در کنار قرآن مورد استناد مسلمانان قرار گرفته اند، احادیثی هستند که خودشان بعضاً با یک دیگر در تقابل قرار دارند و در عمل، از قرن دوم هجری، در متدلژی، پایه عمل قرار گرفته و نفوذ مثبت یا منفی پارسها، یهودیان و مسیحیان نه تنها در قرون اول بعد از اسلام، بلکه قبل از آن بر روی خود محمد

نیز تاثیر گذار بوده است.<sup>۲۳</sup> گلدزیر پیش از این، فرضیه نفوذ قانون روم و نفوذ قوانین عبری یهود در حقوق اسلام را ارائه داده بود.<sup>۲۴</sup>

جوزف شاخت (Joseph Schacht): که بیشترین تحقیق را در باره حقوق اسلامی انجام داده می نویسد: قوانین قضایی محمد، همان قوانین صحرا نشینان قدیم بود که بصورت طایفه ای انجام می گرفت و رفته رفته این قوانین بصورت ارگانیک مسیری مذهبی پیدا کرد، بعد از محمد، در دهه اول حکومت عباسیان این قوانین رسمی و شرعی گشتند. او می نویسد: در حقوق اسلامی، بطور خاص نفوذ حقوق یهودی به ویژه در زمینه فرهنگ مذهبی دیده می شود. در نیمه قرن دوم هجری از اصلاحات قضایی دوره ساسانیان که ریشه اسلامی ندارند بهره گیری شده و ترم هایی چون «کاتب» یا «قاضی» را خلیفه برای قانونگزاری و سنت جدید پیشهاد می کند.<sup>۲۵</sup>

نرمن کالدردر (Calder Norman) در موضوع حقوق اسلامی، دوره صفویه ۹۰۷ تا ۱۱۴۹ هجری (۱۵۰۱-۱۷۳۶ میلادی) را ویژه می داند و می نویسد: احکام شرع در دوران صفویه بر مبنای: همنوایی با طبقه روحانیت و حفظ منافع قشر مذهبی، سیستم احکام شرع شیعه بر اساس دو پایه قرار گرفت: شرعی کردن فقه و سیاسی کردن فقه، و این کاری بود که عثمانیان می کردند.<sup>۲۶</sup>

23 - I. Goldziher, *The Influence of Parsism on Islam*, (Translated by G. K. Nariman), p. 163-168.

24 - I. Goldziher, *Le Dogme et la loi de l'Islam Histoire du développement dogmatique et juridique de la religion musulmane* (Traduit par ARIN Félix), Libraire Paul Geuthener, Paris, 1920, p. 60, 74, 75.

25 - Joseph Schacht, *Introduction au droit musulman*, (Traduit par Kempf et Turki Abdel Magid), Maisonneuve et Larose, Paris, 1983, p. 21-29.

26 - Norman Calder, *Interpretation and Jurisprudence in Medieval Islam*, Edited by Jawid Mojaddedi and Andrew Ripping, ASHGATE, VARIORUM, pp. 92-102.

امیل تیان (Tyan Emile) از مجازات های قبل از اسلام به چند نکته مهم اشاره می کند و می نویسد: «پیامبر اسلام هیچ مطلب واقعاً جدیدی را با خود نیاورد، بلکه دکتربین او، قرض گرفته از یهودیت و مسیحیت بود. قرآن از نوشته های یهود استفاده کرده است، محمد آداب و سنن را عوض نکرد، جرم آدم کش ثابت ماند، قصاص ترفیع پیدا کرد.»<sup>۲۷</sup> هارالد موتسکی (Motzki Harald) می نویسد: فقه در قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی توسط شافعی ها ساخته شد، او با استفاده از نظریه های گلدزیهر با روشنی تمام تئوری خود در رابطه با توسعه فقه اسلامی می نویسد: «فقه اسلامی ابتدا با رأی توسعه یافت و نه با قرآن و سنت.»<sup>۲۸</sup> از حاصل همه پژوهشها، ساخت بالاخره به این نتیجه می رسد که مجموعه اسناد تاریخی موجود اعم از اسناد مربوط به خود پیامبر یا احادیث و جانشینان محمد، همه نمایش یک رشد بزرگی را نشان می دهد که بین سالهای ۱۵۰ تا ۲۵۰ هجری (۷۶۷ تا ۸۶۴ میلادی) ایجاد شده که از همه چشمگیر تر در آنها استفاده از احادیث هستند.<sup>۲۹</sup> محمد علی امیر معزی می نویسد: «آن چه به نهاد های دینی و فقهات بر می گردد، می توان تصور کرد که توسعه فقهات، بجای این که بر اساس احادیث پیش رفته باشد بر اساس تعلقات و وابستگی های جوامع محلی و جمعیت های قومی پیش رفته و در کادر قرآن چیزی از آن یافت نمی شود.»<sup>۳۰</sup> در اختلافات فراوانی که بین شیعه و سنی در امر حقوق و قضاوت وجود دارد می نویسند: اختلافات حقوقی بین شیعه و سنی بقدری فاحش است که در برخی موارد این دو فرقه یکدیگر را به خارج بودن از دین متهم می کنند، بعنوان نمونه در قوانین ازدواج موقت، در زمینه طلاق و یا در موضوعات قوانین

27 - Émile Tyan, *L'organisation Judiciaire en Pays d'Islam*, Librairie du Recueil Sirey, Paris, 1938, p. 29.

28 - Harald Motzki, *The Origins of Islamic Jurisprudence: Meccan Figh Before the Classical Schools*, Brill 2002, p. 3.

29 - *Ibid.*, p.64.

30 - Mohammad Ali Amir-Moezzi, *Qu'est-ce que le shi'isme ?* Fayard, 2004, p. 100.

مربوط به ارث، سنی ها ازدواج موقت را امری باطل و حتی عمل به آنرا فاحشه گری محسوب می کنند و یا اختلاف عمده و بسیار آشکاری که بین شیعه و سنی از نظر حقوقی حاکم است، اختلاف افراطی های شیعه با تند رو های سنی مذهب است، سنی مذهبانی که تحت عنوان سنی های ناصبی با آنان دشمنی می شود، گروههایی که هر کدام یکدیگر را به خروج از دین اسلام متهم و یکدیگر را حرامزاده و دشمنان پیامبر خدا می نامند.

برنارد بوتیو (Botiveau Bernard) که در راستای حقوق قضایی و فقه اسلامی نیز تحقیق و تحلیلی قابل توجه دارد، می نویسد: «تمرین های حقوقی در برخورد های سخت تاریخ آشکار می گردد و ناسازگاری دکترین ها باید مورد مذاکره و معامله قرار گیرند. در این ناهنجاری ها، دو واژه فقه و شریعت، در سالهای ۱۹۸۰ بوسیله جنبشهای اسلامگرا به میان مردم کشیده شد، شرع تلاش کرد در زبان سیاسی جای خودش را با فقه و حقوق عوض کند و شرع توانست بعنوان اصول سازماندهنده در جامعه کلیت پیدا کرده و اسلام گرایان خواهان اجرای شرع شدند.»<sup>۳۱</sup>

اولین پرسشی که این مطالعه باید پاسخ برایش بیابد این است: اگر قضاوت در خدمت قدرت حاکم قرار بگیرد آیا حقوق انسان که شامل حقوق شهروند، بعنوان عضو جامعه جهانی است قربانی نمی شود؟ اگر قضاوت بخواهد در خدمت برخورداری انسان ها از حقوقشان قرار بگیرد، لاجرم باید تابع اصول راهنمای حقوق ذاتی انسان باشد زیرا از خود بیگانه شدن امر قضاوت توسط قدرت حاکم و در خدمت در آوردن قاضی در این امر حقوقی، سبب از بین رفتن حقوق و موجب از بین رفتن اصول راهنمای حقوق می گردد.

---

31 - Bernard Botiveau, *Loi islamique et droit dans les sociétés arabes, Mutations des systèmes juridiques du Moyen-Orient*, Karthala, 1993, p. 27, 35.

چگونه می توان به معنی واقعی کلمه قاضی بود و از حقوق و اصول راهنمای قضاوت غفلت کرد؟

با این مقدمه، از آنجا که در دوره حاکمیت ولایت فقیه در ایران قتل عامهای متعددی در برابر مخالفین این تفکر صورت گرفته و بنوعی حذف مخالفین در چهار دهه گذشته بخاطر سرپیچی و عدم اطاعت از اصول و احکام ولایت فقیه جریان داشته و دارد، سعی می کنیم در ادامه این مطالعه، به جستجو و ریشه یابی پیدایش ولایت مطلقه فقیه و احکام جزائی جعلی آن پردازیم.

## پیدایش ولایت فقیه

علمای معتقد و مدعی به ولایت فقیه، این نظریه را به معنای نصب فقیه از جانب خدا به ولایت و سرپرستی مردم در حوزه عمومی تعریف می کنند، این اصطلاح تا انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران در افکار عمومی جایگاهی نداشت و اساساً جزء اهداف انقلاب نبود و در پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز پیش بینی نشده بود. اصل ولایت فقیه در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، معروف به مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به قانون اساسی اضافه شد و سپس به طور رسمی و با تصویب خمینی در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۵۸ به عنوان اصلی از قانون اساسی ایران ثبت شد و در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ این اصطلاح به قانون اساسی نیز افزوده شد.

این اصل نه تنها کلیت ساختار حکومتی را در جمهوری اسلامی از اساس تغییر داد، بلکه در موارد زیادی از جمله اصول ۶-۷-۸-۹- فصل پنجم و اصل ۱۱۲ و یا اصل ۱۱۰ و ... با اصول قانون اساسی در تعارض و تناقض آشکار قرار گرفت. ولایت فقیه یا مفهوم متکامل آن «ولایت مطلقه فقیه» اصطلاحی است که فقط در رژیم جمهوری اسلامی ایران به کار می رود. این اصطلاح بیشتر به مفهوم تأکید بر نقش رهبری در حکومت و تصمیم گیری های کلان کشور اشاره دارد.

ولایت فقیه، یک مسأله فقهی مستحدث یا بروز شده در میان اقلیتی از فقها است و در اسلام و منابع دینی پایه و مشروعیت عام ندارد، سابقه نظریه ولایت فقیه در منابع شیعه به دوره سید بحر العلوم (۱۷۹۷/۱۲۱۲)، ملا احمد نراقی (۱۸۳۰/۱۲۴۵) و فاضل دربندی (۲۰۰۶/۱۳۸۵) بر می‌گردد، در دو قرن و نیم پیش برای اولین بار، در سالهای ۱۱۵۰ هجری از طرف ملا احمد نراقی مطرح گردیده و دلالتی نیز بر اثبات آن آورده است که فقط مورد قبول تعداد اندکی از فقهای معاصر واقع شده است. این تئوری نوظهور را خمینی در فرهنگ دینی احیا کرد، به عبارت دیگر موضوع حکومت اسلامی بخشی از درسهای خمینی در نجف بود که به صورت آموزشی، در سیزده درس در حوزه علمیه نجف در سال ۱۳۴۸ شمسی مطرح ساخت و با تشکیل حکومت اسلامی در ایران آنرا به اجرا گذاشت. او در درس نجف خود صریحاً گفته است: «موضوع ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد، مانند قیم برای صغار، قیم بر ملت با قیم بر صغار از لحاظ وظیفه هیچ فرقی با یکدیگر ندارد و حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه آن را لغو کند.»<sup>۳۲</sup>

## ریشه‌یابی احکام جزایی ولایت فقیه

در قرون اولیه اسلام، فقه شیعه در کنار سایر مکاتب فقهی پدیدار شد، اما تفکیک آن به عنوان یک مکتب فقهی مستقل به تدریج در دوران امامان ششم و هفتم شیعه، یعنی امام جعفر صادق و امام موسی کاظم در قرن دوم هجری (هشتم و نهم میلادی) آشکار شد. امام جعفر صادق به ویژه به خاطر نقش ویژه اش در توسعه و تبیین شیعه و تربیت شاگردان بسیاری که در این زمینه داشت در تاریخ شناخته شده است.

۳۲ - روح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۲۰، ص ۴۵۲

فقهی که در طول تاریخ توسعه یافته، ریشه تحولش به دوران شیخ مفید (۱۰۲۲/۴۱۳)، شیخ طوسی (۱۰۶۷/۴۶۰) و شیخ کلینی (۱۲۳۱/۳۲۹) بر میگردد، فقه شیعه به شکل گسترده و سازمان یافته در دوران علامه حلی (۱۳۰۵/۷۲۶) و محقق کرکی (۱۵۳۱/۹۴۲) رسمیت یافت. این فقهای، نقش بسیار مهمی در تدوین، تنظیم، و تفسیر فقه شیعه داشتند. شیخ مفید (۱۰۲۲/۴۱۳) و شیخ طوسی (۱۰۶۷/۴۶۰) از جمله بزرگ‌ترین فقیهان و محدثین شیعه در آن دوران بودند. که با نوشتن کتاب‌ها و رساله‌های متعدد در زمینه‌های مختلف فقهی، بسیاری از اصول فقه را پایه‌گذاری کردند. به ویژه، شیخ طوسی با آثاری مانند «النهایه» و «التهدیب»، تأثیر عمیقی بر فقه شیعه داشت.

شیخ کلینی (۱۲۳۱/۳۲۹)، نویسنده کتاب معروف «الکافی»، نیز نقش مهمی در جمع‌آوری و تدوین احادیث شیعه داشت. الکافی یکی از اصلی‌ترین منابع حدیثی در میان شیعیان است و برای فقه شیعه اهمیت زیادی دارد.

بنابراین، در حالی که ریشه‌های فقه شیعه به دوران امامان شیعه بازمی‌گردد، اما شکل‌گیری و توسعه سازمان‌یافته‌تر آن را می‌توان به دوران شیخ مفید، شیخ طوسی، و شیخ کلینی نسبت داد.

تحول اساسی بر موضوع حقوق فقهی را همانگونه که در بالا دیدیم، جوزف شاخت که بیشترین زمان عمر خود را برای تحقیق در باره حقوق اسلامی گذاشت، می‌گوید قوانین قضایی محمد، همان قوانین صحرا نشینان قدیم بود که رفته رفته این قوانین بصورت ارگانیک مسیری مذهبی پیدا کرد.

بعد از محمد، در دهه اول حکومت عباسیان در قرن چهارم هجری این قوانین رسمی و شرعی گشتند.<sup>۳۳</sup> نرمن کالدِر نیز شکل‌گیری فقه را در دوره صفویه می‌داند که با هم‌نوایی طبقه روحانیت با حفظ منافع قشری آنها این فقه رسمیت حکومتی یافته است.

33 - Joseph Schacht , *Introduction au droit musulman*, (Traduit par KEMPF et TURKI Abdel Magid), Maisonneuve et Larose, Paris, 1983, p. 21-29.

آنچه به موضوع خاص ولایت فقیه بر میگردد، در جستجو و ریشه یابی احکام جزائی در ولایت مطلقه فقیه تا قبل از ابداع این پدیده نوظهور بوسیله ملا احمد نراقی منابعی یافت نمی شود، ولی آنچه بصورت تاریخی و مستند در مورد اصول احکام فقهی وجود دارد، اساساً پس از روی کار آمدن آل بویه در دوران عباسیان در اواخر قرن چهارم هجری (۹۴۵ تا ۱۰۵۵ میلادی) و تصرف بغداد موجود است که فقهای اسلامی مفصلاً در باب آن نوشته و گفته اند.

آنچه به ولایت فقیه یا ولایت مطلقه فقیه در تاریخ معاصر بر می گردد، احکامی هستند که در رسائل مراجع تقلید شیعه منتشر شده اند و در آثار مکتوب خمینی، مبتکر و مدافع اولیه ولایت مطلقه فقیه، بخصوص در کتاب ولایت فقیه او صد ها حکم از احکام شرعی واجب و لازم الاجرا برای مسلمانان به چشم می خورند.

## کتاب ولایت فقیه

ابتدا لازم است توضیحی کوتاهی در مورد کتاب ولایت فقیه یا دولت اسلامی و ساختار این کتاب بیاوریم، کتاب ولایت فقیه همچون کتب کشف اسرار، تحریر الوسیله و سایر نوشته های خمینی آکنده است از مغلطه، گنگی نا مفهومی کلمات، چه از نظر شکل و چه به لحاظ مضمون و محتوی، بهم ریخته و آشفته و سر در گم اند. بی اغراق در مورد نسخه اولیه کتاب ولایت فقیه میتوان گفت حد اقل نظم و ساختار نوشتاری را که الفبای تحقیق و پژوهش برای یک اثر علمی لازم دارد در آن دیده نمی شود، زیرا باخواندن و دوباره خواندن، مفهوم و نظر نویسنده دریافت نمی شود. این تالیف نه آزرین بندی، نه فصل بندی و نه حتی جمله بندی منظمی دارد، شیوه نگارش شیوه حوزوی و عاری از هر روال منطقی و عموماً جملات انقطاع نمی پذیرند! نه تنها تاریخ و محل جغرافیائی نشر کتاب ذکر نشده که تاریخ و محل چاپ نسخه اولیه نیز نا نوشته مانده و خواننده جستجوگر چاره ای جز آن ندارد که با محاسبه های تقریبی دریابد که کتاب در چه زمانی و در کجا به طبع رسیده است.

کمی دقت در خواندن کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی خمینی، شوکی را به انسان وارد می کند که تحملش سخت است، صد حیف، که قبل از رخداد انقلاب، اگر این اثر خوانده و روی آن تعمق می شد، هر گز داعیه رهایی ایران را توسط ولایت فقیه توقع نمی کردیم، اگر نیم نگاهی به این گونه نوشته های خمینی کرده بودیم هرگز و هرگز جرات آن نمی کردیم که چنین دست بسته، ذلیلانه، خود و کشور را به زیرنعلنگ و نکبت چنین موجودی بسپاریم. در باره این کتاب باید گفت، براستی اگر ایرانیان این کتاب را بی شبهه خوانده و مورد بحث و ارزیابی قرار داده بودند، سیر حوادث و رویدادها در کشور بلازده ما جز این می شد که شد و غیر این می بود که هست.

دریغاً! بعد از مهاجرت، دوستی که این کتاب را پیش از انقلاب خوانده بود به من گفت در سفر دوم که به نجف رفتم، راجع به کتاب ولایت فقیه با خمینی صحبت کردم و گفتم «آقا، شما یک شهر را نمی توانید اداره کنید. توی کوچه های این نجف از زیادت کثافت و مدفوع نمی توان راه رفت. شما این کتاب را نوشتید که رژیم شاه تا قیامت بماند توی ایران؟ کی می آید کشور را از دست او بگیرد و به دست این آقایان بسپارد؟ یک مدرسه تمیز الان در این نجف پیدا نمی شود و ...»

بنابر ترجمه کتاب چهار جلدی «تحریر الوسيله» خمینی از انتشارات دارالعلم که کپی بر داری، ترجمه و تفسیر شده از رساله های عملیه مراجع تقلید پیشین شیعه توسط ایشان می باشد. مدافعان ولایت مطلقه می گویند: احکامی که در این کتاب آمده، احکام مقدسی هستند همچون وحی به معنای قرآنی آن که بر زبان پیغمبر جاری و یا بر سنت او آورده اند بی کم و کاست «کلام الله» می باشند و لازم الاجرا خواهند بود. ولایت مطلقه فقیه حکمی از احکام فقه است و خمینی مدعی بود که :

- «ولایت فقیه از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعی الهیه تقدم دارد»، «حکومت از این دیدگاه منحصر به خدا است و در دوران غیبت باید احکام و حدود الهی به اجرا آیند»<sup>۳۴</sup>
  - «ولایت انتخابی نیست، بلکه به اذن خداوند حاصل می شود» و «بر همه مردم لازم است که از نمایندگی او اطاعت کنند»
  - «مردم ناقص و ناکامل اند و نیازمند کمالند»، «ولی فقیه واقعی جز قرار دادن و تعیین قیم برای صغار نیست»<sup>۳۵</sup>
  - «ولی فقیه حاکم بر جان و مال و ناموس مردم است و همان اختیاراتی را دارد که پیامبر اسلام (ص) داشت» «ولی فقیه هیچ حدّ و حصری ندارد»<sup>۳۶</sup>
- مهم ترین منبع مورد استفاده خمینی در این تئوری کتابی است به اسم نامه ای از امام موسوی، کاشف الغطاء که در سال ۱۳۵۷ منتشر شده و پیروان ایشان به عنوان بیانیه انقلاب اسلامی از آن استفاده و به آن استناد می کنند.

## کتاب نامه ای از امام موسوی

### کاشف الغطاء



۳۴ - صحیفه، ج ۲۰، ص ۴۵۲

۳۵ - همان صحیفه.

۳۶ - محمدتقی مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، تدوین و نگارش محمد مهدی نادری قمی، فصل پنجم: مفهوم ولایت مطلقه فقیه، ص ۱۰۵

این کتاب با عنوان ولایت فقیه در واقع همان مجموعه سیزده سخنرانی خمینی است که در سالهای ۱۳۴۸ در اقامت او در نجف ایراد شده که به صورت‌های مختلف تکثیر و منتشر شده است و در پاییز سال ۱۳۴۹ نخستین بار در بیروت به چاپ رسید و به صورت پنهانی به ایران فرستاده شد. این کتاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۵۶ در ایران به نام نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء<sup>۳۷</sup> به ضمیمه «جهاد اکبر» چاپ شده است. فقها در باب ولایت فقیه این کتاب به تناسب نظرات انتقادی فقهی مختلفی از نظر سیاسی به آن وارد کرده اند. براساس منابع موجود، می‌توان دید که احمد نراقی از علمای عصر قاجار در کتاب «عوائدالایام» بیشتر از سایرین در زمان خود به این موضوع پرداخته است.<sup>۳۷</sup>

## نمونه احکام جزائی ولایت فقیه

در اینجا قصد پرداختن به همه احکام مربوط به تئوری نوظهور ولایت مطلقه که ربطی هم به موضوع مطالعه ما ندارد، را نداریم، اما از آنجایی که در جستجوی این نظریه هستیم که آیا «احکام جزایی» ولایت مطلقه فقیه راه به نسل کشی نمی‌برند؟ از اینرو لازم است بر روی نمونه‌هایی از این احکام، نوری تابانده تا بتوان پاسخی برای سؤال اصلی این مطالعه پیدا کنیم، سئوالی که می‌پرسد آیا پیاده کردن احکام جزایی ولایت مطلقه فقیه و جنایاتی که در ایران در این چهل و چند سال گذشته با توسل به این احکام رخ داده اند، مصداق نسل کشی پیدا نمی‌کنند؟ آیا در این احکام و دینامیسم خشونت‌ی که در بطن خود دارند و در تجربه نشان داده که ولایت مطلقه هیچ تفکری را بجز تفکر ولایت مطلقه خود تحمل نمی‌کند، آیا نسل کشی نیست؟

۳۷- نگاه کنید به حکومت اسلامی روح الله خمینی که با نام «نامه ای از امام کاشف الغطاء» چاپ شده،

ذیلاً، ابتدا به چند حکم از مهمترین احکام جزایی ولایت مطلقه فقیه می پردازیم و توصیه می کنیم پیش از آن در بخش ضمائیم این نوشتار به دو دیدگاه نگاه کنید:

«دو دیدگاه، فقه سنتی در برابر حقوق ذاتی»

## مفسد فی الارض

مفهوم عام واژه «مفسد فی الارض» در فقه اسلامی به معنی تخریب یا ضرر زدن به اموال و مالکیت دیگران است. این عنوان به طور کلی به فساد و آسیب زدن به اموال و مالکیت عمومی و خصوصی اشاره دارد و در فقه فقها، آن را از گناهان کبیره محسوب می کنند. گناهایی که در این حکم مورد نظر قرار می گیرند عبارتند از: دزدی، سرقت، اختلاس، تخریب اموال عمومی، تخریب و آسیب زدن به مزارع و محصولات کشاورزی، زنا و ...

عبارت «مفسد فی الارض» در قرآن برای توصیف افرادی به کار می رود که به تناسب با معانی اصلی آنها، به جامعه ضرر و زیان وارد می کنند و سعی در تخریب آرامش و امنیت جامعه را دارند. اصطلاح «مفسد فی الارض» در قرآن در سوره البقره آیه ۱۱ آمده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» به معنی «و هنگامی که به آنان گفته می شود که در زمین فساد نکنید، می گویند: ما فقط برای اصلاح هستیم.» استفاده از عبارت «مفسد فی الارض» در قرآن یک توصیف اخلاقی است و نه مفهوم قانون یا جرم. این عبارت برای توصیف افرادی به کار می رود که با تخریب و فساد در جوامع خود، بر زندگی افراد دیگر و بر جامعه به طور کلی تأثیر منفی می گذارند. به عنوان مثال، در قرآن کریم اشاره به فرعون و قوم لوط به عنوان مفسدان فی الارض صورت گرفته است.

آیا استفاده از این عبارت در قرآن به معنای ارتکاب جرم و محاکمه مجرمین است؟ قرآن در موضوع مفسدان فی الارض گفته و تأکید می کند که اعمال مفسدان فی الارض باعث تخریب می شود، اما درباره روند قانونی یا محاکمه آنها صحبت نمی کند. این

موارد بیشتر به عنوان نمونه‌های تاریخی و اخلاقی آورده شده‌اند تا درباره روند قانونی آنها تدبیر بشود.<sup>۳۸</sup>

در محکوم شدن به «مفسد فی الارض» و میزان مجازات این حکم اختلاف نظر فراوان وجود دارد، منشأ اختلاف نظر ها در تعریف «مفسد فی الارض» و رابطه آن با تعریف جرم دیگری تحت عنوان «محارب» دیده می شود.<sup>۳۹</sup>

بنا به نظر برخی فقها، مجازات «مفسد فی الارض» قتل است، مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، مجازات «مفسد فی الارض» در رژیم ولایت مطلقه اعدام است.<sup>۴۰</sup> این فقها با استناد به آیه محاربه، مجازات محاربه را چهار چیز: قتل، صلب (بستن دست و پای مجرم به چیزی شبیه صلیب)، بریدن دست و پای مجرم و نفی بلد (تبعید) دانسته و بر آن اجماع دارند و مجازات محارب را برای حفظ خون افراد بی گناه و جلوگیری از تجاوز افراد زورگو به جان، مال و ناموس مردم دانسته‌اند.<sup>۴۱</sup>

ثنویت یا یکسانی دو حکم ولایت مطلقه در موضوع «محاربه» و «مفسد فی الارض» از مباحث بسیار مهم فقه جزایی است. برخی متون فقهی و نیز برخی قوانین این دو عنوان را در کنار هم ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که این دو، یک جرم به شمار می آیند. مهمتر از آن اینکه برخی دیگر از فقیهان ولایت مطلقه بحث از جرائمی نظیر به آتش کشیدن منازل، تکرار قتل بردگان و غیر مسلمانان و ... متعرض عنوان افساد شده و مرتکبان اعمال

۳۸- استناد قوه قضائیه ایران در این مورد به تفسیر قرآن و حدیث است و استناد به اصول فقهی اسلامی است که جرم مفسد فی الارض را تشخیص داده و مجازات‌های متعارف در قوانین جزایی ایران را اعمال کند.

۳۹- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۲۹۲

۴۰- قانون مجازات جمهوری اسلامی مصوبه سال ۱۳۹۲ش، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۴۱- خواجه عبدالله انصاری، کشف الاسرار، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۱۰۲. - طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۳،

مزبور را به عنوان «مفسد فی الارض» مستحق مجازات قتل دانسته‌اند. در پاره‌ای مواد قانونی نیز «مفسد فی الارض» جرم مستقلی از محاربه تلقی شده است.

## محرابه

حرب در اصل به معنای سلب و محارب به معنای جنگجو است، یعنی کسی که در جنگ شرکت کرده باشد، اما مراد از محاربین در اصطلاح فقه کسانی هستند که برای ترساندن مردم سلاح بیرون می‌آورند، در هر شرایطی و توسط هر کسی که باشد. در فقه و حقوق فقهی محاربه جرمی است به معنای سلاح کشیدن به روی مردم به قصد ترساندن آنان. کسی که با تهدید اسلحه، مردم را بترساند و به جان و مال آنها تجاوز کند، مانند این است که با خدا و رسول خدا به جنگ برخاسته است.<sup>۴۲</sup>

فقه فقها ادعا می‌کند که مجازات محاربه جزء حدود است و در قرآن در آیه ۳۳ سوره مائده، بیان شده است. طبق این آیه، مجازات محارب یکی از چهار مجازات اعدام، به صلیب کشیدن، قطع دست و پای مخالف یا تبعید است.<sup>۴۳</sup> این فقها بریدن دست را به محمد ابن حسن شیخ طوسی نسبت می‌دهند و از قول شیخ طوسی می‌نویسند که شیخ طوسی در باب اجرای حدود و احکام الهی در همه زمان‌ها چه حضور معصوم چه غیبت معصوم گفته: «یجب قطع ید السارق بالکتاب و السنه، قال الله تعالی: و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهم» (دست دزد باید به دستور قرآن و سنت قطع شود، خداوند متعال فرمود: و دزد را از زن و مرد، دستشان را قطع کن و اضافه می‌کند: قضاوت و صدور حکم و

۴۲- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ص ۲۲۵ - فاضل مقداد، جمال الدین بن عبدالله؛ کنزالعرفان فی فقه القرآن، تحقیق سیدمحمد قاضی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۵۱ - فرهنگ ابجدی، ص ۷۸۷ و ص ۷۷۶

۴۳- همان خواجه عبدالله انصاری، ص ۲۹۲

حل دعاوی مردم واجب کفایی است که با قیام یک فقیه از عهده بقیه ساقط خواهد شد.<sup>۴۴</sup>

در ماده ۲۷۹ مندرج در فصل هشتم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی محاربه اینگونه تعریف شده است: محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است. در مواد ۲۸۲ مجازات محارب شامل اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد تعیین گردیده است، استنباط از آیه ۳۳ سوره مائده<sup>۴۵</sup> و در ماده ۲۸۳ همین کتاب قانون انتخاب هر یک از مجازات های چهارگانه به انتخاب قاضی واگذار شده است. در فقه نیز به اجماع تمامی فقها محاربه «کشیدن سلاح برای ترساندن مردم» تعریف شده است.<sup>۴۶</sup>

براساس تعریف قانون مجازات در جمهوری اسلامی ایران: هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض است و میان سلاح سرد (چاقو، قمه، شمشیر، نیزه و...) و سلاح گرم (تفنگ، هفت تیر، مسلسل و...) تفاوتی وجود ندارد. در شرح قوانین کیفری مصوب مجلس شورای اسلامی ایران آمده است: شیخ مفید و گروهی دیگر از فقها، کیفر محارب را تخیری می دانند، ولی شیخ طوسی می گوید:

۴۴- محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، المکتبه المرتضویه، ۲۰۱۹، ج ۸، ص ۸۳

۴۵- «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده ۳۳)

(جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می کنند و در زمین به فساد می کوشند، فقط آن است که کشته شوند یا بر دار گردند یا دست ها و پاهاشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند. اینها رسوایی شان در این جهان است و در آخرت نیز به عذاب بی بزرگ گرفتار آیند)

۴۶- ابوالقاسم خوئی، مبانی تکمله المنهاج، مساله ۲۶۰

«کیفر محارب ترتیبی، بدین معنا که محارب هرگاه کسی را کشته و مالی را برده باشد، مال از وی پس گرفته می شود و دست و پایش قطع می شود و سپس کشته و به دار آویخته می شود. و هرگاه مالی را ربوده و کسی را نکشته باشد، دست راست و پای چپ او قطع می شوند. و هرگاه کسی را زخمی کرده باشد و مالی نبرده باشد، قصاص عضو و سپس تبعید می گردد. و اگر بر نشان دادن سلاح و ترسانیدن مردم اکتفا کرده باشد، فقط تبعید می شود.»

## ارتداد

ارتداد در لغت به معنی رد کردن است، در اصطلاح حقوقی، اعلام علنی ترک یک دین می باشد. صفت فاعلی ارتداد، مرتد به معنی بی دین. ملحد از دین برگشته، کسی که بعد از قبول اسلام ترک مسلمانی گفته و از اسلام برگشته باشد. مرتد به کسی می گویند که از دین اسلام به کفر برگشته باشد، مرتد به دو نوع تقسیم می شود: ۱- مرتد ملکی ۲- مرتد فطری.

واژه ارتداد در قرآن وجود ندارد اما در لایحه قانون مجازات جدید جمهوری اسلامی که از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفته، تصویب کنندگان این لایحه با اختصاص ماده ای مستقل به مبحث ارتداد کوشیده اند تا مشکل کمبود قانون برای اعدام مرتدان را از پیش پای قاضیان بردارند و بدین ترتیب مجازات مرگ را برای مرتد در نظر گرفته اند که ذیلاً به موارد مربوط به «مرتد» در لایحه قانون مجازات اسلامی جدید اشاره می کند.<sup>۴۷</sup>

۴۷ - کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش، ماده ۲۲۵ (مرکز اسناد حقوق بشر در ایران)

ماده ۱-۲۲۵: مسلمانی که به طور صریح اظهار و اعلان کند که از دین اسلام خارج شده و کفر را اختیار نموده، مرتد است. ماد ۷-۲۲۵ و ۸: حد مرتد فطری و مرتد ملی قتل است.

آری، اجرای حدود ولایت ساخته خمینی مانند: مفسد، محارب، مرتد و ... و کشتار و نابود کردن ده ها هزارانسان بی گناه مصداق نسل کشی نیست؟

## اهانت به مقدسات (سَبّ)

منطق زور ولایت فقیه، توهین به مقدسات یا اهانت کردن به هر شخص یا چیزی که نزد شرع مورد احترام باشد. توهین، حرام و از گناهان کبیره می داند و می گوید در تحقق جرم توهین به مقدسات فرقی میان مسلمان یا غیرمسلمان نیست. عنوان مقدسات شامل زمان ها، مکان ها، افراد، کتاب ها و ... نمی شود.

میزان مجازات توهین به مقدسات در مراتب آن با هم تفاوت دارد؛ برخی از مراتب آن باعث کفر و ارتداد می شود و حکم مرتکب آن کشته شدن است، مانند توهین و به سخره گرفتن ضروریات دین و مذهب. در بعضی از مراتب نیز منجر به تعزیر است؛ مانند این که کسی در روز ماه رمضان مرتکب زنا شود که علاوه بر اجرای حد زنا، تعزیر هم می شود.

جرم اهانت به مقدسات در قانون مجازات اسلامی آورده شده و در ماده ۵۱۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی به این جرم مفصلاً پرداخته است، در این ماده آمده است که هر کس به این افراد توهین کند در صورتی که مشمول جرم سَبّ النبّی نشود، مرتکب جرم اهانت به مقدسات شده است. این مقدسات شامل: مقدسات اسلام، هر یک از انبیا، ائمه و حضرت صدیقه طاهره می باشد.

فصل دوم، ماده ۵۱۳، حد اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی و هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه‌ی طاهرین (ع) یا حضرت

صدیقه‌ی طاهره اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.<sup>۴۸</sup>

علاوه بر احکام یاد شده در بالا، فقهای ولایت، احکام دیگری را نیز برای قتل و کشتار بی‌گناهان تدوین کرده که پرداختن به مجموعه حجیم همه آنها در حوصله این مطالعه نمی‌گنجد، احکامی چون: قصاص، کور کردن چشم، سنگ پرانی، زنا، لواط، شرابخواری، سحر و جادو و ... که جا دارد در موقع و در جای خود مورد مطالعه و نقد جدی قرار گیرند.

## چالشها در احکام جزائی

مجموعه احکام جزائی ولایت مطلقه فقیه که قرن‌ها بر روی آن گرد و غبار ضخیمی پوشانده شده بود، شور بختی بد نسل ما، در این زمان، این احکام قرون وسطایی از خاکستر سرد زمان سر بر آورده شقاوت و جنایت و بربریت را به حد اعلا و به بینهایت خود رساند.

در دوره های مختلف تاریخ شیعه، منتقدین فراوانی دست به اعتراض و ضدیت بر اجرای این احکام جزائی زدند و با ادله متقن خود این حدود را به چالشهای مهم و اساسی

۴۸ - به نمونه ای از اعدام دو زندانی عقیدتی محکوم سب‌النبی و ارتداد در زندان اراک در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ نگاه کنیم. قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد بامداد دوشنبه، هجدهم اردیبهشت، یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع، دو زندانی عقیدتی، در زندان اراک اعدام شدند. «میزان»، خبرگزاری رسمی این قوه، اتهامات این افراد را به شرح زیر ذکر کرد: صدرالله فاضلی زارعی به اتهام سب‌النبی، ارتداد فطری، قذف مادر پیامبر اکرم، استخفاف قرآن به وسیله سوزاندن، توهین به مقدسات و انتشار تصاویر خصوصی دیگران بدون رضایت آنها و یوسف مهرداد به اتهام سب‌النبی و توهین به مقدسات دینی و اسلامی. این دو در خردادماه سال ۱۳۹۹ به دلیل مدیریت و عضویت یک کانال تلگرامی با عنوان «نقد خرافه و مذهب» توسط ماموران امنیتی بازداشت شده بودند.

کشیدند. مخالفت محوری فقهای که اجرای این احکام را جایز نمی دانند و موافق عدم جواز برای اجرای حدود هستند، قبل از هر چیز به دلیل این است که اقامه کننده حدود یا باید امام معصوم باشد یا نماینده بر گزیده امام معصوم. مخالفین اجرای حدود در ابتدا به دنبال آن بودند تا ثابت کنند که در دوران غیبت نماینده امام معصومی وجود ندارد بنا بر این بدیهی خواهد بود که حدودی که در صلاحیت امام معصوم است در دوران غیبت قابل اجرا نخواهد بود.

نظریه عدم جواز اجرای حدود در عصر غیبت را به ابن زهره (۱۱۸۹/۵۸۵) ابوالمکارم عزالدین حمزه بن علی و به ابن ادریس حلی (۱۲۰۲/۵۸۹) محمد بن احمد عیسی ارجاع داده اند. صاحب جواهر می نویسد: آنچه از ابن زهره و ابن ادریس حکایت می شود، قول به عدم جواز اجرای حدود در عصر غیبت توسط فقهاست.

ابن ادریس حلی با صراحت و با شرح جزئیات، عدم جواز اقامه حد در زمان غیبت را تشریح کرده است. او به ادعای اجماع جمیع فقهای مسلمانان و اجماع فقهای شیعه استناد می کند و معتقد است این اجماع عام و خاص تنها با اجماعی در برابر آن و یا آیات قرآن و با سنت متواتر شکسته می شود و اخبار واحد چنین توانایی را ندارند. به نظر او، قول به جواز اقامه حدود توسط فقها در عصر غیبت، مستندی جز خبر واحد ندارد.

از فقیهان معاصر، احمد خوانساری (۱۹۴۳/۱۳۶۳) نظریه عدم جواز را جائر و اختصاص اجرای حدود را به امام معصوم دانسته و در کتاب جامع المدارک خود قائل به عدم جواز اجرای حدود توسط فقها در دوران غیبت می باشد.

جمعی از فقهای اولیه، اقامه حدود در زمان غیبت را به دلیل احتیاط در دماء، خونریزی و ضعف ادله، مجاز نمی دانند و خواستار توقف آن بوده و مجری حدود را منحصر امام و نائب خاص امام دانسته و به تعطیل حد در عصر غیبت معتقدند. فقهای مشهوری از جمله: شیخ طوسی (۱۰۶۷/۴۶۰)، قاضی عبدالعزیز ابن البراج (۱۰۸۸/۴۸۱)، امین الاسلام طبرسی (۱۱۵۳/۵۴۸)، قطب الدین راوندی (۱۱۷۷/۵۷۳)، محقق حلی (۱۲۷۷/۶۷۶)، ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید بن فهد حلی (۱۴۳۷/۸۴۱)، ابوالعباس

جمال‌الدین بن شمس‌الدین محمد (۱۵۲۸/۹۳۴) و ... با اقامه حدود در زمان غیبت به طور مطلق مخالف بودند، به ویژه به اقامه حدودی که منجر به قتل و جرح شود، این فقها صریحاً فتوا به عدم جواز در اجرای حدود جزایی داده اند.

مطمئن‌ترین مرجع برای ما شناخت احکام قرآن است. در حالی که در قرآن هیچگونه حکمی در مورد مجازات قتل سبّ النبی وجود ندارد، در مورد سبّ و فحش و ناسزا و به شکل کلی در مورد هرگونه اذیت و آزار نسبت به پیامبر اسلام، می‌توان به دسته‌ای از آیات قرآنی اشاره کرد که در آنها به مجازات توهین کنندگان الهی و اخروی اشاره شده است، به عنوان نمونه در آیه ۵۷ سوره احزاب، قرآن آنان را به لعن الهی و عذاب اخروی وعده داده است: «بی‌گمان کسانی که به خدا و پیامبر آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده ساخته است.»<sup>۴۹</sup> مجازات قتل برای سبّ النبی، بیشتر در روایات منسوب به تشیع آغاز شد زیرا در سده های اولیه اسلام، برخی از فرق شیعه با باورهای غلوگرایانه<sup>۵۰</sup> تلاش می‌کردند شأنی معادل شأن پیامبر برای امامان خویش قائل شوند.<sup>۵۱</sup> لهذا مستند مجازات قتل برای سبّ النبی نمی‌تواند آیات قرآنی باشد. فقیهانی که چنین فتوایی داده‌اند یا به روایات یا به اجماع استناد کرده‌اند. استناد به اجماع نیز بر مبنای حدیث است، بنابر این مستند این فتواها روایات است. (پرداختن به ادامه این منازعات که بسیار مفصل هستند را به مبحثی بعد از مطالعه موجود احاله می‌دهیم.)

۴۹- (إِنَّ الدِّينَ يُدُونُ اللَّهِ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا) احزاب ۵۷

۵۰- غلوگران، غالبان یا غلات افرادی بودند که به امام علی و فرزندان او نسبت خدایی یا نبوت می‌دادند و در توصیف آنان افراط می‌کردند. این افراد قائل به تناسخ و حلول بودند یعنی معتقد به انتقال ارواح از بدنی به بدن دیگر در این دنیا و حلول و تجلی روح خدا در بدن ائمه بودند. (المقالات و الفرق، صص ۵۱-۵۳ و فرق الشیعه، صص ۴۳-۴۴)

۵۱- حسن فرشتیان، بررسی مبانی فقهی اعدام‌های ۱۳۶۷ ۱۷۲۴۸ <https://zeitoons.com>

پرسش اساسی در موضوع احکام جزائی بیرحمانه ولایت مطلقه فقیه این سؤال است که اینهمه آمریت و قدرت فقها از کجاست؟ آیا مشروعیت شرعی دارند؟ مشروعیت و پایه قوانین و احکام حدود این فقها از کجا گرفته می شود؟

برای پاسخ به اینگونه پرسشها، بی مناسبت نیست نگاه کوتاهی به مجموعه «تحریر الوسيله» داشته باشیم، به نظر می رسد پایه احکام جزائی رژیم ولایت مطلقه تراوشتی است که از «تحریر الوسيله» خمینی گرفته شده است، با بررسی در این مجموعه، سر چشمه این احکام را به روشنی در آن خواهیم یافت، از این رو عنداللزوم در اینجا نگاهی به تحریر الوسيله می اندازیم تا روشن شود چگونه قوانین جزایی مندرج در کتاب قانون جزایی جمهوری اسلامی با آن چه در تحریر الوسيله نوشته شده، کاملاً و عیناً این همانی پیدا کرده اند.

## تحریر الوسيله و قوانین جزائی رژیم

تجزیه و تحلیل کتب تحریر الوسيله و سایر تراوشات فقه ساخته شده فقها، موضوع مورد مطالعه این تحقیق نیست، اما از آنجایی که موضوع حقوق بشر در رژیم جمهوری اسلامی ایران مهمترین وجه این مطالعه است و سران رژیم با گذشت بیش از چهل سال تمامی حقوق این ملت را پایمال و در ارتکاب هر جرم و جنایتی هیچ مرزی نشناخته و پیوسته خون می ریزند، بنابراین جا دارد که این پرسش را مطرح کنیم که:

آیا با اعمال این همه قتل و جنایت در چهار دهه گذشته، رژیم جمهوری اسلامی مصداق نسل کشی پیدا نمی کند؟ لازم است قبل از هر چیز، دیدگاه خمینی را در باب اجرای حدود شرعی بدانیم، خمینی برای اجرای حدود شرعی و مجازاتهای بدنی، ابوابی از حدود را از کتابهای «الحدود» و فقه محمد اشعث طوسی و ابن ادریس را می آورد، با این مضمون که «اجرا کردن حد شرعی متوقف بر حکم قاضی شرع است که از سوی امام معصوم برگمارده شده باشد.» او می نویسد: «قاضی عرف حق دارد تنها احکام عرفی مدنی را اجرا کند و حق اجرای هیچگونه حد شرعی را ندارد» که به گفته سید

مرتضی «ولا حدود فی غیبه الامام» در قرنها که از غیبت گذشته جز چند تن انگشت شمار که خود را به غلط باب خاص یا «رکن رابع» می شمردند، هیچ فقیهی به خود اجازه نداد که حد شرعی را بر کسی اجرا کند. روزگاری که حکومت به دست شیعیان آل بویه و غازان خان و سرداران و صفویان و بعد از آنها بود، نیز چنین بوده است.<sup>۵۲</sup>

تعاریفی از اصول احکام حدود سیستم قضایی حاکم بر ولایت مطلقه که عیناً همان تعاریف نعل بالنعل مندرج در تحریر الوسیله خمینی است و در قانون مجازات، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است را، هر چه کوتاه چند نمونه می آوریم :

- حد محاربه و افساد فی الأرض : فصل سوم - حد محاربه و افساد فی الارض، ماده ۱۹۰، حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است : ۱- قتل، ۲- آویختن به دار، ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ، ۴- نفی بلد.
- حدزنا : فصل سوم، ماده ۸۲ حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست. الف - زنا با محارم نسبی ب - زنا با زن پدر که مجازات آن قتل زانی است. ج - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که مجازات آن قتل زانی است. د - زنا با بی عفت و اکراه که مجازات آن قتل زانی اکراه کننده است.
- حد لواط<sup>۵۳</sup> : فصل اول، ماده ۱۰۸، تعریف و موجبات حد لواط، وطی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیز. ماده ۱۰۹ - فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد. ماده ۱۱۰ - حد لواط در صورت دخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است.

۵۲- روح اله خمینی، کتاب ولایت فقیه، ۱۳۴۹ شمسی، صفحه های ۱۶ و ۱۷

۵۳- در مورد حد لواط به شیخ طوسی در کتاب مبسوط رجوع داده اند : «کشتن کسی که با مردی لواط کرده و یا به زن اجنبی دخول کرده واجب است. امام میان گردن زدن وی و پرتاب کردن او از کوه و خراب کردن دیوار بر سر او و سنگسار و سوزاندن در آتش، مخیر کرده است.»

- حد اهانت : فصل دوم، ماده ۵۱۳، حد اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی : هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه‌ی طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه‌ی طاهره اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.
  - حد ارتداد : ( مجازات ارتداد از جمله مجازاتی است که در قرآن وجود ندارند)، اما در احکام تحریر الوسیله، مسأله ۱ آمده است : در کتاب ارث اقسام مرتد و پاره ای از احکام ارتداد را بیان کردیم.<sup>۵۴</sup>
- مجازات ارتداد در لایحه قانون مجازات جدید از سوی شورای نگهبان تأیید گردید، تصویب کنندگان لایحه جدید با اختصاص ماده‌ای مستقل به میثرت ارتداد کوشیده اند تا مشکل کمبود قانون برای اعدام مرتدان را از پیش پای قاضیان بردارند و بدین ترتیب مجازات مرگ را برای مرتد در نظر گرفته اند که در ذیل به موارد مربوط به «ارتداد» در لایحه قانون مجازات اسلامی جدید اشاره می‌شود<sup>۵۵</sup>:

- ماده ۱-۲۲۵: مسلمانی که به طور صریح اظهار و اعلان کند که از دین اسلام خارج شده و کفر را اختیار نموده، مرتد است.
- ماده ۳-۲۲۵: مرتد بر دو نوع است: فطری و ملی.
- ماده ۴-۲۲۵: مرتد فطری کسی است که حداقل یکی از والدین او در حال انعقاد نطفه مسلمان بوده و بعد از بلوغش اظهار اسلام کرده و سپس از اسلام

---

۵۴- روح اله خمینی، کتاب تحریر الوسائل، حکم ارتداد، مسئله اول: اما مرتد ملی نخست توبه داده می‌شود اگر حاضر به توبه نشد کشته می‌شود، و احتیاط آنست که سه روز پیشهاد توبه باو داده شود و در روز چهارم کشته شود.

۵۵- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش، ماده ۲۲۵ (مرکز اسناد حقوق بشر در ایران)

خارج شود.

- ماده ۵-۲۲۵: مرتد ملی کسی است که والدین وی در حال انعقاد نطفه غیر مسلمان بوده و بعد از بلوغش به اسلام گرویده و سپس از اسلام خارج و به کفر برگردد.
- ماده ۷-۲۲۵: حد مرتد فطری قتل است.
- ماده ۸-۲۲۵: حد مرتد ملی قتل است؛ اما بعد از قطعیت حکم تا سه روز ارشاد و توصیه به توبه می شود و چنانکه توبه ننماید، کشته می شود.

- حد شراب خواری: ماده ۱۷۹: هر گاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود.
- حد سحر و جادو: ماده ۱۲-۲۲۵: مسلمانی که کارش سحر و جادو است و آن را در جامعه به عنوان حرفه یا فرقه ای ترویج می نماید در حکم مرتد بوده و محکوم به قتل است.

قصده این نبود که در باب تألیفات ولایت مطلقه شرح و تفسیر داشته باشیم، اما در کوتاه سخن باید بگوئیم که خمینی با تمام تلاش و تبلیغ و به یاری ایادی پیش برنده اهدافش سعی کرد ثنوری زور ولایت فقیه را تبدیل به مصوبه های قانونی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد کند، بطور روشن در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی آورده که: «ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیتالله العظمی امام خمینی این ثنوری به ثبت رسید.»

آنچه مورد نظر او بود ثنوریزه کردن ولایت فقیه در ساختار اداری و پیوند دادن آن به قانون اساسی جمهوری اسلامی بود که آرام آرام ولایت فقیه استخوان بندی قانون اساسی رژیم شد، دیدیم اصول و احکام حدود و سیستم قضایی حاکم بر ولایت مطلقه که همان

تعاریف نعل بالنعل مندرج در تحریر الوسيله خمینی بود در قانون مجازات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید. برای آشنایی بیشتر با احکام فقهی در جمهوری اسلامی در بخش ضمائم این نوشتار نگاه کنید به :

«تحریر الوسيله و «مجازات در قانون اساسی»

## فصل سوم

### پیدایش و سقوط خمینی

شرح حال، زندگی نامه یا شرح دوران تاریخی زندگی روح الله خمینی موضوع بحث ما در این مطالعه نیست، زیرا بطور افراط گرایانه ای مریدان و ذوب شدگان در ولایت او، هزاران صفحه در این باب سیاه کرده کتابها و خاطره ها اندر محاسن خمینی توصیف و تفسیر و انتشار داده اند، یک فقره از آن صحیفه های اوست. اگر خیلی کوتاه بخواهیم اشاره ای به گذشته او داشته باشیم، صرفاً بخاطر یاد آوری و به نقد کشیدن عملکرد ملال آور و فریبنده او است که خمینی بوسیله آن در تاریخ معاصر حد اقل دو نسل را نابود کرده است.

### شجره نامه

با نگاهی به شجره نامه خانوادگی خمینی، پدر بزرگش، احمد هندی بود که در شهر کینتور هند به دنیا آمد، پدر خمینی سید مصطفی بود که در سال ۱۲۴۱ شمسی در خمین به دنیا آمد. او دو دختر و سه پسر داشت که روح الله آخرین فرزندش بود. فرزندان سید مصطفی به ترتیب تاریخ تولد: مولود آغا (متولد ۱۳۰۵ هجری)، فاطمه (متولد ۱۳۱۲ هجری)، مرتضی (متولد ۱۳۱۳ هجری) و نورالدین (متولد ۱۳۱۵ هجری) و روح الله (متولد ۱۲۸۱ شمسی) پنجمین و آخرین فرزند که در خمین متولد و در سال ۱۳۶۸ شمسی در تهران در گذشت. اجداد خمینی اصالتاً نیشابوری (از روستای دزق سر ولایت)

بودند که در اواسط قرن یازدهم هجری راهی شمال هند (شهر لکنو)، واقع در ناحیه اودّه (Awadh) شدند. در این منطقه قوانین اسلام و شیعه دوازده امامی که از زمان صفویان دین و مذهب رسمی ایران به حساب می آمد، برقرار بود.<sup>۵۶</sup>

نوشته اند پدر خمینی توسط فردی به قتل رسیده است، به گفته مرتضی پسندیده برادر خمینی، پدر او در خمین شخص «بسیار بانفوذی بوده» و «خدمه و تفنگچی» داشته و «مشغول اداره امور مردم بوده»، وقتی خمینی دوساله بود، پدرش در مسیر سلطان آباد اراک مورد حمله یکی از همراهانش قرار گرفت و به قتل رسید. بعدها خانواده خمینی از جمله مرتضی پسندیده، به دربار مظفرالدین شاه شکایت می کنند و به عین الدوله ملتجی میشوند و سرانجام قاتل را قصاص می کنند.<sup>۵۷</sup>

خمینی دوران نوجوانی را در خمین گذراند. صرف و نحو و منطق را نزد برادر بزرگترش مرتضی پسندیده آموخت. از سال ۱۲۹۸ شمسی در حوزه های اصفهان و اراک و قم تحصیل کرد و در سال ۱۳۰۵ شمسی در حوزه علمیه قم سطوح آموزشهای طلبگی را به پایان رساند و در شمار آخوندهای مجتهد در آمد.

آثار خمینی از جمله مجموعه سخنرانیها یا درسهای او در حوزه قم و یا مکاسب محرمه او کتابی است که درباره حرمت کسب درآمد از خرید و فروش اشیای نجس، میت، کذب، قمار و بیع می باشد. در باره آثار و تالیفات خمینی چنانچه گفته شد نگاه کنید به دستگاههای تبلیغاتی او که انبوهی از آثار، سخنرانی، استفتاء و رساله ها نقل کرده اند که حاشیه و غیر حاشیه ها سر به دهها و صدها تالیف می زند، نمونه ای از آنها عبارتند از: شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح الهدایه إلى الخلافة والولاية، آداب نماز (آداب الصلوة)، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار، انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه، بدایع

۵۶ - عمادالدین باقی، ویژه نامه مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۸۴ روزنامه شرق - رضا بابایی، کارنامه نور (زندگینامه خمینی).

۵۷ - احمد خمینی، مقدمه کتاب «کوثر»، ج ۲، ص ۲۲۷

الدرر فی قاعدة نفی الضرر، رساله الاستصحاب، رساله الاجتهاد و التقليد، مناهج الوصول الى علم الاصول، رساله فی الطلب و الاراده، رساله فی التقيه، رساله فی قاعده من ملک، کتاب الطهاره، تعليقه على العروة الوثقى، المكاسب المحرمه، تعليقه على وسیله النجاه، تحرير الوسیله، کتاب البیع، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، رساله توضیح المسائل، مناسک حج، تفسیر سوره حمد، کوثر، صحیفه و استفتانات و ...

## زندگی سیاسی

سوابق زندگی سیاسی خمینی و چگونگی رسیدن او به حاکمیت را با نگاه انتقادی می توان اینگونه مرور کرد. زندگی سیاسی خمینی تا حدود سن ۶۰ سالگی در سکوت و سازش کامل با دستگاه دیکتاتورهای رضاشاه و محمدرضا شاه بود، سکوت تأیید آمیز او نسبت به کودتای استعماری علیه دکتر محمد مصدق، شروع این زندگی سیاسی بود.

در اواخر سال ۱۳۴۱ شرایط برای انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا فراهم شده بود، شاه برای اینکه موانع و مشکلات را به طور کامل از پیش پای خود بردارد، در شب ۶ بهمن سال ۱۳۴۱ تعداد زیادی از مخالفان خود را دستگیر کرد و در روز ۶ بهمن طرح شش ماده یی خود را به فرماندوم گذاشت. شاه با این مانور توانست نیروهای مخالف خود را به سادگی از صحنه خارج ساخته و زمینه را به طور کامل برای اجرای اصلاحات کذایی خود فراهم آورد.

در دی ماه سال ۱۳۴۱ اصلاحات اقتصادی، اجتماعی توسط محمدرضاشاه با عنوان انقلاب سفید، اعلام و طی یک همه پرسی تصویب شد. طرح انقلاب سفید با مخالفت‌هایی از سوی جبهه ملی و محافل مذهبی روبرو شد. یکی از مهم‌ترین مخالفان این طرح، خمینی بود. وی ضمن مخالفت با موضوعاتی چون اصلاحات ارضی و حق رأی زنان به نفوذ بیشتر آمریکا در ایران معترض بود. اعتراضاتی که در خرداد ۱۳۴۲ در

شهرهای بزرگ ایران رخ داد که در پی آن روح‌الله خمینی در انتقاد به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید باز داشت شد.

در واقع شهرت سیاسی خمینی از زمانی آغاز شد که بر علیه بر خورداری زنان از حق رأی دست به اعتراض زد و در پی آن در آبان سال ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید شد. در یکسالی که خمینی در ترکیه اقامت داشت، از وی حتی یک سطر پیام و موضعگیری علیه دستگاه دیکتاتوری رژیم شاه ثبت نشده است. وی در سال ۱۳۴۴ به نجف رفت و در سخنرانی‌هایش بدون کمترین ابراز مخالفتی با شاه، به موعظه برای «رؤسای دول اسلامی» پرداخت که «بر سلاطین اسلام، بر رؤسای جمهور اسلام تکلیف است که دست برادری بدهند و حدود و ثغورشان را حفظ کنند». در سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۴۵ اساساً به درس و بحث حوزه مشغول بود.<sup>۵۸</sup>

در نیمه دوم دهه ۴۰ شمسی بر اثر نضج گرفتن جنبش مسلحانه و سازمان‌های پیشتاز، جو سیاسی و مبارزاتی فعالی در جامعه ایجاد گردید سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین که در سال ۱۳۴۴ بنیانگذاری شده بود به عنوان سازمان‌های انقلابی و مسلمان در سال‌های آخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ شهرت و محبوبیتی وسیع پیدا کردند. خمینی به رغم تمامی پیام‌هایی که در این زمینه از ایران به او می‌رسید، حاضر به حمایت از مجاهدین و مبارزین که با رژیم شاه می‌جنگیدند نشد<sup>۵۹</sup> و چنان که نزدیکترین اطرافیان

۵۸ - صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۸ تا ۱۲۶

۵۹ - حمید روحانی که در آن سالها در نجف همراه خمینی بوده، در باره گروه‌های مارکسیستی می‌گوید: در سال ۱۳۴۹ گروهک مارکسیستی و کمونیستی سیاهکل حرکتی کرد که اثر عمیقی بر ملت ایران گذاشت، مردم که از فشار و ظلم بی حد رژیم جانشان به لب رسیده بود از این حرکت به وجد آمدند و امیدوار شدند. خطر این بود که نهضت از مسیر راستین خود منحرف شود. در اینجا بود که امام ضربه قاطع خود را وارد کردند و طی نامه‌یی به اتحادیه دانشجویان مسلمان خارج کشور نوشتند: «از حادثه آفرینی استعمار در کشورهای اسلامی نظیر حادثه سیاهکل و حوادث ترکیه فریب نخورید و اغفال نشوید» نگاه کنید به امیر رضا ستوده، «پا به پای آفتاب»، جلد ۳، نشر پنجره، ص ۱۶۳

خمینی مانند رفسنجانی و کروبی و... بارها گفته اند، این امرانزوای او را تشدید کرد. در این زمینه، حمید روحانی که سال‌ها همراه خمینی در نجف بوده می‌گوید:

«... بسیاری از افراد را میشناسم که بر این اعتقاد بودند که دیگر نقش امام در مبارزه و در نهضت به پایان رسیده است و امام با عدم تأیید گروه‌های مسلح در واقع شکست خود را اعلان کرده بود بطوری که افراد باور داشتند که خمینی از صحنه مبارزه کنار رفته‌است، اغلب از ایران نامه می‌رسید مبنی بر این که پرستیژ شما پایین آمده و در بین مردم نقش شما در شرف فراموش شدن است»<sup>۶۰</sup>

حمید روحانی در باب پیچیدگی خمینی می‌نویسد: به سیاق تمام عمرش خمینی ترجیح می‌داد چنان با احتیاط حرکت کند که حتی نزدیکترین کسانش هم پی به افکار و منویات او نبرند. خمینی از هرگونه حرکت و عمل حساب نشده و صرفاً احساساتی خود داری می‌ورزید و در مبارزات و انقلاباتی که با رهبری مرجع تقلید زمان همراه نبود، وارد نمی‌شد و جوری حرکت می‌کرد که تا روز آغاز نهضت، حتی نزدیکترین افراد و دوستانش به حقیقت و افکار و منویات ایشان پی نبرده بودند.<sup>۶۱</sup>

در سال ۱۳۴۰ در حوزه قم تحول مهمی رخ داد، در روز دهم فروردین سال ۱۳۴۰ آیت الله بروجردی درگذشت، پس از او در میان متنفذترین روحانیان وقت، کسی هم چون بروجردی در موقعیت مرجع بی رقیب حوزه‌ها قرار نداشت. نه حکیم در نجف، نه شریعتمداری و گلپایگانی در قم، نه خوانساری در تهران و نه میلانی در مشهد، هیچکس دیگری را برتر از خود نمیدانست.

خمینی نیز که مدارج حوزه را طی کرده بود و مهمترین شاگردان و آخوندهای هم‌خطش از مرجعیت او حمایت کرده بودند، حربه مؤثری برای به دست آوردن کرسی

۶۰ - همان حمید روحانی.

۶۱ - حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۹

مرجع شماره یک و از میدان به در کردن سایر رقیبان نداشت. وقتی همراه با چند تن دیگر، نخستین مخالفت‌های علنی را نسبت به مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی ابراز کرد، آن چه برایش بسیار گزنده بود این بود که دولت پاسخها و نامه‌های خود را به نام شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی ارسال می‌کرد و اسمی از او نمی‌برد.

در آن زمان جاذبه اجتماعی مخالفت با شاه، خمینی را در موقعیت سیاسی مطلوبی قرار داد. در همین دوران او بر علیه برخورداری زنان از حق رأی به اعتراض برخاست. قبل از آن او یکسره در سکوت و سازش با دیکتاتوری رضاشاه و مامشات در برابر شکل‌گیری دیکتاتوری محمدرضا و سکوت تأییدآمیز او نسبت به کودتای استعماری علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق بود.

محمد مصدق که از نمایندگان اقلیت مخالف بود، در صحن مجلس فریاد می‌کشید: «این ارتجاع و استبداد صرف است امروز مملکت ما بعد از ۲۰ سال و این همه خونریزها می‌خواهد سیر قهقراپی طی کند بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه ام بکنند و آقای سید یعقوب هزارفحش به من بدهد، زیر بار این حرفها نمی‌روم پس چرا خون شهدای راه آزادی را بی خود ریختید؟ چرا مردم را به کشتن دادید؟ می‌خواستید از روز اول بگویید که ما دروغ گفتیم و مشروطه نمی‌خواستیم، آزادی نمی‌خواستیم. خدایا تو شاهد باش که آنچه گفتم عقیده خودم بود و آنچه در خیر مملکت است می‌گویم»<sup>۶۲</sup>

اندکی به عقب برگردیم، در آستانه سلطه کامل رضاشاه، نزدیک به دو دهه از انقلاب مشروطه سپری شده بود. اما هنوز از آن آتشفشان شراره‌هایی هم چون جنبش گیلان، قیام‌های خیابانی، پسیان و مبارزات تنگستانها، ایران را از آتش اعتراض و مقاومت گرم می‌کرد.

در سال ۱۲۹۹ شمسی شیخ محمد خیابانی در تبریز به شهادت رسید و جنبش تنگستان سرکوب شد، در سال ۱۳۰۰ کلنل پسیان شهید راه وطن گشت، سپس نوبت به

۶۲ - سخنرانی دکتر مصدق در مجلس پنجم در دفاع از قانون اساسی مشروطه.

میرزا کوچک خان رسید که در کوههای گیلان سر به راه آزادی بگذارد. رضاخان از میان همین کشتارها و سرکوبها، سربلند کرد و در سال ۱۳۰۲ به نخست وزیری رسید. در این دوران پر از تحول و آشوب، خمینی که سالهای جوانی را می گذراند، سر کار خود گرفته بی اعتنا به سرنوشت شومی که برای مردم ایران رقم زده می شد، مشغول درسهای حوزه ای خود بود. این در حالی بود که وقتی رضاخان با ارباب و تطمیع مجلس پنجم را وادار به پذیرش سلطنت خود کرد، روشنفکران و شخصیت‌های ترقیخواه به شدت با آن به مخالفت و به اعتراض برخاستند.

## سکوت در برابر رضاخان

سکوت خمینی در واقعه خونین مسجد گوهرشاد، روز ۲۰ تیر ۱۳۱۴ در حالی که جمعیت زیادی از مردم، به نشانه اعتراض به تصمیم شاه (در مورد کلاه شاپو بر سر گذاشتن)، در مسجد گوهرشاد مشهد اجتماع کرده بودند، به دستور رضاشاه، قزاقان جنایتکار او به سوی این اجتماع آتش گشودند، در نتیجه حدود ۱۰۰ نفر کشته و مجروح شدند. فردای این حادثه، جمعیت بزرگی دوباره در همین مسجد گردهم آمدند که باز با حمله وحشیانه مأموران رضاشاه روبرو شدند. این بار قوای جنایتکار رضاشاه به کشتار سبعانه تری دست زدند که در آن دستکم هزار و هشتصد نفر به قتل رسیدند.

واقعه خونین مسجد گوهرشاد، خشم و انزجار شدید مردم علیه رضاشاه را برانگیخت. شماری از روحانیان به این جنایت اعتراض کردند و برخی، از جمله آیت الله حسین قمی که از مراجع مهم آن زمان بود، به دستور رضاشاه تبعید شد. در کتاب نهضت روحانیون ایران در این باره نوشته: در این واقعه، جمع کثیری از مردم بی گناه را قتل عام کردند و حدود یکصد نفر از روحانیون و افراد متنفذ را دستگیر و عده‌یی از علمای بزرگ، نظیر آقا سید یونس اردبیلی و آقازاده را به تهران آورده محاکمه نمودند. با این همه، خمینی نسبت به این حادثه بزرگ در سکوت کامل به سر میبرد و حتی نزدیکانش که زندگینامه او را نوشته اند، از هیچ گونه نقش یا حضور عملی او در این فاجعه را یاد نکرده اند.

سکوت مرموز خمینی جوان ۳۴ ساله در حادثه قتل عام در مسجد گوهر شاد در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۴، البته روشی و یا سازشی شناخته شده بود، زیرا برای روحانیون در کلیت خود و از جمله برای طلبه های جوانی چون خمینی که مدعی بی طرفی در جنگ سیاسی با قدرت حاکم بودند، در اصل روش و منش سیاسی عموم مراجع تقلید و دستگاه سیاست حوزه های علمیه چه در زمان رضا شاه و چه در دوره های سلاطین قبل از او روشی شناخته شده بود. اگر به مجموعه روزنامه های رسمی سالهای ۱۲۸۰-۱۳۰۰ در ایران بنگریم، خواهیم دید که «سلطنت موهبتی الهی است که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده است» و مطابق متمم قانون اساسی، حقوق سلطنت ایران در اصل سی و پنجم، بجز اندک روحانیون، عموماً آن را پذیرفته بودند.

اساساً نهاد سلطنت و دستگاه روحانیت بطور تاریخی مولودی دو قلو به دنیا آمده بودند، بطوری که در سراسر تاریخ پادشاهی ایران، چرخه قدرت در سلطنت و روحانیت در یکدیگر می چرخیدند، اگر به آخرین نمونه ها به رفتار مراجعی چون شریعتمداری و بازی سیاسی خمینی با خانواده پهلوی نگاه کنیم به عیان می توان دید دعوا از روز اول بر سر لحاف ملا، بر سر داشتن سهمی از قدرت بوده است، به دیدار های خمینی با محمد رضا پهلوی و یا متن تلگرافهای او به شاه بنگریم.

## مخالفت با حق رأی زنان

در دوره سلطنت رضاشاه، زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند، زیرا ماده ۱۵ قانون انتخابات، زنان را در کنار کسانی که به سن قانونی نرسیده اند یا منع قانونی دارند و تحت حضانت دیگران می باشند، همچنین ورشکستگان به تقصیر، مجبورین، متکدیان حرفه ای، محکومین دادگستری، دزدان و دیگر خلافکاران ناقض قانون اسلام، از حق رأی محروم نموده بود. در آن دوره هرگز نمی توان نمونه خاصی را از مشارکت زنان در سطح توده، حتی به صورت غیررسمی، ذکر نمود. اساساً در مدت حکومت رضا خان هیچ گاه زنان امکان مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات به دست نیاورند. با وجود

این، برخی از نویسندگان غربی کوشیده‌اند این گونه وانمود سازند که در دوره رضاشاه حضور روز افزون زنان در فعالیت‌های ملی باعث شد با وجود اینکه فاقد حق رأی بودند، به تدریج احترام خاصی را در مقام اعضای جامعه کسب کنند،<sup>۶۳</sup> بعضی صاحب‌نظران به دلیل اینکه اعمال آزار دهنده و شبه مدرنیستی یک مستبد و معدودی متعصب بی‌ریشه را که سبب خانه نشینی و سلب آزادی‌های اولیه بخش عظیمی از زنان ایران شده بود را در تعارض با ادعای دموکراسی دیدند، این گونه به توجیه این عمل پرداخته‌اند:

«در تلاش ملی‌گرایی، قصد رضاشاه توسعه، همیاری و شرکت زنان را ضروری می‌نمود و فقط در صورتی این کار میسر می‌شد که آنان را از قید و بند بعضی از مسائل سنتی نظیر حجاب، رهایی بخشند.»<sup>۶۴</sup>

با این حال حتی این گونه نویسندگان غربی نیز که برخی از اقدامات رضاشاه را به حساب پیشرفت زنان گذاشته‌اند، اذعان نموده‌اند که این پیشرفت‌ها بیشتر زنان طبقه‌ی بالا و متوسط را در برمی‌گرفت.<sup>۶۵</sup> صد البته هنگامی که معدودی از زنان طبقات بالا براساس الگوی توسعه‌ی غربی به پیشرفت دست می‌یافتند، بسیاری از زنان مسلمان یا محبوس در کنج خانه‌ها و یا محروم از ابتدایی‌ترین حقوق خود بودند و در معابر با قزاق‌های حکومت دست به گریبان بودند.

پس از سقوط رضا شاه، در دوره سلطنت محمدرضا نیز قانون انتخابات تا سال ۱۳۴۱ شمسی معتبر بود و تا آن سال، زنان از حضور در انتخابات محروم بودند. در واقع رژیم پهلوی، همواره سعی می‌نمود از زنان به صورت نمادی از نوگرایی استفاده

۶۳ - جوزف. ام آپتون، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه یعقوب آژند، نشر نیلوفر، ۱۳۶۱، ص ۲۱۲

۶۴ - همان نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ص ۸۹

۶۵ - سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه‌ی عباس مخبر، نشر طرح نو، ۱۳۷۱،

نماید.<sup>۶۶</sup> رضاشاه از کشف حجاب زنان برای همین منظور بهره می‌جست و محمدرضا نیز بدون اعطای حق مشارکت سیاسی به زنان نمی‌توانست از آنان بهره برداری سیاسی نماید. از این رو هر چند زنان از سال ۱۳۴۱ حق شرکت در انتخابات و همچنین انتخاب شدن برای مجلس شورای ملی و سنا را به دست آوردند، اما این امر، تنها باعث شد که برخی از زنان طبقات بالا و خاص جامعه به برخی مناصب و پست‌های سیاسی دست یابند و رژیم نیز از حضور همین تعداد زن در مقام‌های سیاسی، فرصت مناسبی برای تبلیغات عوام‌فریبانه و ادعای برابری حقوق زن و مرد، به دست آورد، ولی منظور اصلی اعطای حق رأی به زنان، که فراهم ساختن بستر مناسب برای مشارکت عموم زنان است، هیچ‌گاه برآورده نشد و می‌توان گفت: «مشارکت در سطح توده (زنان) هیچ‌گاه به معنای واقعی آن اتفاق نیفتاد».<sup>۶۷</sup>

اما نکته بسیار مهم در این زمان (اسفند ۱۳۴۱)، نامه استمالت آمیز خمینی به محمد رضا شاه بود که به دادن حق رأی به زنان به شدت اعتراض می‌کند، خمینی با ارسال نامه‌ای با عنوان «حضور مبارک اعلیحضرت همایونی» پس از تملق و چاپلوسی می‌نویسد: «پس از اهدای تحیت و دعا، به طوری که در روزنامه‌ها منتشر شده است، دولت در انجمن‌های ایالتی و ولایتی، «اسلام» را در رأی‌دهندگان و منتخبین شرط نکرده، و به زن‌ها حق رأی داده‌است. و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین شده است».<sup>۶۸</sup>

۶۶ - نسرين مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات،

ص ۱۱۱

۶۷ - همان مصفا، ص ۱۱۳

۶۸ - صحیفه نور، جلد اول صفحه ۷۸

## دیدار با محمد رضا شاه

احمد خمینی به نقل از موسوی اردبیلی و صادق خلخالی می گوید: خمینی دو بار با محمد رضا شاه ملاقات داشته است، او اضافه می کند: «حضرت امام چه در زمان مرحوم آقای حائری و چه در زمان مرحوم آقای بروجردی، همواره جلودار مبارزات حوزه بودند، مثلاً بر اثر قضایای سیاسی که در زمان آقای بروجردی اتفاق افتاده بود، از طرف مرحوم آقای بروجردی، خمینی و برخی از علما مأمور شدند باشاه صحبت کنند. نظر مراجع و علما این بود که نماینده یی باید برود و حرف ما را صریح و پوست کنده به شاه منتقل کند و این کار از کسی غیر از حاج آقا روح الله بر نمی آید و ایشان هم طی دو ملاقاتی که باشاه انجام دادند، کاملاً بر نظرات مراجع و علما تأکید کردند و به شاه درباره عاقبت سیاست هایش هشدار دادند.»<sup>۶۹</sup>

موسوی اردبیلی نیز می گوید: «یک بار آیت الله العظمی بروجردی پیامی داشتند. ایشان دیدند تنها کسی که در حوزه با استقامت می ایستد، مرعوب نمی شود، تملق نمی گوید، اهل چاپلوسی نیست و شهادت دارد، آقای خمینی است. ایشان را فرستادند، ریز موضوع یاد می آید. باید به تاریخ مراجعه شود.»<sup>۷۰</sup>

---

۶۹ - امیر رضا ستوده، «پا به پای آفتاب»، جلد اول، نشر پنجره، ص ۶۴، در خاطرات علی اکبر مسعودی خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸ می نویسد: در سال ۱۳۲۹ به درخواست مرحوم آیت الله بروجردی خمینی با شاه دیدار و خواستار آزادی قاتلین بهائیان ابرقو یزد شد و شاه فرمان آزادی قاتلان بهائیان را صادر کرد. چند منبع این دیدار را با تفاوت هایی در موضوعات رد و بدل شده نقل کرده اند. از جمله حائری یزدی یکی از ناقلین آن است، البته مسعودی خمینی با جزئیات بیشتر به آن پرداخته است.

۷۰ - همان پایه پای آفتاب، ج ۴، ص ۲۰۰

صادق خلخالی نیز می گوید: «امام قبلاً به دستور آقای بروجردی د و مرتبه با شاه ملاقات کردند و یکبار که از ملاقات برگشته بودند، فرمودند: نمی خواهم از خودم تعریف کنم، ولی ابهت من شاه را گرفته بود و شاه مسلط بر زبان و گفتارش نبود.»<sup>۷۱</sup>

خمینی بر آن بود که آخوندها یک یا دو پست در کابینه رژیم شاه داشته باشند، وی در سخنرانی مورخ ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ گفت: «باید یک وزارت فرهنگی، یک فرهنگ صحیح باشد و فرهنگ هم حقش است دست ما باشد.» «خوب ما در این مملکت یک وزارتخانه نداشته باشیم؟ همه وزرا از آمریکاست خوب یکی هم از ما، خوب بدهید این فرهنگ را دست ما، خودمان اداره می کنیم. ما خودمان یک کسی را وزیر فرهنگ می کنیم و اداره می کنیم. اگر از شما بهتر اداره نکنیم، بعد از ۱۰، ۱۵ سال ما را بیرون کنید. تا یک مدتی دست ما بدهید، وزیر فرهنگ را از ما قرار دهید و ... وزارت اوقاف می خواهید درست کنید، باید وزارت اوقاف از ما باشد نه این که شما تعیین کنید.»<sup>۷۲</sup>

باید توجه داشت که سهم خواهی خمینی از کابینه رژیم شاه، پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صورت می گیرد که در آن راه هر گونه مبارزه مسالمت آمیز با رژیم شاه به پایان رسیده و از آن پس هر گونه حرکت اصیل مبارزاتی باید در جهت سرنگونی رژیم شاه متمرکز می شد.

## تسامح با محمد رضا شاه

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اسدالله اعلم به عنوان رابط شاه با مقامات عالیترتبه انگلیسی و آمریکایی، سهم اساسی در برکناری زاهدی از نخست وزیری داشت و او بود

۷۱ - همان پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۱۶۳

۷۲ - صحیفه نور، ج ۱، ص ۶۹

که مقامات آمریکایی را متوجه نقش بیشتر شاه کرد.<sup>۷۳</sup> اعلم در سالهای ۱۳۲۹ - ۱۳۳۲ از نزدیکترین یاران محمدرضا پهلوی بود و در ماجرای ۲۵ - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش فعالی ایفا کرد.<sup>۷۴</sup>

یکی از کارهای اساسی دولت اعلم، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. این انجمن‌ها متضمن مشارکت هر چه بیشتر مردم در امور اجتماعی و اصلاحاتی شهرها و استانهای مملکت بود. قانون آن از سالیان پیش تصویب شده بود؛ ولی اجرای آن، فراموش شده بود. وقتی اعلم روی کار آمد، درصدد برآمد این طرح را عملی کند که موفق نشد.<sup>۷۵</sup> در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ دولت اعلام می‌کند که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیئت دولت تصویب شد<sup>۷۶</sup> و با توجه به اینکه مجلسی نیست، بنابراین، قانون تلقی می‌شود. این لایحه، مسائل مختلفی را در برداشت که مهم‌ترین آنها حذف شرط مسلمانی برای تصدی بسیاری از پستهای مهم مملکتی مثل: قضاوت و ... بود. به علاوه تصریح شده بود در مواردی که طبق قانون، افراد باید سوگند یاد کنند، ضرورتی ندارد که مسلمانان، نام قرآن را ذکر کنند، فقط کافی است به کتاب‌های آسمانی سوگند یاد کنند. همچنین در

۷۳ - حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی،

۱۳۷۳ش، چاپ ششم، ج ۲، ص ۲۳۸

۷۴ - همان فردوست، ص ۲۳۹

۷۵ - همان فردوست، ص ۲۳۸

۷۶ - پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی: در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ در زمانی که مجلس شورای ملی جهت اصلاح قانون انتخابات تعطیل شده بود، لایحه‌ای تحت عنوان «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» در هیئت وزیران دولت اسدالله علم به تصویب رسید. تصویب این لایحه با مخالفت گسترده روحانیان مواجه شد حضرات آیات شریعتمداری، خویی، مرعشی نجفی، گلپایگانی و خمینی با صدور اعلامیه‌هایی با آن مخالفت کردند. که در نهایت در آذر ماه همان سال در پی مخالفت گسترده علما و مردم تصویب لایحه مذکور لغو شد.

یکی از بندهای این لایحه به تساوی کامل حقوق اجتماعی زنان و مردان از جمله شرکت در انتخابات تأکید شده بود.<sup>۷۷</sup>

اعلم در یاداشتهای خود می‌نویسد: سالیان درازی بود که زنان، خواستار برابری حقوقی و سیاسی با مردان بودند. بعد از مطرح کردن این لایحه، آنان حس می‌کردند، هنگام برداشتن گامی دیگر به سوی آزادی بعد از دوره رضاخان (مسئله کشف حجاب) هر چه بیشتر فرا رسیده است. سرانجام نیز با سخنرانی شاه در اسفند ۱۳۴۱ در کنفرانس اقتصادی که در آن به لزوم مشارکت زنان در انتخابات صریحاً اشاره کرد به این هدف دست یافتند. مدتها بود جامعه ایرانی چنین تحولی را به خود ندیده بود. بازیگران اصلی صحنه همچنان شاه و ارسنجان‌ی بودند.<sup>۷۸</sup>

این نکته قابل توجه است که جامعه در بستر زمانی بعد از انقلاب مشروطیت بسر میبرد و هر انقلابی فضائی را تولید میکند که ناشی از تحول و شکوفائی و احقاق حقوق و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی است. طبعاً در باره حقوق زنان نیز چنین پتانسیلی ایجاد شده بود خصوصاً که جهان در عصر بعد از انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر روسیه قرار داشت.

در سال ۱۳۴۲ شمسی زنان پای صندوق‌های رای رفتند، با اعلام انقلاب سفید محمدرضا شاه که در شش اصل خلاصه می‌شد اعطای حق رأی به زنان نیز داده شد و این حق در ایران در ۱۲ اسفند ۱۳۴۱ به رسمیت شناخته شد. در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ و علیرغم همه مخالفت‌های مراجع تقلید و روحانیانی نظیر خمینی، حق رأی زنان پذیرفته شد.

۷۷- عباس خلجی، اصلاحات آمریکایی و قیام ۱۵ خرداد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ش، چاپ اول، ص ۱۰۲

۷۸- یادداشتهای اسدالله علم با ویراستاری علینقی عالیخانی، تهران، انتشارات مازیار- معین، ۱۳۷۷ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳

فرخرو پارسا اولین زنی بود که به نمایندگی از مردم تهران، در دوره بیست و یکم انتخابات مجلس شورای ملی وارد مجلس شد.

در این سالها خمینی با روضه های انتقادیش در قم و در مشهد تلاش می کرد خود را به بازار مکاره سیاست کشانده و آمریت و آتوریته ولایت خود را به نمایش بگذارد، او خود را قدرتمند تر از شاه نشان داده، نصایح ارباب بر رعیت به شاه می داد، از جمله این روضه ها، سخنان او در روز عاشورای ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ شمسی بود، او در این سخنرانی می گوید:

**آقا! من به شما نصیحت می کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می کنم، دست بردار از این کارها. آقا! اغفال دارند می کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند. من یک قصه ای را برای شما نقل می کنم که پیرمردهای تان، چهل ساله های تان یادشان است، سی ساله ها هم یادشان است. سه دسته - سه مملکت اجنبی - به ما حمله کرد: شوروی، انگلستان، آمریکا به مملکت ایران حمله کردند، مملکت ایران را قبضه کردند، اموال مردم در معرض تلف بود، نوامیس مردم در معرض هتک بود، لکن خدا می داند که مردم شاد بودند برای اینکه پهلوی رفت. من نمی خواهم تو این طور باشی، نکن. من میل ندارم تو این طور بشوی، نکن! این قدر با ملت بازی نکن! این قدر با روحانیت مخالفت نکن. اگر راست می گویند که شما مخالفید، بد فکر می کنید. اگر دیکته می دهند دست و می گویند بخوان، در اطرافش فکر کن، چرا بی خود، بدون فکر، این حرف ها را می زنی؟ آیا روحانیت اسلام، آیا روحانیون اسلام، اینها حیوانات نجس هستند؟ در نظر ملت، اینها حیوان نجس هستند که تو می گویی؟ اگر این روحانیون حیوان نجس هستند پس چرا این ملت دست آنها را می بوسد؟ دست حیوان نجس را می بوسد؟ چرا تبرک به آبی که او می خورد، می کنند؟ حیوان نجس را این کار می کنند؟! آقا ما حیوان نجس هستیم؟ (گریه شدید حضار) خدا کند که مرادت این نباشد، خدا کند که مرادت از اینکه «مرتجعین سیاه مثل حیوان نجس هستند و ملت باید از آنها**

احتراز کند»، مرادت علما نباشند و آلا تکلیف ما مشکل می‌شود و تکلیف تو مشکل می‌شود. نمی‌توانی زندگی کنی، ملت نمی‌گذارد زندگی کنی. نکن این کار را، **نصیحت مرا بشنو. آقا! ۴۵ سالت است شما، ۴۳ سال داری**، بس کن، نشنو حرف این و آن را، یک قدری تفکر کن، یک قدری تامل کن! یک قدری عواقب امور را ملاحظه بکن! یک قدری عبرت ببر! عبرت از پدرت ببر. آقا! نکن این طورا! بشنواز من، بشنواز روحانیین، بشنواز علمای مذهب، اینها صلاح ملت را می‌خواهند، اینها صلاح مملکت را می‌خواهند. ما مرتجع هستیم؟ احکام اسلام، ارتجاع است؟ آن هم «ارتجاع سیاه» است؟ تو انقلاب سیاه، انقلاب سفید درست کردی؟! شما انقلاب سفید به پا کردید؟ کدام انقلاب سفید را کردی آقا؟ چرا این قدر مردم را اغفال می‌کنید؟ چرا نشر اکاذیب می‌کنید؟ چرا اغفال می‌کنی ملت را؟ و الله، اسرائیل به درد تو نمی‌خورد، قرآن به درد تو می‌خورد امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هرچه می‌خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید، یکی هم نگویند دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هرچه می‌خواهید بگویید. خوب، اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هرچه گرفتاری داریم از این سه تاست تمام گرفتاری ما آقا، اینها خودشان می‌گویند، من که نمی‌گویم، به هر که مراجعه می‌کنی، می‌گوید: شاه گفته؛ شاه گفته مدرسه فیضیه را خراب کنید، شاه گفته اینها را بکشید... آن مرد که آمد در مدرسه فیضیه - حالا اسمش را نمی‌برم، آن وقت که دستور دادم گوش‌هایش را ببرند، آن وقت اسمش را می‌برم (ابراز احساسات حضار) - آمد در مدرسه فیضیه فرمان داد، سوت کشید، تمام مستقر شدند در یک گوشه‌ای. گفت: منتظر چه هستید، بریزید تمام حجره‌ها را غارت کنید، تمام را از بین ببرید. گفت: حمله کن، حمله کردند. از ایشان پرسید آقا چرا این کار را کردید؟ می‌گوید: اعلا حضرت فرموده. اینها دشمن

اعلا حضرتند. اسرائیل دوست اعلی حضرت است؟ اینها دشمن اعلا حضرت هستند؟  
اسرائیل مملکت را به باد می برد، اسرائیل سلطنت را می برد.<sup>۷۹</sup>

در سراسر این سخن کلمه ای از اراده و حاکمیت مردم وجود ندارد و بعکس در ابتدای سخنرانی اش ضمن بیان نتایج زیانبار سلطنت پهلوی، حکومت شاه را با توجه به واقعه فضیه با حکومت بنی امیه مقایسه می کند. در همه جا این خمینی است که در بالای کرسی ولایت قدرت نشسته و موعظه و درس اخلاق می دهد و بنا به جهت وزش باد سیاست، تلگرافهایی با محمد رضا شاه رد و بدل می کند.

---

۷۹ - بازخوانی سخنرانی تاریخی خمینی در آستانه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به نقل از پرتال او و در عاشورای سال ۱۳۴۲ چه گذشت؟ مرکز اسناد انقلاب اسلامی و در نظرپور، زمینه های قیام پانزده خرداد، ص ۱۱۴-۹۳

## تلگراف روح الله خمینی به محمد رضا شاه در اعتراض به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی مهر ماه ۱۳۴۱



منبع: صحیفه نور، جلد اول صفحه ۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلی حضرت همایونی

پس از اهدای تحیت و دعا، به طوری که در روزنامه ها منتشر است، دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی، «اسلام» را در رای دهندگان و منتخبین شرط نکرده؛ و به زنهاحق رای داده است. و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است. بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است. مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگویی ملت مسلمان شود.

الداعی روح الله الموسوی

اسدالله علم، پیگیری اعتراضات را بر عهده گرفت و این مخالفت‌ها را اقدامی ارتجاعی دانست. خمینی با ارسال تلگرام‌های دیگری خطاب به محمد رضا شاه و اسدالله علم نوشت: ورود زن‌ها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکم اسلام است و تشخیص آن، به نص قانون اساسی، محول به علمای اعلام و مراجع فتوا و اگذار شده است، و برای دیگران حق دخالت نیست...

تلگراف روح الله خمینی به محمد رضا شاه و اسدالله علم آبان ماه ۱۳۴۱



منبع: صحیفه نور، جلد اول صفحه ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

تلگراف مبنی بر آنکه اعلیحضرت پیش از هر کس در حفظ شعائر مذهبی کوشا هستند، و تلگراف اینجانب را برای دولت ارسال داشتند، و توفیق اینجانب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام خواستار شدند، موجب تشکر گردید. البته ملت مسلمان ایران از اعلیحضرت همین انتظار را دارند. فرموده اعلیحضرت موافق است با آنچه از پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - به ما رسیده إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمَ عِلْمَهُ؛ فَمَنْ كَم يَفْعَل. فَعَلَيْهِ كَعْنَهُ اللهُ. البته شغل روحانی، ارشاد و هدایت ملت است.

مع الأسف با آنکه به آقای اسدالله اعلم در این بدعتی که می‌خواهد در اسلام بگذارد تنبه دادم و مفاسدش را گوشزد کردم، ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند، و نه امر ملوکانه را اطاعت کردند، و نه به نصیحت علمای اسلام توجه نمودند؛ و نه به خواست ملت مسلمان - که طومارها و تلگرافات و مکاتیب بسیار آنها از اقطار کشور نزد اینجانب و علمای اعلام قم و تهران موجود است - وقعی گذاشتند، و نه به اجتماعات انبوه قم و تهران و سایر شهرستان‌ها و ارشاد مفید خطبای اسلام احترامی قائل شدند.

آقای اعلم از نشر افکار عمومی در مطبوعات و انعکاس تلگرافات مسلمین و اظهار تظلم آنها به اعلیحضرت و علمای ملت جلوگیری کرده و می‌کند؛ و برخلاف قانون اساسی مطبوعات کشور را مختق کرده؛ و به وسیله مأمورین در اطراف مملکت، ملت مسلمان را که می‌خواهند عرض حال خود را به اعلیحضرت و علمای ملت برسانند ارباب و تهدید می‌کند. آقای اعلم تخلف خود را از قانون اسلام و قانون اساسی اعلام و برملا نموده. آقای اسدالله اعلم گمان کرده با تبدیل کردن قسم به قرآن مجید به « کتاب آسمانی » ممکن است قرآن کریم را از رسمیت انداخت؛ و اوستا و انجیل و بعض کتب ضاله را قرین آن یا به جای آن قرار داد. این شخص تخلف از قانون اساسی را به بهانه الزامات بین‌المللی شعار خود دانسته؛ با آنکه الزامات بین‌المللی مربوط به مذهب و قانون اساسی نیست. تشبیه الزامات بین‌المللی برای سرکوبی قرآن کریم و اسلام و قانون اساسی و ملت، جرم بزرگ و « ذَنْبٌ لَا يُعْفَرُ » است.

اینجانب، به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام، اعلیحضرت را متوجه می‌کنم به اینکه اطمینان نفرمایید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه‌زادی می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن اساسی ملیت و سلطنت است، با تصویب‌نامه‌های خائنانه و غلط از اعتبار بیدارند تا نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند. انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید، آقای اعلم را ملزم فرمایید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند، و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده، استغفار نماید و الا ناگزیریم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهم. از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مستلت می‌نمایم.

روح‌الله الموسوی الخمینی

### تلگراف روح الله خمینی به اسدالله علم آبان ماه ۱۳۴۱



منبع: صحیفه نور، جلد اول، صفحه ۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران - جناب آقای اسدالله اعلم

عطف به تلگراف سابق اشعار می‌دارد، معلوم می‌شود شما بنا ندارید به نصیحت علمای اسلام که ناصح ملت و مشفق امتند، توجه کنید؛ و گمان کردید ممکن است در مقابل قرآن کریم و قانون اساسی و احساسات عمومی قیام کرد. علمای اعلام قم و نجف اشرف و سایر بلاد تذکر دادند که تصویب‌نامه غیرقانونی شما برخلاف شریعت اسلام، و برخلاف قانون اساسی و قوانین مجلس است.

اگر گمان کردید می‌شود با زور چند روزه قرآن کریم را در عرض «اوستا» ی زرتشت، «انجیل» و بعض کتب ضاله قرار داد، و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم، تنها کتاب بزرگ آسمانی چند صد میلیون مسلم جهان، افتاده‌اید و کهنه پرستی را می‌خواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید. اگر گمان کردید با تصویب‌نامه غلط و مخالف قانون اساسی می‌شود پایه‌های قانون اساسی را که ضامن ملیت و استقلال مملکت است، سست کرد و راه را برای دشمنان خائن به اسلام و ایران باز کرد، بسیار در خطا هستید.

اینجانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ والا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمينی

## اقامت در بورسا و در نجف

آن چه سبب شد که خمینی از سایر روحانیون پیشی بگیرد، اعتراضهایش به رژیم شاه در سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ و تبعیدش از تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۳ تا ۱۳ شهریور ۱۳۴۴ شمسی به مدت ۱۱ ماه در شهر بورسای ترکیه بود که در تاریخ شهریور ۱۳۴۴ مجبور شد ترکیه را ترک کند. در حدود یکسالگی که خمینی در ترکیه اقامت داشت، از وی حتی یک سطر پیام و موضعگیری علیه رژیم شاه ثبت نشده است. وی در سالهای ۴۴ و ۴۵ یک سخنرانی سیاسی داشت که در آن بدون کمترین ابراز مخالفتی با شاه، به موعظه برای رؤسای دول اسلامی پرداخت که «بر سلاطین اسلام، بر رؤسای جمهور اسلام تکلیف است که دست برادری بدهند و حدود و ثغورشان را حفظ کنند.» در سالهای بعد نیز اساساً به درس و بحث حوزه مشغول بود.

در آبان سال ۱۳۵۶، شاه در بازگشت از آمریکا، بر سیاست جدید و استمرار فضای باز سیاسی تأکید کرد، دو ماه بعد، خمینی ملایان را به استفاده از فرجه ای که پیدا شده، فراخواند و گفت: «این فرصت را غنیمت بشمارند آقایان. بنویسند، اعتراض کنند الان نویسنده های احزاب دارند می نویسند، امضا می کنند، اشکال می کنند، شما هم بنویسید امروز روزی است که باید گفت و پیش برد و من خوف آن دارم که خدای نخواسته این فرجه از دست برود.»<sup>۸۰</sup>

کمی بعد مقاله ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در ۱۷ دی ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات منتشر شد، مقاله بنا به دستور شاه و به وسیله وزیر دربار، هویدا، و تیم مطبوعاتی او تهیه شده بود و سپس وزیر اطلاعات و جهانگردی کابینه آموزگار، داریوش همایون، آن را در روزنامه ی اطلاعات درج نمود که با موجی از ناآرامیها و تظاهراتها در میان مردم و طلاب قم روبرو شد. این ماجرا، سرآغاز تظاهراتی

بود که برای پاسداشت یاد و خاطره شهدا، از سوی مردم، هر چهل روز یکبار اتفاق میافتاد.<sup>۸۱</sup>

فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، می نویسد براساس تئوری تحول انقلابی چالمرز جانسون ارزیابی این مقاله را به عنوان عامل شتابزا در انقلاب اسلامی ایران تعبیر می‌کند.<sup>۸۲</sup> فردای انتشار مقاله جو حوزه علمی قم متشنج شد و کلاس‌های درس به تعطیلی کشیده شد، هواداران خمینی به دفتر حزب رستاخیز، دفتر روزنامه اطلاعات و روزنامه فروشی‌ها حمله کردند، با دخالت نیروهای دولتی خشونت بالا گرفت و در تیراندازی نیروهای نظامی ۶ نفر کشته شدند.<sup>۸۳</sup>

خمینی پس از حدود یک‌سال اقامت در ترکیه، در مهر سال ۱۳۴۴ از ترکیه به عراق فرستاده شد او در نجف در خانه‌ای در یکی از کوچه‌های قدیمی این شهر اقامت گزید. محمد حسن رحیمیان از همراهان خمینی در نجف در باره زندگی او می‌گوید: خمینی در طول ۱۴ سالی که در نجف اقامت داشتند، هر شب ۳ ساعت بعد از غروب آفتاب در تمام فصول سال، به زیارت مرقد امام علی از منزل خارج می‌شد، در طول این سالها در نجف، جز در مواردی نادر شبهایی نیز به کربلا می‌رفت.<sup>۸۴</sup> قابل توجه است که خمینی به‌رغم زیارت‌های روتینگونه‌اش در نجف که در تمام طول اقامتش در عراق ترک نمی‌شد، در دوره ۱۰ ساله حاکمیتش در ایران یکبار هم حاضر به زیارت مرقد امام هشتم نشد.

۸۱ - «معمای رشیدی مطلق؛ نویسنده واقعی مقاله جنجالی کیست؟» هوشنگ نهاوندی می نویسد این مقاله به پیشنهاد امیرعباس هویدا و موافقت شاه در پاسخ به سخنرانی‌های روح‌الله خمینی که به صورت نوار کاست در کشور منتشر می‌شد نوشته شد. (امید ایران، ۱۸ بهمن ۱۳۹۲).

۸۲ - فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، سال دوم، شماره ۶، پیاپی ۳۶، پائیز ۱۳۹۲

۸۳ - بی بی سی فارسی، مارهای افسرده، مخاطب هشدار هاشمی رفسنجانی کیست؟ ۱۹ دی ۱۳۸۹

۸۴ - مجله پاسدار اسلام، شماره ۹۷، دیماه ۱۳۶۸

خمینی در سال‌های اقامت خود در نجف، تماس‌ها و ملاقات‌های متعددی با مقامات عراقی داشت و کمک‌ها و تسهیلاتی نیز دریافت می‌کرد. دولت عراق یک برنامه رادیویی در اختیار خمینی قرار داده بود که توسط محمود دعایی اداره می‌شد. دعایی در این باره می‌گوید: زمینه برای فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم شاه، از جمله بهره گرفتن از رادیو مناسب بود. در همین راستا حاج آقا مصطفی خمینی به من فرمودند: به ما پیشنهاد شده است که اگر بخواهید، می‌توانید برخی از پیام‌ها و مطالب خود را به وسیله رادیو منتشر کنید. اگر برای شما ممکن است، این کار را بپذیرید. دعایی می‌گوید: من نیز پذیرفتم و برنامه‌ای را تحت عنوان «نهضت روحانیت در ایران» شروع کردیم. در ابتدا ربع ساعت تا نیم ساعت از رادیو بغداد در اختیار برنامه‌های ما بود و بعد موج مستقلی گرفتیم، زمان این برنامه به چهل و پنج دقیقه در روز رسید، این فعالیت رادیویی هفت سال به درازا کشید.

یکی از کسانی که در سال‌های بعد به نجف رفته و با خمینی دیدارهای متعددی داشته، در کتابی به نام «در پس پرده تزویر و ریا» شرح می‌دهد که در ملاقات‌هایش کراراً به خمینی اصرار می‌کرده که اعلامیه‌ای علیه رژیم شاه صادر کند، اما خمینی استنکاف می‌کند. او می‌نویسد: من راجع به اعلامیه دادن علیه رژیم شاه اصرار کردم و گفتم: «زندانی‌ها زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها هستند. فشار زیاد است و زمینه مساعد است و سطح آگاهی مردم هم بالا رفته است و با گذشته‌ها قابل مقایسه نیست. باید حرکت کرد». باز هم اصرار کردم که اعلامیه‌ای بدهید. بعد از صحبت‌های بسیار خمینی فقط گفت: «زمینه ندارد». و حاضر نشد اعلامیه بدهد. او حاضر نبود حرکت فعالی قبل از مردم داشته باشد.<sup>۸۵</sup> در همین رابطه کتاب کوثر می‌نویسد: «خمینی در غربت تنهایی در نجف، در حالی که بسیاری از یارانش در زندان و تبعید به سر می‌بردند، آمادگی سخن گفتن از مبارزه و

۸۵ - حسین اخوان توحیدی، در پس پرده تزویر و ریا (صعود و سقوط خمینی)، خاطرات، انتشارات بهمن،

قیام را نداشت. فضایی که دخالت در سیاست را دون شأن روحانی می دانست و جز فقه و اصول، بحث‌های دیگر را بی‌مورد و مطرود می‌شمرد.<sup>۸۶</sup>

در ازای این روش سازشکارانه، رژیم شاه نیز اگرچه خمینی را تبعید کرده بود، اما به او سخت نمی‌گرفت و برایش آزادی عمل کافی قائل بود. فی‌المثل در تمام این سال‌ها، در خانه خمینی در قم باز بود و از آن‌جا شهریه<sup>۸۷</sup> طلاب او پرداخت می‌شد. شیخ علی‌اکبر اسلامی، نماینده خمینی در قم و حسن صانعی، مسئول امور مالی دفتر او بودند.<sup>۸۷</sup> علاوه بر این سازمان اوقاف رژیم شاه، سفرهای هفت‌روزه‌ای ترتیب می‌داد که عوامل خمینی آزادانه به نجف رفت و آمد و با او ملاقات می‌کردند.<sup>۸۸</sup>

## اقامت در فرانسه

به دنبال منع دولت کویت از ورود خمینی در تاریخ ۱۲/۷/۱۳۵۷ خمینی تصمیم گرفت به پاریس مهاجرت کند. ایشان در روز ۱۴ مهر ۱۳۵۷ با چند نفر از همراهانشان و سه مأمور امنیتی عراق از بغداد به سوی فرانسه حرکت کرد و در ساعت ۱۴:۲۰ به وقت محلی، در فرودگاه اورلی پاریس فرود آمد.

خمینی در بدو ورود به فرانسه، چند روزی در منطقه کُشان پاریس اقامت داشت. سپس به ویلایی در حومه جنوب پاریس در نوفل لوشاتو نقل مکان کرد. خمینی بیش از هر چیز به دنبال مطرح شدن در وسائل ارتباط جمعی و زد و بندهای سیاسی بود. به طوری که در مدت ۴ ماهی که در پاریس بود، دستکم ۱۱۳ مصاحبه با رسانه‌های خبری مختلف داشت. او با علاقه وافری فعالیت‌های سیاسی را دنبال می‌کرد. وقتی از تلویزیون سی بی اس آمریکا به نوفل لوشاتو آمده بودند و مستقیماً مصاحبه و برنامه روزمره نوفل لوشاتو

۸۶ - کتاب کوثر، نشر موسسه تنظیم آثار خمینی، تهران، ج ۱، ص ۲۱۷

۸۷ - همان کوثر، ص ۲۲۱

۸۸ - همان «پا به پای آفتاب»، ج ۴، ص ۶۵

را پخش میکردند، مسئول پخش برنامه گفته بود: هر وقت من گفتم، آن وقت خمینی از خانه خارج شود. اما خمینی از مدتی قبل پشت در ایستاده بود تا به او بگویند وارد شود.<sup>۸۹</sup> اقامت کوتاه خمینی در پاریس، سر فصلی معمایی و پر حرف و حدیث ترین فصل انقلاب ایران پیش از پیروزی آن در بهمن سال ۱۳۵۷ به شمار می‌رود. با وجود صدها کتاب و هزاران مقاله‌ای که تاکنون در این زمینه از سوی طرفدارانش منتشر شده، بخش‌هایی از این دوران حساس تاریخ، همچنان در هاله‌ای از ابهام مانده است. عباس قره باغی در خاطراتش می‌نویسد: من از حُسن ظنِ سفیر فرانسه تشکر نمودم و به محض خداحافظی از ایشان، تلفنی کسب اجازه کرده به حضور اعلیحضرت رسیده و جریان مذاکرات با سفیر فرانسه را به عرض رساندم، ایشان فرمودند: «بله صحیح است. دولت فرانسه نظر ما را خواست. موافقت کردیم که به وی (خمینی) اجازه اقامت در فرانسه داده شود.»<sup>۹۰</sup>

خمینی با شروع زد و بندهای پشت پرده در پاریس، به دنبال این بود که از طریق مذاکره و توافق با سران ارتش شاه و دولت آمریکا به قدرت برسد و این زد و بندها را از طریق عواملش در تهران با سفارت آمریکا هماهنگ می‌کرد. در این زمینه سولیوان، سفیر آمریکا در تهران، در کتابش، یکسان بودن نتایج گفتگوهای پاریس را با «نتایجی که در تهران به دست آورده بود» مورد تأکید قرار می‌دهد. بر همین اساس وی پیش‌بینی می‌کند که «نخستین دولت بعد از انقلاب، به ریاست مهدی بازرگان» تشکیل خواهد شد. نوفل لوشاتو برای خمینی محل مطلوبی برای بند و بستهای پشت پرده بود. در آنجا او پیامهای اطمینان بخش خود را به گوش سران قدرتهای بزرگ غرب که در گوادلوپ گرد آمده بودند رساند و شروط آمریکا را از زبان نمایندگان اعزامی جیمی کارتر شنید، پیامی که علاوه بر منافع راهبردی غرب در برکناری شاه و جانشین ساختن نظام سلطنتی

۸۹- کتاب «طیعة انقلاب اسلامی» مصاحبه های خمینی، ناشر: مرکز نشر دانشگاهی ص ۲۰

۹۰- قره باغی، «اعترافات ژنرال»، کتاب خاطرات ارتشبد قره باغی، نشر نی، ص ۳۲

ایران با حکومت اسلامی، پیش درآمد افراط‌گرایی اسلامی در جهان شد و تصفیه حساب‌های شخصی مابین رهبران غرب با شاه، از جمله ژیسکار دستن رئیس‌جمهور وقت فرانسه را نیز نباید از نظر دور دانست.

این پیامها به وسیله صادق قطب زاده به رئیس‌جمهور فرانسه و از طریق او به سران آمریکا و انگلیس و آلمان می‌رسید. ابراهیم یزدی که در آن روزها از نزدیکترین همراهان خمینی بود، در کتابش در این باره می‌نویسد: یک هفته قبل از کنفرانس (گوادالوپ) وزارت خارجه فرانسه با صادق قطب زاده تماس می‌گیرد. فرانسویها از قطب زاده خواستند برای آنها روشن کند که در صورت پیروزی خمینی، چه نوع سیاستهایی از جانب خمینی اتخاذ خواهد شد؟ قطب زاده در زمان بسیار کوتاه و با سرعت بی سابقه ای تحلیلی تهیه و برای وزارت امور خارجه فرانسه فرستاد. کمی بعد از سفر رئیس‌جمهور فرانسه به گوادالوپ، خمینی از قطب زاده می‌خواهد تحقیق کند آیا رئیس‌جمهور فرانسه مسأله ایران را در کنفرانس مطرح خواهد کرد و آیا تحلیل قطب زاده به رئیس‌جمهور داده شده است؟ در ظرف چند ساعت، قطب زاده تماس گرفت و به او پاسخ داد: «بله، رئیس‌جمهور مسأله ایران را در کنفرانس مطرح خواهد کرد».<sup>۹۱</sup>

## بازگشت به ایران

پس از یک اقامت چهار ماهه در فرانسه، روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ خمینی با کوله باری از حرف‌های قشنگ که خواسته مردم در شعارهای اصلی شان بود با هواپیمای ایر فرانس وارد تهران شد. ده روز قبل از پیروزی انقلاب، در گورستان بهشت زهرا ضمن آن حرفهای فریبنده پاریس خود گفت: «... دلخوش نباشید که فقط مسکن و آب و برق

۹۱ - ابراهیم یزدی، کتاب «آخرین تلاشها در آخرین روزها»، شرکت انتشارات قلم، ص ۹۷ و ۹۸ و کتاب

«در پس پرده تزویر و ریا»، ص ۳۹

را مجانی می‌کنیم و ... ما علاوه بر این که زندگی مادی شما را مرفه می‌کنیم، زندگی معنوی شما را هم مرفه می‌کنیم و ...»

خمینی هر زمان فرصت بدست می‌آورد، سعی می‌کرد گام بگام هدفی را که در سر داشت به عمل درآورد، او حکومت اسلامی «ولایت مطلقه فقیه» را که از سالهای ۴۷-۴۸ شمسی با طرح درس «ولایت فقیه» سعی کرده بود آن را تئوریزه کند از بدو ورود به ایران به اجرا گذاشت. حمید روحانی از دستیارانش در عراق می‌نویسد: آقای خمینی از هر گونه حرکت و عمل حساب نشده و صرفاً احساساتی خود داری می‌ورزید و حتی با رهبری مراجع تقلید زمان همراه نبود و وارد نمی‌شد ... مرحوم آیت‌الله کاشانی تاحدی خمینی را درک کرده بود و از افکار و نیات و روحیه او آگاهی داشته، نقل می‌کنند، در محفلی کاشانی اظهار نظر کرده: «تنها کسی که بعد از من امید است و به درد ملت ایران بخورد آقای خمینی است.»

خمینی هرگز مقاصد خود را پنهان نمی‌کرد و همواره خواستار حکومت ولایت مطلقه فقیه بود، تزی که سالها پیش نیز در کتاب «حکومت اسلامی» اش مطرح کرده بود. او پیوسته تلاش می‌کرد تا پرچم به خاک افتاده شیخ فضل‌الله نوری را بردارد تا انتقام مشروعه را از مشروطه خواهان بگیرد.

حاصل زدوبندهای پشت پرده خمینی در پاریس، در بازگشت به ایران آشکار شد، در اولین جلسه بعد از انتصاب آقای بازرگان به نخست‌وزیری، سپهد بدره ای اظهار داشت «امروز صبح رئیس سیا در ایران آمده بود به دفترم و به من پیشنهاد می‌کرد که خوب است آقای خمینی را ملاقات بکنید! سؤال کردم آیا شما با ایشان آشنایی قبلی داشتید؟ جواب داد: «بلی در گذشته تماسهایی داشتم و گاهی هم ملاقات می‌کردم». سؤال کردم چه جواب دادید؟ اظهار داشت: «من چیزی نگفتم و گذاشتم که در این جا مطرح کنم تا ببینم چه بکنم»؟

به این ترتیب رئیس سیا در ایران از طریق فرمانده نیروی زمینی ارتش شاه، یک ارتباط جداگانه را با شخص خمینی پیگیری می کرد. آخوندهای نزدیک به خمینی، مانند بهشتی، موسوی اردبیلی هم البته تماسهای خود را داشته اند.

خمینی ولایت فقیه را از امور اعتباری عقلایی می دانست و می گفت: «واقعیتی جز جعل ولایت، قیم برای صغار وجود ندارد»، قیم بر ملت با قیم بر صغار از لحاظ وظیفه هیچ فرقی با یکدیگر ندارد. او با فرض اینکه حکومت از احکام اولیه دین است، چنان اختیاری برای آن قائل و مدعی بود که: «حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه آن را لغو کند.» از این بیشتر او می نویسد: در حکومت اسلامی هیچکس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع نمی تواند به مورد اجرا گذاشته شود.<sup>۹۲</sup>

خمینی از جمهوری اسلامی ملقمه ای ساخت که هم از پدیده های سنتی وهم از مظاهر مدرن در رژیمش بهره گرفت: هم از رئیس جمهوری که منتخب خودش بود و هم از ولی فقیه که در حقیقت خلافتش را نمودار می ساخت.

## ارتجاع خمینی

این مطالعه لازم می بیند به عارضه بنیادگرایی که در مسیر نسل کشی ولایت مطلقه نقش مهمی داشت نگاه کند و برای این پرسش پاسخی بیابد: کدام دگرگونی اجتماعی موجب پیدایش پدیده بنیادگرایی می شود و کدام بخش از جامعه بسوی بنیادگرایی دینی گرایش پیدا می کند؟

۹۲ - روح الله خمینی، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، ناشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۵۳

تحقیقات انجام شده در علم اقتصاد و سرمایه داری تایید می کند که تا زمانی که ثروت های جهانی بین کشورهای پیشرفته و صنعتی و کشورهای عقب مانده ناعادلانه تقسیم بشود، باید پذیرفت که بنیاد گرایی در کشورهای در حال رشد می تواند به رشد خود ادامه دهد و تحت شرایط ویژه ای حتی به قدرت سیاسی نیز دست یابد. یک انسان هندی در سال با ۳۰۰ دلار زندگی کند در حالیکه یک امریکایی با ۸۲ برابر این فرد هندی زندگی کند؟

از این رو است که تمایل مردم کشور های قربانی بنیاد گرایی، چه بنیاد گرایی دینی یا بنیاد گرایی مدعی خرد گرایی، عکس العملی است انتقام جویانه در برابر وضعیتی که این تعادل قوای نا برابر و مخرب که از سوی مافیای فریب و قدرت ایجاد شده است، در برابر چنین بی عدالتی و بی رحمی ظالمانه، باز گشت به گذشته تاریخ و اصرار بر آداب و رسوم سنتی که در خود ارزش های کهن را متبلور می بیند، توجیه پذیر و به تنها سلاح برای حفظ هویت قومی، ملی و مذهبی بدل می گردد.

در شیوه نگرش جهان پیشرفته و پدیده بنیاد گرایی در کشورهای عقب مانده هیچ تفاوت بنیادی وجود ندارد، هر چند یکی مدعی خرد گرایی و دیگری بر تعصبات مذهبی تکیه دارد. هر دو شیوه نگرش، برای خود سرنوشتی جهانشمول قائل هستند و هر دو می کوشند با بکار گیری قهر، خود را بر جامعه و بر نیروهای مخالف خود تحمیل کنند، چون عامل قهر ابزار مشروعیت اجتماعی سیاسی برای حاملین اجتماعی هر دو نگرش است. یکی برای آنکه بتواند از حال به آینده دست یابد و دیگری برای آنکه بتواند گذشته را به حال برگرداند.

در ارتباط با بنیاد گرایی دینی روچیلد می نویسد: پیامبرانی که خود را فرستاده خدا می نامند، دینی را به مردم ارائه می دهند که اراده خدا را بر روی زمین منعکس می کند

و در نتیجه دارای جوهری جهانشمول و احکامی ابدی دارند و سر پیچی از اراده خدا بر اساس باورهای دینی کفر محض تلقی می شود و جزایش آتش دوزخ است.<sup>۹۳</sup>

رهبران بنیاد گرای دینی با ادعای نمایندگی از خدا و پیامبران می کوشند به توده هایی که از آنها پیروی می کنند خود را بعنوان یگانه مفسر واقعی احکام الهی معرفی و از مریدان خود، پیروی کور کورانه ای را خواستار می شوند و می خواهند چرخ تاریخ را به گذشته بر گردانند. اگر بتوان تعریفی از بنیاد گرایی دینی ارائه داد، باید گفت که جهت فکری بنیاد گرایی دینی، مسیری بسوی گذشته دارد. بنیاد گرایان دینی می خواهند بر اساس تعالیم «الهی» که از گذشته به ارث می برند انسان کنونی را بسوی سعادت و رستگاری رهنمون شوند. بهمین دلیل می توان گفت: «بنیاد گرایی نوعی اتوپی گذشته گرایانه است، یعنی سعادت و رستگاری انسان معاصر تنها از طریق تحقق مدینه فاضله ای که انسان اعصار گذشته خلق کرده است، می تواند تحقق یابد.»<sup>۹۴</sup>

نمونه بارز بنیاد گرایی، ارتجاع سیاه خمینی بود که او احادیثی را از پیامبر و ائمه نقل می کنند و به آن احادیث استناد می کند که در آنها از علما به عنوان «وارثان پیامبران» (العلماء ورثه الأنبياء) به زعم ایشان «سنگرهای اسلام» و «معتمدان ملائکه» نام برده شده است. ایشان همچنین به آیه مشهور از قرآن<sup>۹۵</sup> استشهاد می کند که به مسلمانان فرمان می دهد: «از خداوند و رسول اکرم و اولی الامر اطاعت کنید». خمینی بالأخره به دو حدیث مشهور به روایت عمر بن حنظله و روایت ابی خدیجه از امام صادق ارجاع می دهد که شیعیان را از مراجعه و تظلم نزد حاکمان جور منع کرده است.<sup>۹۶</sup> نتیجه ای

93 - Rothschild, *Neue Wege - Neue Welt*, Einwand-frei Broché, 1988, p. 143.

۹۴ - منوچهر صالحی. پدیده شناسی بنیاد گرایی، انتشارات سنبله، ۱۳۷۸، ص ۳۱

۹۵ - سوره نساء، آیه ۵۹

۹۶ - ولایت فقیه، ص ۳۴۷

که خمینی از همه این منابع استنباط و استخراج می کند، این است که امتیازی انحصاری از آن دریافت می کند که همه مسئولیتها و اختیاراتی که پیامبر داشته پس از غیبت امام دوازدهم به علما واگذار و به آنها منتقل شده است.<sup>۹۷</sup>

خمینی ادعای ولی فقیه خود را در عمل به سنت پیامبر منتسب می کند و می گوید: «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم بیشتر از حضرت امیر بود یا اختیارات حکومتی حضرت علی بیش از فقیه است، باطل و غلط است.» «حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله و یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام: نماز، روزه، حج و ... می باشد.»<sup>۹۸</sup>

با این ادعا معلوم می شود خمینی پیام امام زمان را نخوانده یا خوانده و خود را به جهالت زده و داستان ابو جعفر شلمغانی، شریعی نمیری، هلالی و بلالی که مورد لعنت امام زمان قرار گرفتند را از یاد برده است. کیست که نقل از علی بن محمد سمری نایب چهارم، آخرین نایب امام زمان را نخوانده باشد، نقل قولی که می گوید: «با ازدنیا رفتن تو ای علی بن محمد سمری، نیابت خاصه تمام شد و غیبت کبری آغاز شد و دیگر بعد از این، اگر کسی مدعی دیدار و نیابت از طرف من باشد، دروغ گو و مفتری معرفی خواهد شد.»<sup>۹۹</sup>

خمینی در انتقاد به اصرار بعضی به ظواهر عبادی و دینی که مانع از سیاسی شدن رهبری دینی شده، می گوید: «ما مکلف هستیم اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات و مهم است. حتی از نماز و روزه واجب تر است.»<sup>۱۰۰</sup> ایشان عامدانه از شریح قاضی، قاضی القضاة کوفه در حوزه خلفای راشدین (۱۶۶ - ۲۳۶ هجری) بحث و شریح قاضی را

۹۷ - ولایت فقیه، ص ۱۶۰ به بعد

۹۸ - ولایت فقیه، ص ۴۰

۹۹ - الطوسی، الغیبه، ص ۳۰۷

۱۰۰ - ولایت فقیه، ص ۸۷ مقایسه کنید با ص ۴۷۱

به عنوان «آخوند» قشری و متحجر اطلاق می کند که باعث شده علمای دینی را از مداخله در امور دنیا و تنظیم جامعه مسلمانان برکنار کنند یا آلت دست حاکمان قرار گیرند.<sup>۱۰۱</sup>

خمینی مدعی بود که: «مردم ناقص و ناکامل اند و نیازمند کمالند، پس به حاکمی که قیم امین و صالح باشد احتیاج دارند، یعنی نیازمند ولایت فقیه اند»<sup>۱۰۲</sup> خمینی می نویسد: «ولایت فقیه وظیفه ای جز قرار دادن و تعیین قیم برای صغار ندارد»<sup>۱۰۳</sup>

ولایت مطلقه فقیه خمینی پدیده ای بود که دو قرن پیش از او توسط ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ هجری) و بعد از او شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۸۸ هجری)، فقیه شیعی که ولایت مطلقه فقیه را به معنی کامل کلمه با استناد به آیات و احادیث ابداع و طراحی کردند.<sup>۱۰۴</sup>

خمینی اولین کسی بود که ولایت فقیه ملا احمد را به روز و آنرا به ولایت مطلقه فقیه تبدیل کرد و به بهره برداری سیاسی کامل رساند، او بر کاخ ولایت مطلقه نشست و با چماق احکام جزائی آن در ایران جنایتها و قتل عام بی سابقه ای را مرتکب شد، جنایتهایی که مصداق نسل کشی در این کشور را به خود گرفته است.

جعلی بنام ولایت مطلقه فقیه که خمینی را در شرایط خاصی فرصت طلبانه بر اریکه قدرت برد، اسب سرکش قدرت او افسار پاره کرد و بیرحمانه به جان و مال مردم محروم و حق طلب ایران انداخت، خمینی گستاخی را بجایی رساند که در نامه ای رسمی، مورخ ۱۶ دی ۱۳۶۶ خطاب به رئیس جمهور وقت خود، علی خامنه ای نوشت:

۱۰۱ - ولایت فقیه، ص ۳۲.

۱۰۲ - روح الله خمینی، حکومت اسلامی، بی نا، ص ۵۸

۱۰۳ - ولایت فقیه، ص ۴۱

۱۰۴ - ملا احمد نراقی، حدود ولایت حاکم اسلامی، ص ۱۷ - ۲۳

«... شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه‌ای که از جانب خدا به نبی اکرم (ص) واگذار شده و از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید و تعبیر به آنکه این جانب گفته‌ام حکومت در چهارچوب احکام الهی دارای اختیار است بکلی بر خلاف گفته‌های این جانب بود. اگر اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن، که هیچ کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد و .. و حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند».<sup>۱۰۵</sup>

آری، ولایت مطلقه فقیه خمینی همچون شب تاریکی بر سر آزادی انسانها در ایران فرود آمد، دینامیک خشونت در توسعه و گسترش سرکوب این بینش، خطرات بی‌پایانی را بر زندگی و کرامت انسانها در ایران به دنبال داشت. ستمگری و بینش ارتجاعی او راهی انحصاری را به قلمرو دین باز کرد که قدرت و زور را به عنوان زمینه‌ای برای تسلط خود به جامعه و به مردم تحمیل کرد.

خمینی با نوآوری ولایت مطلقه و با نگاهی ابزاری به دین، سلطه و قدرت خود را تحکیم و آزادی عقیده و باور دینی را کاملاً محدود کرد و در انحصار تفسیر یکطرفه از سوی حکومت قرار داد، ریشه‌های ترس و تردید و دشمنی انسانها را با خودشان پی ریزی و در باور های عمومی جامعه اختلافات عمیقی بوجود آورد، خمینی با نصیحت و توصیه

های فریبکارانه فتوای جاسوسی را در درون امن خانواده ها برد و مردم را از ابراز آزاد عقیده و زندگی عادی بازداشت، نه تنها در مذهب شیعه ایرانی بلکه در آزادی ادیان و مذاهب دیگر نیز محدودیت های گسترده ای را بوجود آورد و معتقدان و باورمندان ادیان مختلف را تحت فشار، تهدید و تضييع حقوق آنها قرار داد.

ویژگی انحصاری ولایت مطلقه فقیه، نظریه و دیدگاه او نسبت به زن بود، دیدگاه عقب مانده ای که از دوران سیاه تاریخ گذشته به ارث برده بود. زنان در رژیم فکری ولایت مطلقه همچون اساطیر تاریخ قدیم<sup>۱۰۶</sup>، به انسان هایی درجه دو تنزل داده شد و حقوق زنان را با احکام و قوانین عقب افتاده خود محدود و آزادی آنان را از آنها سلب کرد. تئوری ولایت مطلقه فقیه نظریه ی جدیدی است که نه تنها با شیعه و اسلام بدعت تازه ای براه انداخته بلکه بدعت و جنگی را با هر دین و مرام و تفکری آغاز کرده است، تئوری نوظهور ولایت مطلقه، توتالیتریسم قدرت را در خود تبیین و دینامیسمی با خود دارد که به جز منطق زور و سلطه، منطق دیگری را نمی پذیرد، نه تنها هیچ تفکری غیر از تئوری خود را بر نمی تابد بلکه می خواهد تفکر خود را به همه جای جهان صادر و تحمیل کند، با وجود تجربه شکست خورده چهل ساله اش، همواره در زور گوئی با چوب و چماق و اسلحه اصرار می ورزد. ولایت مطلقه فقیه را ابزاری برای قتل و کشتار کرده و پیوسته از این طریق، به یمن جهل مریدانش بر قتل و کشتار سماجت می ورزد. اگر به محتوای سیاسی این تئوری در روزهای اولیه ای که خمینی به کرسی قدرت دست یافت دقت کنیم، آشکارا می بینیم، همواره با فریب و سوء استفاده از عواطف و باور مذهبی مردم و با استراتژی مبهم او از «اسلام» اعمال قدرت نموده و هیچگاه تعریفی از آزادی و عدالت اجتماعی یا حقوق ذاتی انسانها ارائه نداده است.

۱۰۶ - ارسطو که با تعصبات روزگار خود بیشتر سازگار شده بود، زن را ناقص می دانست، او می گوید: «از آنجا که طبیعت از آفریدن مرد ناتوان بود، زن را می آفریند و زنان و بندگان، از روی طبیعت، محکوم به اسارتند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند.» و

(Mulder Dwayne, «Objectivity», Encyclopedia of Philosophy, pp. 9-10)

در یک کلام می‌توان گفت که ولایت مطلقه فقیه خمینی یک سوارکار نابخرد و تاریکی بود که به آزادی و حقوق انسانها و تنوع فکری اجتماعی آسیب‌های جدی وارد کرد، آسیب‌هایی که اصول عدالت و همزیستی انسانی را به خطر انداخته و روز به روز این خطر نگران‌کننده‌تر می‌شوند. زیرا در نگاه فراملی و فرامنطقه‌ای استبداد دینی ولایت مطلقه فقیه، یا ابر قدرت تاریکی و جهل، نه تنها ایران را نابود کرده، بلکه تهدیدی جدی برای صلح جهانی شده است. ولایت مطلقه فقیه در قلمرو سرزمینهای شیعی به‌خصوص در بسیاری از نقاط جهان، بستری را فراهم کرده که تعصب، جنگ و تعارضات مذهبی بشدت رشد یافته و تقویت شده است، تعارضاتی که زمینه حساسی را برای بروز تنش‌های بزرگ و جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده است. تشدید این نزاع‌ها باعث تحت تأثیر قرار گرفتن مردم عادی، تخریب اقتصاد، معیشت و از بین رفتن زندگی صلح‌آمیز منطقه‌ای و بومی مردم جهان شده است. حفظ صلح و آزادی منطقه‌ای و جهانی می‌طلبد که مصونیت این نظریه نو ظهور، به مصونیتی تاریکتر و پایدار تبدیل نشود و راه نجاتی برای جلوگیری از رشد این بنیاد گرایی مخرب بعمل آید.

## صدور انقلاب

نگاه فرا منطقه‌ای استبداد دینی ولایت مطلقه فقیه از بدو حاکمیت تحت عنوان صدور انقلاب با ابتکار خود خمینی آغاز شد. صدور انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های علنی جمهوری اسلامی در قالب حمایت از ملت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و به ویژه حرکت‌های اسلامی در سراسر جهان بود و به مثابه اندیشه و سیاستی فرامرزی، هدف مقدم جمهوری اسلامی گردید. این سیاست در سخنان خمینی جایگاه خاصی داشت، او همواره بر این نکته تاکید می‌ورزید که «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم را کنار بگذاریم».

خمینی گفت: «ما از اول گفتیم می خواهیم انقلابمان را به همه عالم صادر کنیم، ما اسلام را می خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که سوار طیاره شویم و بریزیم به ممالک دیگر، ما که می گوئیم انقلاب را می خواهیم صادر کنیم، می خواهیم همین معنویتی که پیدا شده در ایران، می خواهیم این را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکر کشی نیست، بلکه می خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز، وزارت امور خارجه است که باید مسائل ایران و اسلام و گرفتاری هایی که ایران از شرق و غرب داشته است، به دنیا برساند و به دنیا بگوید که می خواهیم این گونه عمل کنیم.»<sup>۱۰۷</sup>

از نگاه «ثوری قدرت ولایت مطلقه» خمینی تنها صدور انقلاب به قصد گسترش مرزهای ایران به کشورهای همسایه، به عراق نبود، بلکه هدف نهایی او «صدور انقلاب تا رفع فتنه در جهان» بود، روح الله خمینی با شعار صدور انقلاب تا رفع فتنه در جهان، پیوسته به دنبال آشوب در کشورهای همسایه بود.

## صدور انقلاب تا رفع فتنه در جهان

این شعار از جمله کلمات قصار خمینی بود که: «صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد. هیچ مسلمی نباید خیال کند که بین اسلام و غیر اسلام و مسلم و غیر مسلم باید صلح ایجاد بشود. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. مبارزه ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و امریکا نیست، بین اسلام است و کفر» «در جلوی دیدگانمان به اسارت هر گز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.» «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم.» «ما الآن برای دینمان داریم جنگ می کنیم، برای خاک جنگ نمی کنیم، جنگ ما جنگی است بین اسلام و کفر، نه جنگی است

مابین یک کشور و یک کشور. مابین اسلام و کفر است. امروز اگر ما عقب نشینی کنیم اسلام را شکست داده ایم. یعنی «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم».

خمینی با تمام تلاش و تبلیغ از طریق ایادی پیش برنده اهدافش سعی کرد این ایده را تبدیل به مصوبه ای از قانون اساسی جمهوری اسلامی بکند.

## تصویب صدور انقلاب در قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی می خوانیم: حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت. اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.<sup>۱۰۸</sup>

۱۰۸ - نگاه کنید به مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

## جمع‌بندی

احترام به منزلت و کرامت انسانها مقدمترین اصل اخلاق و رعایت آن وظیفه هر انسان است، دوستی یا دشمنی با این اصل نیز دامنه و تعاریف مطول خود را دارند که در این مطالعه مورد بحث ما نیست زیرا هدف اصلی و رشته کلام بحث ما، جستجوی منطق زوری است که در تئوری قدرت ولایت مطلقه فقیه نهفته است، از این رو در اینجا با اشاره ای کوتاه به زندگی سیاسی خمینی، به اصل موضوع بحث این مطالعه بر می‌گردیم. موضوعی که بیش از یک کلام نیست و آن کلام مشکلی است که در طول نزدیک به نیم قرن زندگی دو نسل انسان ایرانی را بیهوده تباہ کرد، حرث و نسل یک دوره تاریخی پر شکوه ایران را به جهنمی سیاه تبدیل نمود و نسلی را در دام فریبی انداخت که در تاریخ کهن خود ندیده بود.

خمینی تا آنجایی که به موضوع کسب علم دانش در حوزه های علمیه و دستگاه سنتی پر تناقض روحانیت بر می‌گردد، عارف که هیچ، بلکه می‌توانست صوفی و زاهد بزرگ تاریخ معاصر باشد، اما او تا پائیز سال ۱۳۵۶ و بعد از پیوستن محافظه کارترین جریانات سیاسی به جنبش مردم ایران، هنوز از خمینی و طرفدارانش خبری نبود، او در آن ایام در نجف درسکوت سیاسی به سر می‌برد، محافظه کاری خمینی و روحانیون حوزه در منافع طلبی خود پیش از آن بر همه شناخته شده بود. آنها عموماً وقتی دست به کار می‌شدند که خطرات احتمالی برایشان به حداقل رسیده باشد.

خمینی از تیزهوش ترین آخوندهای دوران خود بود، او در پی یک سکوت طولانی بعد از روضه های نصیحت گونه ارباب بر رعیت اش به شاه، از جمله روضه معروف او در روز عاشورای ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ شمسی، مناسبترین زمان برای ورود به سیاست را پس از بازگشت شاه از آمریکا و اعلام وفاداریش به رعایت حقوق بشر تشخیص داد. به همین جهت در اوایل آذر ۱۳۵۶ از نجف نامه ای خطاب به «آقایان علما» نوشت و مخفیانه به ایران فرستاد مبنی بر این که: «امروز در ایران فرجه‌یی پیدا شده و این فرجه را غنیمت بشمارید و... الان نویسنده‌های احزاب اشکال می‌کنند، اعتراض می‌کنند، نامه می‌نویسند

و امضا می‌کنند و...» پیش از آن خمینی چون سایر مراجع و طلبه‌های حوزه علمیه در سکوت فرو رفته بود، زیرا سکوت او در برابر رضاخان را باید نگاه می‌کردیم یا نامه‌های شدید و غلیظ و ایستادن او در برابر دادن حق رأی به زنان را، دیدار و تسامح او با محمد رضا شاه را باید نگاه می‌کردیم یا شعارهای تند و تیز و تو خالی ضد امپریالیستی او را؟

بازخوانی خلاصه زندگی سیاسی خمینی به ویژه وعده‌های فراوان و پر طمطراق او در پاریس خطاب به ایرانیان در جلوی چشم رسانه‌های بین‌المللی به مردم ایران و جهانیان نشان داد که او تسلیم آزادی خواهان شده و خواهان استقلال و آزادی بیان و آرمانهای تاریخی ایرانیان شده، او می‌گوید «... اولین چیزی که برای انسان هست آزادی بیان است ... حکومت اسلامی یک حکومت مبتنی بر عدل و دموکراسی است ... در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در بیان هرگونه عقیده ای که دارند هستند ... جامعه آینده ما جامعه آزادی خواهد بود. همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استعمار از میان خواهد رفت ... این که می‌گویند اگر اسلام پیدا شد زنان باید توی خانه بنشینند و قفل بر آن زد که دیگر بیرون نیایند تبلیغات است، زن و مرد همه آزادند که به دانشگاه بروند، رای بدهند، رای بگیرند ... اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است، بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است ... زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و پوشش خود آزادند، زنها می‌توانند رئیس جمهور بشوند و...»<sup>۱۰۹</sup>

خمینی با سوار شدن بر عواطف پاک یک ملت و با سوء استفاده از فرصت کاملاً استثنایی و بی سابقه ای که در تاریخ ایران پیدا شده بود، با تصاحب بر شبکه بزرگ مسجد و منبرهای سنتی شیعه در ایران و از همه مهمتر با بند و بستهای پشت پرده با همان امپریالیست جهانی، سوار بر اسب قدرت شد و همه آن وعده‌هایی که داده بود بر باد رفت. آنچه در تاریخ معاصر به ثبت رسیده و در سینه‌ها و اذهان مردم ایران نقش بسته این است که خمینی رهبری انقلاب را ربود، به امید و اعتماد و عاطفه‌های بی‌دریغ ملت ایران خیانت ورزید، آنچه را پیش از به قدرت رسیدن عهد کرده بود، نقض نمود، آزادی به دست آمده

از انقلاب را از جامعه سلب کرد، رژیم سرکوبگری را که هزاربار جنایتکارتر از رژیم شاه بود، بنیان گذاشت، به کشتار رشیدترین فرزندان مردم ایران مبادرت نمود، زندانیان سیاسی بی دفاع را قتل عام کرد، فتوای خون کشیدن از محکومان به اعدام، فتوای تجاوز به دختران قبل از اعدام و فتوای مباح بودن خون و جان و مال مجاهدین و مبارزین را صادر کرد. دانشگاه‌های ایران را تحت عنوان انقلاب فرهنگی سالها به تعطیلی کشاند و با جنگی خانمانسوز که خود زمینه‌چینی کرده بود و سالها بر ادامه آن اصرار می‌ورزید، یک میلیون کشته و یک و نیم میلیون معروح برجای گذاشت و خسارتهای جبران‌ناپذیری را به ایران وارد ساخت.

خمینی با ادعای دین و با خود کامگی کشوری را به ویرانی و نابودی و مردمی را به خاک و خون کشید و با برقراری استبداد دینی صدها هزارانسان را کشت و نابود کرد، سجاده تزویر و ریا گسترد، به نماز ایستاد، احرام از دنیا گریزی و اعتکاف بست، در عتبات متبرکه پیشانی سالوس برخاک مالید. سوختند، غارت کردند، گروگان گرفتند و همه را به پای دین و به حساب سالوس اعتقاد خود گذاشتند.

## فصل چهارم

### فرضیه

### ولایت مطلقه فقیه = «تئوری زور»

این بخش را برای پاسخ گرفتن به این پرسشها آغاز می‌کنیم: آیا تئوری نوظهور ولایت مطلقه فقیه خمینی یک تئوری قدرت (زور) نبود؟ آیا خمینی با پافشاری و دهها سال سرکوب برای پیاده کردن این تفکر در ایران و در سطح منطقه خیانت به نوع انسان و بشریت نکرد؟ آیا خمینی با ولایت مطلقه فقیه، وبا قتل عامهایی که انجام داد، این تئوری زور سر از نسل کشی بر نیاورده است؟

خمینی با اعدامها و جنایات فوق تصوری که در دوره کوتاه حکومتش مرتکب شد، تلاش کرد تأویل و تفسیر خود را بر ولایت مطلقه فقیه بر بخشی از جامعه ایرانی تحمیل کند، تئوری هدفمندی که به روشنی بیانگر سر به نیست کردن هر تفکری بر خلاف تفکر خودش بود، تئوری یا بلیه مخربیه که عنوان ولایت مطلقه فقیه داشت ولی در عمل کُشت و کشتار بود و حاصلی جز نسل کشی و جنایت بر علیه بشریت مفهوم دیگری نداشت؟

در جستجوی پاسخ به این پرسشها، همانگونه که دیدیم باید به نوشته‌ها و گفته‌های اصیل خود خمینی، پیش از انقلاب و بعد از انقلاب مراجعه کنیم. برای نخستین بار در سال ۱۳۵۵ شمسی با همسرم به سراغ نوشته‌ها و گفته‌های تاریخی جامعه روحانیت در ایران

به ویژه به سابقه و پیدایش مراجع تقلید شیعه رفتیم، کوششی عمیقاً تاریخی و مستند، به ویژه پژوهشی همراه با مطالعات اسناد تاریخی و دیدارهای میدانی، ملاقاتها و پرسش و پاسخ هایی از کلیه مراجع تقلید موجود در آن روزگار، از جمله سید محمد کاظم شریعتمداری، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی، محمد صدوقی، حسین راستی کاشانی، حسینعلی منتظری، احمدجنتی و ... تحقیقی در موضوع «نقش دستگاه روحانیت در سیاست» و در زندگی انسانها انجام شد، حاصل این تحقیق مجموعه ای تحت عنوان «تاریخچه روحانیت» آماده شد که متأسفانه در همان روزهای اولیه انقلاب بدست سازمان اطلاعات خمینی افتاد و به یغما رفت و لطمات جبران نا پذیری را به زندگی ما و به این پژوهش وارد کرد، اما این تجربه و تلاشهای عمیق تری بر روی آن، به روشنی برایمان آشکار ساخت که ثئوری ولایت مطلقه خمینی بوجود آورنده نوعی جباریت بود که منجر به مطلق گرایی می شود که در نتیجه آن حذف مخالفین این نظریه و قتل عام و کشتارهای کلان راه دیگری برای بقاء خود ندارد. در این بخش خلاصه ای و در فصلهای بعدی دقیقتر به این موضوع و ارتباط مستقیم آن با نسل کشی خواهیم پرداخت.

با شناخت نظرات خمینی و با تحقیق و نگاهی دقیق به نوشته ها و سخنان او در نخستین روزهای بعد از انقلاب کافی است تا نشان بدهد که خمینی نمی توانست دیگران را بدون خواست خودشان فریب بدهد، به عبارت دیگر فریب خورده همواره همکار و شریک جرم فریب دهنده است. در نگاهی به واژه ملی گرایی به زعم خمینی، او ملی گرایی را از ابتدا یک توطئه صهیونیستی خواند و گفت: «صهیونیست ها بین مسلمانان جدایی انداخته اند. جدایی بین مسلمینی که در حدود یک میلیارد در اطراف عالم منتشر هستند. تبلیغاتی کردند تا نگذارند وحدت کلمه ایجاد بشود.»<sup>۱۱۰</sup>

۱۱۰ - سخنرانی خمینی در جمع نمایندگان احزاب آزادیبخش، قم، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

خمینی برای پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه خود، جماعتی را فرصت طلبانه ابتدا به نام حزب خدا «حزب الله» و در گسترش آن بنام «بسیج» به جان و مال مردم انداخت و در گام بعد، به بهانه جنگ با عراق، دست به ایجاد یک ارگان نظامی رسمی سرکوب به نام «سپاه پاسداران» زد تا هر صدای مخالفی را به نام اسلام در گلو خفه کند. با جنگی خانمانسوز که خود او آن را زمینه سازی کرده بود و سالها بر ادامه آن اصرار می ورزید و پذیرای صلح نبود، بطوری که این جنگ بیش از یک میلیون کشته و بیش از یک و نیم میلیون مجروح و معلول برجای گذاشت و خسارتهای جبران ناپذیری به ایران و ایرانی وارد کرد. خمینی البته خیلی سریع پاسخ خود را از ملت گرفت، کسی که روزگاری او را در ماه می دیدند، با استبداد سیاهی که ساخت و آنرا نهادینه کرد، خود در عمق چاه قرون سقوط کرد و یکی از منفورترین نام در تاریخ ایران شد. ذیلاً نوشته ها، دستور العمل ها و صدور فرمانهای خمینی را پی می گیریم.

## ارتباط ولایت مطلقه فقیه با نسل کشی

### ولایت مطلقه فقیه مصداق شرک

غالب علماء و فقهای معروف، بنیانگذاران و اساتید معروف حوزه های علمیه و مراجع تقلید صاحب رساله عملیه، نظریه ولایت فقیه را شدیداً رد کرده و رأی به بطلان و بی اساس بودن آن داده اند. از جمله: شیخ مرتضی انصاری در کتاب مکاسب از کتب درسی حوزه های علمیه، در زمینه وظیفه علما به ویژه در ولایت برای تصرف اموال و آنفس مردم با خمینی اختلاف نظری جدی داشت. به خصوص در باب وظیفه فقیهان

نسبت به مقوله ولایت بسیار مخالف و مجادله داشت، او می گفت این وظیفه نیاز به تجدید نظر دارد.

اختلاف نظرهایی که شیخ انصاری با خمینی داشت در طبقه بندی از مفهوم ولایت است، ولایت یا تکوینی است یا اعتباری: ولایت تکوینی مقام والایی است که خاص پیامبر و امامان معصوم می باشد، در حالی که ولایت اعتباری تکلیف اجتماعی و سیاسی فقها برای «اداره و اجرای قوانین شرع مقدس»<sup>۱۱۱</sup>

آخوند محمد کاظم خراسانی، از فقهای بنام بعد از مشروطیت و صاحب کتاب «کفایه الاصول» که یکی دیگر از کتب درسی طلاب حوزه‌های علمیه است، رأی به بطلان این نظریه داده است. محمدحسین نائینی از مراجع بزرگ شیعه که صاحب کتاب «منیة الطالب» و کتاب فقهی سیاسی معروف «تنبيه الامم و تنزیه المله» می باشد، او اثبات آزادی و حاکمیت ملی، یا حکومت مشروطه در انطباق با شرع را نوشته است و نظریه ولایت فقیه را رد کرده است. فقهای بزرگ با استناد به قرآن، نه تنها منطقی نبودن ولایت فقیه را اثبات کرده، بلکه بی پایه بودن و مصداق شرک بودن آن را تأیید کرده اند. حسینعلی منتظری ولایت فقیه جامع الشرایط را تأیید می کند ولی ولایت مطلقه فقیه را از مصداق شرک می داند.<sup>۱۱۲</sup>

ولایت مطلقه فقیه از دید قرآن بی اساس و در حکم شرک است. واضعین و معتقدین به ولایت فقیه، چه ملا احمد نراقی و چه روح الله خمینی، هیچ گونه استناد قرآنی برای اثبات نظریه ولایت فقیه خود معرفی نکرده و سوره یا آیه‌ای در تأیید آن نیاورده‌اند. اگر چه بعد از انقلاب، بعضی از فرصت طلبان و متولیان قدرت سیاسی، در تبلیغات انحصاری

---

۱۱۱- این طبقه بندی سابقه ای طولانی دارد و به مکتب اشراق در فلسفه اسلامی برمیگردد که ایرانیان در آن نقشی خاص داشتند. فقها ولایت را دو نوع نامگذاری کرده اند: تکوینی و تشریحی. ولایت تکوینی مختص پیامبر است، اما ولایت تشریحی مربوط به فقهاست. (محمد مقیمی، ولایت از دیدگاه مرجعیت، تهران)

خود، آیاتی از قرآن را که ربطی به اصطلاح ولایت فقیه ندارد، جعل و به عنوان شاهد بر این مدعی آورده‌اند، اما با مراجعه به قرآن دیده می‌شود که قرآن نه تنها در هیچ یک از آیات اشاره و اجازه برای اطاعت و اعتقاد به ولایت فقیه و سرپرست گرفتن انسانها، اعم از پادشاهان، حکام، والیان، فقهاء و بزرگان دین و عرفا یا روحانیون را نداده، بلکه هر گونه شریک قائل شدن برای خدا در توجیه سلطنت، حکومت یا آمریت و ولایت فقیه را شرک دانسته و صریحاً چنین ادعایی را منع می‌نماید. استناد به آیه ۵۶ سوره نساء (مورد ادعای این حضرات) ربطی بر حاکمیت یا ولایت فقیه ندارد.<sup>۱۱۳</sup> این حضرات استناد به آیه ۵۶ سوره نساء می‌نمایند که اطاعت از خدا و رسول و از اولی الامر را به مؤمنین فرمان داده‌است. بنابر این:

اولاً دنباله آیه را که می‌نویسد: «اگر اختلاف و نزاع پیش آمد مراجعه به خدا (به محکومات قرآن) و به رسول (به سنت پیامبر) نمایید» عنایت نکرده و ثانیاً این فرض را که اگر قرار بر اطاعت مطلقه و بی‌چون و چرا از ولی امر یا ولی فقیه می‌بود، اصلاً امکان اختلاف و تنازع مطرح نمی‌گردید و صریحاً می‌گفت: در صورت تنازع و اختلاف، بر طبق آنچه اولی الامر می‌گوید عمل نمایید.

ثالثاً مفسرین شیعه و حتی خود روح الله خمینی در نوشته‌های قبل از انقلاب، منظور از اولی الامر در این آیه را امامان معصوم می‌دانند.

اگر فرض را بر این بگذاریم که ولایت مطلقه فقیه هدفش از بین بردن هر عقیده‌ای است که مخالف نظر خودش باشد و اگر فرض را بر این بگذاریم که رژیم ولایت مطلقه فقیه در ایران با ۴۵ سال جرم و جنایت و با کشتار و اعدامهای هزاران نفر از مخالفین خودش مرتکب قتل عام شده است. الزاماً در اثبات یک چنین فرضیه‌ای، باید اسناد، شواهد و دلائل غیر قابل انکاری را باید در دفاع از این ادعا ارائه دهیم.

۱۱۳ - نگاه کنید به کتاب مروری بر آراء سیاسی مهندس مهدی بازرگان به مناسبت بیست و دومین

سالگرد فوت او.

چگونگی دینامیسم «تئوری قدرت» ولایت مطلقه که سر از کشتار و قتل عام درآورد را پیش از این یاد آور شدیم، و دیدیم تئوری قدرت در بند بند اجزاء و عناصر این پدیده جدید الخلقه در هم تنیده و نهفته است، بطوری که ولایت مطلقه فقیه تنها یک هدف را در صدر پیشبرد کارهایش مد نظر دارد و آن هدف همانا از بین بردن هر عقیده، مذهب و مرامی است که با تئوری زور ولایت مطلقه مخالف باشد، در فصل پنجم این نوشتار خواهیم دید که رژیم بیش یک صد هزار اعدام و قتل در دوران حاکمیت خود داشته است، این مجموعه جنایات ولایت مطلقه، به روشنی بیانگر آن است که آمریت ولایت مطلقه برایش مسلمان، یهودی، مسیحی، بهایی، صوفی و هر تفکر دیگری تفاوت نداشته و با هر مخالف یا منتقدی در برابر ولایت مطلقه بر خورد خشونت بار داشته است.

## فقاہت پایه قرآنی ندارد

رویه رایج فقهی قضاوت از امور انحصاری فقها شمرده می شود و به استناد روایاتی در این زمینه از جمله روایتی از قول امام زمان که در جواب به اسحاق بن یعقوب گفته است: «در حوادثی که به وقوع می پیوندند، به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم»<sup>۱۱۴</sup>

و یا به روایت دیگری از همان امام، مبنی بر: «در اموری که به مشکل بر می خورید به راویان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان برهانی از سوی من برای شما یند و من نیز برهانی از خدا نزد آنان می باشم»<sup>۱۱۵</sup>

از این جهت فقهای شیعه قضاوت را وظیفه خود می دانند، حتی فقهایی که به ولایت عامه یا ولایت مطلقه باور ندارند، با استناد به این روایت قضاوت را منحصرأً وظیفه مجتهد

۱۱۴ - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴ - الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۱ - احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴

۱۱۵ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۸ - بحار الأنوار، ج ۵۳ صص ۱۱-۱۱۸ - وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰ و ج

جامع شرایط می دانند و قضاوت غیر فقیه را بدون اذن مجتهد جامع شرایط معتبر نمی دانند.<sup>۱۱۶</sup>

در اینکه قضاوت و صدور احکام حدود و قتل، حق فقها است جای تردید فراوان دارد، زیرا بسیاری از فقهای متأخر مانند ابن عربی استدلال کرده اند: «فقهات پایه قرآنی ندارد، طبعاً اگر فقهات پایه قرآنی ندارد، قضاوت فقها نیز پایه قرآنی ندارد»<sup>۱۱۷</sup>

محسن کدیور با تفحص در آیات قرآن در امر «حکومت انتصابی» با استخراج مستندات چهارگانه ای نتیجه می گیرد: «نصب عالمان یا غیر ایشان به قضاوت با هیچ دلیل لفظی معتبری اثبات نشده است. به عبارت دیگر نصب عام به قضاوت فاقد هر نوع مستند معتبر قرآنی و روایی است»<sup>۱۱۸</sup>

از ضعیف ترین جنبه های فقه شیعه، بحث در باره تصدی امر قضاوت، حکومت و سیاست توسط فقها است، سه بنیانگزار اولیه یا سه امام فقه اهل تسنن: شافعی، ابو حنیفه و احمد بن حنبل نیز در این میدان توصیه های چندانی ندارند، البته بعد از آنها، معدودی از فقیهان اهل سنت مانند ماوردی<sup>۱۱۹</sup> و ابن تیمیه به این امر توجه خاص کرده اند ولی بحث در این باره هرگز به صورت مدون یا کتاب یا بخش های شناخته شده ای از فقه کلاسیک

۱۱۶ - به نظر می رسد، روایت مورد بحث: مراجعه به علم برای کسب علم و دانش است و ربطی به قضاوت فقها نداشته باشد.

۱۱۷ - ابن عربی، احکام القرآن، تحقیق محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۰۸۵، ص ۱۴۵۶ و ج ۲، ص ۳۳۱

۱۱۸ - محسن کدیور، بخش پنجم کتاب حکومت انتصابی با عنوان نصب عام فقیهان به قضاوت، سؤال و جواب ۳۰ تیر سال ۱۳۹۲ ش.

۱۱۹ - نگاه کنید به کتاب «الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة» الطبعة الثانیة ۱۹۶۶، قاهره.

در نیامده است. همچنانکه در اثر معروف غزالی «احیاء علوم الدین» که آنرا دائره المعارف علوم اسلامی نامیده اند نیز، از این مباحث نشانی دیده نمی شود.<sup>۱۲۰</sup> در فقه شیعه، بی توجهی به حکومت و سیاست از این هم فراتر رفته است، اکثریت فقهای شیعه تصدی در امور سیاسی و حکومتی توسط فقها را مجاز نمی دانند. رهبران شیعه، فرمانروایان دوران غیبت را غاصب و آنان را «سلاطین جور» می دانستند و عقیده داشتند که حکومت فقط حق امام معصوم است، بدین جهت از نظر حقوقی و غیر حقوقی، به سیاست و اداره اجتماع نمی اندیشیدند.

تفسیر فقه سنتی در شیعه، احکام و حقوق را در کلیات آن دُنالیسم یا دو گانه تبیین کرده اند، مثلاً در تقسیم انسانها به مسلمان و کافر و یا تقسیم جهان به دار الاسلام و دار الحرب یا تفاوت های حقوقی نا برابر در مورد مرد و زن و مسلمان و غیر مسلمان یا قبول احکام عبادی و کیفری همچون، حدود و قصاص، شهادت، جهاد و مانند اینها که فقه سنتی برای هر کدام تکلیف و حدودی معین کرده است، همگی شامل همان تفسیر دوگانگی می باشند.

اساساً قوانین و احکام فقه بر محوریت ساختار قدرت ساخته شده و در اجرای این احکام همان محوریت قدرت عمل کرده است، شدت این آمریت بقدری بالا بوده که احکام را از خود بیگانه کرده و در بیان قدرت، آنها را استحاله کرده و انسان حقوق مدار را به انسان تکلیف مدار تبدیل کرده، که حاصلش دوگانگی و کشمکش های دائمی بین دو نوع اندیشه و دو نوع رفتار شده است. این دوگانگی در نظریه ولایت

۱۲۰ - دکترین ولایت فقیه بر این عقیده است که حکومت اسلامی بهترین شکل دولت است. برخی از متفکران در قرون معاصر نیز از این عقیده جانبداری کردند. مثلاً الغزالی عقیده دارد که اجرای پاره ای از مهمترین دستورات و اوامر دینی بدون برپایی یک دولت اسلامی ممکن نیست، مانند دفاع از سرزمین و آب خاک مسلمانان، جمع آوری صدقات و مالیات اسلامی و یا اجرای سیستم جزایی. (منبع: محمد الغزالی، «من هنا نعلم»، چاپ قاهره، بی تا، ص ۵۵-۵۹)

مطلقه یا آمریت «تئوری قدرت» در احکام فقه، نه تنها با شیعه و اسلام بدعت تازه ای در انداخته بلکه بدعت و جنگی را با هر دین و مرام و تفکری دیگری بنا نهاده است. تئوری نوظهور ولایت مطلقه فقیه، توتالیترسیم قدرت را در خود تبیین و دینامیسمی را با خود دارد که به جز منطق زور و سلطه، منطق دیگری را نمی پذیرد، نه تنها هیچ تفکری غیر از تئوری خود را بر نمی تابد، بلکه می خواهد تفکر و مرام رقیب خود را در پوشش فرامین و دستورات شرعی خود نابود کند و این نظریه را به همه جای جهان نیز صادر و انتقال دهد.

## فرامین قتل عام خمینی

نگاهی به تعصبات و باورهای خرافاتی خمینی در ولایت مطلقه فقیه او روشن می شود که درنده خویی او در کشتار امر تازه ای نبود، خصلت‌های سنتی و تعصب مذهبی او در اعمال خشونت به زمانهای خیلی دورتر و به پیش از انقلاب بر میگردد. خمینی در سال ۱۳۲۰ شمسی روش های جزائی دادگستری شاه را غیردینی می دانست و با لحن شدیدی این روشها را محکوم کرده و دستگاه ستمشاهی را به علت کندی کارشان در آیین دادرسی آن زمان، وقت گیر و سیستم جزایی حکومت شاه را بی فایده و مردود می دانست. خمینی همان زمان پیشنهاد می کند: «تنها اگر قانون قصاص و دیات و حدود اسلام یک سال عمل شود تخم پیدادگری ها و دزدیها و بی عفتی های خانمان سوز از کشور برچیده می شود، اگر کسی بخواهد دزدی را از جهان بردارد باید دست دزد را ببرد و گرنه این حبس کردن دزدان، به آنها کمک می شود تا به دزدیشان ادامه دهند.»<sup>۱۲۱</sup>

بی جهت نبود که خمینی از همان بدو انقلاب صدها نفر را به حکم دادگاههای خود ساخته اش و با مستند ساختن به آیه ای از قرآن، به عنوان مفسد فی الارض با تیر خلاص اعدام کرد.<sup>۱۲۲</sup> استدلال او این بود که دست و پای دزدان (دست راست و پای چپ) باید قطع شود.<sup>۱۲۳</sup> و بی جهت نبود که به دستور او عواملش در تریبونهای رسمی نمازهای جمعه او مدام بر این مجازات تبلیغ و تشویق می کردند.<sup>۱۲۴</sup>

خمینی بظاهر ادعای دینداری و مرجعیت داشت ولی در باطن در عمق کینه توزی و تظاهر، تشنه به خون حقوقویان بود. ذیلاً به نمونه هایی از فرمانهای قتل عام که صادر کرد توجه کنیم:

در سال ۱۳۶۷ احمد خمینی طی نامه ای از پدرش در مورد زندانیان سیاسی سئوالاتی می پرسد، او در این نامه از پدرش خواستار توضیح برخی از ابهامان قضایی می شود:

---

۱۲۲. حمید عنایت، در «پانزده خرداد» از صیغه مبالغه استفاده کرده است، در حالی که واژه صدها نفر از جنبه علمی و پژوهشی واژه دقیقی نیست.

۱۲۳ - استفتائات فرهنگی، پاسخ به سئوال: حکم کسی که به ولایت فقیه اعتقاد ندارد چیست؟ نگاه کید به کاظم قاضی زاده، اندیشه های فقهی سیاسی امام خمینی، ص ۲۲۲

۱۲۴ - نمونه از این حکم: علی اکبر رفسنجانی در نماز جمعه در روز دهم مهرماه ۱۳۶۰ گفت: «حکم اینها چهار چیز است: اول این که کشته شوند. دوم سر به دار شوند، سوم قطع دست راست و پای چپ و چهارم این که از جامعه جدا شوند.»

سرتا

پدر بزرگوار حضرت امام سید علی مرتضیٰ علیه السلام برادر موسوم آیت الله العظمی در رد حکم ابراهیم فرزندان و بر منافقین ابیات  
 داشته که ضمن در سر زبان طرح کردند  
 ۱- آیا این حکم مربوط است به آنکه در زمان او بوده اند و گویند که حکم است و در واقع بر سر خاک است  
 و محکوم هم در مورد آنها بوده و نه است و آنها نیز در آن محکوم شده اند و حکم است  
 ۲- آیا منافقین که قتل حکم بر آن کرده اند و در روز زفاف نامی کرده اند و در واقع منافقین است  
 حکم با صراحت است  
 ۳- در مورد ابراهیم که در واقع منافقین است و پرونده فرستادند در صورتی که خود مسئولان داد و ستع کردند  
 نیستند باید بر زبان در بیان گفته یا در سر زبان نرفته اند

فرزندان

بسمه تعالی

پدر بزرگوار حضرت امام پس از عرض سلام آیت الله موسوی اردبیلی در مورد حکم  
 اخیر حضرت تعالی در باره منافقین ابهاماتی داشتند که تلفنی در سه سؤال مطرح کردند.

۱- آیا این حکم مربوط است به آنها یا که در زندانها بوده اند و محاکمه شده اند و محکوم  
 به اعدام گشته اند ولی تغییر موضع ندادند و هنوز هم حکم در مورد آنها اجرا نشده  
 است یا آنها یا که حتی محاکمه هم نشده اند محکوم به اعدام اند.

۲- آیا منافقینی که قبلاً محکوم به زمان محدودی شده اند مقداری از زندانشان، را هم  
 کشیده اند ولی بر سر موضع نفاق می باشند محکوم به اعدام می باشند.

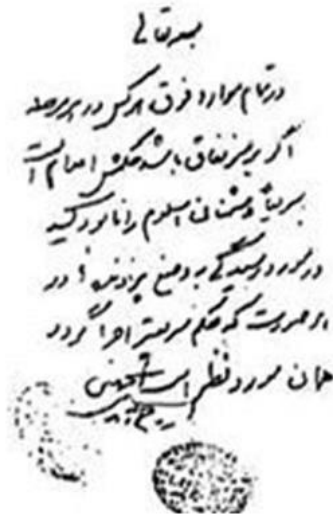
۳- در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده های منافقینی که در شهرستانهایی که  
 خود استقلال قضایی دارند و تابع مرکز استان نیستند باید به مرکز استان ارسال گردد یا  
 خود می توانند مستقلاً عمل کنند. فرزند شما احمد.

خمینی به احمد اینگونه پاسخ می نویسد: «در تمام موارد حکمشان اعدام است،

سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید!»

## فتوای قتل عام

فرمان معروف قتل عام



بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریعتر اجرا گردد همان مورد نظر است.

روح الله الخمينی (همراه با مهر او)

فرمان دیگر خمینی

صدور حکم اعدام مجاهدین توسط خمینی به اتهام ارتداد، محاربه، ضد اسلام، خیانت به اسلام و عدم پشیمانی از رژیم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در آنجا که منافقین هائى بغير بسم الله متوجه شدند در ميکونند فرياد خود را با نفاق و پنهانى در آلودن آنها  
 در بسم الله نماز کرده اند و با عقده بر سر بودن آنها و جنگها را مىکنند آن در شکر و خنده جزو کفر  
 با حق است و جزو بيشتر عراى کفر است که آن با صلوات عليه است سنان ، و با عقده بر لبها و آن با  
 انگار جهاد و ضربات ناجو مردانه آن که در بسم الله مىکنند هم چه سودى بگویند که از کرده آنها  
 سر بر کوفه بر روضه فراق خود با فخر کردند و گفته مىگردد که در بسم الله مىکنند و تسخير موضع نژاد  
 مردان با راز کثرت و آن بسم الله نژاد و جنبه بر سر نژاد و زندانها در فدايت الله است  
 بزرگتر چه طو در جوار است . در اين طرد در زندانها را از همان کفر و ارتداد است . فایان فایان شمع ،  
 دارشان بحدت و با ديار در نوازه و ذات مذهب است منم بر تاج بيشه . روح بر جان  
 سان انزى است . قاطرت بسم الله در برابر دشمن خدا الله هم که توبه نماند نام سگى  
 است . بسم الله بسم الله گفته اند که خود نسبت به دشمن بسم الله رضایت خداوند است ال  
 فایان که تسخير موضع بر عهد انان است بر سر و کف و مده کند و مده کند « آشتاد  
 با انگار ، بيشه ، توبه و راز فضا بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله  
 شهادت بيشه در بسم الله خميني  
 روح بر جان

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده اند، با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون، کسانی که در زندان های سراسر کشور بر سر

موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین‌طور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام.

روح الله موسوی الخمينی

خمینی بارها بطور علنی و رسمی تهدیدهای وحشتناکی را در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای عمومی خود اعلام کرده بود، به نمونه این تهدیدها نگاه کنیم :

«اگر به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم، و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزبهای فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم، و رؤسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه‌های دار را در میدانهای بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمتها پیش نمی‌آمد. من از پیشگاه خدای متعال و از پیشگاه ملت عزیز، عذر می‌خواهم، خطای خودمان را عذر می‌خواهم. ما مردم انقلابی نبودیم، دولت ما انقلابی نیست، ارتش ما انقلابی نیست، ژاندارم‌مری ما انقلابی نیست، شهربانی ما انقلابی نیست، پاسداران ما هم انقلابی نیستند، من هم انقلابی نیستم. اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی‌دادیم اینها اظهار وجود کنند.

تمام احزاب را ممنوع اعلام می کردیم. تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام می کردیم. یک حزب، و آن حزب الله، حزب مستضعفین باید باشد و...»<sup>۱۲۵</sup>

معروف است روایتی از عماد الدین سلطان محمود که می نویسد: آقا قیام از شاه شجاع مورخ نامدار ایرانی و نویسنده تاریخ «روضه الصفا» در اوائل قرن دهم هجری این نقل قول را آورده است: پسر محتسب حافظ که سرانجام دید پدر نابکارش برجای خود نشسته، ممدوح از پدر خود مبارزالدین سؤال کرد که شما بدست خود هزار آدمی کشته اید؟ پدر جواب داد: «نه، ولکن ظن من آنست که عدد آن جماعت به هشتصد نفر رسیده باشد.»<sup>۱۲۶</sup> به همین علت خلیفه معتضد بالله عباسی از مصر برای او منشور سلطنت فرستاد و او را سلطان مبارزالدین محمد لقب داد.

صد رحمت به عماد الدین سلطان محمود، روح الله خمینی، این ستمکار و پرفسون که در عقده حقارت خود قرار گرفته بود، کشوری را به ویرانی و نابودی و مردمی را به خاک و خون کشید، جهانی را به آشوب کشید و هزاران انسان را کشت و نابود کرد، سجاده تزویر و ریا گسترد، به نماز ایستاد، دنیا گریزی و اعتکاف بست، پیشانی به سالوس برخاک مالید. اعمالی رذیلانه، شیرانه و در عین حال احمقانه خویش را ستیز با کفر جهانی نامید. بر روی پرچم نظام حکومتی خود شعار «الله اکبر» چسباند و بعد از همه این شعبده‌ها و آدم کشیها با سرافکنندگی و ننگ بسیار به بهایی گران بیگناهان را کشتند، سوختند، غارت کردند، گروگان گرفتند و همه را به پای دین و به حساب سالوس اعتقاد خود گذاشتند.

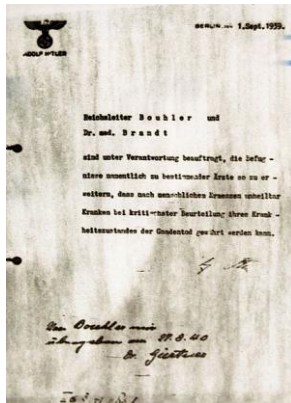
۱۲۵ - صحیفه، جلد ۹، ص ۲۸۲

۱۲۶ - تاریخ ایران (از دوران باستان تا بابان سده هیجدهم میلادی) ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام ۱۳۵۴، چاپ چهارم، صفحه‌های ۴۰۴ و ۴۰۵

## تشابیه فرمانهای قتل عام

در جستجو دریافتیم فرمانهای قتل عام همه دیکتاتور ها عموماً مشابه یک دیگرند، از این رو بی مناسبت نیست فرمان قتل عام توسط روح الله خمینی را با برخی از هم مسلکهای مستبد خود، مانند فرمان قتل عام آدلف هیتلر، یا با فرمان قتل عام محمد طلعت پاشای ترکیه با یکدیگر مقایسه کنیم.

## هیتلر: فرمان قتل یهودیان



Fac-Simile: Hitler signe l'ordre pour la T4, Brandt

**Dr. med. B r a n d t    Reichsleiter B o u h l e r und  
sind unter Verantwortung beauftragt, die Befugnisse namentlich zu  
bestimmender  
Ärzte so zu erweitern, dass nach menschlichem Ermessen unheilbar Kranken  
bei  
Kritischster Beurteilung ihres Krankheitszustandes der Gnadentod gewährt  
werden kann  
A. Hitler**

Von Bouhler mir übergeben am 27.8.40  
Dr. Gürtner

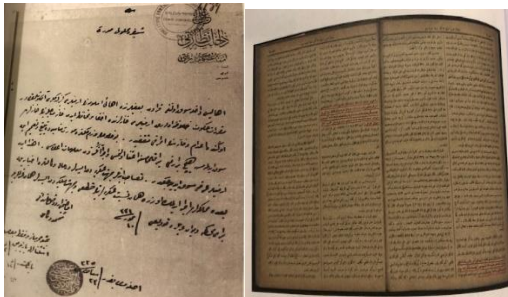
به گزارش کریستوفر براونینگ، در اول اوت ۱۹۴۱ تیب سواره نظام اس اس دستوری به نیروهای خود فرستاد مبنی بر اینکه: به دستور صریح رایشسفورر- اس اس که نوشت:

«به همه یهودیان می‌بایست شلیک شود، زنان یهودی را در باتلاق‌ها بیندازید»<sup>۱۲۷</sup>  
این دستور به دنبال بازدید هیتلر از جبهه گرفته شد. وی به این نتیجه رسیده بود که «راه حل ارضی» برای اخراج یهودیان دیگر عملی نیست. درک این مطلب تصمیم اجرای قتل عام سیستماتیک یهودیان را فراهم کرد. از این مرحله به بعد، زنان و کودکان یهودی هم به «جانوران بی فایده» تبدیل شدند که ممکن نبود از آنها به عنوان نیروی کاری استفاده شود بنابراین تمامی یهودیان محکوم به مرگ شدند.<sup>۱۲۸</sup>

## محمد طلعت پاشا

### فرمان قتل عام ارمنه

دستور فرمانده سپاه سوم محمود کمال پاشا مورخ ژوئیه ۱۹۱۵م.



«بدون ذره ای رحم و شفقت باید نام ارمنی را با ساقط کردن آنها از هستی»

از ترکیه زدود»

محمد طلعت پاشا

127 - Christopher Browning , *The Origins of the Final Solution: The Evolution of Nazi Jewish Policy*, September 1939 – March 1942. Lincoln and Jerusalem: University of Nebraska Press and Yad Vashem. p. 281.

128 - Richard J. Evans, *The Coming of the Third Reich*. New York: Penguin Books, 2003, p. 180.

در آرشیو گورگوریان دیده می شود که دولتهای متوالی ترکیه کوشش داشتند خاطرات نعیم و تلگرافهای قتل عامهای محمد طلعت پاشا را مجعول وانمود کنند.<sup>۱۲۹</sup> تلگراف زیر فرمانی است که از سوی محمود کمال پاشا فرمانده لشکر سوم، مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۱۵ صادر شده است

مرجع طبقه بندی شده این سند در کیفر خواست «پرونده ۱۳» می باشد. خود سند با سر برگ رئیس امنیت عمومی وزارت کشور نوشته شده و در انتهای آن مهر وزارت کشور به تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۱۹ به چشم می خورد که تاییدی است بر صحت این سند.

#### متن تلگرام

«با خبر شده ایم مسلمانان برخی شهرها و روستاهایی که جمعیت ارمنی شان تبعید شده اند، آنها را پنهان کرده اند. لازم است صاحبخانه هایی که برخلاف تصمیمات دولت، ارمنی ها را پناه داده اند، جلوی محل سکونت شان اعدام گردند و خانه هایشان به آتش کشیده شود.» «لطفاً این موضوع را به شیوه ی مناسبی به اطلاع کلیه گروه های ذی ربط برسانید و حواستان کاملاً جمع باشد که حتی یک ارمنی که هنوز تبعید نشده، از قلم نیفتد. ارمنی هایی هم که به اسلام گرویده اند باید تبعید شوند. اگر کسانی به ارمنی ها پناه داده اند از اعضای نیروی مسلح باشند، ابتدا وزارتخانه های مربوط باید در جریان قرار گیرند و پس از آن که مقصر شناخته شدند، باید بلا فاصله اخراج شوند، کارمندان اداری نیز بدون طی مراحل عادی اخراج گردند و همگی طبق قوانین دادگاه های نظامی محاکمه شوند.»

## دستیاران قتل در ولایت

در پی فرمان معروف قتل عام زندانیان سیاسی خمینی مبنی بر «هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است»، کار گزاران دستگاه آدم کش او از قاضی القضاات تا رؤسا و شکنجه گران زندانها، رئیس جمهور، واعظین مسجد و منبر و معرکه گردانهای مرگ و کشتار، هر کدام ذوب تر در ولایت و نزدیک تر به مرکز ثقل قدرت، خونخوار تر شدند، هر کدام در مناصب خود، احکام قتل و کشتار ویژه خودشان را صادر می کردند. این عاملان جنایت در دستگاه ولایت مطلقه فقیه بسیار پر شمارند و همچون تار نمای عنکبوت چتری در سراسر کشور گسترده تا مانع هر اعتراض و قیامی در برابر هسته مرکزی قدرت بشوند.

مشتی از خروار بعنوان نمونه ای از شاخص ترین و شناخته شده ترین عاملان و دستیاران قتل عام، همراه با نمونه فرمانهای کشتاری که توسط این ایادی دست اول خمینی صادر شده ذیلاً می آوریم:

### اسد الله لاجوردی

خمینی به دلیل عقده‌های حقارت و کینه‌های غیرقابل وصفی که نسبت به مخالفین عقیدتی خود داشت، اسد الله لاجوردی را مهره مناسبی برای هدایت دستگاه کشتار تشخیص داد و به او عنوان «دادستان» عطا کرد. دادستانی که فقط کارش نقض وحشیانه حقوق بشر، شکنجه و کشتار و اعتراف‌گیری از متهمین به ضرب شلاق و اعدام بود. پدیده لاجوردی تبلوری برآمده از اصل ولایت مطلقه فقیه، آنقدر با کلیت نظام ولایت مطلقه فقیه پیوند خورده بود که، با وجودی که جنایات وحشتناک او مشکلات سیاسی بزرگی در سطح داخلی و در سطح بین‌المللی ایجاد نموده بود و رژیم نمی‌توانست آشکارا آن را انکار کند، اما جنایاتش مورد تایید خمینی بود، زیرا انکار او، نفی تمامیت

نظام ولایت فقیه از دهه ۶۰ به بعد بود. لاجوردی توانسته بود تنور مرگ و نا بودی انسان‌ها را همواره گرم و پررونق نگاه دارد تا خمینی و خامنه‌ای بتوانند بر اریکه قدرت ولایت مطلقه خود تکیه کنند.

لاجوردی ابداع کننده روش‌های جدیدی برای اعتراف گیری و اعدام و شکنجه بود که قبل از او در زندانهای ایران هیچوقت سابقه نداشت. او قربانیان را مجبور می کرد در گشت‌های شکار مجاهدین و مبارزین شرکت کنند و یا در جوخه‌های تیرباران و اعدام به هم‌زمان سابق خود، تیر خلاص بزنند، تا از این طریق توبه و ندامت این قربانیان را ارزیابی کند. او پروژه‌های هولناک تواب سازی را در زندانها با روشها و ابتکاراتی مانند «خانه‌های مسکونی»، «قیامت»، «قبر» و «تابوت» و ... برای تواب سازی زندانیان سیاسی ابداع نمود. کینه توزی حیوانی او بحدی بود که بارها این جمله را تکرار می کرد: «آن قدر نسبت به شما کینه دارم که حاضرم خون تک تکتکان را بریزم» و یا «از زجر کشیدن لذت می‌برم».

به سر موضعی های مجاهدین گفته بود: «اگر دری به تخته بخورد همه شما را یکجا اعدام می کنیم». ۱۳۰ حاج داود رحمانی رئیس زندان قزل حصار، همچون برخی دیگر از روسای زندان های رژیم، پرورش یافته لاجوردی، کلمات قصار او را تکرار کرده به زندانیان می گفتند: «خیال تون راحت باشه اگه تقی به توقی بخوره تو همین سلولها با تیوپ بدارتون می‌زنم». ۱۳۱

۱۳۰ - <https://event.mojahedin.org/i/> (اسدالله-لاجوردی-کیست)

۱۳۱ - نگاه کنید به خاطرات یکی از زندانیان در «سرود سیاوشان» که از شرایط دوران محکومیت خود می گوید.

## محمدی گیلانی

محمد محمدی گیلانی همچون شریح قاضی، قاضی القضاات دربار اموی، سالیان درازی قاضی القضاات دستگاه ولایت فقیه و گوش بفرمان و عمله ستم این دستگاه بود. او از سوی روح الله خمینی، بعد از انقلاب به عنوان حاکم شرع تعیین شد و پس از آن به ریاست دادگاه‌های انقلاب رسید. او یکی از اصلی‌ترین عناصر جنایت و اعدام در دهه ۱۳۶۰ به شمار می‌رود. گیلانی، حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب وقت، درباره شیوه شلاق‌زدن زندانیان در مصاحبه با روزنامه کیهان، مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۶۰ گفت: «همان است که قرآن گفته، کشتن به شدیدترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت‌بارترین حالت ممکن، تعزیر باید پوست را بدرد، از گوشت عبور کند و استخوان را درهم بشکنند»، «دست راست و پای چپ بریده می‌شود». او اضافه می‌کند: «به فتوای خمینی می‌توانیم زیر شکنجه، جان زندانیان را بگیریم و هیچ نیازی به محاکمه هم نیست». معروف است که محمدی گیلانی به دلیل اعدام دو تن از فرزندان خود (کاظم و مهدی)، وضع جسمانی او رو را به وخامت گذاشت، برخی به صراحت ادعا کرده‌اند که محمدی گیلانی دو فرزند خود را که به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمده بودند، شخصاً محاکمه و به اعدام محکوم کرد.<sup>۱۳۲</sup>

## محمود احمدی نژاد

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت هنگام اعطای «نشان افتخار» به محمدی گیلانی گفت: «باید با افتخار اعلام کنم که آیت‌الله گیلانی ابتدا عدالت را در مورد خودشان اجرا کرد و بعداً منشأ خدمات ارزنده‌ای به نظام جمهوری اسلامی و انقلاب شد.»<sup>۱۳۳</sup>

۱۳۲ - دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، ۶ تیر ۱۳۸۸، (محمود احمدی نژاد در این مراسم اعطای نشان درجه یک به آیت‌الله محمد محمدی گیلانی می‌دهد)

۱۳۳ - حکم کسی که به ولایت فقیه اعتقاد ندارد قتل است. <https://www.mehrnews.com>

در ارتباط با موضوع ولایت مطلقه زور در ایران و تحریکاتی که مسئولین دست اول این کشور در رسانه های رسمی داخلی و بین المللی انجام می دهند، یک نمونه، احمدی نژاد در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۸۴ (۲۶ اکتبر ۲۰۰۵)، در یک کنفرانس ضدصهیونیستی در تهران خواستار از بین بردن اسرائیل با این عبارت شد «اسرائیل باید از صفحه نقشه جهان پاک شود»<sup>۱۳۴</sup> این موضعگیری رسانه های بین المللی را شدیداً برانگیخت و نوشتند: به نظر می رسد که او حمله به یک کشور یهودی را ترویج کرده است.<sup>۱۳۵</sup> او در زمینه سیاست برای از بین بردن اسرائیل، توسعه قابلیت هسته ای ایران را مد نظر داشت<sup>۱۳۶</sup> که می تواند موجب اتهام به انگیزه علنی و مستقیم به ارتکاب قتل جمعی (نسل کشی) شوند. برخی نقادان حقوق بشر، از جمله شخصیت های برجسته ای مانند آلن درشوویتز، کارشناس قوانین کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم قتل عام ۱۹۴۸ و آیین نامه دیوان کیفری بین المللی<sup>۱۳۷</sup> به عنوان مرجع اشاره می کنند و معتقد است که این اقدام جرم محسوب

۱۳۴ - خبرگزاری سیاسی خارجی دانشجویان ایران (ایسنا)، همایش «جهان بدون صهیونیسم»، چهارشنبه ۴ آبان ۱۳۸۴

135 - U.N. Shocked at Iran's Israel Comment, Wash. Post, June 7, 2007, at A1 (reporting that Secretary-General Ban Ki-Moon was «shocked and dismayed» at a report that Iran's hard-line president said the world would soon witness the destruction of Israel); Sean Yoong, Ahmadinejad: Destroy Israel, End Crisis, Wash. Post, Aug. 3, 2006, at A4.

136- J. Broad William et al. Arms Inspectors Said to Seek Access to Iran Sites, N.Y. TIMES, Dec. 2, 2004, at A1; Massimo Calabresi, Iran's Nuclear Threat, TIME, Mar. 17, 2003, at 14; Jim VandeHei, Cheney Warns of Iran as a Nuclear Threat, WASH. POST, Jan. 21, 2005, at A2 («Iran has a stated policy that their objective is the destruction of Israel. . .»).

137 - Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide art. 3, Dec. 9, 1948, 102 Stat. 3045, 78 U.N.T.S. 277 [hereinafter Genocide Convention].

کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی، که بر اساس قطعنامه A III 260 مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نهم دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید و در ۲ ژانویه ۱۹۵۱ لازم الاجرا شد.

می‌شوند. در ژوئن ۲۰۰۷، مجلس نمایندگان ایالات متحده خواستار این شد که شورای امنیت سازمان ملل به احمدی‌نژاد به اتهام نقض کنوانسیون جرم قتل عام براساس اظهارات او برای از بین بردن اسرائیل<sup>۱۳۸</sup> اقدام کند. در اکتبر ۲۰۰۷، یکی از شخصیت‌های سیاسی در استرالیا، رهبر حزب کارگر، کوین راد، اعلام کرد که احمدی‌نژاد باید به دیوان کیفری بین‌المللی با اتهام تحریک به جرم قتل عام براساس بیانات آشکار او درباره اسرائیل<sup>۱۳۹</sup> احضار شود.

## غلامرضا ملا حسنی

غلامرضا حسنی معروف به «ملا حسنی» نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان غربی، و امام جمعه شهر ارومیه بود. حسنی، پس از انقلاب ریاست کمیته‌های انقلاب در آذربایجان غربی را برعهده داشت و از معدود افرادی بود که با سلاح به دیدار سید روح‌الله خمینی می‌رفت. او در اوایل انقلاب، محل اقامت پسر خود، رشید حسنی که از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بود را به کمیته انقلاب اسلامی اطلاع داد و رشید حسنی پس از محاکمه، اعدام شد.

در ارتباط با مخالفت با ولایت مطلقه فقیه، ملاحسنی گفت «حضرت امام خمینی در جواب برخی از رؤسای دادگاه‌های انقلاب، که نمی‌خواستند خیلی اعدام بدهند، فرمودند: اگر یک میلیون نفر هم باشند، یکشنبه دستور می‌دهم همه اینها را به رگبار ببندند و قتل عام کنند.»<sup>۱۴۰</sup>

138- E.G., Rony Blum Et Al, Op-Ed., « Ahmadinejad: Incitement Deserves Indictment », Jeralean Post, Feb. 8, 2006, At 15; <http://Opiniojuris.Org/2006/12/20/>.

139- Dennis Shanahan, Rudd Vows to Charge Iran Leader, Australian, Oct. 3, 2007, [avai7a4/eaf](http://www.theaustralian.news.com.au/story/0,25197,22522722-601,00.html) <http://www.theaustralian.news.com.au/story/0,25197,22522722-601,00.html>

## علی فلاحیان

علی فلاحیان، وزیر سابق اطلاعات رژیم و از مسئولان شناخته شده عملیات تروریستی که در دادگاه برلن متهم شناخته شد. در جنبش دادخواهی قتل عام ۱۳۶۷، در اعترافهای تکان دهنده بی راجع به حکم خمینی برای قتل عام در زندانها گفت: «اگر اینها را نمی گرفتیم و نمی کشتیم که کشوری نبود مملکتی نبود، این حرف من نیست حرف خمینی است. وی تصریح می کند که صرفنظر از اینکه اسیران مجاهد چه عملی انجام داده یا انجام نداده باشند، مواضع و اعتقادات آنها علت اعدام جمعی آنها بوده است.»<sup>۱۴۱</sup>

## رضا ملک

رضا ملک معاون سابق تحقیق و بررسی وزارت اطلاعات در زمان علی فلاحیان، پس از آزادی از زندان طی یک افشاگری از مسائل داخل زندان در سال ۱۳۸۷ خطاب به دبیر کل ملل متحد گفت: «جنایات این رژیم به حدی است که طی چند شب در سال ۶۷ بیش از ۳۳ هزار و ۷۰۰ نفر زندانیان دارای حکم اعدام و در گورهای دسته جمعی توسط کانتینرها و بولدورها به خاک سپرده شدند» رضا ملک به دبیر کل سازمان ملل ضمن اشاره به قتل عام سال ۱۳۶۷ گفت: «عالیجناب اگر شما به دنبال نسل کشی و جنایت کاران می گردید، در ایران بیش از ۱۷۰ تا ۱۹۰ شاید هم بیش تر، گورهای دسته جمعی وجود دارد.»<sup>۱۴۲</sup>

۱۴۱ - بخشی از صحبت های طولانی آقای علی فلاحیان وزیر اطلاعات سابق با حسین دهباشی در خشت خام.

۱۴۲ - افشای گریه های رضا ملک، معاونت پیشین تحقیق و بررسی وزارت اطلاعات

## دستیاران تئوریک در ولایت

گذری کوتاه نیز بر نظریه پردازان و موافقان سر سخت پدیده نو ظهور ولایت مطلقه، معتقدان ولایت مطلقه فقیه، این نظریه را به معنای نصب فقیه از جانب خدا به ولایت برای سرپرستی مردم در حوزه عمومی تعریف می کنند. در ایران با محور قرار دادن ولایت مطلقه فقیه، فقیه اختیارات مطلقه ای را به نام قوانین حقوقی بر پایه، حدود فقهی و احکام الهی، خود را ولی تام الاختیار جامعه انسانی می داند. خمینی همانگونه که دیدیم، ولایت فقیه را از امور اعتباری عقلایی می دانست و می گفت: «ولایت و قیّم برای صغار با قیّم بر ملت از لحاظ وظیفه هیچ فرقی با یکدیگر ندارد.»

این نظریه پردازان کسانی را که مخالف ولایت مطلقه اند، شدیداً محکوم و مستوجب کیفر می دانند. ذیلاً بعنوان نمونه از شاخص ترین و شناخته شده ترین دستیاران تئوریک قتل عامها، همراه با تراوشات آنان کوتاه می آوریم:

### مصباح یزدی

از محمد تقی مصباح یزدی سؤال می شود: آیا عدم اعتقاد به ولایت فقیه، بی دینی محسوب می شود؟

او پاسخ می دهد: مخالفان ولایت فقیه چند دسته اند: اول غیرمسلمانان و غیرشیعیانی که مبنای ولایت فقیه را نمی پذیرند. دوم شیعیانی که ولایت مطلقه فقیه را از روی اجتهاد یا تقلید نمی پذیرند. سوم کسانی که با پذیرش اصل ولایت مطلقه فقیه، شخص ولی فقیه را قبول ندارند. چهارم کسانی که حتی با اعتقاد به صلاحیت شخص ولی فقیه، پاره ای از احکام حکومتی صادره از وی را نادرست می انگارند. این چهار دسته را می توان این گونه قضاوت کرد: مخالفت عملی، این گونه مخالفت مسلماً حرام و جرم است.

مصباح اضافه می کند: امام خمینی معتقد بودند تمام اختیاراتی که ولی معصوم داراست ولی فقیه نیز همان اختیارات را دارد، چنین ولایتی در باب اختیارات ولی فقیه به ولایت مطلقه تعبیر می کنند و قید مطلقه در مقابل نقطه نظر کسانی است که معتقدند فقیه فقط در موارد ضروری حق تصرف و دخالت دارد، این فقها تمامی موارد نیاز جامعه اسلامی را چه اضطراری و چه غیر اضطراری در قلمرو تصرفات شرعی فقیه می دانند.<sup>۱۴۳</sup>

## مکارم شیرازی

از ناصر مکارم شیرازی می پرسند: اگر کسی به ولایت فقیه اعتقاد نداشت مرتکب کار حرامی شده است؟  
او پاسخ می دهد: مرتکب اشتباهی شده و باید ارشاد شود و منظور از ولایت مطلقه، ولایت در احکام حکومت اسلامی است. او به خامنه ای ارجاع می دهد که از او پرسیده اند: آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، مسلمان حقیقی محسوب می شود؟  
او با استناد به خمینی پاسخ می دهد: عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از اینکه بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود.<sup>۱۴۴</sup>

۱۴۳ - محمد تقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ص ۵۹

و ۶۰

۱۴۴ - ناصر مکارم شیرازی، «کسی که مخالف ولایت فقیه باشند؟»:

## علی سیستانی

از علی سیستانی مرجع تقلید می پرسند: نظر شما درباره ولایت فقیه چیست؟ او پاسخ می دهد: ولایت در آنچه به اصطلاح فقها، «امور حسیه» (پسندیده) خوانده می شود برای هر فقیهی که جامع شرایط برای تقلید باشد ثابت است.<sup>۱۴۵</sup>

حسینعلی منتظری قائم مقام خمینی، در جلسه خصوصی با هیأت مرگ<sup>۱۴۶</sup> در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ به آنها می گوید: «بزرگ ترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و در تاریخ، ما را محکوم می کند، به دست شما انجام شده، نام شما را در آینده، جزو جنایتکاران در تاریخ می نویسند!» و «خمینی را در آینده، خون ریز، سفاک و فثاک، لقب خواهند داد». اعتراف منتظری در این قتل عام بر میزان تنفر مردم از ولایت فقیه بقدر بالاست که قائم مقامش به جایی می رسد که می گوید: «مردم از ولایت فقیه چندش شون می شه»<sup>۱۴۷</sup>

۱۴۵ - خبرگزاری مهر، ۲ مهر ۱۳۹۱

۱۴۶ - افراد تشکیل دهنده «هیات مرگ» عبارتند از یک نماینده اطلاعات، دادستان و یک روحانی به عنوان حاکم شرع. در تهران شیخ حسینعلی نیری به عنوان رئیس هیأت، مصطفی پورمحمدی، نماینده اطلاعات و مرتضی اشراقی دادستان و جانشین او ابراهیم رئیسی ترکیب اصلی «هیات مرگ» را تشکیل می دادند. اسماعیل شوشتری نیز از موضع رئیس سازمان زندانها در این هیات شرکت داشت. هدف چنان که در فتوای خمینی تصریح شده است تشکیل دادگاه و بررسی وضعیت پرونده افراد نبود بلکه تشخیص «سرموضع» بودن زندانیان برای اجرای حکم اعدام آنها بود.

۱۴۷ - لینک فایل صوتی جلسه حسینعلی منتظری با هیات مرگ در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۷

<https://www.youtube.com/watch?v=t4Tv55PBpdc>

دینامیسم زور در استبداد فراگیر دوران فرعون، در استبداد فراگیر جدید کلیسای مدافع ارتودوکسی و در استبدادهای فراگیر نازیسم و استالینیسم و فاشیسم، تصفیه های خونین را پدید آورد، این خونریزی ها بخاطر زمانی بود که با «ولایت مطلقه فرد» محور و آمریت یافت.

دینامیسم زور در اروپای کاتولیک که طرفداران سر سخت و نفوذ ناپذیری هم داشت، چنان در گرایش های گوناگون درونی، آنها را به جان هم انداخت که ایمان مسیحی به جای اینکه عامل وحدت شود، سرچشمه اختلافات خشونتبار و وحشت آفرین شد، این اختلافات به جایی رسید که عامل انحطاط ولایت فکری کلیسا در قرن هفدهم در اروپا شد.<sup>۱۴۸</sup>

دینامیسم زور ولایت مطلقه فقیه خمینی با استبداد فراگیری که بر اساس این نظریه جعلی براه انداخت، لاجرم این استبداد به فاشیسم مذهبی تبدیل گردید، فاشیسمی که بیشترین بخش نیروهای محرکه جامعه را به زور ویرانگر بدل کرد، این دستگاه استبداد مذهبی هم خود و هم مملکت را به ورطه نابودی کشاند.

## از ولایت مطلقه فقیه تا فاشیسم دینی

اگر نخواهیم در انتظار شرایط به مراتب وحشناکتر فریبی که پدیده ولایت مطلقه فقیه در ذات خود پنهان دارد باشیم، لاجرم باید عملکرد ولایت مطلقه زورمدارانه خمینی را زیر

148 - Norman Hampson, *Histoire de la Pensée européenne*, Le siècle des Lumières, 1972, vol. 4, p. 21.

ذره بین برده و این فاشیسم دینی را به چالش کشیده و ارزیابی مناسبی را از آن پیدا کنیم. از این روست که در حد اقل ممکن، پیدایش و سقوط خمینی را بررسی کردیم تا ببینیم چگونه این «عارف کبیر!»<sup>۱۴۹</sup> از عرفان به یکی از جنایتکارترین عناصر تاریخ ایران و به یک فاشیست مذهبی تبدیل شد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا نگاهی کوتاه به تاریخچه پدیده فاشیسم داشته باشیم.

## فاشیسم

فاشیسم (Fascism) یک ایدئولوژی سیاسی است که بر تمرکز قدرت در دست رهبری مطلقه و تمایل به استبدادی تمامیت خواه استوار است. این ایدئولوژی اصولاً معتقد است که حکومت قوی و متمرکز با رهبری قوی و مطلقه برای حفظ نظم اجتماعی و تضمین امنیت ملی ضروری است. در فاشیسم، مفاهیمی مانند هویت ملی، ترویج نژادی، سانسور و کنترل شدید جامعه، و استفاده از ابزارهای قدرت برای سرکوب حریم شخصی و حقوق شهروندی ترویج می‌شوند.

فاشیسم در دیدگاه سیاسی، نوعی از نظام حکومتی خودکامه ای است که نخستین بار در ایتالیا بر سه پایه: حزب سیاسی واحد، نژادپرستی افراطی و قدرت مطلقه رهبری دولت بر پایه فرمانروایی مقتدر بوجود آمد.<sup>۱۵۰</sup> فاشیست به عنوان یک واژه تحقیر و توهین آمیز نیز، از زمانی رایج شد که نویسنده انگلیسی، جرج اورول نوشت: کلمه «فاشیسم» هر انگلیسی «قلدر» را «فاشیست» صدا می‌زند.<sup>۱۵۱</sup>

۱۴۹ - سید احمد فهری زنجانی، شرح دعای سحر، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ - «تجلی عرفان امام خمینی در ساحت عمل اجتماعی و سیاسی». پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۱۳۷۸

150 - Henry Ashby Turner, *Reappraisals of Fascism. New Viewpoints*, 1975. p. 162. (داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۳۴)

151 - George Orwell, *What is Fascism?*, Tribune, 1944.

واژه فاشیسم از کلمه فاشِس یونانی (Fasces) گرفته شده که چویدست یا تبری یک لبه بوده که به عنوان نمادی از اقتدار و قدرت در دست قاضی و کشیش در روم باستان حمل می شده، علامتی بود که بر روی پرچم های فرمانروایان قدیم رومی نیز نقش بسته و سمبل قدرت آنها بود. فاشیسم پیش از اینکه یک فلسفه یا ایدئولوژی سیاسی باشد، یک روش حکومتی است که بر سه اصل: حکومت فردی، قدرت و حاکمیت دولت و ناسیونالیسم افراطی استوار و تعریف شده است. در فاشیسم، ایده های همگانی و اصول انسانی به سود هویت ملی و رهبری مطلقه قربانی می شوند.

به طور کلی، اگرچه فاشیسم به معنای زمانی خود در دوران امپراتوری روم وجود نداشت، اما برخی ویژگی های مشترکی با نظام حکومت و ایدئولوژی امپراتوری روم وجود داشت و دیکتاتورها به عنوان رهبران مطلقه با قدرت های فرا قانونی برای حفظ نظم و امنیت شهری فرمانروایی می کردند، که می توان آنها را در راستای تحلیل و مقایسه با دیگر سیستم ها و نظام های سیاسی مدرن در نظر گرفت.

نمونه فاشیسم در قرون معاصر، حکومت بنیتو موسولینی در دهه ۱۹۲۰-۱۹۳۰ در ایتالیا بود که به عنوان رهبر مطلقه با استفاده از ایدئولوژی فاشیستی، قدرت مطلقه و تحکیم نظام سلطه را به دست گرفته بود. این مکتب سیاسی در فاصله جنگ جهانی اول و دوم در آلمان با واژه مشابه «نازیسم» هیتلری حکمفرما و با استبداد و دیکتاتوری فرمانروایی کرد، به دنبال آن جریان مشابهی بنام «فالانژیسم» نیز در اسپانیا در همین خط فکری به وجود آمد.

نازیسم در آلمان، نازی ها تحت رهبری آدولف هیتلر، نمونه ای از فاشیسم در تاریخ معاصر است. نازیسم به عنوان نوعی از فاشیسم با تأکید بر «اصلاح جنسی»، و برای از بین بردن نژادهای غیر آریایی، با استفاده از ترور و قتل عام برای تسلط بر جامعه، و رهبری مطلقه هیتلر بر طبقه حاکم در آلمان شناخته می شود.

## فاشیسم دینی

فاشیسم می تواند به شکل فاشیسم دینی یا غیردینی اعمال شود. در فاشیسم دینی، مفاهیم مذهبی به عنوان ابزاری برای تقویت قدرت رهبری و تثبیت نظام سیاسی استفاده می شوند. به عنوان مثال، در فاشیسم کاتولیک ایتالیا تحت حکومت بنیتو موسولینی، مقامات کلیسا به عنوان بخشی از نظام حاکم محسوب می شدند و مذهب کاتولیک به عنوان یک عنصر اصلی در ایجاد توجیهات مورد نیاز برای قدرت رهبری حاکم به کار می رفت.

دان لوئیجی استورز (Don Luigi Sturzo) (1959) کشیش ایتالیایی و بنیانگذار حزب مردم ایتالیا، نخستین کسی بود که واژه «فاشیسم روحانی» (clerical fascism) را در سال ۱۹۲۵ به کار برد. او این واژه را علیه کشیش های کاتولیکی استفاده کرد که از موسولینی حمایت می کردند. استورز ممکن است از روی قضاوت اخلاقی به کشیش های کاتولیکی که از موسولینی حمایت می کردند لقب فاشیست مذهبی را داده باشد، ولی با مطالعه دقیقتر کار های او، دیده می شود که استورز به عنوان یکی از اولین پژوهشگران فاشیسم دینی بوده که نظریه «تمامیت خواهی» را ارائه داده است. از دید او، مشکل عمده سیستم تمامیت خواه، خطری است که از جدایی دین از دولت بوجود می آید، رژیم تمامیت خواه از عدم تعادل بین این دو رکن اساسی پدید می آید. استورز در کتاب اپرا او منیا (Opera Omnia) به تفصیل شرح می دهد که چگونه قدرتهای تمامیت خواه از احساسات دینی مردم برای افزایش کنترل روی جوامع بهره می گیرند، او نتیجه گیری می کند که رژیم های تمامیت خواه برای بسیج توده ها چاره ای جز سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم ندارند.

فاشیسم مذهبی ولایت مطلقه فقیه را می توان ترجمان تعریف نئوفاشیسم از نویسندگانی مانند کشیش ایتالیایی دان لوئیجی استورز دانست که خمینی به آن لباس تشیع پوشاند و با تکیه بر مفاهیم فریبنده: اقتدار ملی، توسعه نظامی و حفظ امنیت، اسلام و ... هر نوع نگرش دمکراسی خواهی دیگری را انکار و در نطفه خفه کرد.

هیو ترور روبر (Hugh Trevor-Roper) تاریخ شناس دانشگاه آکسفورد و مامور اطلاعاتی بریتانیا در برلین در سال ۱۹۴۵، پژوهشگر دیگری است که درباره چالش بین نیروهای مذهبی و سکولار در اروپا کار کرده است، او مدعی است که بین دو جنگ جهانی، علیرغم سردرگمی در لفظ فاشیسم، فاشیسم از دو سیستم ایدئولوژیک مجزا تشکیل شده است: «از محافظه کاری مذهبی و از فاشیسم پویا. اکثر رژیمهای فاشیستی هر دو عنصر را یکجا با هم دارند، اما این دو سیستم نسبت بیکدیگر، به قشرهای مختلف جامعه و به ساختار اجتماعی هر کشور متفاوت هستند. با در نظر داشتن ماهیت و کارکرد فاشیسم، این واقعیت وجود دارد که نهاد مذهب نیز به خدمت آیین فاشیستی فراخوانده شود.»<sup>۱۵۲</sup>

همانگونه که گفتیم برای اولین بار دان لوئیجی استورز<sup>۱۵۱</sup> کشیش ایتالیایی استدلال کرد که همراهی کلیسا با سیاستهای اقتدارگرایانه موسولینی نوعی فاشیسم مذهبی را به وجود می آورد، فاشیسمی که در همه شرایط: جنبه های دیکتاتوری سیاسی، استبداد رأی، راستگرایی آیینی، فساد طبقاتی و وابسته و مذهب نهادینه شده را با یکدیگر پیوند داده و ماهیتی تمامیت خواه به نظام فاشیستی می دهند. فاشیسم مذهبی در ایتالیای موسولینی بارزترین جلوه این نوع فاشیسم بود که پس از او نیز در پاره ای دیگر از نظام های سیاسی اقتدارگرا ادامه پیدا کرد و توانست چهره «حکومت بدترین ها»<sup>۱۵۳</sup> را مشروعیت بخشد. به همین دلیل، می توان فاشیسم مذهبی و تمامیت خواهی را در کنار یکدیگر قرار داد تا بتوان حکومت بدترین ها توصیف کرد.

در دهه های اخیر، بسیاری از کشورها شاهد نمونه هایی از حاکمان فاشیست بوده اند، از جمله حکومت های دیکتاتوری با تمایلات فاشیستی در کشورهایمانند کره شمالی،

152 - Paul Gosnold, A Sermon Preached at the Public Fast the ninth day of Aug 1644. At St Marie's Oxford, before the honorable Members of the two Houses of Parliament, There Assembled. Oxford, 1644.

153 - Gene Sharp, *From Dictatorship to Democracy*, 2002, p. 89.

روسیه، و ونزوئلا و نمونه فاشیسم مذهبی آن را در حکومت جمهوری اسلامی با تئوری ولایت مطلقه فقیه می توان دید. این حکومتها از اصول فاشیستی مانند قدرت مطلقه رهبری، سانسور، ترویج هویت ملی و از بین بردن اپوزیسیون خود استفاده می کنند. شکل جدید فاشیسم مذهبی را در حکومت ولایت مطلقه فقیه که در ایران حاکم است می توان دید، مدلی که به قول جووانی جنتیلی تفکر اعلا در خداست: «هرچه انسان بیشتر فکر کند، بیشتر خود را در محضر خدا احساس می کند. خدا همه چیز است و انسان هیچ»<sup>۱۵۴</sup> با الهام از همین اندیشه است که فاشیسم مذهبی صاحب اختیار همه چیز می شود و خلاقیت های انسانی به هیچ گرفته می شوند. اینگونه فیلسوفان فاشیسم مذهبی، برای توجیه ارتجاع سیاسی و بربریت اجتماعی خود مهم ترین اصول بنیادی فرهنگ مدرن، یعنی انسانگرایی را زیر پا گذاشته اند.<sup>۱۵۵</sup> با این تفسیر، انسان ساده اندیش، فاشیسم مذهبی را می پذیرد و خود را در وجود فراگیر الوهیت غرق می کند تا توسط خداوند، اراده و عمل او فارغ از تمام قوانین این جهانی آزاد شود. این گونه اعمال وحشیانه و خشونت آمیز، آنگونه که در پیروی از اهداف الهی صورت می پذیرند، در جهان هستی همگی توجیه می یابند و فریبکارانه به عنوان تبلور دنیای عالم الوهیت تصور می شوند و این عمل الهام گرفته از منبعی الهی قلمداد می شود.

نظام نئوفاشیسم یا فاشیسم مذهبی ولایت مطلقه با سوء استفاده از باورهای مذهبی غیر قابل اثبات و از همه مهمتر باورهای تخریب کننده روح و روان انسان، با خرافات سعی دارد مانع شکل گیری اندیشه و تأمل در خردگرایی شود، مدارس و مراکز آموزشی، دستگاههای فرهنگی، رسانه های جمعی، سیاست گذاری ها، و حتی نهادهای سنتی مذهبی مانند مساجد و مراکز مذهبی، همه به تسخیر کسانی در می آید که با توجیه و توسعه افکار

154 - Giovanni Gentile, Italian neo-Hegelian idealist philosopher, educator, and fascist politician. The self-styled «philosopher of fascism», he was influential in providing an intellectual foundation for Italian Fascism

155 - Roy, M.N. *Fascism: Its Philosophy, Professions, and Practices*. Ijijnsa: Best books, p. 10.

پوسیده و خرافی خود می‌کوشند نظام فاشیستی مذهبی و منافع عظیم حاصل از آنرا در خدمت حفظ و حراست خود در آورند.

حضور فعال گروه‌های ویژه و افراد دستچین شده در نظام تصمیم‌گیری کشور که با تقدیس رهبر خود کامه همه ابزارهای قدرت را در انحصار دارند، خود را زیر عبای اسلام‌گرایی پنهان ساخته‌اند و از سوی روشنفکر نمایان عاری از شرافت انسانی حمایت می‌شوند، همه به تقدیس و پای‌بوسی رهبر خود کامه می‌روند تا از این راه بتوانند با دزدی و چپاول همه منابع طبیعی و مالی و سرمایه‌های عظیم مملکت را غصب و در انحصار خود قرار دهند.

سازماندهی مزدوران بسیجی، پاسدار و «لباس شخصی» های خشک‌اندیش، بی‌اراده همانند «پیراهن قهوه‌ای» های دیکتاتوری هیتلری، در جمهوری اسلامی «نیروهای خودجوش» و «ولایت‌مدار» و «ذوب در ولایت» و «آتش‌به‌اختیار» نامیده می‌شوند و برای سرکوب‌های وحشیانه و غیرانسانی مردم معترض در کمین نگه داشته می‌شوند. این بی‌اختیاران که به آنها برای سرکوب عنوان «آتش به اختیار» داده شده و تا بن دندان به باورهای جزمی و عقب‌مانده خود مسلح شده‌اند، از سرکوب و وحشیانه مردم هیچ پروایی نداشته و حتی آنرا جزو فضایل و شعائر دینی خود می‌پندارند و با تقدس از توصیه‌های رهبر بی‌کفایت خود مردم را بی‌رحمانه سرکوب و حق حیات انسان را به آسانی از آنها سلب می‌کنند.

بی‌تردید این جنایات کاسبکارانه مذهبی، یعنی وفاداری و تقدس و فرمانبرداری از رهبر خود کامه و فاشیست، برای آنها منافع مادی و سهمیه ویژه ای از «سفره انقلاب» نیز دارد که به نظرشان کاملاً مشروع و در راستای انجام فرایض مذهبی و ماموریتشان می‌باشد. اینچنین است که به نظر آن نویسنده<sup>۱۵۶</sup> باید فاشیست مذهبی حاکم بر ایران را به عنوان

۱۵۶ - محمود مسائلی، «تفسیری بر بی‌اعتباری حکومت بدترین‌ها»:

«حکومت بدترین‌ها» خواند، زیرا بر اساس مطالعات عمیق در نظریه‌های اندیشه سیاسی دولت، نظام اسلامی حاکم بر ایران، مصداق حکومت بدترین‌هاست چراکه می‌کوشد تبهکاری ذاتی خود را با رجوع به مبانی مذهبی توجیه نماید. بنابراین ترکیب استبداد رأی، اقتدارگرایی روانشناختی، تمامیت خواهی و فاشیسم دینی را در ترکیبی پیچیده در هم آمیخته و سایه نا مبارک سیاه خود را بر مملکت و بر سر مردم بی دفاع انداخته که حاصل آن چیزی جز ویرانی و تباهی برای مردم و آتش تفرقه و جنگهای نیابتی شبکه ای و فرساینده برای منطقه باقی نگذاشته است.

نیک هشدار که این فاشیسم مذهبی چه بلاها یی بر سر مردم آورده و پیوسته در تدارک چه مصیبت‌های بیشتری است. آمریت فاشیسم مذهبی که به شدت به مواضع فاشیستی خود پایبند است می‌تواند از روش‌های مختلفی از عواطف مذهبی مردم سوء استفاده کند، از جمله:

- تحریف مفاهیم دینی و استفاده از اصطلاحات و عبارات مذهبی که باعث تحریک احساسات و اعتقادات مردم می‌شود.
- ایجاد ترس و وحشت، مبلغان متعصب از ایجاد ترس و وحشت در مردم با استناد احکام دینی خود، پیش‌بینی‌های شروانه‌ای را به دین‌باوران برای اطاعت و پیروی از این متعصبان تحمیل میکنند.
- وعده‌های بهشت: برخی مبلغان متعصب سرابهای بهشتی و پاداش‌های معنوی را به مردم وعده می‌دهند تا آنها را برای پیروی از اعتقادات و دستورات خود متقاعد کنند. «وعده‌های بهشت» مفهومی معتبر در ادبیات و متون مذهبی، به معنای لذت‌ها، نعمت‌ها، و خوشی‌ها، زیبایی‌ها، باغهای پر گل، رودخانه‌ها، میوه‌ها است که به مؤمنان در بهشت وعده داده شده است. این مفهوم در اسلام، در مسیحیت و در یهودیت دیده می‌شود، هر چند با جزئیات و تفاوت‌ها، اما در ادبیات، به

وعده‌های بهشتی به عنوان نمادی از بهترین و خوشبختی‌های بی‌پایان اخروی اشاره می‌شود.

- عدالت و عدم ظلم: در بهشت موعود، عدالت کامل حاکم خواهد بود و هیچ‌گونه ظلم یا ناعدالتی وجود نخواهد داشت. این وعده به مؤمنان امید به یک جایگاه برخوردار از صلح و عدالت نوید می‌دهد.

در جنگ ایران و عراق که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ ادامه داشت، خمینی از حیل‌ها و استراتژی‌های مختلفی استفاده کرد تا موفقیت بیشتری در جنگ به دست آورد. این حیل‌ها اغلب شامل جنگ اطلاعاتی، تاکتیک‌های نظامی، و بویژه استفاده از منابع روانی و اجتماعی برای تحکیم موقعیت نظامی خود بود. یکی از این حیل‌هایی که در این جنگ به کار گرفته می‌شد «کلید بهشت» بود، کلیدی که از قصه‌ها و داستان‌های افسانه‌ای معروف در ادبیات و فرهنگ مردم ایران گرفته شد.

در جنگ ایران و عراق، متأسفانه، بسیاری از جوانان و نوجوانان با فریب «کلید بهشت» در جبهه‌های جنگ شرکت کردند. این محصلین نوجوان، معمولاً در مراکز آموزشی و مدارس مشغول به تحصیل بودند که فریب خمینی را خوردند و در دام جنگ افتادند. در قالب سندی رسمی «بیش از ۳۶ هزار کودک دانش آموز» به جبهه‌های جنگ اعزام و نابود شدند. (به صفحه ۸ همین نوشتار نگاه کنید)

البته به نکته دیگری نیز باید اشاره کرد که از مدارس و ارگان‌های آموزشی سراسر کشور سهمیه برای جنگ می‌بردند و بسیاری از دانش‌آموزان بدینگونه به صحنه جنگ کشانده می‌شدند و برای مین زدائی استفاده می‌شدند.

## جمعبندی

در ابتدای این فصل پرسیدیم آیا تئوری ولایت مطلقه فقیه تئوری قدرت (زور) نیست، آیا خمینی فریبکار و جنایتکار نبود؟ بر اساس مستندهایی که در بالا ملاحظه شد، در یک کلام باید گفت، ولایت مطلقه معمایی فریبنده بود، فریبی معنوی، فکری و مرامی که به مراتب پیچیده تر و خانمانسوز تر از فریب سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی بود. خمینی با دستمایه قرار دادن ولایت مطلقه فقیه به ظاهر امری معنوی و دینی قابل دفاع، اما در عمق فریبی بود که با کتابها و رسائل عملیه و نصایح و توصیه های فراوان آن را باز تولید نمود. گوشه هایی از این معمای یا فریب تاریخی را در تحقیق «احکام اربعه» در «فقه سازندگان قدرت سیاسی» آورده ام که شما را به مطالعه آن فرا می خوانم.

خمینی با این تزویر خیانت بزرگی به ملت ایران به مریدان خود نیز کرد، آن چه در تاریخ معاصر به ثبت رسیده و در سینه ها و اذهان مردم ایران نیز نقش بسته، این است که خمینی رهبری انقلاب را ربود، به امید و اعتماد و عاطفه های پاک ملت ایران خیانت ورزید، آن چه را پیش از به قدرت رسیدن در جلوی چشم جهانیان اعلان و بر آن تعهد کرده بود، آشکارا نقض کرد، آزادیهای بدست آمده از انقلاب را از جامعه سلب نمود، رژیم سرکوبگری را که بسا جنایتکارتر از رژیم شاه و جنایتکاران تاریخ ایران بود بر ایران مسلط کرد و به کشتار رشیدترین فرزندان مردم ایران مبادرت نمود، صد ها هزار نفر را در جنگی که تنها خود او در ادامه آن سماجت داشت به خاک و خون کشید، با فرمان مستقیم خود دهها هزار نفر زندانی بی دفاع را بخاطر «سرموضع» و بر سر عقیده ماندنشان به جوخه های قتل عام سپرده و در گورهای جمعی مخفیانه دفن کرد، قتل عامهایی که دادگاه ها و قضات ارشد بین المللی مانند جفری رابرتسون که می گوید: شواهد قوی وجود دارد که کشتار قتل عام زندانیان در سال ۱۳۶۷ نسل کشی بوده و با اریک داوید که می گوید: می توان حتی فراتر از این از یک نسل کشی صحبت کرد، چرا که قربانیان به دلیل تعلقشان به اسلام کشته شدند که حکومت آنها را نفی می کند، و نباید فراموش

کرد ماهیت این جنایات، صلاحیت‌های بین‌المللی را مورد تأیید خود دارد که این جنایات مصداق واقعی نسل‌کشی ارزیابی شده‌اند.

در صفحات بعد، نگاهی به بیلان خونریزی‌ها و به آمار حیرت‌آور قتل عام و کشتارهای این رژیم خواهیم داشت، این همه گستاخی و چنگ و دندان نشان دادن، نشان از چه دارد، این فرمانهای نابودی نسلی که رژیم و تئوری قدرت او را تحمل نکرد، نشان از چه دارد؟ آیا تصویری به غیر از نسل‌کشی دارد؟ به نظر می‌رسد تئوری زور ولایت مطلقه فقیه مسیر نسل‌کشی را از ابتدای حاکمیت تا امروز بی وقفه ادامه داده و امکان کوتاه آمدن و رعایت حقوق مخالف خود را مطلقاً پذیرا نیست، از این رو باید از سوی نهاد‌های رسمی و حقوقی بویژه از سوی دادگاه جنایی بین‌المللی لاهه محکوم و رسماً بعنوان نسل‌کشی طبقه‌بندی و شناسایی شود.

## فصل پنجم

### جنایات هدمند ولایت مطلقه فقیه

#### پیشگفتار

از ابتدای بقدرت رسیدن ولایت مطلقه فقیه تحت عنوان جمهوری اسلامی جنایت های بسیاری صورت گرفته است، شروع این جنایات از اعدامهای طرفداران سلطنت شاه آغاز و به دنبال آن کشتارهایی در کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و خوزستان ادامه پیدا کرد. در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ همزمان با این اعدامها، چماقداران حکومتی با چوب و چماق و چاقو در خیابانها به حمله و کشتار معترضین بسیج شدند، کشتار چندین هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۰، در بحبوحه جنگ خانمان سوز ایران با عراق که بیش از یک میلیون کشته و مجروح بر جای گذاشت، قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، قتل های زنجیره ای درونمرزی و برونمرزی، اعدام هزاران تن از پیروان ادیان مسیحی و یهودی و زرتشتی و بهایی و دگر اندیش، همه و همه در ذات و در طبیعت فکری ولایت مطلقه نهفته بود. تصویب و اجرای قوانین عصر حجری ولایت مطلقه فقیه از جمله جنایات دلخراش و احکام نا نوشته و ابداعی این تفکر قرون وسطایی از سنگسار تا دست و پا بردن، کور کردن چشم، اسید پاشی بر روی زنان بدحجاب، چماقداری، تیر اندازی غیر

مجاز به روی افراد در خیابان<sup>۱۵۷</sup> همراه با شکنجه های سبعانه ای مانند شلاق با کابل، به صلیب کشیدن، بی خوابی، گرسنگی، انفرادی، در قفس و در قبر گذاشتن انسان زنده، تجاوزهای جنسی در زندانها<sup>۱۵۸</sup> و هزاران هزار جنایت و تبهکاری آشکار نشده دیگر، همگی با اراده و فرمان و با فتواهای<sup>۱۵۹</sup> رهبران جمهوری اسلامی در طی حکومت چهل و چند ساله خود در ایران و خارج از ایران انجام و به ثبت رسیده است.

شروع یا سابقه این جنایات به پیش از وقوع انقلاب در ایران، و به آتش زدن سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ به دست عوامل مرتجع و بنیادگرای همین تفکر<sup>۱۶۰</sup> (حسین

۱۵۷ - در حالیکه سازمان مجاهدین و گروههای معترض سیاسی دیگر، در دو سال اول انقلاب خشونت از خود نشان نداده و از حقوق قانونی خود استفاده می کردند، تا سال ۱۳۶۰ به روایت اسناد منتشر شده هزاران زخمی و مجروح خیابانی و بیش از ۷۰ نفر با چوب و چاقو و یا شلیک گلوله توسط چماقداران در در خیابانها کشته شدند.

۱۵۸ - نامه منتظری به خمینی پس از اطلاع از اعدام دسته جمعی زندانیان عقیدتی-سیاسی ایران در تابستان ۱۳۶۷ می نویسد: «آیا می دانید که در زندان [شهر] مشهد، حدود ۲۵ دختر به خاطر آنچه بر آنها رفته بود، مجبور به درآوردن تخمدان یا رحم شدند؟! آیا می دانید که در برخی زندانهای جمهوری اسلامی، دختران جوان به زور، مورد تجاوز قرار می گیرند!» (موضع گیری مقامات وقت درباره اعدامهای دهه ۶۰ بی بی سی.

۲۱ شهریور ۱۳۹۲) <https://tinyurl.com/cydbby۴۲x>

۱۵۹ - نگاه کنید به نمونه های فتوای خمینی در قتل عام سال ۱۳۶۷ یا به فرمان محمدی گیلانی که در روز ۲۹ شهریور ۶۰ گفت: طبق قرآن حکم هواداران مجاهدین این است: «کشتن به شدیدترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت بار ترین حالت ممکن و بریدن دست راست و پای چپ». و یا به گفته های علی اکبر رفسنجانی که در نماز جمعه در روز دهم مهرماه ۱۳۶۰ گفت: «حکم اینها چهار چیز است: اول این که کشته شوند. دوم سر به دار شوند، سوم قطع دست راست و پای چپ و چهارم این که از جامعه جدا شوند».

<https://tinyurl.com/۳N۸WC۳UX>

۱۶۰ - محسن صفایی فراهانی در مصاحبه با حسین دهباشی ادعا کرد که فاجعه سینما رکس آبادان در دوران پادشاهی پهلوی، توسط انقلابیون رخ داد و بنیان آن فاجعه نیز پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی «نماینده مجلس» شدند.

تکبعلی زاده، سید محمد علوی تبار و دو نفر از دوستان آنها) بر می گردد. پیش آمد این حادثه تلخ و دلخراش در بدو امر شبهه های متعددی را دامن زد، اما بنا بر اسنادی که کمی بعد از این حادثه منتشر شد، تردیدها را بر طرف کرد و معلوم شد عوامل افراطی و مریدان نواب صفوی و روح الله خمینی مستقیماً در این آتش سوزی نقش مستقیم داشتند.<sup>۱۶۱</sup> این جنایت قبل از هر چیز خصیصه تروریسم رژیم اسلامی را به نمایش گذاشت. با این حرکت جنایتکارانه برای اولین بار مردم عادی هدف سوء قصد اسلامگرایان قشری قرار گرفتند و بیش از ۴۰۰ نفر از شهروندان عادی به دست بنیاد گرایان جانی در آتش سوزانده و بیش از ۲۰۰ نفر معلول و مصدوم باقی گذاشت، این فاجعه خود بهانه ای برای سامان بخشیدن و گسترش دادن گروههای افراطی برای سرکوب و کشتارهای بعدی در رژیم ولایت مطلقه فقیه در ایران شد.

رژیم جمهوری اسلامی از فردای پیروزی انقلاب در ناتوانی از حل تضادهای سیاسی و اجتماعی جامعه ای ایران و برای مقابله با اعتراضات و خواستهای اقشار مختلف مردم دست به کشتارهای جمعی و قتل عام زد، کشتارهایی که به صورت هدفمند مخالفان و منتقدان سیاسی و عقیدتی و به طور کلی هرکسی که وجودش برای ادامه حیات این حکومت مطلوب نبود، باید سر به نیست و یا به قتل می رسید.

واژه قتل عام در لغت، ترکیبی وصفی از قتل و عام گرفته شده است، معنای آن کشتن دسته جمعی انسان ها را شامل می شود. این کلمه در کنار کلماتی هم چون اعدامهای دسته جمعی از اسرای جنگی یا اعدامهای جمعی از میان زندانیان، برجسته ترین انواع قتل عامهاست، چنانچه قتلهای زنجیره ای، قتلهای سیاسی، قتلهای فجیع، قتل نفس، کشتار و

---

۱۶۱ - آیت الله لاهوتی در روز ۲۲ آذر ۱۳۵۸ در کیهان اعتراف کرد که آتش زدن سینما قم به دستور احمد خمینی صورت گرفته است، اعترافی که باعث قتلش در زندان با سم استرکین گردید (کیهان شماره ۱۰۸۲۹ تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۵۸) - مسبین واقعی فاجعه سیما رکس آبادان چه کسانی بودن؟ نگاه کنید به نشریه انقلاب اسلامی شماره ۱۰۲ و سایر مطبوعات همان زمان.

غارت در قیاس با یکدیگر به کار برده می‌شود. بزرگترین کشتارهای جمعی در تاریخ بشر، تلاش برای نابودی گروهی از مردم و جوامع بر اساس قومیت و مذهب و یا عقاید آنها بوده که برخی با عنوان نسل‌کشی و برخی به نام جنایت علیه بشریت شناخته می‌شوند. قتل عام توسط مغولها در تاریخ ایران، کشتار مردم کرمان به دست آغامحمدخان قاجار، کشتار های روآندا و سربرنیتسا و یا قتل عام سال ۱۳۶۷ در زندان‌های رژیم خمینی از نمونه‌های برجسته این قتل عامها هستند.

اولین نمونه‌های قتل عام در جمهوری اسلامی کشتار مردم گنبد و ترکمن صحرا در ۶ فروردین سال ۱۳۵۸ بود. پس از آن در روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ با آتش گشودن مستقیم با اسلحه و با فرمان خمینی به روی شرکت‌کنندگان در تظاهرات مسالمت‌آمیز در تهران که مردم در اعتراض به اقدامات خودسرانه و سرکوب‌گرانهٔ خمینی و مجلس او، دست به یک تظاهرات مسالمت‌آمیز خیابانی زده بودند. برای اولین بار پس از انقلاب و به صورت رسمی و طبق فرمان خمینی که همان روز از رادیو پخش شد، به روی مردم در تهران آتش گشوده شد و ده‌ها تن کشته، صدها تن مجروح و هزاران تن بازداشت و روانهٔ زندان‌ها و شکنجه‌گاهها شدند که آنها نیز متعاقباً در زندان‌ها اعدام شدند و این کشتارها را رویه‌ای عام در مقابله با هر اعتراضی نموده و تبدیل به پاکسازی جریان‌های سیاسی و عقیدتی کردند.

انقلاب با عواطف و احساسات پاک مردم و با هدف آزادی و عدالت و بهروزی مردم ایران روی داد، اما بجای عدالت و بهروزی، رژیم جهل و جنایت ولایت مطلقه فقیه بر ایران حاکم شد، رژیمی که هیچ حریمی را محترم نشمرد و جز فقر و ذلت و نابودی حرث و نسل این میهن‌سرشار از فرهنگ و تاریخ، چیزی باقی نگذاشت. آنچه واقع شد فلسفهٔ پنهان فقه سیاسی روح‌الله خمینی که او آنرا حق مطلق می‌پنداشت حاکم شد، فلسفه‌ای که در عمل به نابودی نسل انسان و انسانیت در ایران تبدیل شد. ذیلاً به گوشه‌هایی از بیلانهای این جنایات چهل و چند ساله در قتل و سرکوب مردم ایران اشاره می‌کنیم.

## کشتار سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۰

### اعدام سران حکومت شاه

روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ دو روز بعد از وقوع انقلاب، محمد صادق صادقی گیوی معروف به خلخالی (۱۳۸۲/۲۰۰۳) که ۱۴ سال شاگرد خمینی در حوزه بود،<sup>۱۶۲</sup> با حکم خمینی به مقام حاکم شرع دادگاه انقلاب منصوب شد و رسماً این مسئولیت را بعهده گرفت او از همان روز اعدامها را آغاز کرد. روز ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ اولین گروه از سران حکومت محمد رضا شاه، شامل چهار امیر نیروهای مسلح شاهنشاهی با حکم دادگاه انقلاب به ریاست صادق خلخالی به اعدام محکوم شدند. پس از اعدام اولین گروه عالی‌رتبه مقامات طرفدار رژیم شاه، نام خلخالی بعنوان رئیس دادگاه انقلاب اسلامی در تاریخ سیاسی این رژیم ثبت شد. گروهی اقدامات او را ضرورتی برای حفظ انقلاب و گروهی محاکمات وی را جنایتکارانه و عجولانه خواندند. خلخالی در طول ۴۰ روز دستور اعدام بیش از ۴۳۰ نفر از سیاستمداران مخالف جمهوری اسلامی را صادر کرد. اعدام نخست‌وزیر امیرعباس هویدا، از سوی مهدی بازرگان، نخست‌وزیر وقت، و محمود طالقانی و روحانیون برجسته، مورد انتقاد شدید قرار گرفت ولی اثری پیدا نکرد.<sup>۱۶۳</sup>

◀ به گزارش سازمان عفو بین‌الملل از روز رخداد انقلاب تا اسفند ۱۳۵۸ تعداد ۴۳۸ نفر توسط دادگاه انقلاب اسلامی ایران اعدام شده‌اند.<sup>۱۶۴</sup> ذیلاً به لیست یکصد نفره این اعدامها نگاه کنید.<sup>۱۶۵</sup>

۱۶۲ - صادق خلخالی، خاطرات، «انقلاب اسلامی و توطئه گروهک‌ها»، نشر سایه، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۸

۱۶۳ - همان خلخالی، ص ۳۵۹ تا ۳۶۷

۱۶۴ - بنیامین صدر، «از بهمن تا نوروز ۵۸ در دادگاه‌های خلخالی چه گذشت؟» (سازمان حقوق بشر ایران)

<https://tinyurl.com/۲br۳۸jdr۹>

۱۶۵ - (اعدام صد نفر از سران حکومت شاه) <https://tinyurl.com/mt4cmz9a>

## کشتار مجاهدین خلق

از بهمن سال ۱۳۵۷ تا روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ را سازمان مجاهدین خلق دوران فاز سیاسی نام گذاری کرده بود، در این دوران دو ساله فاز سیاسی بیش از ۷۰ نفر از اعضا و هواداران این سازمان در حملات چماقداران رژیم در خیابانها کشته شدند. به غیر از اعدام های فله ای رژیم، در این دوره که عموماً شامل مقامات عالیرتبه باز مانده از حکومت شاه سابق یا از کردها، ترکمنها و یا اقلیتهای قومی دیگر بودند. چماقداران خمینی در خیابانهای تهران و شهرهای دیگر کشور مخالفین حکومت را به نحو ظالمانه ای با چوب و چماق و چاقو بقتل می رساندند. سازمان مجاهدین در اطلاعیه ای با عنوان «۳۰ خرداد به روایت شاهدان» منتشر شده در نشریه آنها، اعلان می کند: «از دی ماه ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ۱۳۶۰، خون بیش از ۷۰ مجاهد خلق توسط پاسداران خمینی بر زمین ریخته شد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰، آمار اسیران مجاهدین در زندان های رژیم به یک هزار نفر رسید که همگی توسط پاسداران شلاق خورده و شکنجه شدند.»

به روز شمار قتلهای خیابانی توسط چماقداران رژیم جمهوری اسلامی در دو سال اول این حکومت به شرح زیر نگاه کنیم.<sup>۱۶۶</sup>

- روز جمعه ۲۸ دی ۱۳۵۸ عباس عمانی، کارگر زحمتکشی که مشغول چسباندن پوسترهای تبلیغات انتخاباتی مجاهدین بود را با ضربه های چماق کشتند. در این ایام هر کتاب فروشی و کیوسکی را که نشانی از مجاهدین داشت به آتش می کشیدند. رحمی در کار نبود، در قائم شهر حتی به بیمارستانها و بیماران این سازمان حمله کردند.

۱۶۶- روز شمار قتلهای خیابانی چماقداران رژیم: <https://tinyurl.com/2b38jdr9>

- دوم اسفند ۱۳۵۸ کارکنان بیمارستان قائمشهر نوشتند: «ما کارکنان بیمارستان شیروخورشید قائمشهر به علت تجاوز پاسداران به حریم بیمارستان و انداختن گاز اشک‌آور به داخل بیمارستان و تیراندازیهای ممتد در اطراف نرده‌های بیمارستان که باعث ناراحتی بیماران بستری در بخشهای مختلف حتی بخش کودکان و نوزادان که نزدیک به خفه شدن عده ای از کودکان و نوزادان شده بود، تا رسیدگی کامل از طرف مسئولان شهری و تأمین مصونیت بیماران از وقایع فوق به کم کاری خود ادامه می‌دهیم». در همین روز در جریان حمله پاسداران و چماقداران به مردم، عین‌الله پورعلی (معلم روستای مشک‌آباد) در اثر ضربات چماقداران و پاسداران جان باخت.
- در فروردین ۱۳۵۹ چشم پروین صادقی دختر نشریه فروش را در ترمینال خزانه تهران کور کردند. اولین چشمی که ولایت مطلقه کور کرد، چشم این دختر بود.
- در روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ نسرين رستمي را در شیراز با شلیک گلوله از پای درآوردند.
- در روز ۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ نوجوانی به اسم جلیل مرادپور را در دره‌گر در حالی کشتند که مشغول فروش نشریه مجاهد، ارگان رسمی سازمان مجاهدین خلق ایران بود.
- در همین روز احمد گنجه‌ای را در خیابان تختی رشت به جرم دفاع از آزادی کشتند. تا این زمان بیش از ۶۰ مورد حمله و هجوم و تخریب و آتش‌سوزی علیه فروشندگان نشریه مجاهد و افراد و کتاب‌فروشی‌های هوادار سازمان مجاهدین در اصفهان انجام شده بود.
- روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ یک درجه‌دار ارتشی به نام سیاوش شمس را در اصفهان به جرم حمایت از یک نشریه فروش مجاهد که مورد حمله چماقداران قرار گرفته بود از پای درآوردند و روز بعد (۱۵ اردیبهشت) یکی از روزنامه‌های محلی به نام حرکت خطاب به مقامات شهر اصفهان نوشت: «هر روز مراسم جشن کتاب‌سوزان در شهر شما برقرار است. هر روز در روز روشن به یک گروه و دسته‌ای حمله می‌شود و با

چاقو کشی قانون اساسی جمهوری اسلامی را به هیچ می گیرند. تاکنون چندین قتل در اصفهان انجام شده اما ... و شما تاکنون حتی اعلامیه یی مبنی بر تقبیح چنین اعمالی نداده اید ...».

- روز ۷ خرداد ۱۳۵۹ احد عزیزی، معلم روستا، در جریان حمله چماقداران در اردبیل به ضرب گلوله مجروح شد و ۲ روز بعد در گذشت.

- سحرگاه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ در خیابان شیروخورشید تهران گروهی از افراد مسلح، ناصر محمدی دانش آموز ۱۸ ساله را با ضرب گلوله به چشم و سرش او از پای در آوردند. روز پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۵۹ شکرالله مشکین فام، رضا حامدی و مجاهد دیگری به نام «مصطفی ذاکری» در امجدیه تهران در جریان سخنرانی مسعود رجوی با عنوان «چه باید کرد؟» با شلیک مستقیم کشتند.

- روز ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ حسین سالار محمدی در آمل و اردشیر خانی در رودسر در اثر حمله چماقداران جان باختند.

- دو روز بعد داود سلیمانی و حمیدرضا رضایی که از هواداران جوان مجاهدین بودند با دشنه به قتل رساندند.

- در ماه اسفند ۱۳۵۹ سیما صباغ خوشکار، دانش آموز ۱۵ ساله، از آخرین جانباخته گان این سال بود که در لاهیجان به خاک افتاد.

- روز ۶ فروردین ۱۳۶۰ اصغر اخوان قدس که در بازداشت سپاه پاسداران در قزوین بود به ضرب گلوله در سلول اش به خاک افتاد.

- در اواخر فروردین ۱۳۶۰ صنم قریشی در بندرعباس به ضرب گلوله در روز روشن در خونس غلطید و کارگر زحمتکش خیرالله اقبالی نژاد در رامسر به ضرب گلوله های مسلسل که به قلب و کمرش شلیک کردند جان باخت.

- در اوائل اردیبهشت ۱۳۶۰ اصغر فلاحی توسط قمه کشان شناخته شده حکومتی شرحه شرحه شد و تیمور طالش شریفی را که مشغول نصب تراکت و اعلامیه ی جان باختن خیرالله اقبالی نژاد بود به گلوله بستند.

- روز ۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ امیر ارگنجی را در رشت ربودند و پس از شکنجه‌های فراوان، سنگی به پای او بستند و او را داخل نایلون گذاشته و به آب انداختند. ۱۰ روز بعد کارگران هنگام لایروبی دریاچه سد باریک او را کشف کردند.
- روز ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ در جریان تظاهرات مسالمت آمیز مادران در تهران و قائمشهر که در اعتراض به موج جدید سرکوب انجام شد، دو نوجوان هوادار مجاهدین، فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا در قائمشهر کشته شدند. شهرام اسماعیلی در آمل و فاطمه کریمی دانش آموز ۱۷ ساله را در کرج نیز ترور شدند.
- در همین روزها، ودود پیراهنی دانش آموز ۱۶ ساله و خلیل اجاقی کارگر زحمتکش به ضرب گلوله به خاک افتادند.

در دوران فاز سیاسی خط مجاهدین عدم مقابله جویی با حملات بود. این سازمان قصد داشت به این شیوه شتاب تشدید تضاد میان خود و حاکمیت را کاهش دهد تا فرصت بیشتری برای فعالیت علنی سیاسی به دست بیاورد چرا که یک روز فعالیت علنی را تأثیر گذارتر از یک دوران طولانی از فعالیت مخفی می دانست هر چند که امکان فعالیت علنی برای مجاهدین بیش از دو و نیم سال یعنی از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ طول نکشید.

◀ به گزارش سازمان عفو بین الملل قتلها و اعدامها از اسفند ۱۳۵۸ تا اسفند ۱۳۵۹، ۶۲۴ نفر بوده است. ۱۶۷

## کشتار مردم کردستان

روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با فرمان خمینی یورش سراسری، اعدام و تیرباران های دسته جمعی از سوی خلخالی در کردستان به اوج خود رسید، با این فرمان جمع کثیری از شهروندان کرد در اقصی نقاط کردستان مورد هدف خلخالی و سپاه پاسداران قرار گرفتند. آسونیوز می نویسد: با استناد به شواهد و قرائن و پرشس از خانواده های قربانیان، اعدام شدگان در دادگاه های فرمایشی چند دقیقه ای به جوخه های دار رژیم سپرده شدند، بیشتر این اعدامیان با دستور مستقیم صادق خلخالی و بدون برگزاری هیچ دادگاهی اعدام شده اند. ذیلاً به روز شمار برخی از این اعدامها که در شهرهای مختلف کردستان اجرا شده اشاره می کنیم: ۱۶۸

- روز ۶ اردیبهشت ۵۸ در سقز، ۲۰ نفر به جوخه های اعدام سپرده شدند.
- روز ۲۸ مرداد ۵۸ در شهرستان پاوه ۱۲ نفر اعدام شدند.
- روز ۲۹ مرداد ۵۸ در پاوه مجدداً ۷ تن به دار آویخته شدند.
- روز ۳ شهریور ۵۸ در مریوان ۹ نفر اعدامی داشت.
- روز ۹ شهریور ۵۸ در فرودگاه سنندج ۱۱ نفر تیرباران شدند، در این روز کاک فواد مصطفی سلطانی به همراه جمعی از یارانش نیز تیر باران شدند.
- روز ۱۱ شهریور ۵۸ نمونه دیگری از قتل عام در روستای قارنای کردستان ایران صورت گرفت که برخی منابع تعداد کشته شدگان را ۶۸ نفر ذکر نموده اند.
- روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۸ شهر مهاباد بمباران و جمعی از شهروندان کشته شدند. در این روز ۴ نفر نیز در سقز اعدام شدند.

نمونه ای دیگر از کشتار کردهای اهل تسنن : مرکز آمار سازمان حقوق بشری گُردپا، در یک گزارش آمارِ تفکیکی به انتشار آمار اعدام ۶۸ زندانی که عموماً عقیدتی هستند پرداخته که بعلت نامشخص بودن اسامی و تمام اطلاعات مربوط به آنها، در اینجا بعنوان نمونه ای از کشتار کردها به چند مورد کوتاه آن اشاره می کنیم :

اعدام ۲۲ نفر به اتهام «هجوم به رژه نیروهای مسلح در اهواز»

اعدام ۱۹ نفر به اتهام «عضویت در جیش العدل (عرب)»

اعدام ۱۵ نفر به اتهام «بمبگذاری در تاسوعای ۹۷ چابهار (بلوچ)»

اعدام ۸ نفر به اتهام «عضویت در داعش و حمله به ساختمان مجلس (کُرد)»

اعدام ۴ نفر به اتهام «بمبگذاری در اهواز»

بنیاد عبدالرحمان برومند، اعدام‌های سیاسی در ایران را جمع آوری و تلاش کرده برای مستندسازی، بصورت جداگانه اعدام و کشتارهای فراقضایی در کردستان را دنبال کند. مدیر این بنیاد می نویسد: ما برای سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۰ توانسته‌ایم ۲۴۰ مورد از اعدام‌های سیاسی را ثبت کنیم. او می گوید سرگذشت افرادی که اعدام شده‌اند از منابع منتشر شده و در مصاحبه و تماس با بازماندگان و فعالان کرد در حال تدوین است، ولی بدون کمک خانواده و دوستان و همبندی‌ها، جمع آوری اطلاعات به کندی پیش می‌رود و مقدار اطلاعاتی که ما تا به حال جمع آوری کرده‌ایم با ابعاد «فاجعه کردستان» قابل مقایسه نیست. این بنیاد فهرست کشته شدگان را منتشر کرده که ۴۵ نفر را با نام و نام‌خانوادگی مشخص و ۲۳ نفر را با نام و نشان نامشخص منتشر شده است.

◀ تنها در دهه ۶۰ خورشیدی **دستکم دو هزار نفر** در زندانهای رژیم در کردستان

به دار آویخته شده‌اند. ۱۶۹

## اعدام های سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶

### ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، همزمان با بررسی طرح عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران در مجلس اسلامی، مجاهدین توانستند یک تظاهرات مسالمت آمیزی را ترتیب بدهند که به گفته آنها بیش از ۵۰۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند. این تظاهرات به فرمان خمینی توسط پاسداران با شلیک مستقیم گلوله تعدادی (به گفته مجاهدین بیش از ۵۰ نفر) را به قتل رساندند، بسیاری مجروح شدند و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند که بعدها در زندان اعدام شدند. در پی این تظاهرات، اعدامهای بیرحمانه ای همه جا را فرا گرفت، شدت این اعدامها بحدی بود که برخی از دستگیر شدگان بدون روشن بودن هویتشان تیر باران شدند، گسترش اعدامها به جایی رسید که رسانه های دولتی با چاپ عکسهای اعدامیان تشخیص هویت نشده و ناشناخته، از مردم در هویت یابی آنها کمک خواستند، بعنوان نمونه عکسی از اعدام شدگان در تاریخ ۳ تیر ۱۳۶۰ در روزنامه اطلاعات منتشر شده است که دادستانی انقلاب از اولیای دستگیر شدگان درخواست می کند خانواده این زندانیان که بدون احراز هویت اعدام شده بودند با در دست داشتن شناسنامه عکس دار به دفتر مرکزی زندان اوین مراجعه و جسد فرزندشان را تحویل بگیرند.

ذیلاً به تصویر نمونه ای از این اعدامهای بدون احراز هویت که در روزنامه اطلاعات همان روزهای رژیم منتشر شده نگاه کنید:

## صدور بیانیه دادستانی وقت، بعد از خرداد ۱۳۶۰ همراه با انتشار عکسهای ۱۲ زن که بدون احراز هویتشان اعدام شده بودند



بر اساس تحقیقات کمیته دفاع از حقوق بشر ایران مستقر در سوئد، اعدام هایی که در سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۶ در زندانهای سراسری ایران صورت گرفته را با ذکر مشخصات کامل آنها (شماره ردیف، نام و نام خانوادگی، محل تولد، سن، تحصیلات، تاریخ شهادت، محل شهادت، نحوه شهادت و تعلق سیاسی) انتشار داده است.

◀ بر اساس منابع این کمیته تعداد اعدامهای سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶

بیش از یازده هزار نفر بوده است.<sup>۱۷۰</sup>

## اعدام های سال ۱۳۶۷

### فتوای خمینی

اعدام زندانیان سیاسی عقیدتی در تابستان ۱۳۶۷ یا کشتار سال ۶۷ واقعه نادری در تاریخ ایران بود، واقعه ای که با فتوای خمینی صورت گرفت، فتوایی که عمدتاً بر این پایه تأکید داشت که زندانیانی که بر سر موضع سیاسی خود ایستادگی می کنند باید اعدام شوند.. (تصویر فتوای خمینی)

با این فرمان خمینی، چندین هزار نفر در چند روز به صورت مخفیانه اعدام و در گورهای دسته جمعی دفن شدند. اکثریت کسانی که اعدام شده اند از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند و گرچه حامیان دیگر گروه‌های چپ مانند سازمان فداییان خلق ایران و حزب توده نیز در میان آنها وجود داشت. نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر جرم زندانیان را همکاری با سازمانهای مخالف نظام به خصوص سازمان مجاهدین خلق ایران و همچنین طیف‌های مختلفی از گروه‌های چپ، کمونیست و مارکسیست ذکر کرده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی اعدام آنها را به خاطر دلایلی همچون کشف تشکیلات مرتبط با سازمان مجاهدین خلق در زندان، نتیجه ادامه محاکمه بخاطر ترور مقامات جمهوری اسلامی توسط آنها ذکر کرده‌اند. تعداد قربانیان این واقعه نزد مراجع مختلف حقوق بشری متفاوت است، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد تعداد این اعدامها را ۳۰۰۰ یا ۴۴۸۲ نفر تخمین زده است. بنا بر نقل معاون وزیر اطلاعات و مقامات ارشد رژیم آمار این اعدامها تا ۲۰ هزار نفر می رسد، حسینعلی منتظری در همان روز های اول تعداد این اعدام ها را تنها در زندان اوین در چند شب ۴۰۰۰ نفر اعلان کرده بود.

بر اساس تحقیقات کمیته دفاع از حقوق بشر ایران مستقر در سوئد، این اعدامها با ذکر مشخصات کامل (شماره ردیف، نام و نام خانوادگی، محل تولد، سن، تحصیلات، تاریخ

شهادت، محل شهادت، نحوه شهادت و تعلق سیاسی) بر اساس یافته های این سازمان تعداد این زندانیان بیش از چهار هزار و ششصد و هفتاد و دو نفرند (۶۶۷۲ نفر) می باشد منتشر شده است.<sup>۱۷۱</sup>

← سازمان مجاهدین خلق تعداد اعدامهای سال ۱۳۶۷ را سی هزار نفر اعلان کرده<sup>۱۷۲</sup> و در دادگاه سوئد نیز برای این اعدامها اسناد و شاهدینی را معرفی کرده است.

یاد آور می شویم که این اعدامهای جنایتکارانه رژیم بنا بر قطعنامه اکتبر ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد که در فصل اول دیدیم، تاکید بر این دارد که هر گونه فعالیتهایی که منجر به نابودی و کشتن بخشی یا در کل گروههای مذهبی، ملی، قومی یا نژادی بشود را از مصادیق نسل کشی می شناسد. بنابر این سند، از آنجایی که کشتار های زندانهای سال ۱۳۶۷ همگی هدفمند و بر سر عقیده و یا بر سر موضع ماندن بوده اند، به روشنی بیانگر نسل کشی عقیدتی و مرامی بوده که هر کس بر سر عقیده خود ایستادگی کرده سریعاً اعدام شده است، همانگونه که در عنوان این فصل آمد، این اعدامها آگاهانه، عامدانه و «هدفمند» بوده و مصداق واقعی نسل کشی داشته که هدفش نابودی اعتقاد دینی افراد بوده است.

۱۷۱ - (لیست ۴۷۹۹ نفری اعدامهای سال ۱۳۶۷) <https://tinyurl.com/4tfx7pw4>

172 - National Council of Resistance of Iran, *Crimes Against Humanity*, the Foreign Affairs Committee, 2019, pp. 13, 298.

## کشتار سال ۱۳۷۸

حمله به کوی دانشگاه تهران یکی از سرکوب‌های خونین دانشجویی در تاریخ جنبش دانشجویی ایران به شمار می‌آید. برپایی تجمع اعتراضی دانشجویان موضوع جدیدی نبود ولیکن حمله به تجمع دانشجویان بی‌سابقه بود. در ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ دانشجویان دانشگاه تهران در خوابگاه کوی دانشگاه تهران در اعتراض به بسته شدن روزنامه «سلام» به مدیرمسئولی سید محمد موسوی خوئینی‌ها دادستان کل پیشین انقلاب تجمع کردند. این روزنامه در ۱۵ تیر ۱۳۷۸ به دلیل چاپ نامه محرمانه سعید امامی به قربانعلی دری نجف‌آبادی وزیر اطلاعات که مفاد قانون جدید مطبوعات را توصیه می‌کرد، توقیف شد.

در ساعت ۴ صبح روز ۱۸ تیر ۱۳۷۸ نیروهای یکان ویژه، منطقه خوابگاه دانشجویان را به محاصره در آوردند. نیروهای سرکوبگر با گاز اشک‌آور، اسلحه، باتوم، چماق و قنداق تفنگ دانشجویان بی‌گناه را به جرم شعار دادن در تاریکی شب مورد ضرب و شتم قرار داده و سرکوب کردند. حمله‌کننده گان به کوی دانشگاه بیش از ۱۳۰۰ نفر بودند، آنها اتاقها و وسایل دانشجویان را تخریب کردند و دانشجویانی را که در خوابگاه بودند بشدت مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی از دانشجویان را از پنجره بالای ساختمان به پایین پرتاب کردند که باعث قتل تعدادی از آنان شد. تلویزیون سی‌ان‌ان اعلام کرد: «به گزارش شاهدان عینی، تعداد کشته‌ها در این تهاجم **حداقل ده نفر** بوده است.»

در ادبیات رسمی نظام جمهوری اسلامی، هجدهم تیرماه ۱۳۷۸ رویدادی است که از آن با عنوان «آشوب و غائله ۱۸ تیر» یاد می‌شود. در ادبیات سیاسی مخالفان و منتقدان نظام سیاسی ایران، جنبش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به عنوان «قیام» یا «نقطه عطف جنبش دانشجویی» نام گرفته است.

## قتلهای درون و برونمرزی

### قتلهای زنجیره ای

قتل‌های زنجیره‌ای به کشتار برخی از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و منتقد نظام جمهوری اسلامی در دهه هفتاد خورشیدی، در داخل و خارج از ایران، گفته می‌شود که به گفته برخی از منابع، با فتوای برخی از روحانیون بلندپایه و به دست پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت علی فلاحیان (دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی) و قربانعلی دری نجف‌آبادی (اولین وزیر اطلاعات در دولت محمد خاتمی) انجام شد، این قتل‌ها از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ ادامه داشت. وزارت اطلاعات، طی اطلاعیه‌ای، عوامل این قتل‌ها را شماری از پرسنل وزارت اطلاعات یعنی همکاران کج اندیش و خودسر که آلت دست عوامل پنهان و مطامع بیگانگان قرار گرفته بودند نامید.

### آمار قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای

۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰

مظفر بقایی ۲۷ آبان ۱۳۶۶	رستمی همدانیان شهریور ۱۳۷۷
کاظم سامی ۲ آذر ۱۳۶۷	جمشید پرتوی ۱۰ دی ۱۳۷۷
عبدالرحمن قاسملو ۲۲ تیر ۱۳۶۸	پرویز خاکسار ۲۳ دی ۱۳۷۷
حسین سودمند ۲۲ آذر ۱۳۶۹	جواد امامی و همسرش سونیا آل یاسین ۲۵ دی ۱۳۷۷
فاقد رخن‌گاره ۳۰ دی ۱۳۷۲	کریم جلی و همسرش فاطمه امامی ۲۶ دی ۱۳۷۷

محمد تقی زهتابیدی ۱۳۷۷ محمد ضیاییدی ۱۳۷۷	احمد میرعلایی ۲ آبان ۱۳۷۴
فلاح یزدی زمستان ۱۳۷۷	طاوس میکائیلیان ۱۱ تیر ۱۳۷۳
سعید قیدی ۱۳۷۸	سیامک سنجری ۱۳ آبان ۱۳۷۵
فیروز نیما فروردین ۱۳۷۸	غفار حسینی ۲۰ آبان ۱۳۷۵
عزت الله ابراهیم نژاد، فرشته علیزاده، تامی حامی فر و سعید	احمد تفضلی ۲۴ دی ۱۳۷۵
سعید زینالی در حمله به کوی دانشگاه تهران ۱۳۷۸	رضا مظلومان (آریامنش) ۷ خرداد ۱۳۷۵
امیر غفوری، سید محمود میدانی	فاطمه قائم مقامی دی ۱۳۷۶
حامد مسیحا ۲۵ شهریور ۱۳۷۸	مریم متقی ۲۵ فروردین ۱۳۷۷
حسین فتاح پور آبان ۱۳۷۸	معصومه مصدق ۴ اردیبهشت ۱۳۷۷
مهدی خانی پور ۳۰ دی ۱۳۷۸	پیروز دوانی ۳ شهریور ۱۳۷۷
رضا ضیایی نیا ۴ بهمن ۱۳۷۸	حمید حاجی زاده ۳۱ شهریور ۱۳۷۷
هادی تقی زاده ۴ بهمن ۱۳۷۸	کارون حاجی زاده ۳۱ شهریور ۱۳۷۷
قاسم شفیعی بهمن ۱۳۷۸	داریوش فروهر ۱ آذر ۱۳۷۷
فریدون فروهری اسفند ۱۳۷۸	پروانه اسکندری ۱ آذر ۱۳۷۷

پروفسور نوری زمستان ۱۳۷۸	علی اکبر سعیدی سیرجانی ۶ آذر ۱۳۷۷
شمس الدین کیانی فروردین ۱۳۷۹	محمدجعفر پونده ۱۸ آذر ۱۳۷۷
رحمت الله پاداشی ۲۶ مهر ۱۳۷۹	محمد مختاری ۲۲ آذر ۱۳۷۷
افشین شعبانیاں ۲۲ دی ۱۳۸۰	چهار زندانی سیاسی آزاد شده جواد صفار، زهرا افتخاری، مرتضی علیان و جلال مبین زاده

مجموع قتل‌های زنجیره ای که بیش از یک دهه در ایران اتفاق افتاده، دستکم بیش از ۸۰ نفر قربانی گرفت که شامل: نویسندگان، مترجمان، شاعران، کنش‌گرایان سیاسی و شهروندان عادی<sup>۱۷۳</sup> بوده‌اند که با روش‌های گوناگونی مانند تصادف خودرو، ضربات چاقو، تیراندازی در سرقت‌های مسلحانه و تزریق پتاسیم به منظور شبیه‌سازی حمله قلبی و ... به قتل رسیدند.<sup>۱۷۴</sup> بیشترین این قتل‌ها، در پاییز و زمستان سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸ میلادی) و همزمان بود با کارد آجین کردن داریوش فروهر، پروانه اسکندری و سه نویسنده

۱۷۳ - انقلاب اسلامی در هجرت، شماره ۴۷۷

۱۷۴ - مرز پرگهر بایگانی شده در ۲۴ نوامبر: «تخمین‌هایی که از تعداد قربانیان انجام شده‌است، متفاوت است، طبق اطلاع مرز پرگهر اعداد قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای ۱۰۳ تن بوده‌اند، ولی فقط جا و زمان قتل ۵۷ تن از آنان گزارش شده‌است و ۴۶ نفر دیگر ناپدید گشته و بعدها جسد تکه تکه شده آنان در نواحی مختلف حومه شهر، پیدا شده‌است»

مخالف نظام، در عرض دو ماه به عنوان یک بحران جدی سیاسی مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱۷۵</sup>

◀ بر اساس منابع موجود قتلهای زنجیره ای در ایران بیش از **هشتاد نفر** بوده است.

## قتلهای برونمرزی

مبارزه برسر تصرف مقامهای کلیدی در ابتدای شکل گرفتن رژیم جمهوری اسلامی، شبکه قربانیان ترور و رهبری و سازماندهی آن را بوجود آورد، با تشکیل دولت موقت به نخست وزیری مهندس بازرگان، سه سازمان از این دست تشکیل شدند که از همان ماههای اول، در عملیات ترور افراد نقش مهمی پیدا کردند، این سه سازمان عبارت بودند از:

۱ - بنیاد مستضعفان ۲ - سپاه پاسداران و ۳ - گروهی که در آغاز علنی نبودند و تحت اداره خسرو تهرانی، معاونت اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری و ری شهری، در اختیار شخص خمینی بودند. سپاه را دولت موقت تشکیل داد و روحانیون پر نفوذ، آن را از اختیار حکومت خارج کردند و سرانجام تحت اختیار مستقیم خمینی درآمد. در پی آن گروه اطلاعات و ترور مخفی تحت امر خمینی عضویت سپاه پاسداران در آمد و اطلاعات و عملیات تروریستی برونمرزی سپاه را در دست گرفت.

در این دوره، افرادی در این سه سازمان مقامهای کلیدی را پیدا کردند که در زمان شاه نیز فعالیتهای تروریستی داشتند و عبارت بودند از: محسن رضائی، فرمانده سپاه پاسداران، محمد غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن، فلاحیان وزیر واواک، محسن رفیق دوست رئیس بنیاد مستضعفان و محمد علی بشارتی وزیر کشور. غیر از اینها، کسانی

175 - Douglas Jehl, «Killing of three rebel writers turns hope into fear in Iran», New York Times, 14 December, 1998, p. 6.

دیگر نیز بودند که در جریان کنار گذاشتن منتظری از قائم مقامی رهبر، تصفیه شدند، که شناخته تریشان، سید مهدی هاشمی بود.

تروریسم جمهوری اسلامی ایران یکی از موضوعات مورد مناقشه‌ی جدی جهان بوده که وخامت آن هر روز ابعاد بیشتری به خود می‌گیرد. رژیم جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته صدها نفر از مخالفان خود را در داخل و خارج ایران ترور و به قتل رسانده است. از جمله ترورهای خارج کشور این رژیم می‌توان از ترور شاپور بختیار آخرین نخست وزیر پیش از انقلاب، فریدون فرخزاد خواننده و شومن، دکتر صادق شرفکندی دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، عبدالرحمن قاسلمو دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، کاظم رجوی فعال سیاسی و حقوق بشر، علی مرادی و زهرا رجبی از مسئولان سازمان مجاهدین خلق ایران، عبدالرحمن برومند (مسئول هیئت اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران)، محمد حسین نقدی (کاردار سابق سفارت ایران در رم و عضو شورای ملی مقاومت) و صدها ترور دیگر نام برد. پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی همواره بحث تروریسم و نقش این رژیم در سازماندهی ترور، روی میز سازمانهای بین المللی بوده است. رژیم جمهوری اسلامی اگر چه در موضع گیریهای رسمی و علنی صراحتاً از این امر حمایت نکرده، اما در موقعیتهای مختلف شیدانه و با زبان دیپلماتیک و دوپهلوی از این ترور ها حمایت کرده است. حمایت مالی از شبه نظامیان در عراق، لبنان، یمن، سوریه و ... را نیز می‌توان از جمله فعالیت‌های تروریستی رژیم جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای دانست. صدور تروریسم یا صدور بحران که در رژیم جمهوری اسلامی از آن با عنوان صدور انقلاب نام می‌برند، استراتژی بقاء نظام جمهوری اسلامی بوده است. همچنین جنگ خارجی به این رژیم امکان سرکوب در داخل را داده و برای آن پوشش و دستاویز فراهم کرده است. بطور معمول هنگامی که یک حکومت از حل مشکلات داخلی خود ناتوان است و با مخالفت و ناراضی عمومی مواجه می‌شود، با ایجاد بحران در خارج از مرزهای خود، مشکلات داخلی را تحت الشعاع سیاست خارجی خود قرار می‌دهد.

## ترورهای هدفمند برونمرزی

- در دوم آوریل ۱۹۹۰ شهروند کردتبار ایرانی بنام محمد محمدزاده کریمی بر اثر اصابت ضربات مغزی در وان حمام منزلش پیدا شد. در منزل او واقع در شهر نیهاشم (Nyhaesham) سوئد یک پوستر بزرگ از قاسملو به دیوار آویزان بود.
- در ماه سپتامبر ۱۹۹۰ یک خانم کرد ایرانی بر اثر انفجار یک بمب پاکتی در سوئد ترور گردید. این نامه برای همسرش که یکی از فعالین «حزب دمکرات کردستان ایران» بود، ارسال شده بود.
- در ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ عبد الرحمان برومند، دبیر نهضت مقاومت ملی ایران در پاریس، با چاقو به قتل رسید. برومند یکی از نزدیکان مورد اعتماد شاهپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم شاه بود.
- یکی دیگر از فعالین این حزب بوسیله یک بمب پاکتی در سوئد مجروح گردید.
- مخالف دیگر ایرانی به نام عثمان محمد امین در ماه ژوئن در خانه خود واقع در کپنهاگ کشته شد.
- در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۴ (۲۱ آبان ۱۳۷۳) علی محمد اسدی در بخارست ترور شد.
- در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۵ (۲۶ شهریور ۱۳۷۴) هاشم عبداللهی پسر شاهد اصلی در پرونده ترور بختیار به قتل رسید.
- در ماه می ۱۹۹۶ (شهریور ۱۳۷۵) رضا مظلومان، کارمند سابق حکومت شاه، در پاریس قربانی عملیات تروریستی رژیم گردید.
- علی اکبر محمدی خلبان سابق رفسنجانی که در آلمان پناهنده شده بود صبح روز ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۶ (۲۶ دی ۱۳۶۵) در شهر هامبورگ آلمان با اصابت ۶ گلوله از نزدیک ترور شد. همان زمان گفته شد، رفسنجانی بوسیله وزارت اطلاعات از خلبان فراری خود انتقام گرفت.

- در ۱۰ اوت ۱۹۸۷ (۱۹ مرداد سال ۱۳۶۶) احمد طالبی خلبان F14 که در سوئیس پناهنده‌ی سیاسی بود، به وسیله‌ی دو مرد ناشناس در مقابل هتل ادلوپس در محله ده پاکی ژنو به ضرب گلوله به قتل رسید. پلیس در کنار جسد وی یک کلاه کاسکت پیدا کرد. کلاه کاسکتی که بعد از ترور دکتر کاظم رجوی در ژنو، تروریست‌ها مشابه آن را از خود بجای گذاشته بودند.

## ترور در پاریس

در ماه‌های دی و بهمن سال ۱۳۶۵ موجی از سوء قصد و انفجار پاریس را دربر گرفت. یکی از مسئولین این انفجارها به نام فؤادعلی صالح در حین حمل مواد منفجره دستگیر شد و لطفی بن خلاء یکی دیگر از آن‌ها خود را به پلیس فرانسه تسلیم کرد. آن‌ها فاش ساختند که طرح بمب‌گذاریهای فرانسه را ریشه‌ری وزیر اطلاعات با رفیق دوست وزیر سپاه به رفسنجانی و خامنه‌ای داده‌اند تا به این ترتیب فرانسه را مجبور کنند که تسلیم خواسته‌های جمهوری اسلامی بر سر میز مذاکره بشود. ۱۷۶

در تابستان ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) پاریس شاهد یک سری عملیات تروریستی بود، از جمله انفجاری در مقابل فروشگاه تاتی (Tati) در منطقه ۱۴ پاریس (مونتیپارناس)، این انفجارها ۱۳ نفر کشته از میان فرانسوی‌ها و عابرین عادی آن محل بر جای گذاشت، پلیس فرانسه موفق گردید فردی که سر نخ اصلی این عملیات را در دست شناسایی نماید. این شخص وحید گرجی نام داشت و مأمور اداره امنیتی وزارت اطلاعات ایران بود. گرجی قبل از دستگیری به سفارت ایران در پاریس گریخت. نیروهای ویژه پلیس

۱۷۶ - طرح بمب‌گذاریهای فرانسه را ریشه‌ری وزیر اطلاعات و ... داده بودند:

فرانسه تمام ساختمان سفارت ایران را به محاصره درآوردند. «تک تیراندازان در نقاط مختلف موضع گرفتند. کانالهای زیر زمینی فاضل آب تحت کنترل قرار گرفت. شبها ساختمان سفارت به وسیله نورافکنهای قوی روشن می گردید. سفیر ایران مخالف تحویل گرجی به مأموران پلیس فرانسه بود. متعاقباً فرانسه رابطه دیپلماتیک خود را با ایران قطع نمود. حکومت ایران بلافاصله واکنش نشان داد. سفارت فرانسه در تهران را به محاصره واحدهای سپاه پاسداران درآورد. پاسداران انقلاب خواستار دستگیری و محاکمه دیپلماتهای فرانسوی به جرم «جاسوسی» بودند. پس از ماهها مذاکره دولت فرانسه تسلیم شد. با این شرط که گرجی برای مدت کوتاهی مورد بازجویی قرار گیرد و سپس فرانسه را ترک کند. بلافاصله پس از این که فرمانده تیم ترور از کشور فرانسه خارج شد، مسئولین فرانسوی برای وی قرار منع ورود به فرانسه را صادر نمودند.<sup>۱۷۷</sup>

## ترور در برلین

ابتدا لازم است به کشتاری که در رستوران میکونوس در برلین اتفاق افتاد، اشاره کوتاهی داشته باشیم. هیأتی از نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران برای شرکت در کنگره جهانی احزاب سوسیالیست و سوسیال-دمکرات، که از تاریخ سیزدهم تا هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ (۲۳ تا ۲۷ شهریور ۱۳۷۱) در برلین برگزار می شد، حضور یافتند، دکتر صادق شرفکندی می خواست از فرصت پیش آمده در برلین استفاده کند و علاوه بر آشنایی با برخی از فعالان و رهبران اپوزیسیون در برلین، با آنها درباره مسائل ایران، کردستان ایران و وضع اپوزیسیون در خارج از کشور تبادل نظر کند. به همین مناسبت در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ (۲۶ شهریور ۱۳۷۱) یک گردهمایی در رستوران میکونوس در برلین جهت

۱۷۷- هفته نامه اشپیگل آلمانی، شماره ۱۷ سال ۱، ص. ۱۱۶

آشنائی، تبادل نظر و گفتگو در باره مسائل اپوزیسیون و بررسی وضع ایران در خارج از کشور در نظر گرفته شده بود. به درخواست هیأت نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران از سوی دکتر صادق شرفکندی با یک قرار قبلی این گرد همایی از ساعت حدود پنج عصر تا ده دقیقه بعد از یازده شب برگزار می شود. حاضران در رستوران که به هنگام ترور مشغول صرف شام بودند، عبارت بودند از :

۱- دکتر صادق شرفکندی معروف به کاک سعید، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران.

۲- فتحاح عبدلی، نماینده حزب دموکرات کردستان ایران در اروپا.

۳- همایون اردلان، نماینده حزب دموکرات کردستان ایران در آلمان

۴- نوراله محمد پور دهکردی، از دوستان بسیار نزدیک شرفکندی و همکار حزب دموکرات کردستان ایران و از فعالان جنبش چپ دمکراتیک و مستقل ایران ساکن برلین.

۵- پرویز دستمالچی که برای جمعه شب دعوت شده بود ولی پنج شبه شب نوری تلفنی به او اطلاع می دهد که شرکت کند.

۶- مهدی ابراهیم زاده اصفهانی، او نیز برای جمعه شب دعوت شده بود ولی آن شب به او اطلاع داده می شود که شرکت کند.

۷- مسعود میراشارد نیز برای جمعه شب دعوت شده بود، اما آن شب بطور اتفاقی به رستوران می آید.

۸- اسفندیار صادق زاده که بدون دعوت آمده بود و بالاخره،

۹- عزیز غفاری، صاحب و اداره کننده رستوران.

حین برگزاری این گرد همایی، به ناگاه یک ایرانی و یک لبنانی، با ماموریت از سوی وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی وارد رستوران می شوند و حاضرین را به رگبار مسلسل بسته و سپس به برخی نیز تیر خلاص می زنند، نفر سومی نیز که یک لبنانی بود در بیرون، در جلوی در رستوران نگهداری می دهد. هدف اصلی آنها ترور هیأت

نماینده‌گی حزب دمکرات کردستان ایران، بویژه دبیر کل این حزب، دکتر صادق شرفکندی بود.

عبدالشریف به فارسی فریاد می‌کشد و بلافاصله بروی حاضران شلیک می‌کند، او با مسلسلی که از درون یک ساک ورزشی در می‌آورد، با هر دو دست گرفته و به سوی شرفکندی، دهکردی، عبدلی و اردلان شلیک می‌کند، او در زمان بسیار کوتاهی ۲۶ گلوله شلیک می‌کند، گلوله‌ها از یک سو بطرف دکتر شرفکندی و دهکردی و از سوی دیگر به طرف عبدلی و اردلان نشانه می‌روند و همه گلوله‌ها به هدف اصابت می‌کنند. رایبل با کلت به اردلان و دکتر شرفکندی چهار تیر خلاص می‌زند. رایبل به اردلان که بر اثر نوع جراحات وارده می‌توانست در آن زمان هنوز زنده بماند، یک تیر دیگر به پشت سرش و به دکتر شرفکندی دو گلوله به سر و یکی به گلویش می‌زند. عبدالشریف بعد از آن، تیر خلاصی از فاصله‌ای کمتر از پنج سانتی متر، به شکم شرفکندی شلیک می‌کند.

در مجموع دوازده گلوله، به دکتر شرفکندی، عمدتاً در ناحیه سر، گلو، روده، ریه، جگر و کلیه اصابت می‌کند و او درجا فوت می‌کند. به اردلان با مسلسل سه گلوله، یکی به سینه، یکی به قسمت پائین شکم و یکی به زانوی راست او اصابت می‌کند. اردلان، با وجود جراحات، اگر سریع مورد مداوا قرار می‌گرفت شانس برای زنده ماندن می‌داشت، اما تیر خلاص باعث مرگ فوری او شد. به عبدلی، که از همه نزدیکتر به تیرانداز نشسته بود، چهار گلوله مسلسل اصابت می‌کند، گلوله‌ای که به قلب او اصابت می‌کند موجب مرگ فوری او در همان محل ترور می‌شود. به دهکردی هفت گلوله اصابت می‌کند، اما او فوت نمی‌کند، او را به بیمارستان اشتگلیچ (Steglitz) منتقل می‌کنند که در ساعت پنج دقیقه پس از نیمه شب بر اثر خون ریزیهای درونی فوت می‌کند.

در ماجرای ترورها در رستوران میکونوس، دادگاه آلمان حکم جلب علی فلاحیان و برخی دیگر از سران مقامات ایرانی را صادر می‌کند، این ترور تأثیر زیادی بر روی

روابط بین ایران و کشورهای اروپایی به دنبال داشت. دادگاه، سرانجام، در روز دهم آوریل ۱۹۹۷ کار خود را تمام و رأی خود به شرح زیر اعلام می کند:

- کاظم دارابی کازرونی حبس ابد. • عباس رایل حبس ابد. • یوسف امین یازده سال زندان. • محمد اتریس پنج سال و سه ماه زندان. • عطااله ایاد چهار سال زندان.

◀ بر اساس منابع بدست آمده، تعداد ترورهای برونمرزی رژیم جمهوری اسلامی به بیش از ۴۵۰ نفر می رسد.<sup>۱۷۸</sup>

## دریغا!

مماشات دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان یکی از آشکارترین نمودهای ترجیح مصلحت‌گرایی سیاسی بر اصول بنیادین حقوق بشر و عدالت دانست. در طول چهار دهه گذشته، علی‌رغم شواهد انکارناپذیر از نقض سیستماتیک حقوق اولیه شهروندان، سرکوب آزادی‌های مدنی، سرکوب خونین اعتراضات مردمی و صدور تروریسم دولتی به خارج از مرزها، واکنش قدرت‌های غربی اغلب در حد بیانه‌هایی محتاطانه، مذاکرات پشت‌پرده و توافقات اقتصادی محدود باقی مانده است. دریغا از این مماشات که ارزش‌های اخلاقی و انسانی را به پای منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی قربانی کرده و در عمل، به نوعی مشروعیت‌بخشی ضمنی به اعمال ضدبشری جمهوری اسلامی انجامیده است.

متهمان جدی جنایت‌هایی چون ترورهای میکونوس، که به حکم دادگاه عالی آلمان به صراحت نقش رده‌های بالای حکومت ایران در آن اثبات شد، یا افرادی چون اسدالله

۱۷۸ - (شبکه ترور جمهوری اسلامی)

اسدی، دیپلمات محکوم شده به جرم طراحی عملیات تروریستی در خاک اروپا، و نیز حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های دسته‌جمعی دهه ۶۰ در ایران، همه و همه در سایه همین مماشات یا مورد مبادله قرار گرفته‌اند، یا با سکوت معنادار محافل بین‌المللی مواجه شده‌اند. سکوت در برابر این پرونده‌ها، نه فقط مصداقی از شکست اخلاقی سیاست‌ورزی غربی، بلکه خیانتی به حافظه تاریخی قربانیان و بی‌اعتنایی به رنج ملت ایران است. چنین وضعیتی، نه تنها به تداوم سرکوب در ایران یاری رسانده، بلکه الگوی خطرناکی از بی‌تفاوتی استراتژیک در برابر جنایت‌های دولتی در جهان را بازتولید می‌کند. زمان آن فرا رسیده است که دولت‌های غربی از سیاست دوگانه فاصله گرفته، و با اتخاذ رویکردی مبتنی بر شفافیت، پاسخ‌گویی و دفاع بی‌قید و شرط از حقوق بنیادین انسان، اعتبار گفتمان خود را در سطح جهانی باز یابند.

## اعدام های سال ۱۳۸۸

در پی اعلان نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی دوباره محمود احمدی نژاد و تقلب و دستکاری در انتخابات توسط نیروهای پلیس و لباس شخصی های رژیم اعتراضات مردم اوج گرفت. در برابر این اعتراضات، رژیم با سرکوبی معترضان و ضرب و شتم و تیراندازی به آنان، تعدادی از معترضان را به ویژه در روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ بقتل رساندند و در روزهای پس از آن نیز کشتار متوقف نشد و تعدادی از معترضین کشته و زخمی شدند. علاوه بر این عده‌ای از معترضان پس از بازداشت در برخی بازداشتگاهها از جمله در زندان کهریزک<sup>۱۷۹</sup> نیز به قتل رسیدند.

### جنبش سبز

این اعتراضات که به جنبش سبز تبدیل شد با سرکوب بی سابقه ای از سوی نیروهای پلیس ضد شورش و حامیان شبه نظامی حکومت در سپاه و بسیج روبرو شد. در حالیکه آمار رسمی دولت خبر از کشته شدن دست کم ۳۰ تن در این رویدادها را می داد،

---

۱۷۹ - کهریزک زندانی غیر استاندارد در منطقه خاک سفید که در آن معترضین انتخابات ۱۳۸۸ را در فضایی کمتر یک متر برای هر نفر بدون تهویه، همراه با شکنجه و بدرفتاری زندانی کردند، بطوری که در آن بیش از پنج زندانی و دو پزشک زندان بنام رامین پوراندرجانی و عبدالرضا سودبخش نیز کشته شدند.

کهریزک در واقع یک سوله ۲۰۰ متری بدون وجود دستگاه‌های تهویه هوا، که در کنار معتادان کراکی که امیدوی به زنده ماندن نداشتند، ۱۴۵ نفر از دستگیر شدگان اعتراضات را در محیط غیر بهداشتی با هوای نامطبوع منتقل کردند، یکی از بازداشتی‌ها در اثر برخورد باتوم به سرش، بینایی خود را از دست داد و با وجود اطلاع شکنجه گران کهریزک از وضعیت او را از این محل غیر بهداشتی خارج نکردند. فردی که بینایی خود را از دست داده بود، در اتوبوسی که به سمت اوین در حرکت بود، بر روی پای یکی دیگر از بازداشت شدگان جان می سپارد.

سازمانهای مدافع حقوق بشر و همچنین کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد لیستی از تعداد:

**یکصد و دوازده نفر از کشته** شده را انتشار داد. با این حال کمیته پیگیری میرحسین موسوی و مهدی کروبی در شهریور ماه ۱۳۸۸، فهرستی شامل نام ۷۲ تن از کسانی که در خشونت‌های پس از انتخابات کشته شدند را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد. شکل گیری «جنبش سبز» و روند مهار و سرکوب این جنبش، سال ۱۳۸۸ را برای مردم ایران به سالی پر حادثه تبدیل کرد، تا آنجا که سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی درباره وقایع پس از انتخابات خردادماه ایران، نقض حقوق بشر در این کشور را در بدترین شرایط طی ۲۰ سال گذشته ارزیابی کرد، و دیده بان حقوق بشر اعلام کرد وضعیت ایران «به یک فاجعه حقوق بشری» مبدل شده است. ایران در سال ۱۳۸۸ از بیشترین اجرای احکام اعدام در جهان به ویژه اعدامهای زیر ۱۸ سال بود و با داشتن بیشترین شمار اعدام بعد از چین، دومین مقام اعدام در جهان را گرفت.

اگر چه بدست آوردن آمار دقیق اعدام‌ها در ایران به دلیل عدم شفافیت و عدم امکان راستی آزمایی گزارش‌های دولتی ممکن نیست، اما با توجه به آنچه که نهاد هایی همچون عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر اعلام کرده اند در سه ماهه قبل از انتخابات و منتهی به ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ دهها مورد اجرای حکم اعدام در مطبوعات ایران ثبت شده که در بین آنها دست کم یک محکوم در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته است.

بر اساس گزارش خبرگزاری هرانا، سامانه خبری خانه حقوق بشر ایران، طی سال ۱۳۸۸ دست کم **۲۹۰ نفر قربانی** در شهرها و زندان‌های مختلف کشور به پای چوبه‌های دار رفته و اعدام شده اند. این آمار نه تنها در طول سال ۱۳۸۹ کاهش پیدا نکرده است، بلکه با صدور پی در پی اجرای حکم اعدام در شهرهای مختلف بویژه اعدام در ملاء عام روند صعودی پیدا کرده است، از ۱۴۷ مورد اعدام اجرا شده در سال ۱۳۸۹ در ایران ۱۸

مورد آن در ملاء عام و در برابر انظار عمومی صورت گرفته، لیست استانی این اعدامها به شرح زیرند:

### لیست استانی اعدام شدگان

سال ۱۳۸۰	استان
۲۷ مورد	استان تهران
۲۳ مورد	استان خوزستان
۲۱ مورد	استان اصفهان
۱۷ مورد	استان کرمان
۱۵ مورد	استان خراسان شمالی
۱۰ مورد	استان آذربایجان شرقی
۸ مورد	استان زاهدان
۷ مورد	استان یزد
۵ مورد	استان گیلان
۵ مورد	استان قم
۳ مورد	استان خراسان جنوبی
۳ مورد	استان مازندران
۳ مورد	استان لرستان
۱ مورد	استان قزوین
<b>۱۴۸ مورد</b>	<b>جمع</b>

اجرای حکم اعدام در تهران در زندان‌های اوین، رجایی شهر و قزل‌حصار کرج بالاترین میزان اعدام را در بین استان‌های ایران داشته است.

سازمان حقوق بشر، عفو بین الملل آماری از اعدام‌های سال ۱۳۸۸ منتشر کرده اند که نشانه افزایش ۱۵۰ درصدی اعدام در این سال بوده است. تنها دانشجویانی که از خرداد ۱۳۸۸ تا تیر ۱۳۸۹ به دست رژیم کشته شده اند بیش از ۱۵۰ نفر بوده اند. ۱۸۰

## کشتار های سال ۱۳۹۶

اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ قیامی فراگیر بود که بیش از ۱۴۰ شهر در سراسر ایران را در بر گرفت، این اعتراضات از روز ۷ دی آغاز و تا روز ۱۹ دیماه بدون وقفه ادامه داشت. اعتراضات از شهر مشهد شروع شد و سپس مردم نیشابور، کاشمر، بیرجند، شاهرود و نوشهر نیز به مردم مشهد پیوستند. این قیام به سرعت در سطح کشور گسترش پیدا کرد و به شهرها و استان‌های دیگر کشیده شد. در مشهد طبق فراخوانی که از قبل اعلام شده بود، قریب به ۱۰ هزار نفر از مردم در اعتراض به گرانی اجناس و مایحتاج عمومی و بالا رفتن افسار گسیخته قیمت‌های روزانه در میدان شهدا، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر تظاهرات بزرگی را برگزار کردند. آنها به سمت حرم در خیابان شیرازی حرکت کردند. غارت شدگان مؤسسات مالی مختلف هم به این تجمع پیوستند. در این تجمع تمامی اقشار از زن و مرد، افراد سالخورده و کودکان، شرکت داشتند.

«تنفر» از جمهوری اسلامی ایران در میان معترضان، یکی از عوامل اصلی این اعتراضات بود و اقدامات و شعارهای ساختارشکن و تخریب‌گر، نشان از وجود این «تنفر» داشت. مردم شعار می دادند: «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر روحانی»، «مرگ بر گرانی»، «اسلامو پله کردین مردمو ذله کردین»، «امام رضا نگاه کن فکری به حال ما کن»، «لاریجانی قاضیه با دزد هم بازی»، «توپ تانک فشفشه دیگر اثر نداره»، «می کشم می کشم آنکه برادرم کشت». از مهمترین شعارهای این قیام می‌توان به شعار «اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» در دانشگاه تهران اشاره کرد. به گفته مقام‌های رسمی دفاتر ۶۰ تن از امامان جمعه مورد حمله مردم قرار گرفت. علی ربیعی وزیر سابق کار در خصوص گستره این اعتراضات گفت: در دیماه ۱۳۹۶ اعتراضات به ۱۶۰ شهر کشیده شد.<sup>۱۸۱</sup>

در اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ در مجموع نزدیک به ۸۰۰۰ نفر دستگیر و بیش از ۴۰ نفر جان باختند. شماری از جانباختگان در زندان و زیر شکنجه جان خود را از دست دادند، اما مقامات رسمی علت مرگ این زندانیان را خودکشی خواندند، غلامحسین محسنی اژه‌ای دلیل مرگ دو نفر را در زندانهای اوین و اراک خودکشی<sup>۱۸۲</sup> و تعداد کشته‌شدگان اعتراضات را ۲۵ تن اعلام کرد، اما جواد کریمی قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی در مجلس در یک سخنرانی تعداد کشته‌شدگان را ۵۴ نفر اعلام کرد، رحمانی فضلی تعداد بازداشت‌شدگان را بیش از ۵ هزار نفر خواند.

اعتراضات بین دیماه ۱۳۹۶ و قیام ۱۳۸۸ اساساً متفاوت بود، قیام ۱۳۸۸ ناشی از شکاف در رأس حاکمیت بود، اما قیام دی‌ماه ۱۳۹۶ خیزش مردم علیه کل حاکمیت بود. اعتراضات ۹ دی ۱۳۹۶ کمی بعد از تظاهرات به مناسبت سالگرد راهپیمایی ۹ دی در سال ۱۳۸۸ در تهران برگزار شد. به دنبال تیراندازی سپاه در بیمارستان دی، در شب ۹ دیماه ۱۳۹۶ کسری نوری و چهار درویش گنابادی دیگر در بیمارستان دی بازداشت شدند، اطلاعات دقیقی از تعداد و مشخصات دقیق قربانیانی که در تظاهرات کشته شدند در دست نیست، اسامی برخی اعدام‌شدگان که هویتشان روشن شده به شرح زیرند:

- در درود محمد چوباک، محسن ویرایشی، حسین رشنو، حمزه لشنی، احسان خیری و مهدی کهزادی،
- در دزفول محسن عادل،
- در مسجد سلیمان آرش خدری، امین رضائی،
- در قهدریجان غلامحسین شهاب، نعمت‌الله شفیعی، حسین شفیعی‌زاده و محمد ابراهیمی، احمد حیدری، شهاب حسینی،
- در اصفهان مهدی صالحی، محمد بسطامی، مجید نظری کندری، هادی کیانی و عباس محمدی هر کدام به ۲ بار اعدام و ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند

- در جوی آباد اصفهان نعمت‌الله صالحی،
  - در همایونشهر اصغر هارون رشیدی و شهاب امان‌اللهی به ثبت رسیده است،
  - در توپس‌رکان یک هموطن جان خودش را در تظاهرات از دست داد،
  - در نورآباد علی مؤمنی با شلیک نیروهای دولتی جاننش را از دست داد،
  - در ایذه ۲ تن جان باختند.
- در اعتراضات سال ۱۳۹۶ شمار قابل توجهی از زندانیان دربند در زندان‌های حکومت جمهوری اسلامی زیر شکنجه کشته شدند، نام برخی از آنان عبارت است از: کاووس سیدامامی، وحید حیدری، سینا قنبری، سارو قهرمانی و ... حسن (شاهین) تراکشوند در کرج که در ۹ دی ۱۳۹۶ در اثر اصابت گلوله زخمی شد و در ۲۶ دی ماه ۱۳۹۶ در بیمارستان باهنر در کرج جان باخت.<sup>۱۸۳</sup>

◀ در اعتراضات سراسری دیماه ۱۳۹۶ دست کم ۵۰ نفر کشته شدند که اکثراً با شلیک مستقیم نیروهای دولتی جان خود را از دست دادند. اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ خاموش نشد و در سال ۱۳۹۷ به اشکال مختلف دوباره از سر گرفته شد.

۱۸۳ - حسن (شاهین) تراکشوند با اصابت در ۲۶ دی ماه ۱۳۹۶ در بیمارستان باهنر در کرج جان باخت :

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=43079>

## جنایت های سال ۱۳۹۸

جنبش خونین آبان ۱۳۹۸ در ایران مجموعه ای از اعتراضات مردمی بر ضد حکومت در سراسر ایران بود، این جنبش در ۲۴ آبان پس از انجام مجدد سهمیه بندی و افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین آغاز شد. این اعتراضات که عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری متمرکز شد و رژیم جمهوری اسلامی و رهبران روحانی آن مورد هدف قرار گرفتند. بر اساس گزارش نهادهای امنیتی رژیم، ۲۹ استان و صدها شهر دستخوش ناآرامی های بی سابقه پس از افزایش قیمت بنزین قرار گرفت.

### قیامهای سراسری

در روز اول اعتراضات اینترنت و تلفن همراه در شهرهای مشهد، اهواز، بهبهان و امیدیه مختل شد و از ۲۵ آبان به دستور شورای عالی امنیت ملی بطور کامل قطع شد. با گسترش تجمعات اعتراضی در ۲۵ آبان، محمدجعفر منتظری، دادستان وقت کل ایران، معترضان به افزایش قیمت بنزین را «اخلال گر» خواند و تهدید کرد که با آنان برخورد جدی خواهد شد. همزمان نهادهای امنیتی با ارسال پیامک های تهدیدآمیز به تلفن های همراه بعضی شهروندان کرده در تجمعات، آن ها را تهدید به پیگرد قانونی در صورت تکرار شرکت در تجمعات غیرقانونی کردند.

خبرگزاری ها و سازمان های حقوق بشری خارج از کشور، بر اساس منابع و تحقیقات خود، تعداد جان باختگان اعتراضات را بیش از ۱۵۰۰ نفر اعلام کردند؛ این در حالی بود که مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران از اعلام رقم دقیق کشته شدگان سر باز می زنند. از سوی دیگر، برخی پژوهشها نشان می دهد بیش از ۷۵۰۰ مرگ بدون دلیل در مهر ۱۳۹۸ و ۶۳۰۰ مرگ بدون دلیل در آبان ۱۳۹۸ ثبت شده است که علت این مرگ و میرها را کووید-۱۹، انفولاترای فصلی، تصادفات جاده ای و حوادث طبیعی نمی دانند. آمار دقیقی نیز از بازداشت شدگان در دسترس نیست، اما حاصل سخنان مقامات رسمی

جمهوری اسلامی و همچنین گزارش نهادهای حقوق بشری نشان می دهد که در جریان اعتراضات دست کم ۸۶۰۰ نفر در ۲۲ استان ایران بازداشت شدند. سازمان عفو بین الملل در آخرین گزارشش اعلام کرد که بر اساس تحقیقات این سازمان، در جریان اعتراض های اخیر بیش از ۳۲۴ نفر کشته شده اند. پس از آغاز اعتراضات، مجتبی خانجانی فرماندار شهرستان بهارستان در مصاحبه ای گفت که آمار دقیق کشته شدگان حوزه تحت نظارتش را می داند اما اجازه انجام مصاحبه و ارائه اطلاعات در این زمینه را ندارد.<sup>۱۸۴</sup>

در ۷ آذر ۱۳۹۸ اردشیر امیرارجمند مشاور میرحسین موسوی به رادیو فردا گفت که آمار اعلام شده از سوی عفو بین الملل موثق هستند. پیش از آن شورای ملی مقاومت ایران شمار کشته های اعتراضات سراسری ایران در ۱۷۶ شهر را بیش از ۴۰۰ نفر اعلام کرده بود.<sup>۱۸۵</sup>

خبرگزاری رویترز در روز در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹ تعداد کشته شدگان را بر اساس دریافت آمار از سه مقام وزارت کشور ایران که خواسته اند نامشان فاش نشود، حدود ۱۵۰۰ تن در ۱۹۰ شهر اعلام کرد که تا آن روز اسامی ۵۴۷ تن از آن ها مشخص شده بود. تعداد کشته شدگان در استان تهران حداقل ۴۰۰، در خوزستان حداقل ۲۴۰، در کرمانشاه حداقل ۳۲۰، در اصفهان حداقل ۱۲۰، در فارس حداقل ۲۷۰ و در البرز (کرج) حداقل ۱۰۰ تن می باشد.

۳۰ دی ۱۳۹۸ کواکبیان نماینده مجلس اعلام کرد: مقام های مسئول به کمیسیون امنیت ملی اطلاع دادند که در اعتراضات آبان ۱۷۰ نفر کشته شده اند. در میان جان باختگان،

---

۱۸۴ - فرماندار بهارستان استان تهران می گوید برای تحویل پیکر قربانیان اعتراضات «پول نمی گیریم»، (رادیو فردا، ۵ آذر ۱۳۹۸)

۱۸۵ - همان رادیو فردا، ۸ آذر ۱۳۹۸

برخی ابتدا بازداشت و سپس کشته شده‌اند. در میان این جانباختگان، نام و هویت ۱۸ کودک مشخص شده است.

نیروهای امنیتی علیه گروهی از معترضین در منطقه نيزار ماهشهر آتش گشودند، طبق گزارش شاهدان محلی، روز دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۸، نیروهای سپاه پاسداران، برای سرکوب اعتراضات، جاده منتهی به یک مجتمع بزرگ پتروشیمی صنعتی را مسدود کرده و به روی معترضین آتش گشودند تا محلی برای فرار نداشته باشند. بنا بر گزارش های رسیده، بسیاری از معترضین برای پناه بردن به جانب نيزاری در حومه شهر فرار کردند. شاهدان و پرسنل پزشکی می گویند، اعضای سپاه، مزارع را محاصره کردند و با مسلسل دوشکا به جانب معترضین در نيزار ماهشهر شلیک کرده و نزدیک به ۱۰۰ تن از معترضین در این محل جان خود را از دست دادند، اکثر جانباختگان جوانان غیر مسلح بودند.

◀ بر اساس گزارش سه مقام وزارت کشور در ایران تعداد کشته شدگان در سال ۱۳۹۸ بیش از

۱۵۰۰ نفر در ۱۹۰ شهر اعلام شده است. ۱۸۶

## کشتارهای خیزش سال ۱۴۰۱

قیام سراسری ۱۴۰۱، در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل مهسا امینی دختر کرد اهل سقز توسط گشت ارشاد آغاز شد و در روزهای بعد در صدها شهر گسترش یافت. مهسا امینی که در تهران مهمان بود، در روز ۲۲ شهریور به بهانه بدحجابی در نزدیکی ایستگاه مترو حقانی تهران توسط پلیس بازداشت و در بازداشتگاه خیابان وزرا توسط ماموران مورد ضرب و شتم قرار گرفت. مهسا امینی ساعاتی بعد در اثر ضربه مغزی و متعاقب آن سکنه به بیمارستان کسری منتقل شده و سه روز بعد یعنی در روز ۲۵ شهریور درگذشت. روزنامه‌ی لیبراسیون یکشنبه ۱۸ سپتامبر/۲۷ شهریورماه، با انتشار گزارشی اعلام کرد، کشته شدن مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله ایرانی که پس از بازداشت از سوی گشت ارشاد، مورد خشونت ماموران نیروی انتظامی قرار گرفت و جان داد، یک جنبش اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی را به راه انداخته است. خواسته تظاهرکنندگان به سرعت به شعار سرنگونی جمهوری اسلامی کشیده شد. خامنه‌ای در سخنرانی خود در روز یازدهم مهر با اذعان به اینکه مسأله با حجاب و بی حجاب نیست، اعتراف کرد که تظاهرکنندگان اصل نظام اسلامی را هدف قرار داده‌اند و مسأله تنها حجاب نیست. جان باختگان قیام سراسری ۱۴۰۱ به بیش از **۷۵۰ نفر** در ماه‌های بعد بالغ شد.<sup>۱۸۷</sup>

در خیزش سال ۱۴۰۱ از ۲۶ شهریور تا ۲۰ دیماه بیش از ۵۴۰ نفر، از جمله ۷۴ کودک زیر ۱۸ سال در سراسر ایران به دست نیروهای امنیتی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی به

۱۸۷ - از قول موسوی تبریزی دادستان کل دادگاه‌های انقلاب در اوایل دهه ۶۰: حسینان همان کسی که گفته است «ما خود یک پا قاتل بودیم»، او گفته است: «در سال ۱۳۶۰ که منافقین فاز سیاسی را به فاز نظامی تبدیل کردند، آیت الله قدوسی در سمیناری که برای قضات اسلامی در تهران برگزار کردند، رسماً از قول امام گفتند اگر کسی سنگ هم انداخت حکمش محارب است و سزایش قتل است (نقل از مطبوعات ۶ دی ۱۳۹۲).

قتل رسیدند. بیشترین تعداد کشتن‌ها در استان‌های سیستان و بلوچستان، مازندران، کردستان، تهران، گیلان و آذربایجان غربی اتفاق افتاده است. از نظر زمانی نیز به ترتیب در روزهای ۳۰ شهریور، ۳۱ شهریور و هشتم مهر تعداد کشته‌ها بیش‌تر از روزهای دیگر بوده است.<sup>۱۸۸</sup>

امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، تعداد کشته‌شدگان را بیش از ۳۰۰ نفر اعلام کرده است. نظام جمهوری اسلامی مسئولیت کشتن معترضان به دست نیروهای خود را برعهده نمی‌گیرد و علت مرگ بسیاری از معترضان کشته‌شده را «تصادف رانندگی»، «خودکشی»، «سقوط از ارتفاع» یا «تیراندازی از میان جمعیت» اعلام کرده است.<sup>۱۸۹</sup> همچنین مقامات جمهوری اسلامی برای انکار کشتن معترضان، از اعترافات اجباری بستگان کشته‌شدگان نیز استفاده کرده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران در نروژ، جمعه ۲۷ ژانویه ۲۰۲۳ اعلام کرد تعداد کسانی که سازمان موفق شده کشته شدن آن‌ها را در جریان خیزش ۱۴۰۱ ایران تأیید کند، به ۴۸۸ تن رسیده و ۱۰۷ تن از دستگیرشدگان نیز با خطر اعدام مواجه هستند و دستکم ۷۴ تن از کشته‌شدگان کودک هستند.<sup>۱۹۰</sup>

درگیری‌های ۸ مهر ۱۴۰۱ بین مردم معترض زاهدان و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران به دنبال تجاوز فرمانده انتظامی به دختری بلوچ در میانه اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ ایران که گفته می‌شود. بین روایت جمهوری اسلامی و روایت منابع محلی، درباره وقایع این روز تفاوت‌های کلیدی وجود دارد. در این درگیری بر اساس آمار «کارزار فعالان بلوچ» و همچنین وبگاه «حالوش» ۹۱ نفر و بر اساس آمار مقام‌ها و رسانه‌های جمهوری اسلامی ۱۹ نفر کشته شدند.

۱۸۸ - صدای آمریکا، بی بی سی فارسی، ۲۳ آذر ۱۴۰۱

۱۸۹ - خبرآنلاین، ۷ آذر ۱۴۰۱

۱۹۰ - کانون حقوق بشر ایران، ۲۰ آبان ۱۴۰۱

روز جمعه ۸ مهر ماموران جمهوری اسلامی به روی مردمی که برای نماز در مسجد مکی زاهدان تجمع کرده بودند آتش گشود و ۱۰۳ نفر را به شهادت رساند و بیش از ۳۵۰ زخمی برجای گذاشت. کمپین فعالان بلوچ می‌نویسد: از روز جمعه ۸ مهرماه تا ۲۵ آبان ۱۴۰۱، هویت بیش از ۱۰۰ تن از شهروندانی که در حمله تروریستی به نمازگزاران، کشته شده‌اند را جمع‌آوری کرده و تاکید می‌کند که آمار واقعی به مراتب بیشتر از این و به ۱۲۰ نفر رسیده است.<sup>۱۹۱</sup>

اکثر فعالان حقوق بشر، نمایندگان پارلمان بریتانیا و پارلمان اروپا ضمن محکوم کردن حضور امیر عبداللهمیان در سازمان ملل، از دادن تریبون به او برای طرح ادعاهایش انتقاد کردند، رژیمی که تنها در خیزش ۱۴۰۱ بیش از ۵۳۰ نفر از معترضان ضد حکومتی از جمله بیش از ۷۰ کودک را در ایران کشته است و خبرگزاری‌های رویترز و ... تعداد کشته شدگان را بر اساس دریافت آمار از سه مقام وزارت کشور ایران که خواسته‌اند نامشان فاش نشود، حدود ۱۵۰۰ تن در ۱۹۰ شهر اعلام کرد که تا کنون اسامی بیش از ۶۰۰ تن از آنها مشخص شده‌است. تعداد کشته شدگان در استان تهران حداقل ۴۰۰، در خوزستان حداقل ۲۴۰، در کرمانشاه حداقل ۳۲۰، در اصفهان حداقل ۱۲۰، در فارس حداقل ۲۷۰ و در البرز (کرج) حداقل ۱۰۰ تن می‌باشد.

◀ در خیزش ۱۴۰۱ بیش از ۷۵۰ نفر از معترضان از جمله بیش از ۷۰ کودک کشته شدند.<sup>۱۹۲</sup>

۱۹۱ - بی بی سی فارسی، ۱۴ مهر ۱۴۰۱

۱۹۲ - (برگرفته از عفوی بین الملل ۲۰۲۲/۱۲/۸ و ۲۶/۰۳/۲۰۲۳، ایندپندنت فارسی ۲۰۲۲/۱۲/۹،

خبرگزاری هرانا و شورای ملی مقاومت) <https://centrerapo.com/Files-Gen/۲۵.docx>

## سرکوب اقلیت های مذهبی

در اوایل انقلاب ۱۳۵۷، رژیم جمهوری اسلامی، روحانیون تازه به قدرت رسیده با درخواست برخی از نمایندگان جامعه های غیرمسلمان مبنی بر به رسمیت شناخته شدن دین هایشان به عنوان دین های رسمی کشور مخالفت کردند، علاوه بر مخالفت بر این اصرار داشتند که نامسلمانان باید مشمول حکم فقهی «ذمه» بشوند. بهمین جهت در نهایت اصل ۱۳ قانون اساسی با تنها شش رأی مخالف (چهار نماینده غیرمسلمان و دو نماینده دیگر) به تصویب رسید.

بنابر این مصوبه در حکومت جمهوری اسلامی، ناباوران به اسلام: بهائیان، دراویش گنابادی، یارسانی ها، شیطان پرستان، مندائیان، سیکها، رائلیان، یهودیان، زرتشتیان و همه مسلمانانی که به کیش دیگری بگروند، فاقد هرگونه حقوق شهروندی، قانونی و انسانی در رژیم اسلامی هستند.<sup>۱۹۳</sup> تنها اقلیت های دینی زرتشتی، کلیمی، و مسیحی که صاحب کتاب هستند در حدود قوانین جمهوری اسلامی می توانند در انجام مراسم دینی خود و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل کنند. علیرغم این، پیروان آیین زرتشتی (مزدیسنا، بهی) نیز از سوی مراکز امنیتی رژیم جمهوری اسلامی، تحت آزار و محدودیت هستند.

به مرور زمان سرکوب و حملات به اقلیت مرامی بهائیان در ایران بطور بی سابقه ای شدت یافت و آنها را از حد اقل حقوق انسانی شان مانع شدند، روز ۹ مرداد ۱۴۰۱، مامورین حکومتی به منازل دهها بهائی یورش برده، حداقل ۳۰ نفر را بازداشت کرده و بسیاری دیگر را در رابطه با باورهای بهائی خود مورد بازجویی و تهدید به زندان قرار

۱۹۳ - مصوبه در قانون مجازات اسلامی مصوب اسفند ۱۳۷۵ در اصل ۱۶۷ قانون اساسی و به استناد به روایاتی چون: شیخ محمدبن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱، من ابواب حد المرتد، حدیث ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی و یا شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱،

داده و یا به آن‌ها پایبند ردگیر الکترونیکی وصل کردند. آنها همچنین به مصادره و تخریب اموال بهائیان شدت بخشیدند.

بنا به گزارش سازمان ملل در مرداد ۱۴۰۱: بیش از ۱۰۰۰ بهائی اکنون در معرض خطر زندان قرار دارند، از جمله ۲۶ نفر در شیراز که در تیر ۱۴۰۱ پس از یک محاکمه ی دسته جمعی به شدت ناعادلانه به دو تا پنج سال حبس محکوم شدند. سرکوبگران حکومتی همچنین برای متفرق کردن جمعیت دست به شلیک تیر هوایی زده و دو مرد را پس از ضرب و شتم شدید به مدت چند ساعت بازداشت کردند.

برای دهه ها، مقامات جمهوری اسلامی ایران تنها به این دلیل که مرکز جهانی بهائی در نزدیکی حیفا در اسرائیل (جایی که مقبره های بنیانگذاران دین بهائی) در آن جا قرار دارند، اتهامات بی اساسی را مبنی بر جاسوسی برای اسرائیل علیه اعضای جامعه بهائی ایران مطرح کرده اند. مصادره اموال بهائیان و تعطیلی اجباری مشاغل آنها بر اساس یک سیاست رسمی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۹ انجام می شود که توسط شخص رهبر تأیید شده است. این دستورالعمل تصریح کرده که «در رابطه با مسئله بهائیت، برخورد نظام با آنان باید طوری باشد که راه ترقی و توسعه آنان مسدود شود» همچنین شهروندان بهائی در صورت ابراز مرام بهایی خود، اجازه استخدام ندارند و «دستورالعمل توصیه می کند پستهای مؤثر مانند معلمی به آنان داده نشود.»<sup>۱۹۴</sup>

در حکومت جمهوری اسلامی، زندانیان اقلیت های مذهبی همچون همه سیاسیون دیگر به گونه سیستماتیک شکنجه شده و حقوق انسانی شان مانند حقوق انسانی معلمان، استادان دانشگاه، کنشگران سیاسی و مدنی، کارگران و نا باوران به اسلام حکومتی نقض می شود.<sup>۱۹۵</sup> تنها در سال ۲۰۱۶ میلادی، دست کم ۱۱۵ نفر اهل سنت، ۸۰ بهائی، ۲۶ نفر

۱۹۴ - عفو بین الملل و سازمان حقوق بشر: حملات به اقلیت بهائی در ایران شدت یافته، سوم

شهریور ۱۴۰۱ <https://fa.amnesty.org>

۱۹۵ - چهل سال جمهوری اسلامی، کارنامه حقوق بشری، سرکوب و نقض حقوق قانونی اقلیت های مذهبی و قومی:

نوکیس مسیحی، ۱۸ درویش و ۱۰ یارسانی به دلیل گرایش دینی یا فعالیت در زمینه دینشان به زندان افتاده تحت شدید ترین شکنجه و آزار قرار گرفتند.<sup>۱۹۶</sup>

## نمونه کشتار یهودیان

کشمکش های یهودیان با مسلمانان و همچنین کشتار یهودیان در تاریخ پیشینه ای طولانی دارد، کشتار یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه، هیچگاه علیه مسیحیان اتفاق نیفتاد. یهودیان که به یهوه<sup>۱۹۷</sup> ایمان دارند در دوران باستان منجی و مسیح خود را کوروش بزرگ ایران می دانستند.<sup>۱۹۸</sup> اما در جمهوری اسلامی یهودی ستیزی، سیستماتیک و نهادینه شد، در این حکومت، یهودی ستیزی و صهیونیسم ستیزی و اسرائیلی ستیزی همگی یک بار معنایی دشمن پیدا کرد و تفاوتی بین این واژگان وجود ندارد، رژیم اتهاماتی را که علیه یهودیان وارد کرده، به هیچ گروه دیگری وارد نکرده است.

فدراسیون یهودیان ایرانی آمریکایی، اعلام کرده است که مقامات ایرانی هیچ اطلاعاتی را درباره ۱۱ مرد یهودی که در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ ناپدید شدند، بیرون نداده اند.<sup>۱۹۹</sup>

<https://ir.voanews.com/persiannewsiran/iran-human-rights-65>

۱۹۶ - همان چهل سال جمهوری اسلامی

۱۹۷ - یهوه خدایی است که تنها به قوم یهود تعلق دارد، یهوه قوم یهود را از میان آدمیان به مشابۀ تنها قومی برگزیده است که حق دارد در سر زمین مقدس زندگی کند. (سفر الخروج ۱۷: ۱۵)

198 - Raymond P. Scheindlin, *A short history of The jewish people*, Oxford University Press, 2000, p.36.

199 - Haut-Commissaire aux droits de l'homme, Rapport sur l'Iran, 13 mai 2008 par la Wayback Machine sur le site du Département d'État américain. <https://www.state.gov/>

## نمونه کشتار مسیحیان

دستگاه سرکوب حکومت جمهوری اسلامی طبق روش همیشگی خود، در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۹۷ بیش از ۱۰۰ مسیحی را در عرض یک هفته، دستگیر می کند، گروه فعالان مسیحی «دربهای باز» (CGD) می نویسند حکومت ایران، بی رحمانه پیروان مسیحی را سرکوب می کند. افزایش شدید دستگیری ها نگران کننده شده است. در جمهوری اسلامی ایران، مسلمانانی که مسیحی می شوند به اعدام محکوم می شوند.<sup>۲۰۰</sup> محمد تقی بهجت درباره کافر بودن مسیحیان و یهودیان فتوا داده: «نظر اسلام درباره مسیحی، کلیمی، و زرتشتی همه نجس و کافر هستند.»<sup>۲۰۱</sup> ذیلاً به روز شمار کوتاهی که قتل مسیحیان را در ایران نشان می دهد نگاه می کنیم:

- ارسطو سیاح، کشیش کلیسای انگلیکن (پروتستانی) در ایران، هشت روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین کشیشی بود که مورد ترور جمهوری اسلامی قرار گرفت، او در ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ در مقابل دفتر کارش در شیراز با ضربات چاقو کشته شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی تنها مسیحیان ارمنی و آشوری را به عنوان مسیحیانی که با زبانی غیر از زبان فارسی برنامه های مذهبی خود را اجرا می کنند به رسمیت می شناسد. در صورتی که زبان کلیسای انگلیکن در ایران، بر خلاف کلیساهای ارمنی و آشوری، فارسی بود و از این رو سخت مورد غضب حاکمان تازه به قدرت رسیده قرار داشت. پس از قتل کشیش ارسطو سیاح، اموال کلیسای انگلیکن نیز از سوی جمهوری اسلامی توقیف

۲۰۰ - بر طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۶، کسانی که از دین اسلام خارج شوند، در صورتی که یکی از والدینشان مسلمان باشد، حکمشان اعدام است.

۲۰۱ - محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۵

گردید.<sup>۲۰۲</sup> بعد از قتل ارسطو سیاح، روند قتل مسیحیان پیوسته ادامه پیدا کرد.

- اسقف حسن دهجریانی در اصفهان در خواب مورد هدف پنج گلوله قرار گرفت اما از این ترور جان سالم به در برد.
- در سال ۱۳۵۹ پسر اسقف بهرام دهجریانی در تهران ربوده شد و به ضرب گلوله به قتل رسید.
- منوچهر افغانی از شورای کشیشان پروتستان در سال ۱۳۶۷ در اصفهان به قتل رسید.
- کشیش حسین سودمند در سال ۱۳۷۱ در مشهد از کلیساهای جماعت ربانی به اتهام ارتداد به اعدام محکوم و حلق آویز شد. این اولین بار بود که کشیشی با محاکمه در دادگاه به مرگ محکوم می‌شد و قتل او به صورت پنهان صورت نمی‌گرفت.
- در سال ۱۳۷۲ کشیش مهدی دیباج در ساری به اتهام ارتداد فطری به اعدام محکوم شد جامعه مسیحیان ایران به ویژه کشیش هایک هوسپیان مهر برای نجات جان دیباج بسیار تلاش کرد. کشیش هوسپیان، رهبر کلیساهای جماعت ربانی با راه اندازی کمپین‌های بین‌المللی و جلب نظر مسیحیان و افکار عمومی جهان نقش مؤثری در آزادی کشیش مهدی دیباج ایفا کرد. سرانجام کشیش مهدی دیباج پس از ده سال حبس در ۲۴ دی ماه ۱۳۷۳ آزاد شد.
- سه روز پس از آزادی مهدی دیباج، کشیش هایک هوسپیان در راه فرودگاه مهرآباد ناپدید شد. خانواده او پس از ۱۱ روز تلاش بی‌امان برای یافتن کشیش، سرانجام جسد او را که با ۲۶ ضربه چاقو مثله شده، در

۲۰۲ - خبرنگار مه بولتن، ماده ۱۸، ۲۳ تیر ۱۴۰۰

سردخانه پزشکی قانونی تحویل گرفتند. قاتلان روی سینه، درست بر روی قلبش حفره‌ای عمیق با آلتی برنده ایجاد کرده بودند.

- شش ماه پس از قتل کشیش هایک، اسقف تاتائوس میکائیلیان رئیس شورای پروتستان‌های ایران در ۱۱ تیر ۱۳۷۳ در سن ۶۲ سالگی در مسیر رفتن به دانشگاه تهران، با شلیک گلوله به قتل رسید. کشیش میکائیلیان جانشین کشیش هوسپیان‌مهر و رئیس پیشین شورای کشیشان پروتستان ایران بود که ۶ ماه پیش از آن ربوده شده بود.<sup>203</sup> قاتلان روی جنازه کشیش میکائیلیان بر تکه کاغذی نشانی جسد کشیش مهدی دیباج را قرار داده بودند.

- کمتر از دو سال بعد در سال ۱۳۷۵ کشیش محمد باقر یوسفی اهل کلیساهای جماعت ربانی ملقب به روانبخش در جنگل حلق آویز شد.

- قربان دودی تورانی، از گروه کلیساهای خانگی در آذر ۱۳۸۴ به قتل رسید. خانواده او جسد غرق در خونش را در حالی که گلویش بریده شده بود، در برابر خانه‌شان یافتند.

- محمد جابری و محمدعلی جعفرزاده از گروه کلیساهای خانگی در خرداد ۱۳۸۶ به قتل رسید.

- عباس امیری در سال ۱۳۸۷ در ملک شهر اصفهان به دست نیروهای امنیتی به قتل رسیدند. سه روز پس از مرگ او همسرش بر اثر جراحات‌های ناشی از شکنجه ماموران امنیتی درگذشت. عباس امیری پیش از گرویدن به مسیحیت مدت‌ها در جنگ ایران و عراق به عنوان بسیجی شرکت کرده و مجروح شده بود.

۲۰۳ - قتل سه کشیش شریف ایرانی و نسبت دادن این توطئه جنایتکارانه به مجاهدین، اوج‌گیری جنبش

دادخواهی قتل عام ۶۷ / <https://iran-efshagari.com/>

- بعد از عباس امیری، یوسف نادرخانی کشیش مسیحی کلیسای تبشیری به اتهام ارتداد به اعدام محکوم شد.<sup>۲۰۴</sup>

قتل کشیش های مسیحی در ایران، در دهه ۷۰، در فاصله دی ماه سال ۱۳۷۲ تا تیر ماه ۱۳۷۳ به اوج خود رسید. در این دوران رهبران کشیش های مسیحی در سلسله عملیات سازماندهی شده توسط وزارت اطلاعات به قتل رسیدند. به گفته وزیر کار جمهوری اسلامی این کشیش ها به دلیل قبول نداشتن نظام سیاسی ایران و فعالیت هایشان برای حقوق بشر و حقوق اقلیت ها در ایران به دست وزارت اطلاعات به قتل رسیدند. وزارت اطلاعات قتل این کشیش ها را به مجاهدین خلق نسبت داد.<sup>۲۰۵</sup>

## نمونه کشتار بهائیان و دگر اندیشان

کشتار و دشمنی با بهائیان پیشینه ای بس طولانی دارد، از زمان پیدایش این اعتقاد در ایران در سال ۱۸۴۴ بهائیان همواره مورد اذیت و آزار قرار می گرفتند. اواسط قرن نوزدهم میلادی، حدود ۲۰ هزار نفر از پیروان اولیه بهائیان مورد قتل و غارت قرار گرفتند. در دوره های بعد از آن نیز جامعه بهائی توسط حکومت های بعدی بطور مداوم در معرض آزار و اذیت بوده اند. در رژیم پهلوی (۱۹۲۱ - ۱۹۷۹) این آزار شدت کمتری داشت. در گذشته اذیت و آزار بهائیان ریشه مذهبی داشت، اما در حکومت جمهوری اسلامی، بنیاد این آزار ها بر زمینه تهمت و افتراء به بهائیان گذاشته شد.

۲۰۴ - وبلاگ مسیحیت / <https://masihiyaniran.wordpress.com/page/12/>

۲۰۵ - قتل های زنجیره ای «کشیشان مسیحی» به روایت وزیر پیشین کار جمهوری اسلامی (آژانس خبری مسیحیان ایران).

ویژگی امروز بهائیت در این است که دین بهائی در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است، تعداد بهائی کیشان در سرتاسر جهان به بیش از ۱۲۰ هزار رسیده است، تبلیغات مذهبی آنها به ۶۳۷ زبان در دنیا ترجمه شده است. بهائیان به وحدت کلیه ادیان بزرگ عقیده دارند و از این رو به محمد پیامبر و کتاب او قرآن احترام می گذارند، اما از تعالیم بهاءالله که او را ناجی موعود خود می دانند پیروی می کنند.

یکی از علل آزار و اذیت بهائیان از سوی رژیم ایران این است که ولایت مطلقه فقیه آنها را کافر می پندارند، زیرا آنان عقیده دارند که بهاءالله آن موعودی است که در پیش‌بینی‌های اسلامی هم (مانند سایر ادیان) به ظهورش وعده داده شده، به زعم آنها با تفاسیر قرآنی قابل قبول نیست. موسوی تبریزی گفته است: «قرآن فقط اهل کتاب را دین‌دار می شناسد. افراد غیر از آن، خدا ناشناس هستند و باید از بین بروند.» این در حالی است که بهائیان برحسب تعالیم دینی خود باید نسبت به دولت وقت در کشور خود مطیع و وفادار باشند و از شرکت در سیاست و فعالیت بر علیه دولت پرهیز کنند.<sup>۲۰۶</sup>

جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، در گزارش خود اعلام کرد که بهائیان ایران در ۴۰ سال اخیر از ناعادلانه‌ترین نوع سرکوب، فشار و قربانی شدن رنج برده‌اند. وی با اشاره به اعدام بهائیان در حاکمیت رژیم ایران در بخشی از این گزارش نوشته است: «از سال ۱۹۷۹ تا کنون (۲۰۲۴) بیش از ۲۰۰ بهائی ایرانی، صرفاً بر مبنای باورهای دینی خود اعدام شده‌اند که تقریباً نیمی از آنها از نمایندگان انتخاب شده شوراهای بهائی در سطح محلی یا در سطح ملی بوده‌اند.» از آن‌جا که مقامات ایرانی و نظام عدالت کیفری ایران بهائیان را کافر حربی به شمار می آورند، قتل بهائیان با مصونیت قضایی همراه بوده و نقض حقوق انسانی‌شان پیگیری و بررسی نشده است... از آن‌جا که از نگاه رژیم جمهوری اسلامی، آیین بهائی با عنوان فرقه ضاله شناخته می شود؛ و شعایر و مراسم دینی بهائی کفر قلمداد می شود، بهائیان اغلب با اتهاماتی از

قبیل اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران یا فعالیت‌های تبلیغی علیه رژیم و به نفع فرقه بهائی روبه‌رو هستند.<sup>۲۰۷</sup>

---

۲۰۷ - اسامی پیشتازان بهائی اعدام شده: : <https://centrerapo.com/Files-Gen/7.docx>  
اعدام بیش از یک صد پزشک دگراندیش: <https://centrerapo.com/Files-Gen/24.docx>

## سرکوبهای ابداعی رژیم

جنایات دلخراش با احکام نانوشته و ابداعی تفکر ولایت مطلقه فقیه، از سیستم دائمی چماقداری تا سنگسار، دست و پا بریدن، کور کردن چشم معترضان، اسید پاشی بر روی زنان بدحجاب (۴) و مسمومیت دختران دانش آموز، همگی جنایات هدفمند و سیستماتیک این رژیم قرون وسطایی است که از روز اول حاکمیت برای پیشبرد اهداف سیاسی اش به کار برده است.

### نابینا کردن سیستماتیک

سازمان حقوق بشر ایران در گزارش منتشر شده در روز جمعه ۳۱ شهریور ۱۴۰۲، از شناسایی دست کم **۱۳۸ آسیب دیده چشم** با شلیک مستقیم و هدفمند ماموران حکومتی ایران در جریان خیزش اعتراضی شهروندان علیه جمهوری اسلامی خبر می دهد و تاکید می کند شلیک نیروهای سرکوبگر به صورت و چشم زنان معترض، با تقریب بسیار بالایی «سیستماتیک و هدفمند» بوده است.<sup>۲۰۸</sup>

بر اساس این گزارش، زنان حدود ۹ درصد از مجموع کشته شدگان خیزش انقلابی را شامل می شوند که ۲۸ درصد آسیب دیدگان چشمی در این دوره زمانی هستند. بر این اساس نیروهای سرکوبگر احتمالاً در بسیاری از موارد ترجیح داده اند به جای «شلیک مرگبار به سمت زنان معترض»، عامدانه چشمان آنها را هدف قرار دهند.

۲۰۸ - گفت وگو با محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران: گزارش سازمان حقوق بشر ایران درباره شلیک هدفمند ماموران جمهوری اسلامی به چشم زنان معترض، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۳

<https://www.iranintl.com/202309224951>

این سازمان در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ نیز از شلیک ماموران حکومتی به چشم و صورت معترضان به عنوان امری «سیستماتیک» یاد کرده و نام و مشخصات ۲۲ نفر از کسانی را منتشر کرد که در جریان این شلیک‌ها بینایی یک یا دو چشم خود را از دست داده‌اند. این سازمان حقوق بشری با انتشار گزارشی جدید، ارزیابی پیشین خود را تایید کرد و نوشت شلیک نیروهای سرکوبگر به چشمان معترضان، از نخستین روزهای اعتراضات آغاز شده و تا پایان آبان ۱۴۰۱ به طور گسترده در شهرهای مختلف ایران ادامه یافته است. آسیب‌دیدگان چشمی اغلب در اثر اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای فلزی یا پلاستیکی یک چشم و در برخی موارد هر دو چشم خود را از دست داده‌اند، در ۹ مورد، آسیب‌ها در اثر اصابت گلوله‌های پینت‌بال (paintball) و پنج مورد نیز در اثر اصابت مستقیم گلوله‌های گاز اشک‌آور به صورت رخ داده است. یک نفر از افرادی که آسیب چشمی داشته، بر اثر ضربه ماموران حکومتی با «پنجه بوکس» بینایی‌اش را از دست داده است. در برخی موارد به ویژه در شهرهای کوچک، افراد آسیب‌دیده موفق به «شناسایی فرد ضارب» شده‌اند که سازمان حقوق بشر ایران تاکید کرده است اطلاعات آنان در اختیار کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد قرار گیرد.<sup>۲۰۹</sup>

سازمان حقوق بشر ایران در گزارش جدید خود نام و تصویر ۹۵ آسیب‌دیده چشمی را همراه با جزییات منتشر کرده و یاد آور شده ۴۳ شهروند نیز اطلاعات و مدارک پزشکی خود را تنها به شرط «حفظ محرمانه آنها» در اختیار این سازمان گذاشته‌اند. بر اساس این گزارش، در فهرست آسیب‌دیدگان چشمی نام «هشت کودک» نیز ثبت شده است که چهار نفرشان پسر و چهار نفر دختر هستند و کم سن‌ترین آنها دختر پنج ساله‌ای به نام بنیتا کیانی فلاورجانی است. بنیتا در بالکن منزل پدر بزرگش در طبقه دوم آپارتمانی در ملک شهر اصفهان هدف گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و چشم راست خود را از دست داد.

۲۰۹ - همان گفتگوی با محمود امیر مقدم.

چشم پزشکان سه بیمارستان بزرگ تهران: فارابی، رسول اکرم و لبافی نژاد، تخمین زدند که از زمان شروع اعتراضات در مجموع بیش از ۵۰۰ بیمار را پذیرش کرده‌اند که چشم‌هایشان به شدت آسیب دیده. پزشکان در استان کردستان نیز تخمین زده‌اند که حداقل ۸۰ نفر از پذیرش شدگان چشمانشان مجروح بوده است.

علاوه بر سازمان حقوق بشر ایران، گزارش‌های متعدد دیگری نیز بر اساس روایت شاهدان عینی و مدارک پزشکی از بیمارستانها و کلینیکهای چشم‌پزشکی از آسیب چشمی معترضان منتشر شده است. از جمله نیویورک تایمز در گزارشی که در ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲) منتشر شد، از صدها معترضی نوشت که در جریان سرکوب خیزش انقلابی مردم ایران از فاصله نزدیک هدف قرار گرفته‌اند و چشمان آنها بر اثر اصابت گلوله‌های فلزی و پلاستیکی نابینا شده است. گزارش شماره ۱۱ هنگاو (Hengaw) گردی در ۲۰ فوریه ۲۰۲۳ از اعتراضات در شهرهای گُردستان، از ۱۲۲ کشته و بیش از ۸ هزار مجروح و دست کم ۵۸۰ آسیب دیده از ناحیه چشم خبر می‌دهد.

## اسید پاشی به خانمها

خشونت علیه زنان و در فجیع‌ترین اشکال آن زاده جامعه بیمار و مرد سالار است. خشونت‌هایی که زنان ایران همه روزه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و اغلب از آن جان سالم بدر نمی‌برند. استبداد سیاه حکومت اسلامی، هیولای خشونت به زنان را در چهاردیواری خانه محدود نکرده، بلکه سوار بر موتور با هزینه‌های محرمانه، صدها ارگان سرکوبگر ریز و درشت در خیابانها پرسه می‌زنند و به دختران و زنان جوان اسیدپاشی زنجیره‌ای را سازمان می‌دهند. یکی از پدیده‌های نوظهوری که حقوق و سلامت زن و در نتیجه حریم انسانیت و امنیت جامعه را خدشه دار نموده، عمل شنیع اسیدپاشی بر سر و صورت زنان و دختران جوان است. خشونت اسید پاشی به عنوان شکل

نوبنی از خشونت علیه زنان در جامعه ایران قربانی می گیرد. این عمل البته در نظام بین المللی حقوق بشر نوعی تبعیض و خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و در نتیجه نقض حقوق بشری بنیادین آنان بوده و ممنوع است. بر این اساس، دولت ها باید در پیشگیری، تحقیق و مجازات مرتکبین اسیدپاشی اقدام مقتضی بعمل بیاورند.

اسیدپاشی های پیاپی و بی سابقه ای در اصفهان به ناحیه صورت زنان بدون چادر در مهرماه ۱۳۹۳ خورشیدی پوقوع پیوست، این اسیدپاشی های زنجیره ای، همزمان با اعتراضات مردم بود که مقامات مسئول از پاسخگوئی به آنان که صرفا خواهان امنیت شهروندی خود بودند می گریختند. این جنایت در هر جای دیگری در جهان اتفاق می افتاد، مرتکبین را دستگیر و به محاکمه علنی می کشاندند، اما راستی چرا در ایران چنین نشد و جانیان با اطمینان خاطر به جنایات خود ادامه دادند و دولتمردان حکومتی هم اغماض کردند؟ پاسخ ساده است، اسیدپاشی در اصفهان، دختران و زنانی را نشانه رفته بود که به گفته انصار حزب الله بد حجاب بودند. لذا باز خواست از اعضای انصار نتیجه اش از قبل روشن بود، این جماعت طبق فتوای مرجع تقلید به وظیفه دینی خود عمل کرده اند. نتیجه، اینکه از آنجائیکه اکثریت قریب به اتفاق مراجع تقلید رسماً و علناً اسید پاشی، مرتکبین و سازماندهان این جنایت هولناک را محکوم نکردند و مردم در تهران و اصفهان و دیگر نقاط ابراز انزجار خود را از این توحش جنایتکارانه نشان دادند و حفظ امنیت شهروندان و بخصوص زنان را در سرلوحه مطالبات خود قرار دادند. سازمان رهائی زن ضمن حمایت از اعتراضات مردم و احساس همدردی با قربانیان این جنایت هولناک، خواهان شناسائی و محاکمه فتوی دهندگان و آمران این جنایات شدند.<sup>۲۱۰</sup>

در جریان اسیدپاشی ها در اصفهان، حداقل چهار دختر جوان مورد حمله قرار گرفتند که منجر به مرگ یکی از آنها شد. برخی گزارش ها شمار قربانیان اسیدپاشی در اصفهان را تا ۱۵ نفر اعلام کرده اند. بنابر گزارش روز ۳ آبان ۱۳۹۳ مشرق، از سال ۱۳۸۴ تا سال

۱۳۹۳ طبق بررسی های انجام شده **حد اقل ۲۰ مورد اسیدپاشی در ایران رخ داده است**. خبر این حوادث نخستین بار به صورت رسمی از خبرگزاری ایسنا منتشر گردید. این اولین بار نبود که اسیدپاشی در ایران رخ می داد، این اتفاق پیش از این نیز بارها تکرار شده بود، اما نکته ای که این بار مردم را به شدت پریشان کرد وجه تروریستی این حادثه بود. روز پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۹۹، نگار مسعودی، عکاس و مستند ساز قربانیان اسیدپاشی که عکس هایی از مرضیه ابراهیمی یکی از قربانیان در اصفهان گرفته بود، توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.<sup>۲۱۱</sup> برخی از ائمه جمعه و گروه انصار حزب الله در ماهها و هفته های پیش از این حادثه، حجم نامتعارفی از نفرت پراکنی را علیه گروههایی از زنان انجام دادند. آنها به معرفی زنان کم حجاب به عنوان منحرفان اخلاقی، عوامل اصلی مشکلات اجتماعی یا حتی کسانی که به طور سازمان یافته به اجرای پروژه های پیچیده دشمنان خارجی برای مقابله با جمهوری اسلامی می پردازند پرداختند.

## مسمومیت های زنجیره ای

مسمومیت زنجیره ای در مدارس دخترانه ایران از رخداد های جدید، گسترده و دنباله داری بودند که طی آن تعداد زیادی از دانش آموزان مدارس ایران به شیوه ای مشکوک مسموم شدند. این رخداد از ۹ آذر ۱۴۰۱ در یک دبیرستان دخترانه در قم آغاز شد و از آن زمان، صدها دانش آموز در ۶۰ مدرسه در قم که عمدتاً مدارس متوسطه اول و دوم دختران بود کشیده شد، البته این رخداد منحصر به قم نبوده و دامنه آن به شهرهای دیگری در سرتاسر ایران از جمله بروجرد، ساری، اردبیل، تهران، فردیس، خوزستان، کرمانشاه، نیشابور و مشهد نیز کشیده شد. اکثر قربانیان این مسمومیت ها، دانش آموزان

۲۱۱- همه چیز درباره پست پرده اسیدپاشی های اصفهان، خبرنگار جام جم آنلاین، ۳ آبان ۱۳۹۳، شماره ۱۰۰ مجله حقوق ما.

دختر بودند، مواردی انگشت شمار نیز در مدارس پسرانه گزارش شده است، در قم یک دختر دانش آموز در اثر این حملات جان خود را از دست داد.<sup>۲۱۲</sup>

بنا به گفته محمدحسن آصفری، عضو کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی، تا ۱۵ اسفند ۱۴۰۱ بیش از پنج هزار دانش آموز در ۲۵ استان و حدود ۲۳۰ مدرسه درگیر این حادثه شده اند. پژوهشها درباره نوع مسمومیت بی نتیجه ماند. کمیته علمی وزارت بهداشت به کارگیری یک «ماده محرک تحریک کننده عمدتاً استنشاقی» را در این مسمومیتها تأیید کرده است. آمران و عاملان این رخداد مشخص نیست اما گمانه زنی هایی درباره نقش گروه های افراطی، فرقه های دینی واپسگرا، طالبانی و هزاره گرایان و ... وجود دارد که همگی به اشکال گوناگون مخالف موضوع درس خواندن دختران هستند.<sup>۲۱۳</sup>

سازمان عفو بین الملل روز چهارشنبه، ۳۰ فروردین ۱۴۰۲ در بیانیه ای هشدار داد که جان میلیون ها دختر دانش آموز ایرانی به خاطر «حملات شیمیایی» که عاملان آن مدارس دخترانه را هدف قرار می دهند» در خطر است. این حمله ها اندکی پس از آغاز جنبش اعتراضی سراسری در روزهای پایانی شهریور ماه سال ۱۴۰۱ شروع شد و همچنان ادامه دارد. این سازمان در بخشی دیگر از بیانیه خود نوشت: «به نظر می رسد این مسمومیتها یک کمپین هماهنگ برای تنبیه دختران دانش آموز در واکنش به مشارکت مسالمت آمیزشان در اعتراضات سراسری باشد که طی آن این دختران از جمله از طریق اقدامات مقاومت مدنی مانند برداشتن حجاب اجباری و نشان دادن موهای خود در ملاء عام در حالی که لباس مدرسه به تن داشتند، اعتراضات خود را نشان دادند.»<sup>۲۱۴</sup>

۲۱۲- روزنامه شرق، ۶ اسفند ۱۴۰۱

۲۱۳- بی بی سی فارسی، ۹ اسفند ۱۴۰۱

۲۱۴- عفو بین الملل، اقدام فوری، شناسه ۶۶۹۶/۱۳، ۳۰ فروردین ۱۴۰۲ (۱۹ آوریل ۲۰۲۳)

نخستین مورد شناخته شده مسمومیت دختران دانش آموز آذرماه سال ۱۴۰۱ در یکی از مدرسه های دخترانه شهر قم رخ داد و از آن زمان به بعد این مسمومیت ها در صدها مدرسه دیگر در سراسر ایران گزارش شده است. اسفند ماه سال ۱۴۰۱ گرچه معاون وزارت بهداشت مداوای ۱۳ هزار دانش آموز مسموم را تأیید کرده بود، اما او برای رو پوشانی موضوع این مسمومیت را بیماریهای ناشی از «استرس» و «شیطنت» دانست. عفو بین الملل با اشاره به توجیه فوق می گوید برخی دیگر از مقام های جمهوری اسلامی نیز علت مسمومیت دختران را به مسائلی مانند «اضطراب»، «هیجان» یا «جو روانی» نسبت دادند و به ارباب و بازداشت کسانی پرداختند که از کوتاهی مسئولان در متوقف کردن مسمومیت ها و برخورد با عوامل آن انتقاد کرده اند.

با توجه به ادامه مسمومیت های زنجیره ای که به ویژه مدارس دخترانه را به عنوان کانون مهم اعتراض ها علیه حجاب اجباری را هدف گرفته بود از یک سو و عدم اقدام موثر حکومت در رد یابی و جلوگیری از این عمل شنیع از سوی دیگر، ظن سازمان یافته بودن این اقدام ها و دست داشتن نهادها و کارگزاران حکومتی در آن را تشدید کرد. محمدتقی فاضل میبدی، عضو مجمع مدرسین حوزه علمیه قم، به مسموم سازی دانش آموزان و دانشجویان واکنش نشان داده و آن را کار گروهی عنوان کرد که مرکزشان در قم و اصفهان است. احمدحسین فلاحی، عضو کمیسیون آموزش مجلس می گوید به نظر او موضوع مسمومیت دانش آموزان «فرا تر از شیطنت چند دانش آموز» است و باید به آن عمیق تر نگاه کرد.

پایگاه خبری و اطلاع رسانی رُکنا، روز دهم اسفند ۱۴۰۱ نوشت: مسمومیت های سریالی مدارس دخترانه ایران که از پاییز سال ۱۴۰۱ در استان قم آغاز شده بود تا امروز دهم اسفندماه ۱۴۰۱ همچنان ادامه دارد. تعداد مدارس دخترانه درگیر با علائم مسمومیت در تهران، اردبیل، کرمانشاه به ۱۵ مدرسه رسید و آمار کل مسمومیت دختران دانش آموز ایران در این چند ماه به مرز هزار نفر رسیده است.

سازمان عفو بین الملل در یک اقدام فوری اعلام کرد میلیون‌ها دختر دانش‌آموز در معرض خطر مسمومیت قرار دارند. حق تحصیل، سلامت و حیات میلیون‌ها دانش‌آموز دختر در بحبوحه حملات شیمیایی که عاملدانه مدارس دخترانه را هدف قرار می‌دهند، در خطر است. از آبان ۱۴۰۱، هزاران دانش‌آموز مسموم و در بیمارستان بستری شده‌اند. مقامات در انجام تحقیقات مناسب و پایان دادن به این حملات قصور کرده‌اند و مسمومیت دختران را تحت عناوینی نظیر «استرس»، «هیجان» و یا «جو روانی» رد کرده‌اند.<sup>۲۱۵</sup> به لیست این مسمومیت‌ها حاوی نام مدارس و تعداد قربانیان نگاه کنید: <sup>۲۱۶</sup>

## تجاوز به دختران قبل از اعدام

سازمان حقوق بشر کردستان ایران در تاریخ ۲۰ مهر، ۱۳۹۴ مستندی در باره تجاوز به دختران قبل از اعدام در حکومت جمهوری اسلامی با عنوان «قبل از اعدام دختران باکره باید به آنها تجاوز شود تا به بهشت نروند» منتشر کرده است.<sup>۲۱۷</sup> حسینعلی منتظری که به مدت ۱۰ سال جانشین خمینی بود، کتاب خاطرات خود را منتشر کرد، او در این کتاب اسناد تکان دهنده‌ای از جنایات رژیم را فاش ساخت که در آن به قتل عام سال ۱۳۶۷ و اعدام ۳۰۰۰ زندانی سیاسی به فرمان و فتوی کتبی خمینی اشاره دارد.

منتظری اذعان می‌کند که تجاوز به دختران در زندانهای رژیم یک امر رایج و سیستماتیک بوده او می‌نویسد: «بسیاری از آنان که در ارتباط با سازمان مجاهدین دستگیر شده بودند، دختر بودند و آنها را به جرم محاربه اعدام می‌کردند... من به

۲۱۵ - همان عفو بین الملل، ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ (۱۸ آوریل ۲۰۲۳)

۲۱۶ - لیست مسمومیت‌های مدارس دخترانه: <https://www.centrerapo.com/Files-Gen/3.pdf>

۲۱۷ - حقوق بشر کردستان ایران: <https://tinyurl.com/۴zyypj۴c>

مقامات قضائیه و زندان اوین و سایرین به نقل از امام گفتم که نباید دختران مجاهد را اعدام کرد و به قاضی ها گفتم که برای دختران فرمان اعدام ننویسید. این چیزی است که من گفتم ولی آنها صحبت‌های مرا تحریف کردند» و از قول من گفتند: «دختران را اعدام نکنید. اول یک شب با آنها ازدواج کنید و بعد آنها را اعدام کنید». این اذعان صریح به تجاوز سیستماتیک به دختران در زندان از سوی پاسداران و شکنجه گران می باشد. بسیاری از زندانیان زن در اثر تجاوز پاسداران، مشاعر خود را از دست دادند.<sup>۲۱۸</sup>

«عدالت برای ایران» نخستین سازمان حقوق بشری بود که توجه افکار عمومی را به این بخش از خاطرات آیت الله منتظری جلب کرد و در تحقیق خود پیرامون تجاوز و شکنجه جنسی زندانیان سیاسی زن، علاوه بر خاطرات آیت الله منتظری، به اسناد و شواهد متعدد و غیر قابل انکار، از جمله شهادت زندانیان سیاسی سابق درباره گفته های مسئولان زندان، شهادت خانواده های زندانیان زن که چند روز پس از اعدام عزیزانشان پاسداری با گل، شیرینی و یا مقداری پول به در خانه آنها آمده و اعلام کرده که دخترتان را پیش از اعدام به عقد خود در آورده ام و نیز آیات و احادیث مورد استفاده مسئولان زندان برای توجیه شرعی این امر استناد کرد. نتایج تحقیق «عدالت برای ایران» که در کتاب «جنایت بی عقوبت» و همچنین در فیلم مستند «لحظه های آخر» منتشر شده، ثابت می کند که تجاوز به دختران باکره که به دلیل فعالیت سیاسی خود در دهه ۶۰ اعدام شدند، در پوشش صیغه با پاسداران و ماموران زندان، حداقل در برخی از شهرها و در دوره های زمانی معین، هدفمند، سازماندهی شده و با اطلاع مراجع و مقامات بالا صورت گرفته است. ذیلاً به نمونه هایی از این تجاوزات بر گرفته از «جنایت بی عقوبت» توجه کنیم<sup>۲۱۹</sup>:

۲۱۸ - کتاب جنایت علیه بشریت، کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، سال ۲۰۰۱ - قیام آبان ۹۸ و کلکسیون از جنایات تکانهنده رژیم ملایان علیه زنان. <https://women.ncr-iran.org/fa/>

۲۱۹ - برای اطلاع از مجموعه اسناد و شواهد پیرامون این موضوع، به صفحات ۳۷ تا ۶۰ کتاب جنایت بی عقوبت در نشانی زیر مراجعه کنید. همچنین برای اطلاع بیشتر از شواهد و اسناد به فیلم «لحظه های آخر» نگاه کنید: <https://justice4iran.org/persian/reports/rape-of-virgin-girls>

- پروانه عارف، به یاد می آورد که اسدالله لاجوردی، رییس زندان اوین در یکی از سخنرانی های خود برای زندانیان گفته است که: فکر می کنید باکره اعدامتون می کنیم که برید بهشت؟! نه، باکره اعدام نمی شوید!
- شایسته وطن دوست نیز شهادت می دهد که حسین موید عابدی، رییس زندان بندرانزلی در جمع زندانیان سیاسی زن اعلام کرده است که: شما درست شنیده اید که ما دختران باکره را اعدام نمی کنیم، کسی که بخواهد اعدام شود باید به عقد یکی از برادرها در بیاید.
- سیمین بهروزی در شهادت خود می گوید روحانیونی که برای موعظه زندانیان عادل آباد شیراز می آمده اند در سخنرانی هایشان اشاره می کردند که اگر کسی گناهکار باشد نباید برود بهشت. اما کسانی که باکره هستند می روند به بهشت. شما گناهکارید، باکره هم هستید، اما نباید بروید بهشت. بنابراین به طور غیرمستقیم به ما می فهماندند که ما شما را از این حالت باکرگی در می آوریم که یک راست سرازیر جهنم شوید.

همچنین برخی از زندانیان شهادت داده اند که مسئولان زندان، در توجیه این اقدام، به آیه «بای ذنب قتل» که مربوط به ممنوع بودن زنده به گور کردن دختران است و یا آیات مربوط به آزاد بودن رابطه جنسی با اسیران جنگی و یا حدیث مجعولی با این مضمون که «اگر دوشیزه در زمان دوشیزگی بمیرد، مستقیماً به بهشت می شود» استناد کرده اند.<sup>۲۲۰</sup>

و به «تراژدی تجاوز به دختران قبل از اعدام»: <https://iranglobal.info/node/34558>

۲۲۰ - «جوانان برای حقوق بشر ایران» ۳۱ شهریور ۱۳۹۲:

خانواده های: لایلا مولوی اردکانی، اعدام شده در پاییز ۱۳۶۰ در زندان اوین در تهران و ماندانا و میترا مجاوریان، اعدام شده در دی ماه ۱۳۶۰ در مشهد، از جمله خانواده هایی هستند که در دوران عزاداری برای عزیزانشان، پاسداری نزد آنها مراجعه کرده و گل و شیرینی و یا مقداری پول آورده و گفته که دخترتان پیش از اعدام به عقد یکی از برادرهای پاسدار در آمده اند.

براساس شهادت خانواده های الهه دکنما، اعدام شده در تیرماه ۱۳۶۲ در شیراز و سیما مطلبی، اعدام شده در دی ماه سال ۱۳۶۰ در مشهد، الهه پیش از اعدام روی لباس و روی پاهای خود نوشته بودند که به آنها تجاوز شده است.

بازتاب این متون را در برخی از خبرگزاری های دولتی، مانند خبرگزاری ایسنا و یا خبرگزاری مهر می بینیم که می نویسند: اعدام های سال ۶۷ و ماجرای صیغه کردن دختران اعدامی و یا ازدواج اجباری با دختران باکره برای اعدام صحت دارد؟

کتاب «جنایت بی عقوبت» همچنین نشان می دهد که مسئولان قضایی که در دهه ۶۰ مستقیماً مسئول صدور و اجرای احکام اعدام برای زندانیان زن بوده اند، تا همین امروز از پاسخگویی درباره موضوع اعدامها و تجاوز به دختران باکره پیش از اعدام مصون بوده اند. نه تنها هیچ تحقیق رسمی در اینباره در ایران صورت نگرفته بلکه برخی از این مسئولین، هنوز در میان مقامات بالای حکومتی هستند. به عنوان مثال، مصطفی پورمحمدی، دادستان انقلاب استان مشهد در زمستان ۱۳۶۱ و نقش او در زمانی که نخستین گروه زنان جوان در خراسان اعدام شدند و شواهد و گزارشهای متعددی که درباره تجاوز به برخی از این زنان پیش از اعدام وجود دارد.

همچنین علی رازینی که در همان زمان، حاکم شرع مشهد و صادر کننده تمامی احکام اعدام پس از دادگاههایی چند دقیقه ای و بدون حضور و کیل برای متهمان بود و پس از آن معاون حقوقی رئیس قوه قضاییه شد و ...

پس از انتشار کتاب «جنایت بی عقوبت» که نسخه هایی از آن، برای رهبر جمهوری اسلامی، رئیس جمهور، رئیس مجلس و بسیاری از مقامات دیگر با پست ارسال شده، به

نظر می‌رسد مسئولان جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توانند بیش از این در باره مساله تجاوز به دختران باکره پیش از اعدام سکوت کنند و سکوت چند ده ساله پیرامون این موضوع، البته با انکار وقوع آن از سوی مسئولان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی ایران شکسته می‌شود.

سازمان «عدالت برای ایران»، یک بار دیگر خاطر نشان می‌کند که مجموعه دلایل و شواهد منتشر شده پیرامون تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام، بیش از آن است که از سوی مسئولان جمهوری اسلامی قابل انکار باشد. ما به روشنگری و آگاهی‌رسانی درباره این موضوع تا زمانی که یک تحقیق مستقل از سوی نهادهای بین‌المللی برای روشن شدن حقیقت و تمام حقیقت و پاسخگو کردن آمران و عاملان این سببیت انجام شود، ادامه خواهیم داد.

## جمع‌بندی

بعنوان فهرستِ مجموعه جنایات رژیم باید یاد آور شویم که آنچه در فصل پنجم ارائه شد، خلاصه (و نه همه) جنایاتی بودند که بر اساس تحقیق و بررسی های دقیق و با مراجعه در هر مورد به منابع متعدد، از گزارشگر ویژه سازمان ملل گرفته تا سازمان حقوق بشر ایران، عفو بین‌الملل، دیوان بین‌المللی کیفری و جامعه جهانی<sup>۲۲۱</sup> و با پژوهش در مجموعه ای از اعلامیه ها و مجله های حقوق بشری و مطبوعات مربوط به تاریخ و زمان هر مورد تحقیق و بازخوانی شد، علاوه بر آن از شواهد و افرادی که خود به نوعی دخیل در کشتار مردم بودند، مانند صادق خلخالی و ... مورد مطالعه قرار گرفت.

چرخه خونریزی توسط رهبری این قتلها که نخست از خود خمینی آغاز و تا مقام‌ها و مسئولان درجه اول و دوم مانند خامنه ای، رفسنجانی، و تا پائین ترین سطح از قاتلین در این حکومت ادامه پیدا کرد، بیلانی از اعدام‌ها و جنایات هدفمند ثبت شده اند، جنایتهایی که با شیوه‌های مختلف همچون: حلق آویز کردن، ترور کردن، کشتن در اعتراضات خیابانی و یا شکنجه و سر به نیست کردن در زندانها و بیرون زندانها و با مرموز ترین شیوه های قتل و از بین بردن انسانها که سازمانهای مافیایی و جنایتکاران تاریخ بخود ندیده بودند استفاده کرده و دو نسل ایرانی را قربانی قدرت طلبی خود کردند. ذیلا خلاصه ای از این قتلها را بازخوانی می کنیم:

- بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل قتلها و اعدامهایی از بهمن تا اسفند ۱۳۵۷ کمتر از دو ماه اجرا شده به بیش از **۴۳۸ نفر** بوده است.
- در یک سال ۱۳۵۹، بیش از **۶۲۴ نفر** اعدام می شوند.

۲۲۱ - گزارشگر ویژه سازمان ملل؛ حقوق بشر در ایران، عفو بین‌الملل، حقوق بشر جامعه جهانی و حنیف حیدرزاد، «کارنامه ۴۰ ساله جمهوری اسلامی در زمینه اعدام»، دی ماه ۱۳۹۷

خطرات صادق خلخالی، «انقلاب اسلامی و توطئه گروهبک‌ها»، تهران: نشر سایه، ص. ۳۵۹ تا ۳۶۷

- در سال ۱۳۶۰ خورشیدی دستکم **دو هزار نفر** تنها در زندانهای رژیم در کردستان به دار آویخته می شوند.
- بر اساس منابع موجود تعداد اعدامها از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ بیش از **یازده هزار نفر** به ثبت رسیده است.
- سازمان مجاهدین خلق آمار اعدامهای سال ۱۳۶۷ در ایران را **سی هزار نفر** اعلان کرده و در دادگاهی در سوئد نیز برای این کشتار اسنادی را ارائه و بر آنها شهادت داده اند، منابع دیگر این قتل عام را با ارقامی از ۳۰۰۰، ۴۰۰۰، ۶۰۰۰ و ۷۰۰۰ در سال ۱۳۶۷ آمار داده اند.
- بر اساس شواهد فرد به فرد، قتل‌های زنجیره ای در ایران بیش از **هشتاد مورد** به ثبت رسیده است.
- ایضاً قتل‌های زنجیره ای خارج از کشور بر اساس تحقیقی علمی و میدانی که در کتابی با عنوان «شبکه تروریسم جمهوری اسلامی» منتشر شده است، تعداد ترورهای برونمرزی رژیم جمهوری اسلامی را بیش از **۴۵۰ نفر** ثبت کرده است.
- تنها دانشجویانی که از خرداد ۱۳۸۸ تا تیر ۱۳۸۹ به دست رژیم جنایتکار کشته شده اند بیش از **۱۵۰ نفر** بوده اند.
- در اعتراضات سراسری دیماه ۱۳۹۶ تعداد **هشت هزار نفر** بازداشت شدند و دست کم **۴۰ نفر** از این قیام کنندگان در شهرهای مختلف، با شلیک مستقیم نیروهای دولتی جان خود را از دست دادند.
- بر اساس گزارش سه مقام وزارت کشور در ایران تعداد کشته شدگان سال ۱۳۹۸ بیش از **۱۵۰۰ نفر** در ۱۹۰ شهر اعلام شده است.
- در خیزش ۱۴۰۱ بیش از **۶۷۵ نفر** از معترضان ضد حکومتی از جمله بیش از ۷۰ کودک کشته می شوند.

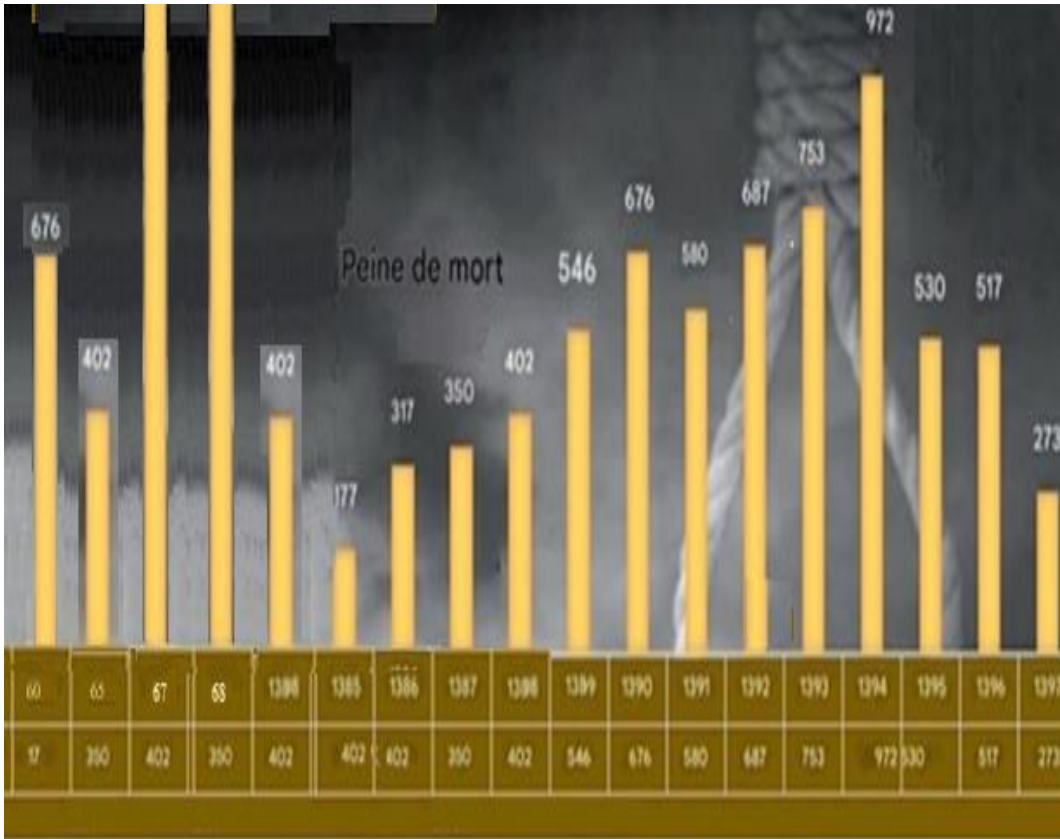
داستان کشتار اقلیتهای مذهبی و مرامهای مخالف ولایت مطلقه فقیه رژیم مانند: بهایان، دراویش گنابادی، یارسانی‌ها، مندائیان، سیکها، رائلیان، یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان و هر دین و مذهب و دگر اندیشی دیگر خود حکایتی غم‌انگیز دارد، زیرا این آمارهای سنگین و غیر قابل شمارش رژیم جنایت ولایت مطلقه خود مصداق دقیق قتل عام یا نسل‌کشی دارد. به تابلو و نمودار بیلانهای این جنایات در صفحات زیر نگاه کنید:

## جدول چهار دهه جنایات ولایت مطلقه فقیه

سال	اعداد
۱۳۵۷-۱۳۵۹	۱۰۶۲
۱۳۶۰-۱۳۶۴	۱۴۷۹۴
۱۳۶۵-۱۳۶۶	۱۶۷۱
۱۳۶۷-۱۳۷۷	۴۴۸۴-۳۰۰۰۰
۱۳۷۸-۱۳۸۷	۵۲۲۰
۱۳۸۸	۵۵۲
۱۳۸۹	۶۳۴
۱۳۹۰	۵۴۴
۱۳۹۱	۷۰۷
۱۳۹۲	۷۴۳
۱۳۹۳	۹۷۷
۱۳۹۴	۱۴۷۱
۱۳۹۵	۹۷۲
۱۳۹۶	۵۰۷
۱۳۹۷	۲۴۹
۱۳۹۸	۲۷۳
۱۳۹۹	۲۷۶
۱۴۰۰	۲۹۰
۱۴۰۱	۵۸۲
۱۴۰۲	۸۳۴
۱۴۰۳	۹۷۵
۱۴۰۴	سه ماهه اول ۲۳۰

این جدول بر پایه‌ی بررسی تمامی منابع در دسترس در زمینه‌ی حقوق بشر، چه ایرانی و چه غیرایرانی، تهیه شده است. یادآوری می‌شود همان‌گونه که منابع منتشر شده خود بر آن تأکید کرده‌اند، ارقام یادشده حداقل را نشان می‌دهند و رقم واقعی بی‌تردید بیش از این تعداد است.

## نمودار نمونه‌ای از اعدام‌های جنایت بار توسط رژیم ولایت مطلقه فقیه



اعدام‌ها بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۶

## فصل ششم

### گزارشها و اسناد رسمی

#### سازمانهای بین المللی در اثبات نسل کشی

##### پیشگفتار

در گذشته قواعدی که بر روابط بین الملل حاکم بود، عرف بین المللی بود. عرفی که به مجموعه‌ای از قواعد و رفتارهایی گفته می‌شود که به طور عمومی و مداوم توسط دولت‌ها در روابط بین المللی پذیرفته شده بود، عرف بین المللی یکی از منابع اصلی حقوق بین الملل است و در مواردی که معاهدات بین المللی خاموش یا وجود نداشته باشد، نقش مهمی در تعیین قوانین بین رفتاری دولت‌ها دارد.<sup>۲۲۲</sup>

در حال حاضر قواعد عرفی به دلایل گوناگون مانند طولانی بودن، شکل گیری عرف و یا مبهم بودن برخی از قواعد آن و یا عدم مشارکت همه کشور در آن، این روابط جایگاه

---

۲۲۲ - عرف بین المللی معمولاً از دو جزء اصلی تشکیل شده است: عنصر اول بن مایع مادی (رفتار یا عمل معمول)، این بخش به رفتار مداوم و یکنواخت دولت‌ها در یک حوزه خاص اشاره دارد. عنصر دوم بن مایع روانی (قانونی بودن یا الزام آور)، این بخش بر این باور استوار است که دولت‌ها چنین رفتاری را نه تنها به صورت سنتی بلکه به عنوان یک الزام حقوقی انجام می‌دهند.

دیرینه خود را به عنوان مهمترین منبع حقوق بین الملل از دست داده است و بجای آن معاهدات بین المللی عملاً به صورت بسیار وسیع و گسترده تری جایگزین شده است. اصطلاح «جامعه ملل» پس از پایان جنگ جهانی دوم با هدف جلوگیری از جنگ بین کشورها با واژگان «سازمان ملل متحد» تغییر نام داد. در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵، ۵۰ کشور در سانفرانسیسکو تهیه پیش نویس منشور سازمان ملل را آغاز کردند که در ۲۵ ژوئن همان سال به تصویب اعضا رسید. از اکتبر ۱۹۴۵، سازمان ملل با عضویت ۵۱ کشور شروع به کار کرد، این شروع در شرایطی بود که سازمان ملل و روال حاکم بر فعالیت های آن نشان از شرایط جنگ جهانی دوم را داشت.

امروزه اعضای جامعه بین المللی و در رأس آنها نمایندگان دولتهای عضو، توافق های بین المللی خود را از طریق انعقاد معاهدات بین المللی انجام می دهند و هرگونه همکاری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی و ... بین آنها بر پایه همان معاهدات و موافقت نامه های تصویب شده به پیش می رود. مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمامی مردم جهان و کلیه ملل دنیا اعلام کرده تا جامعه جهانی این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته و بر اساس آن عمل کنند تا از طریق آموزش و تعلیم و تربیت مندرجات این اعلامیه، حقوق بشر و آزادیهای فردی انسانها توسعه یابند و با تدابیر ملی و بین المللی لازم، این حقوق شناسائی و بطور واقعی در میان خود ملل و مردم کشورهای جهان تأمین و اجرا گردند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یکی از نهادهای سازمان ملل و از ارکان فرعی مجمع عمومی ملل متحد است که وظیفه اش تحقیق و بیان موارد نقض حقوق بشر در جهان و در کشورهای عضو می باشد. این شورا هم زمان با انحلال نهاد سابق خود، یعنی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در ۱۵ مارس ۲۰۰۶، مجمع عمومی قطع نامه مهمی برای ایجاد شورای حقوق بشر به منظور جایگزینی با کمیسیون حقوق بشر را تصویب کرد.

سازمان ملل متحد یک سازمان بین‌دولتی برای حفظ امنیت و صلح جهانی، گسترش روابط دوستانه میان کشورها و رسیدن به همکاری و هماهنگی در عملکرد ملت‌ها است. سازمان ملل متحد بزرگ‌ترین، معروف‌ترین و قدرتمندترین سازمان بین‌دولتی در جهان است و اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند.

از آنجایی که سازمان ملل تنها مرجع بین‌المللی است که باید نقض حقوق بشر بوسیله کشورهای عضو خود را مورد بررسی و پیگیری قرار دهد و برای جلوگیری از جرم و جنایت، اعضای خود را پاسخگو بداند، بر آن شدیم هر چند فشرده و کوتاه به گزارشات حقوق بشر سازمانهای جهانی مراجعه و گزارشهای آنها را بطور خلاصه در چهار فرایند زیر مورد توجه قرار دهیم.

## I

## کمیساریای عالی حقوق بشر

گزارش سالانه کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از طریق دبیرکل این سازمان درباره وضعیت حقوق بشر در ایران طی مرداد ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۲ منتشر شد. این گزارش تاکید دارد که در این فاصله زمانی، وضعیت کلی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران «به طور قابل توجهی بدتر» شده است. در این گزارش که روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۲ منتشر شده، به مواردی از جمله «استفاده بیش از حد از زور» در سرکوب خیزش انقلابی مردم، اجرای مجازات اعدام، بازداشت‌های خودسرانه، وضعیت دسترسی به اطلاعات و وضعیت حقوق زنان، کودکان و گروه‌های اقلیت پرداخته شده است.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد یادآور شده است پس از اعتراضات سراسری که از شهریور ۱۴۰۱ در پی قتل حکومتی ژینا مهسا) امینی در ایران شکل گرفت، «بازداشت خودسرانه معترضان، کنش‌گران، مدافعان حقوق بشر و وکیلان» از سوی نیروهای امنیتی «به میزان قابل توجهی» افزایش یافته و سازوکارهای قضایی موجود در ایران به منظور رسیدگی عادلانه به اتهامات و نیز شکایات قربانیان بی‌اثر بوده است. بعضی یافته‌های کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی مأمور رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با خیزش انقلابی (به ویژه در ارتباط با زنان و کودکان)، در این گزارش سازمان ملل بازتاب یافته و به برخی از شواهد مرتبط اشاره شده است.

این گزارش با اشاره به «استفاده بیش از حد نیروهای امنیتی از زور برای سرکوب معترضان» یادآور شده نقض حقوق بشر در مناطقی از ایران که اعتراضات در آنها شدیدتر بوده و هجوم نیروهای امنیتی به تجمع مردم در چندین شهر مانند تهران، مناطق

گردنشین و استان سیستان و بلوچستان، دیواندره، گرمسار، همدان، کرمان، مریوان، مشهد، مهرشهر، رشت، سقز، سنندج، شیراز و ... منجر به کشته و زخمی شدن شمار زیادی از معترضان و شهروندان شده است.

کمیته حقیقت یاب سازمان ملل به شواهدی دست یافته که استفاده نیروهای امنیتی رژیم از انواع سلاح‌های گرم، گاز اشک‌آور و باتون علیه اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم را تأیید می‌کنند. همچنین نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات به دفعات به چشمان زنان، مردان و کودکان شلیک کرده‌اند که منجر به از دست رفتن بینایی آنان شده است.

جمعه خونین زاهدان در هشتم مهر سال ۱۴۰۱ نیز یکی دیگر از مواردی است که کمیته حقیقت‌یاب به آن اشاره و تأکید کرده است در این حمله مرگ‌بار، نیروهای امنیتی ده‌ها نفر از جمله ۱۵ کودک را کشته و صدها نفر دیگر را زخمی کردند.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در بخش دیگری از این گزارش تخمین زده است در سال ۲۰۲۲ میلادی، ۵۸۲ نفر در ایران اعدام شده‌اند که نسبت به سال قبل از آن با ۳۳۳ نفر اعدام، افزایش ۷۵ درصدی را نشان می‌دهد.

گزارشگر مستقل حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران روز جمعه ۱۵ مهر ۱۴۰۲ (۷ اکتبر ۲۰۲۳) می‌نویسد: جمهوری اسلامی ایران همچنان به سرکوب معترضان و دستگیری غیرقانونی فعالان حقوق بشر ادامه می‌دهد و در سطح «انگران کننده‌ای» مشغول اجرای احکام اعدام است. جاوید رحمان در این گزارش حوادث بعد از کشته شدن مهسا امینی در جریان بازداشت توسط گشت ارشاد را بررسی می‌کند و می‌گوید: «طبق اطلاعات دریافتی تا روز ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۳، استفاده از نیروی مرگبار توسط نیروهای امنیتی به کشته شدن حداقل ۵۳۷ نفر از جمله حداقل ۶۸ کودک و ۴۸ زن منجر شد.» گزارش اضافه می‌کند: گزارشگر ویژه شواهد و شهادت‌هایی را در گزارش خود به شورای حقوق بشر تحویل داده که نشان می‌دهد خانم امینی با خشونت مضروب شده و در نتیجه شکنجه و بدرفتاری به دست پلیس جان باخته است. این گزارش نسبت به انجام هرگونه

تحقیقات بی طرفانه، مستقل و شفاف از سوی حکومت در مورد کشته شدن خانم امینی یا درباره استفاده از نیروی مرگبار و غیرقانونی توسط نیروهای امنیتی از روز ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ به بعد، ابراز ناامیدی می کند.

گزارش تایید می کند که نیروهای امنیتی، شامل انتظامی، سپاه پاسداران و بسیج در سرکوب خشن معترضان به طور گسترده از تفنگ ساچمه پرن، سلاح تهاجمی و دستی استفاده کرده اند: «برای مثال ویدئوهای تایید شده نشان می دهد که نیروهای امنیتی به طور عامدانه از فاصله نزدیک به معترضان غیر مسلح شلیک می کنند.»

جاوید رحمان گزارشگر ویژه می نویسد: «مقام های ایرانی مطابق الگوهای گسترده و جا افتاده انکار و پنهان کاری، مسئولیت مرگ این افراد را به دشمنان جمهوری اسلامی ایران نسبت داده اند.» «تداوم خشونت علیه زنان و دختران، از جمله موارد قتل عمد، و همچنین خشونت جنسی و فیزیکی، نگران کننده است. برای گزارشگر ویژه تکان دهنده است که علیرغم درخواست های جامعه بین المللی، از جمله دستور کاری که به او داده شده، مقام های ایرانی حداقل هفت معترض را تا ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۳ پس از محاکمه های خودسرانه، صحرایی و ساختگی اعدام کرده اند که ناقض حق محاکمه و روند عادلانه است.»<sup>۲۲۳</sup>

جمهوری اسلامی به گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، اجازه بازرسی از زندانهای رژیم را نمی دهد، از این بد تر آنها را متهم به «سیاه نمایی» در ارائه گزارش های سالانه خود می کند. گزارش جاوید رحمان از ابعاد سرکوب ها در اعتراضات ایران که مصداق جرائم بین المللی دارد نوشته و اعلان می کند: «شکنجه، بدرفتاری و آزار جنسی شهروندان بازداشت شده» شکنجه و بدرفتاری با معترضان، از جمله «آزار و ارباب خانواده جانباختگان اعتراضات»، «اخذ اعترافات اجباری از بازداشت شدگان» سوء

۲۲۳ - جاوید رحمان، گزارش ۲۰ صفحه ای گزارشگر ویژه سازمان ملل از وضع حقوق بشر در ایران، از

ژوئیه ۲۰۱۸ تا ژوئیه ۲۰۲۴ <https://iranhr.net/fa/articles/7354>

استفاده جنسی و بازداشت حداقل ۱۷۰ زن مدافع حقوق بشر و ۴۵ وکیل، نقض واضح آزادی بیان از سوی جمهوری اسلامی دانسته و خواستار اتحاد جامعه بین‌المللی برای پاسخگو کردن حکومت جمهوری اسلامی در قبال نقض فاحش حقوق بشر در ایران از طریق یک سازوکار قانونی شده است.

گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران با تمرکز بر سرکوبهای وحشیانه و گسترده شهروندان در جنبش اعتراضات خیابانی و بازداشتها و اجرای احکام سنگین را مصداق جرائم بین‌المللی دانست و از «مصونیت مزمن» مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی در موضوع نقض حقوق بشر انتقاد کرده و خواهان پاسخگویی آنها در احترام به حقوق بنیادین شهروندان ایرانی شد.<sup>۲۲۴</sup>

## «جنایت علیه بشریت»

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل روز جمعه ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ بیان رویکردهای امنیتی، قهرآمیز و خشونت‌بار دستگاه‌های سرکوب جمهوری اسلامی در جریان خیزش سراسری مردم ایران را منتشر و در پایان این گزارش یادآور شده که سطح سرکوب‌ها، ناپدید شدن اجباری، کشتار، شکنجه، تعرض، تجاوز جنسی و تعقیب و تعدی شهروندان در جمهوری اسلامی به حدی رسیده که چه بسا در رده جرایم بین‌المللی از جمله «جنایت علیه بشریت» قرار گیرد.<sup>۲۲۵</sup> و بر اساس قطعنامه ۲۴/۴۹ شورای حقوق بشر و بنا بر تصمیم شورای حقوق بشر، یک هیات حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی ماموریت خواهد داشت موارد نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات اخیر را جمع‌آوری، بررسی

۲۲۴ - جاوید رحمان، همان گزارش ۲۰ صفحه‌ای.

۲۲۵ - جاوید رحمان، سرکوب در جمهوری اسلامی «به حد جرایم بین‌المللی رسیده است»، گزارش ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ سازمان ملل. <https://www.iranntv.com/952835>

و تجزیه و تحلیل کند تا نتایج آن در «رویه‌های قانونی بعدی در دادگاه‌های صاحب صلاحیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» مورد ارزیابی و رسیدگی قرار گیرد. یاد آور می‌شویم که در کنوانسیون ژنوساید و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ارتکاب نسل‌کشی به عنوان خطرناک‌ترین جنایت بین‌المللی، علیه گروه‌های ملی، قومی، مذهبی و نژادی تعریف شده است. در زمان تصویب این اسناد از جمله ایرادات وارده این بود که به واسطه تمایلات سیاسی برخی دولت‌ها، گروه‌های سیاسی از شمول تعریف نسل‌کشی خارج می‌مانند، حال آنکه تاریخ بشر، فزونی جنایات هولناک علیه گروه‌های سیاسی را گواهی می‌دهد. برخی صاحب‌نظران از دهه هشتم قرن بیستم به بعد تلاش کردند با ارائه نظریه نسل‌کشی سیاسی یا سیاسی‌کشی، این نقص را جبران کنند. آن‌ها با بهره‌گیری از پویایی حقوق بین‌الملل کیفری، عناصر مادی و معنوی ژنوساید را بر این جنایت منطبق کردند و در نتیجه می‌توان گفت اکنون محور اصلی چالش برای شناسایی قطعی این جنایت در حقوق بین‌الملل، رکن قانونی دارد.<sup>۲۲۶</sup>

در آخرین موضعگیری جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل برای ایران در کنفرانس نیویورک - ضرورت حسابرسی از سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت در قتل عام ۳۰ آبان ۱۴۰۲، گفت: «بزرگترین و دردناک‌ترین فاجعه‌ای که پس از انقلاب ۱۳۵۷ شاهد آن بوده‌ایم ناپدید شدن اجباری و اعدام‌های سرپایی و خودسرانه ده‌ها هزار نفر در سال ۱۳۶۷ است که بر اساس فتوای خمینی در زندانهای سراسر کشور به صورت فراقانونی اعدام شدند.» او در بخشی دیگری از گزارش خود گفت: «نگرانی شدیدی در مورد جنایات جدی بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد که از طریق این

۲۲۶ - رضوان باقرزاده، حسین تبریزی، امکان سنجی جرم انگاری ژنوساید سیاسی با تکیه بر اسناد بین‌المللی، تطبیق واقعیت و حقوق بین‌الملل، نشریه: حقوقی بین‌المللی، سال ۱۳۹۹، شماره ۶۲، ص ۲۲۳-۲۵۰

اعدامها صورت گرفته که شامل جنایات علیه بشریت، از جمله، نسل کشی، آزار و شکنجه، قتل، کشتار، و هم‌چنین ناپدید شدن اجباری بوده است.<sup>۲۲۷</sup>

اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۱۹۸۸ و امتناع مقامات دولتی از اعتراف علنی به این قتل‌ها، یا پنهان کردن سرنوشت کشته شدگان و محل دفن آنها برای خانواده‌های قربانیان از یک سو و تهدید، آزار و اذیت و ارعاب این خانواده‌ها از سوی دیگر شدیداً باعث نگرانی خانواده‌های این جانب‌اختگان شده است. حکومت ایران کوشش خود را برای پنهان نگه داشتن این قتل‌عامها از طریق روایتها و اظهارات نادرست، تحریف داده‌های تاریخی و آزار و اذیت فعال بازماندگان قربانیان پیوسته ادامه داده است، این رژیم با پنهان کردن شواهدی مانند تخریب گورهای دسته‌جمعی، پنهان کردن سیستماتیک سرنوشت قربانیان و یا عدم ارائه محل دفن آنها، نگرانی عمیقی را بر این خانواده‌ها بوجود آورده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می‌گوید: ناپدید شدن اجباری و محل نگهداری افراد مربوطه بدون در نظر گرفتن مدت زمانی که از آن گذشته همچنان ادامه دارد، او می‌افزاید: اعضای خانواده‌های قربانیان حق دارند حقیقت را بیان کنند. او در مورد قتل عام سال ۱۳۶۷ می‌گوید: پس از این قتل‌عام، عاملان درگیر این کشتار، به مناصب عالی در عرصه سیاست و در قوه قضاییه ایران ارتقا یافتند، بسیاری از آنها پیوسته در سمت‌های خود باقی مانده‌اند. او تأکید می‌کند: استفاده از صلاحیت‌های قضایی جهانی برای محاکمه این افراد و دادخواهی برای ارتکاب جنایات جدی آنها، از جمله جنایات علیه بشریت لازم و ضروری به نظر می‌رسد. برای اطلاع بیشتر برای گزارشات سازمان ملل متحد به لینک زیر نگاه کنید<sup>۲۲۸</sup>:

۲۲۷ - جاوید رحمان، کنفرانس حسابرسی از سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت در قتل عام ۶۷ و لغو

مصونیت سران رژیم قتل عام، ۲۹/۰۸/۱۴۰۲ <https://news.mojahedin.org>

۲۲۸ - مجموعه گزارشات سازمان ملل:

<https://www.centrapo.com/Files-Gen/18.ocx>

## II

## عفو بین الملل

سازمان حقوق بشر عفو بین الملل در بیان سالانه خود، گزارش مسوطی را در مورد اجرای احکام اعدام در سطح جهان مربوط به سال ۲۰۲۲ منتشر کرد. بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۲۲ شش کشور مجازات اعدام را به کلی لغو کردند، اما در ۲۰ کشور دیگر دست کم ۸۸۳ مورد حکم اعدام به اجرا درآمده که عفو بین الملل آن‌ها را به ثبت رسانده است، جمهوری اسلامی ایران با ۵۷۶ مورد اجرای حکم اعدام در صدر جدول اعدام‌های جهان در سال ۲۰۲۲ قرار دارد.

در مقدمه این گزارش آمده است: مبارزه و دفاع از قربانیان رژیم حاکم بر ایران که در خطر حصر، شکنجه، سنگسار، قطع اعضای بدن، اعدام و... قرار دارند، فارغ از مسائل سیاسی، قومی، مذهبی و نژادی و وظیفه ای انسانی و دمکراتیک است. دفاع از محکومین ییادگاه های رژیم ایران، افشاگری علیه سرکوب ها و حق کشی ها ، مبارزه بر علیه قوانین غیر انسانی حاکم شده از طرف رژیم ایران نظیر قصاص و غیره، افشاء نقض حقوق بشر و سرکوب آزادیهای اساسی، وظیفه سنگین تری بر دوش انسان های حقوقند و دمکرات قرار می دهد، بنابراین، خواست آزادی بیان، حق تجمع و تشکل، حق اعتصاب و... از خواست های اولیه دمکراسی است.

بدون مبارزه و افشاگری علیه اعدام ها، تبعیض جنسی، نژادی و قومی، حقوق اقلیت های مذهبی و دگر اندیشان بویژه حقوق زنان، کودکان، پناهندگان و جلوگیری از تخریب محیط زیست نمی تواند صحبتی از دمکراسی خواهی در میان باشد. اعتقاد داریم که جامعه ایران قربانی اعمال خشونت سیستماتیک دولتی است که سایه شوم خود را بر جای جای جامعه مصیبت زده انداخته است. آسیب های اجتماعی موجود نیز ثمره تأثیر خشونت های بکار گرفته شده در جامعه میباشد. نیروهای اجتماعی ایرانی از آنجائیکه در دوران و شرائط دمکراتیک رشد نموده اند و همواره مورد سرکوب و برخورد های

خشن و غیر دموکراتیک قرار داشته اند جامعه ایران نیاز به جامعه درمانی دارد و این مهم تنها می تواند در یک فضای همکاری و همبستگی دموکراتیک انجام پذیرد.

در ادامه عفو بین الملل می نویسد: در سال میلادی ۲۰۲۰، مقامات به شدت حقوق آزادی بیان، تشکل ها و تجمعات را سرکوب کردند. نیروهای امنیتی با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه اعتراضات را سرکوب کردند. مقامات به بازداشت بی ضابطه صدها معترض، مخالف و دگراندیش و نیز مدافعان حقوق بشر ادامه دادند و بسیاری را به حبس و شلاق محکوم کردند. زنان و همچنین اقلیت های مذهبی با تبعیض نهادینه شده و خشونت روبرو بودند. ناپدیدسازی های قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی به صورت گسترده و سازمان یافته و همراه با مصونیت مرتکبان از مجازات اعمال شد. مجازات های بدنی معادل شکنجه، از جمله شلاق و قطع عضو، اجرا و حقوق مرتبط با دادرسی منصفانه به طور سازمان یافته نقض شد. از مجازات اعدام به عنوان سلاحی برای سرکوب سیاسی استفاده شد. برخی اعدام ها در ملاء عام و برخی دیگر مخفیانه صورت گرفتند. اعدام شدگان از جمله شامل افرادی می شدند که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند.

سازمان عفو بین الملل در تحقیقی تحت عنوان «اسرار به خون آغشته کشتار ۶۷ جنایت علیه بشریت که همچنان ادامه دارد» می نویسد: «تحقیقات عفو بین الملل جای تردیدی برای این سازمان باقی نمی گذارد که طی چند هفته، از اوایل مرداد تا اواسط شهریور ۱۳۶۷، در بازداشتگاهها و زندانهای در نقاط مختلف کشور، مقامهای ایرانی هزاران مخالف و دگراندیش سیاسی رابه شکل سازمان یافته قهرماً ناپدید کردند و آنها را بر اساس دستور رهبر جمهوری اسلامی ایران به صورت فرا قضایی اعدام کردند. بسیاری از کشته شدگان، در روند اعدامشان، مورد شکنجه و سایر برخوردها یا مجازاتهای بیرحمانه، غیرانسانی و ترذیلی نیز قرار گرفتند.»<sup>۲۲۹</sup>

## سونامی شکنجه

در گزارش سازمان عفو بین الملل صحبت از سونامی شکنجه در جمهوری اسلامی می کند و می نویسد: در جریان خیزش سراسری سال ۱۴۰۱ نیروهای امنیتی با زیرپا گذاشتن قانون و با هدف متفرق کردن و ایجاد وحشت در میان معترضان، با گلوله‌های جنگی و گلوله‌های ساچمه‌ای به سمت آنان شلیک کردند که نتیجه آن ایجاد جراحت‌هایی در حد آسیب شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها، از جمله نابینایی، قطع عضو و اختلال دائمی حرکتی بر هزاران نفر بوده است. زیر نظر مقامات، همچنین هزاران معترض بازداشت شده، از جمله کودکان، به صورت گسترده تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌های قرار گرفتند. بسیاری از بازماندگان هنوز با آسیب‌های جسمی و روانی طولانی مدت ناشی از شکنجه زندگی می کنند.<sup>۲۳۰</sup>

طی سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۱)، مقامات به منظور ایجاد وحشت در میان مردم، به طور فزاینده‌ای از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب سیاسی استفاده کرده و هفت مرد زندانی مرتبط با خیزش مردمی را پس از محاکمه‌های نمایشی به شدت ناعادلانه اعدام کرده‌اند. برخی از اینها، به اتهام جرایمی مانند آسیب رساندن به اموال عمومی و برخی دیگر با اتهامات مرتبط با مرگ نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات اعدام شدند. همه این افراد،

۲۲۹ - تحقیقات مصور سازمان ملل:

<https://fa.amnesty.org/wp-content/uploads/2021/12/MDE1394212018PERSIAN1.pdf>

۲۳۰ - رها بحرینی، پژوهشگر عفو بین الملل در امور ایران در گفتگو با RFI فارسی می گوید که یافته‌های این نهاد نشان می‌دهد که معترضان در این یک سال، با انواع شکنجه‌های روحی و جسمی روبه‌رو بوده‌اند. به مناسبت یک سالگی اعتراضات زن، زندگی، آزادی در ایران که به دنبال کشته شدن مهسا امینی آغاز شد، عفو بین الملل در اعلامیه‌ای، از «جنايات» جمهوری اسلامی سخن گفته است که در یک سال گذشته، معترضان در ایران با «سونامی شکنجه» روبه‌رو بودند (عصر نو، یکشنبه ۲۶ دی ۱۳۸۹)

پس از آن اعدام شدند که دیوان عالی جمهوری اسلامی ایران علیرغم فقدان شواهد و بدون انجام تحقیقات در مورد شکایات شکنجه، محکومیت‌ها و احکام ناعادلانه آنها را تائید کرد.<sup>۲۳۱</sup>

## گورهای دسته جمعی و مخفی

عفو بین الملل از گورهای دسته جمعی و مخفی گزارش می دهد و می نویسد: مقامات مسئول ایران با پنهان کردن نظام‌مند سرنوشت و محل دفن بقایای چندین هزار مخالف و دگراندیش سیاسی که در سال ۱۳۶۷ مورد ناپدید سازی قهری قرار گرفته اند را به طور فراقضایی و مخفیانه اعدام کرده و به ارتکاب جنایات علیه بشریت ادامه داده اند. روند تخریب گورهای جمعی، که باور بر این که محل دفن قربانیان بوده است را ادامه داده اند.

همزمان با آزادی تعدادی از فعالان و معترضان که در جریان سرکوب مرگبار اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ در ایران بازداشت شدند، عفو بین الملل برای جمع آوری اطلاعات و مستندات در مورد الگوهای شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در بازداشت گاهها و زندان‌های جمهوری اسلامی این فراخوان عمومی را منتشر می کند: عفو بین الملل از همه بازداشت‌شدگان سابق که متحمل شکنجه شده یا شاهد شکنجه بوده‌اند، بستگان شکنجه‌دیده‌گان، کادر پزشکی و سایر منابع مطلع دعوت می کند که برای ارائه روایات و اطلاعات خود با این سازمان تماس بگیرند.

عفو بین الملل مصمم است که با تهیه مستندات دقیق و حقوقی، جامعه بین المللی را از جنایات صورت گرفته علیه معترضان، هرچه بیشتر، مطلع کند. گردآوری شواهد و اسناد

۲۳۱ - خبرگزاری فرانسه، گفتگو با پژوهشگر عفو بین الملل در امور ایران در مورد یک سالگی تظاهرات زن، زندگی، آزادی در ایران، ۲۰۲۳/۰۹/۱۶

از جمله در مورد هویت شکنجه‌گران و مقامات مسئول برای پیگیری‌های دادخواهانه در آینده حیاتی است. هویت تماس گیرندگان نزد عفوین الملل محفوظ می‌ماند.<sup>۲۳۲</sup>

## دروغ وزیر در اجلاس سازمان ملل

اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در روز سوم آذر ۱۴۰۱ درباره وضعیت حقوق بشر در ایران برگزار شد، در این اجلاس وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی که در سفری تحمیلی به مقر سازمان ملل در ژنو سوئیس رفته بود، پیش از سخنرانی او تعداد زیادی از نمایندگان، سالن را به نشانه اعتراض به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در ایران، جلسه را ترک کردند. حسین امیر عبدالهیان به مخاطبان کم شمار خود در این اجلاس با دروغی شرم آور گفت: «مخالفان جمهوری اسلامی عامل کشتار معترضان بودند»، او هنگام فرار از پاسخ‌گویی به خبرنگاری که از او در باره کشتار های آبان سوال کرده بود گفت: «هیچکس در اعتراضات کشته نشده است».<sup>۲۳۳</sup>

این دروغ آشکار و وقیحانه در حالی بیان می‌شود که بر اساس آنچه بطور رسمی و بر اساس منابع موثق و از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل انتشار یافته تنها در سال ۱۴۰۱ حد اقل ۵۳۰ نفر از معترضان ضد حکومتی کشته شده‌اند که بیش از ۷۰ کودک را در بر می‌گیرد، اگر به بیلان اعدام‌های فوق‌الذکر در فصل پنجم نگاه کنیم، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۲ بیش از یکصد هزار نفر در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم اسلامی اعدام شده‌اند!

لازم به یاد آوری است که مجمع عمومی سازمان ملل تا کنون ۷۰ قطعنامه در مورد نقض حقوق بشر در ایران صادر کرده است. کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد روز ۲۴ آذر

۲۳۲ - عفوین الملل، فراخوان عمومی، ۱۳ فوریه ۲۰۲۳ (۲۴ بهمن ۱۴۰۱)

۲۳۳ - رسانه‌های رژیم، ۱۵ آذر ۱۴۰۱

۱۴۰۱ (۱۵ دسامبر ۲۰۲۲)، شصت و نهمین قطعنامه ملل متحد در محکومیت رژیم به خاطر نقض حقوق بشر و سرکوب مردم در قیام ایران را تصویب کرد. هفتادمین قطعنامه ملل متحد در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران در روز چهارشنبه ۲۴ آبان ماه ۱۴۰۲، برابر با ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳ تصویب شد. این قطعنامه «سرکوب هدفمند زنان و دختران در فضای واقعی و مجازی» را قویا محکوم کرده و از جمهوری اسلامی خواسته به «تبعیض سیستماتیک و آزار و اذیت فیزیکی و کلامی زنان و دختران» پایان دهد. قطعنامه همچنین به آمار بالای اعدام در ایران اشاره کرده و آن را خلاف تعهدات بین‌المللی ایران دانسته است. همچنین تصریح شده که صدور احکام اعدام در دادگاه‌های غیرعادلانه و پس از اعترافات اجباری متهمان زیر شکنجه صورت گرفته است.

### III

## قضات شناخته شده بین‌المللی

در گذشته با وجود اینکه سازمان ملل از منزلت و آموزه‌های سنتی و دکترین مؤلفان رساله‌های حقوق بین‌الملل آن‌چنان‌که در سده‌های نخستین پس از پیدایش حقوق بین‌الملل از آن برخوردار بود، در اثر تغییر نگرش از منابع اصلی به منابع فرعی برای اجرای قواعد جدید، تنزلهایی پیدا کرد و اعتنای چندانی به رویه قضایی محاکم بین‌المللی نمی‌کردند، اما با پیدایش محاکم بین‌المللی جدید در دهه‌های اخیر، رویکرد رویه قضایی تغییر و پیشرفت چشمگیری پیدا کرده است، چنانچه بسیاری از این محاکم به استاد آشکار به دیدگاه‌های نویسندگان برجسته حقوق بین‌الملل برای تشخیص قواعد قضایی از بی‌قانونی برخی از ارگانهای مهم بین‌المللی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری، روح نوآوری و عنصر حق‌وندی را در پیکره حقوق بین‌الملل با ایجاد قواعدی جدید زنده کرده‌اند.

### مشاهیر حقوق

در مورد این نوآوری، نشریه صوراسرافیل<sup>۲۳۴</sup> شرح حال تعدادی از وکلا و حقوقدانان برجسته جهان که نامشان در فهرست مشاهیر حقوقدانان به ثبت رسیده است را به چاپ رسانده، هر یک از این حقوقدانان در سمت‌هایی که در عرضه و کالت و قضاوت برعهده

---

۲۳۴ - هفته‌نامه صوراسرافیل شماره ۱۰۰ شنبه ۱۳۹۶/۷/۲۲

داشتند، منشاء خدمات بزرگی در پیشبرد و اعاده حقوق بشر بوده‌اند. تعدادی از این نام‌آوران در عرصه مبارزات سیاسی، اجتماعی و حقوق بشر به ایفای نقش مهمی پرداخته و افتخاراتی را برای حقوق‌انسان کسب کرده‌اند. ذیلاً به نمونه‌هایی از این قضات نامدار و فعالیتهای حقوقمند آنها که خواستار حقوق پایمال شده مردم ایران بوده‌اند اشاره می‌کنیم.

در ارتباط با قتل عام‌های سیاسی در زندانهای رژیم در سال ۱۳۶۷، در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ (۵ مه ۲۰۲۱) بیش از ۱۵۰ کارشناس حقوق بشر بین‌المللی از جمله مری راینسون مسئول پیشین کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و مارک مالوک معاون سابق دبیر کل این سازمان، در نامه‌ای از سازمان ملل خواستند تا درباره کشتار زندانیان و مخالفان سیاسی ایران در تابستان سال ۱۳۶۷ «تحقیقات بین‌المللی» صورت بگیرد. در این نامه آمده است: در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی در ایران با حکم آیت‌الله خمینی، رهبر جمهوری اسلامی، اعدام و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند. حکومت نه اجساد اعدامیان را تحویل داد، نه درباره علت، شیوه و ابعاد این اعدام‌ها حاضر شده توضیح بدهد و آمران و عاملان این کشتار از «مصونیت نظام‌مند» برخوردارند و بعضی از آنها هم اکنون در ایران بر سر کارند.

ذکر اسناد و نظریه‌های موجود در مورد سرکوب و تضییع حقوق بشر و جنایات چهل و چند ساله رژیم جمهوری اسلامی در ایران و تلاشهایی که برای بهبود وضع حقوق بشر در این کشور انجام شده فوق‌العاده زیاد هستند، بطوری که حتی اشاره به اهم آنها در حوصله و ظرفیت این نوشتار نیست، از اینرو ذیلاً نمونه‌ها و منتخبی از نظریه‌ها و مستندات مهمی که اختصاصاً مربوط به نسل‌کشی در ایران است و از سوی قضات و کارشناسان برجسته و شناخته شده بین‌المللی در مورد قتل عامها و اعدامهای وسیعی که

در ایران صورت گرفته و مورد تأیید آنها است را در حدود امکان و دسترسی بطور خلاصه ذیلاً آوریم:

## جفری رابرتسون

جفری رابرتسون (Geoffrey Robertson) وکیل دادگستری و نویسنده حقوق بشر، تابعیت استرالیایی، بریتانیایی، استاد مدعو دانشگاه کوئین مری و بنیانگذار دفتر حقوقی در لندن است. وی در شماری از کشورهای دنیا سمت مشاور و نماینده حقوقی در پرونده های مهم حقوقی در زمینه های قانون اساسی، حقوق بشر، حقوق بین الملل و قوانین کیفری را برعهده داشته و نخستین رئیس دادگاه استیناف دیوان بین المللی کیفری سازمان ملل متحد در سیرالئون بوده است. ۲۳۵

جفری رابرتسون در کنفرانس جستجوی عدالت برای قربانیان جنایت علیه بشریت در ایران می گوید: شواهد قوی وجود دارد که کشتارها و قتل عام زندانیان در سال ۱۳۶۷ نسل کشی است و یکی از شیع ترین جنایت های بین المللی و به طور قانونی و صحیح به عنوان یک **نسل کشی** طبقه بندی می شود. بینیم هدف فتوی خمینی چه بود. فتوای خمینی اینگونه آغاز می شود: «از آنجا که منافقین خائن بهیچوجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حيله و نفاق است و ارتداد پیدا کرده اند و از آنجایی که به محاربه با خدا دست زده اند» بنابراین آنها «محارب». اند و اعدام می شوند. اما سازمان مجاهدین از زمان بنیانگذاری، از گروه خمینی و دیدگاه بنیادگرایانه آنها متمایز بوده و دیدگاه آزادی خواهانه ای خود را داشته اند.

رابرتسون افزود: از ترجمه فتوای خمینی که من خوانده ام روشن می شود که دلیل اصلی کشتار این افراد یک دلیل مذهبی داشته است. بنابراین فکر نمی کنم که شکی وجود داشته باشد که فرمان ولی فقیه رژیم است که خودش و کمیته مرگ او آن را پذیرفته

اند، حسینعلی منتظری برای متوقف کردن کشتار آن را نپذیرفت، با وجود این «کمیته مرگ» که آن را محاربه با خدا می دانست و با غضبی وحشیانه احکام اعدام را به اجرا گذاشتند. من فکر می کنم قابل توجه است که وقتی اولین بار این کشتار به اطلاع سازمان ملل رسید، رژیم تلاش کرد از خودش دفاع کند و رئیس قضائیه وقت رژیم، اردبیلی، به سازمان ملل توضیح داد و گفت ما یک حکومت غیرمذهبی نیستیم. بنابراین، کفر گویی مجاز نیست و این مجازاتی برای کفر است. و این البته جرم داشتن یک مذهب دیگر است.<sup>۲۳۶</sup>

از نظر من شواهد قوی وجود دارد که این کشتار **نسل کشی** است. کنوانسیون نسل کشی توسط ایران در ۱۹۵۶ پذیرفته شده، این پیمان شامل کشتن یا وارد کردن صدمه جدی روانی یا جسمانی به اعضای یک گروه نژادی یا مذهبی می شود. و آنها یک نژاد متفاوت نبودند و همه ایرانی بودند. آنها اعضای یک گروه مذهبی بودند که بنیادگرایی آیت الله و دیکتاتوری مذهبی این حکومت را نپذیرفتند. بنابراین من شکی ندارم که پرونده یی برای محاکمه رئیسی و دیگران از جمله ولی فقیه رژیم که در آن زمان رئیس جمهور رژیم بود برای نسل کشی وجود دارد. و این جنایتی است که مسئولیت بین المللی را همراه دارد، شما یک پیمان بین المللی دارید که از کشورهای جهان و دولتهایی که آن را امضا کرده اند می خواهد آن دولتها علیه مجرمان دست به اقدام بزنند که یکی از آنها رئیس جمهور رژیم ایران است.<sup>۲۳۷</sup>

این جنایت حتی یک جنایت جنگی هم نبود، جنگ تمام شده بود، خمینی به این دلیل فتوا داد که آتش بس در تیرماه ۱۳۸۸ برای او مانند نوشیدن یک جام زهر بود. این

---

۲۳۶ - جفری رابرتسون، کنفرانس در پارلمان انگلستان در جستجوی عدالت برای قربانیان جنایت علیه بشریت، اول آذر ۱۴۰۲ <https://youtu.be/1nQGYxxBqwc>

۲۳۷ - قتل عام سال ۱۳۶۷ یک نسل کشی است (شهادت قاضی جفری رابرتسون) در دادگاه حمید نوری در استکهلم سوئد، ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ <https://tinyurl.com/msfyf466>

بیانیه‌ی بود که او هنگام امضای آن اعلام کرد، و او در حال مرگ بر اثر سرطان بود و البته عوامل دیگری نیز در امضای این حکم کثیف دخیل بودند که هرکس از نظر دینی مخالف رژیم او بود باید با بی رحمی اعدام می‌شود.

رابرتسون در کتاب نسل کشی خود می‌نویسد: «یکی از عهدنامه‌هایی که می‌تواند ناظر بر جنایات سال ۱۳۶۷ شناخته شود، کنوانسیون نسل کشی است که دولت‌ها را موظف به رسیدگی به موارد ارتکاب جرم نسل کشی و مجازات کسانی می‌کند که افراد را تنها به خاطر عضویت در یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی آماج آزار و آسیب‌های شدید جسمی و روانی کنند، آن هم به قصد از بین بردن کل گروه یا بخشی از آن.»<sup>۲۳۸</sup>

«پرسش این است که آیا می‌توان سازمان مجاهدین را مشمول تعریف کنوانسیون از گروه‌های مذهبی دانست به ویژه با توجه به این واقعیت که براساس مفاد فتوا رژیم قصد از بین بردن آن‌ها را به عنوان یک گروه داشته، یا حداقل گروهی از آن‌ها را که در زندان‌های ایران به سر می‌بردند، آنان با گروه‌های شخصیت محور وجوه مشترک بسیار دارند اما با استناد به چنین ویژگی‌هایی آنها را نمی‌توان از حمایت قانون محروم کرد. حتی معتقدان به سیانتولوژی نیز به عنوان یک گروه مذهبی به رسمیت شناخته شده‌اند.»<sup>۲۳۹</sup>

رابرتسون بر این عقیده است که تقریباً همهٔ قربانیان موج دوم کشتار (زندانیان سیاسی متهم به ارتداد) یا با اعدام و یا زیر شکنجه کشته شدند. چنین کشتاری، به قصد از بین بردن بخشی از یک «گروه» (که همان «مرتدان» محبوس در زندان‌های ایران باشند)، مشمول کنوانسیون نسل کشی است.

---

۲۳۸ - جفری رابرتسون، کتاب جنایت علیه بشریت، فصل اول، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، ترجمه هرمز حکمت، انتشار بنیاد عبدالرحمن برومند.

واقعیت این است که گرچه، مارکسیست بودن اغلب این گروه‌ها به آنان هویتی سیاسی می‌بخشید، ارتداد و محاربه با خدا مفاهیمی یکسره مذهبی اند و در متون مذهبی و رویه‌های قضایی هزارساله قضات مسلمان تعریف شده‌اند. درباره اینکه آیا ارتداد متهمان از اعتقادات سیاسی آنان برمی‌خاست یا برعکس، پرسش در واقع این بود که آیا متهم مسلمان زاده شده؟ آیا از اسلام روی گردانده؟ و آیا، پس از شلاق خوردن با کابل‌های برقی، حاضر است به اسلام بازگردد؟ می‌توان استدلال کرد که کشتار زندانیان سیاسی را نسل‌کشی باید شمرد زیرا هدفش نابود کردن بخش بزرگی از یک گروه بود که مشخصه اصلی اعضایش، در دید کشتارگران، چیزی جز باورهای مذهبی آنان نبود. انگیزه در این کشتار شاید سیاسی بوده باشد، یعنی سرکوب مخالفان حکومت دین سالار. اما نیت آنان را نسل‌کشی باید دانست زیرا در پی حذف کردن «گروه‌های مذهبی» بودند که به احتمال قوی مشروعیت حکومت را به چالش می‌کشیدند. از سوئی، مجاهدین که به تفسیری دیگر از اسلام اعتقاد داشتند و از سوی دیگر، گروه‌هایی که سرسختانه بر ارتدادشان پا می‌فشردند، مبنای مذهبی اتهاماتی که این دو گروه را محکوم به مرگ می‌کرد کاملاً روشن بود زیرا «محاربه با خدا و فساد در ارض» تنها جرمی است که مجازاتش در قرآن (سوره مائده، آیه ۳۳) اعدام دانسته شده. اما، بعد نسل‌کشی این اعدام‌ها ناشی از واقعیت سیاسی است و نه متون مقدس مذهبی. حکومتی که به گونه‌ای بی‌سابقه با مذهب عجین شده بود، بدین معنی که حکومت ایران خود را «جانشین خدا در این دنیا» می‌دانست، نظام خدا سالاری که نمی‌توانست این واقعیت را برتابد که گروهی مرتد جسور در زندان‌ها در انتظار آزاد شدن و برگشتن به آغوش جامعه باشند. ایران نمونه‌ای است منحصر به فرد از آمیزشی چنین تنگاتنگ بین دین و سیاست و مشکل بتوان نقش هریک، دین یا سیاست را در انتخاب این سیاست کشتار زندانیان سیاسی جداگانه مشخص کرد، اما روشن است که این سیاست به قصد نسل‌کشی طرح ریزی شده بود.

اگر تردیدی هم در این نکته باشد، باید آن را، با توسل به برخی موازین محکم حقوقی، به سود گروه‌های قربانی شده حل کرد. کنوانسیون نسل‌کشی را باید معادلی جهانی برای قوانین داخلی بر شمرده که خشونت برخاسته از ملاحظات مذهبی را ممنوع می‌کند. پذیرفتن این فرض، خطایی بزرگ است اگر مرتکبان این جنایات را از مسئولیت معاف بدانیم زیرا برحسب تضادف کسانی را هدف خشونت قرار داده بودند که اتهامات مذهبی وارده بر خود را نمی‌پذیرفتند. رژیم‌هایی که کسانی را به خاطر مذهبشان (به عنوان نمونه، اسلام یا یهودیت) آزار می‌دهد یا می‌کشد مسلماً نمی‌تواند مذهب قربانی‌اش را به عنوان عنصر محکوم‌کننده جرمش پیش‌کش کند. همین‌گونه، درست نخواهد بود که رژیم ایران را از مسئولیت معاف کنیم به این دلیل که قربانیانش به مذهبی اعتقاد نداشتند که الهام‌بخش مرتکبان شکنجه و اعدامشان بود.

اگر چنین تحلیلی را صحیح بدانیم، جامعه بین‌المللی، یا دست‌کم ۱۴۰ کشوری که کنوانسیون نسل‌کشی را پذیرفته‌اند، موظف‌اند بپذیرند که نابود کردن مجاهدین و از بین بردن گروه‌های چپگرا از مصادیق کنوانسیون نسل‌کشی است. طبق ماده ۱ این کنوانسیون، «نسل‌کشی، چه در دوران صلح روی دهد و چه در زمان جنگ، براساس حقوق بین‌الملل جنایت شمرده می‌شود.» چون شمار بسیاری از کشورهای جهان کنوانسیون نسل‌کشی را تصویب کرده‌اند، مفاد این کنوانسیون جزئی از اصول و ضوابط لازم‌الرعاية حقوق بین‌الملل شده‌اند و از همین رو همه دولت‌ها، حتی اگر آن را تصویب نکرده باشند، موظف به اجرای مقررات کنوانسیون و مسئول رسیدگی به این جنایت و تعقیب مرتکبان آنند. همان‌گونه که دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه «تحفظ نسبت به کنوانسیون نسل‌کشی» توضیح داده است این کنوانسیون در اصل تجلی نیت سازمان ملل متحد به تقبیح و مجازات نسل‌کشی به عنوان «جنایتی است به قصد

انکار حق زندگی گروهی از انسان ها، انکاری که وجدان بشریت را می آزارد و منافی با موازین اخلاقی و مفاد و اهداف سازمان ملل متحد است.»<sup>۲۴۰</sup>

قانون ناظر بر مسئولیت دولتها، دولت ایران را مسئول این جنایات می شمرد زیرا ارتکاب آن ها بر عهده نهادهای رسمی حکومتی، یعنی وزرا و مأموران دولت و سپاه پاسداران انقلاب بود. جلادان در استخدام دولت ایران بودند و هم این دولت بود که به طراح و هماهنگ کردن نقشه کشتار و به نحوه اجرای آن پرداخت. قضات شرع همین حکومت حکم اعدام ها را صادر کردند و دستگاه قضایی و سپاه پاسداران آن را به اجرای گذاشتند.<sup>۲۴۱</sup>

با این همه بعید است که سازمان ملل متحد (همان گونه که در مورد جنایات مرتکب شده در یوگوسلاوی، روآندا و کامبوج عمل کرده بود)، به تشکیل دادگاه ویژه ای برای رسیدگی به کشتارهای ایران اقدام کند. اما هر دولتی رأساً می تواند قضیه را به دیوان دادگستری بین المللی ارجاع دهد و بخواهد که درباره مسئولیت ایران برای پرداخت غرامت به قربانیان و خانواده هایشان، و نیز تعقیب کسانی که برنامه ریز و معجر این کشتارها بوده اند، تصمیم بگیرد رأی مشورتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یا برخی از ارگان های آن، نیز می توانند قضیه را در این دادگاه پیگیری کنند. مسلماً جمهوری اسلامی صلاحیت دادگاه را نخواهد پذیرفت، همانگونه که اسرائیل نیز صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به قانونی بودن ساختن دیوار در مرز فلسطین را نپذیرفت. اما، امتناع ایران مانع صدور رأی مشورتی دادگاه نخواهد شد. نسل کشی را نیز می توان به هر ادعائیه احتمالی که در کشور دیگری علیه مرتکبان کشتار زندانیان در ایران تهیه می شود افزود.

240 - Reservations to the Prevention on Genocide Case (1951) ICJ Rep. 15, 23. <https://www.icj-cij.org/case/12>

241 -Prosecutor v Tadic case No. IT-94-1-A Appeal Judgment, ICTY AC, 15 July 1999, para 131. (نمونه ای علیه «تادیک»)

<https://www.refworld.org/jurisprudence/caselaw/icty/1997/en/40193>

علاوه بر این، از آنجا که عناصر تشکیل دهنده جرم نسل کشی در جنایت علیه بشریت نیز وجود دارند، نیازی به اثبات «نیت نسل کشی» نخواهد بود.

رابرتسون در کتابش به این سؤال: هدف اصلی سران رژیم از بازجویی ها و طبقه بندی ها پیش از اعدام زندانیان چه بود؟ اینگونه پاسخ می دهد: آشکارا قصد اصلی بیشتر از آنکه تهی کردن کشور از کمونیست ها و مجاهدین سوسیالیسم زده باشد اجرای حکم اسلام در مورد کسانی بود که به خاطر خدانشناسی یا اعتقادات انحرافی خویش متهم به «محاربه با خدا» بودند. این قصد را به آسانی در لحن و واژگان فتوا می توان دید: به گفته خمینی «منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حیله و نفاق آنهاست، کسانی که در زندان های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند محارب و محکوم به اعدام می باشند». آن ها را نه به خاطر اتحادشان با دشمن بلکه به دلیل اعتقادات مذهبی شان باید بدون محاکمه کشت. چپگرایان نیز باید به جرم انکار مذهب و خدا کشته شوند و نه به خاطر اعتقادات سیاسی شان. در عرصه حقوقی اختلاف بین این دو اتهام اهمیتی ویژه دارد زیرا جرم از بین بردن گروهی از مردمان به خاطر اعتقادات مذهبی شان بسی خطرناک تر از کشتن آدمیان به خاطر باورهای سیاسی است، گرچه این تفاوت از لحاظ منطقی پرسش انگیز به نظر می رسد. به هر حال چنین اختلافی در یک نظام دین سالار مصداقی ندارد.<sup>۲۴۲</sup>

در نسخه انگلیسی کتاب رابرتسون می خوانیم: ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو هر نوع رفتار انتقامجویانه را منع می کند و کشتن اسیران جنگی را «یکی از آشکارترین و مسلم ترین جنایات های جنگ می شمرد» من فتوای ششم مرداد ۱۳۶۷ خمینی را مصداق بارز عمل انتقامجویانه می دانم. این فتوا به صراحت اعلام می کند که همه مجاهدین اسیری که «بر اعتقادات خود پافشاری» می کنند دشمنان همدست با عراق اند و از همین رو باید، به

242 - Geoffrey Robertson, *The Massacre of Political Prisoners in Iran*, 1988, Report of an Inquiry Conducted by Geoffrey Robertson QC Broché – 29 juin 2011, p. 81.

تلافی حمله «فروغ جاویدان»، اعدام کردند. تردید نیست که تصمیم به اتخاذ این عمل انتقامجویانه، همانند اعمال مشابه آن، در اوج خشم خروشان گرفته شد. شمار قربانیان کشتار زندان در ایران بیشتر از قربانیان کشتار «برنثو» بود که در آن تنها شش تن از ۱۳۰۰ اسیر جان به در بردند.

اگر آن گونه که در فتوای خمینی ادعا شده، مجاهدین اسیران جنگی شمرده شوند کشتار آنان جدی‌ترین نقض کنوانسیون سوّم ژنو و بنابراین جنایت جنگی است، و در این صورت، همه دولت‌هایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند موظف‌اند که به شناسایی مرتکبان و آمران این جنایت برآیند و در دادگاهی آنان را بر صندلی متهمان به نشانند.<sup>۲۴۳</sup> توقع می‌رود که افراد تهدید شده به دلیل نژاد یا دین خود، گروه‌های سیاسی برای دفاع از خود تشکیل دهند یا برخی از آنها ممکن است سلاح در برابر ستمکارانشان بگیرند، اما این به معنای از دست دادن حمایت کنوانسیون نمی‌باشد اگر نژاد یا دین آنها دلیل اصلی برای از بین بردن آنها باشد. حتی اگر دلیل دیگری (به عنوان مثال خشم خمینی بخاطر عملیات فروغ جاویدان) در کار باشد. اگر قصد نسل‌کشی وجود داشته باشد، حتی یک تاجر هوتو که با اشتیاق در قتل‌عام جمعی در رواندا شرکت کرد نمی‌تواند از مجازات نسل‌کشی فرار کند، با این ادعا که تنها می‌خواست رقبای تجاری خود را بکشد. در بیشتر نسل‌کشی‌ها دلایل قتلها مختلطند و معمولاً شامل ملاحظات استراتژیک و سیاسی می‌باشند، مثلاً قتل‌عام ارمنیان به دلیل مخالفت با درخواست استقلال آنها بود اما خطرات آنها را به عنوان «ستونی پنجم» و کسانی که روسیه را در جنگ حمایت می‌کردند عنوان کردند یا همانطور که دیوان کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی (ICTY) اشاره کرده است، قصد نسل‌کشی می‌تواند از «مذهب سیاسی که به وقوع پیوسته» استنتاج شود. در مورد ایران این یک مذهب بود که هیچ اختلاف دینی را تحمل نمی‌کرد و یک قانون جنایی (که توسط خمینی تغییر یافته بود) که مرگ را برای کفر و ارتداد تعیین

می‌کرد. سازمان مجاهدین خلق ایران (PMOI) به عنوان یک گروه دینی در یک دولت مذهبی بود و اعضای آن به خاطر باورهای دینی‌شان به عنوان «منافق» محسوب می‌شدند. نتیجه این بود که یک نسل‌کشی توسط دولت ایران اتفاق افتاد و بسیاری از اعضای شناخته شده آنان اعدام شدند.<sup>۲۴۴</sup>

## احمد شهید

احمد شهید (Ahmad Shahid) دکترای روابط بین‌الملل، فعال شناخته شده حقوق بشر در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ (۵ فروردین ۱۳۹۰) برای شش سال از طرف سازمان ملل متحد به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران انتخاب شد. احمد شهید روز پنج‌شنبه ۱۴ مارس ۲۰۱۴ (۲۳ اسفند ۱۳۹۲)، گزارش سالانه خود را به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه کرد. در بخشی از این گزارش آمده است از زمانی که گزارشگر ویژه کار خود را در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) آغاز کرده است بیشتر از ۱۵۳۹ نفر در ایران اعدام شده‌اند، که از این تعداد ۶۸۷ نفر فقط در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۳) اعدام شده‌اند.

احمد شهید در نشست اکتبر ۲۰۱۴ (مهر ۱۳۹۳) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در گزارش خود تصریح کرد که در شش ماهه اول سال ۲۰۱۴ (۱۱ دی ۱۳۹۲ تا ۹ تیر ۱۳۹۳) ۴۱۱ نفر اعدام شده‌اند که ۸ نفر آنها هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشتند. او اعلام کرده که وضع حقوق بشر در ایران، از زمان شروع کار دولت یازدهم، بدتر شده‌است. او از اجرای ۸۵۲ مورد حکم اعدام در ایران در طول سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) شدیداً انتقاد کرد و گفت این تعداد اعدام در این سال در حالی صورت گرفته که روند صدور احکام اعدام در ایران در یک دهه گذشته، رو به افزایش بوده است، بطوری که

از ۹۹ مورد اعدام در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)، به ۶۸۷ مورد در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) رسیده است.<sup>۲۴۵</sup>

احمد شهید در گزارش خود تاکید کرد که تعداد اعدام‌ها به خصوص اعدام در ملاء عام پس از اعتراضات سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) به صورت چشمگیری افزایش یافته و به نسبت به سالهای گذشته **شش برابر** شده‌اند. بازداشت در اویش گنابادی طبق آخرین اخبار رسیده، شمارشان در زندان اوین به ۲۵۰ نفر رسیده است.

او در گزارش دیگر خود یادآوری کرد که در سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۳)، بین ۹۶۶ تا ۱۰۵۴ مورد اعدام در ایران صورت گرفته که این بالاترین میزان اعدام در این کشور در دو دهه گذشته محسوب می‌شود. در بخشی از آخرین گزارش احمد شهید اجرای بیش از حد مجازات اعدام در ایران مورد انتقاد قرار گرفته و تصریح شده که تنها در فاصله اول ژانویه تا سومین هفته ژوئیه ۲۰۱۶، بین ۲۴۱ تا ۲۵۳ مورد اعدام در ایران انجام شده است.

احمد شهید در دوران فعالیتش به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر بارها برای سفر به ایران تقاضای ویزا کرده بود که اگر می‌توانست به ایران سفر کند امکان گفت و گوی سازنده با مقامات ایرانی را پیدا می‌کرد و می‌توانست از اثرات تحریم‌ها روی زندگی مردم گزارش تهیه کند، اما هیچکدام از درخواستهای او به نتیجه نرسید و نتوانست حتی یک بار هم به ایران سفر کند، او در گزارش خود یاد آور شده است که از اول ژانویه تا نیمه اوت ۲۰۱۶ (۱۱ دی تا ۲۵ مرداد ۱۳۹۵)، ۲۳ بار در مورد وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران به مقام‌های جمهوری اسلامی نامه نوشته که پاسخی دریافت نکرده است.

245 - Ahmad Shahid «Report» BBC, Octobre 2014.

[https://www.bbc.com/persian/iran/2014/10/141007\\_139\\_ahmad\\_shahid\\_report\\_execution](https://www.bbc.com/persian/iran/2014/10/141007_139_ahmad_shahid_report_execution)

## جاوید رحمان

جاوید رحمان (Jāvid Rahmān) حقوقدان، رئیس دانشکده حقوق دانشگاه بروکلین و متخصص حقوق اسلامی و فعال حقوق بشر پاکستانی، بریتانیایی است که در ژوئن ۲۰۱۸ رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل وی را به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران معرفی کرد.

جاوید رحمان در آخرین گزارش خود در روز دوشنبه ۱۹ مارس ۲۰۲۴ ( ۲۹ اسفند ۱۴۰۲) در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو با اشاره به کشتن، زندانی کردن، ناپدید سازی‌های اجباری، شکنجه، اذیت و آزار و تجاوز جنسی به معترضان از سوی نیروهای سرکوبگر امنیتی رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم را جنایتکار و این سرکوبها را مصداق: «**جنایت علیه بشریت**» معرفی کرد او با انتقاد شدید از مسئولیت‌گریزی، عدم شفافیت، و خودداری جمهوری اسلامی از پذیرش حداقل بی‌طرفی در پرونده مهسا (ژینا) امینی و کشته شدن او که منعکس‌کننده اذیت و آزار طولانی‌مدت زنان ایرانی از سوی این رژیم است دانست، او مجدداً تأکید کرد که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از گلوله‌های جنگی، ساچمه و پلاستیکی برای سرکوب معترضان استفاده کرده اند و در نتیجه این سرکوب‌ها بیش از ۵۰۰ نفر از جمله ۷۰ کودک و نوجوان در ایران جان خود را از دست داده اند.

او در بخش پایانی گزارش تفصیلی ۲۰ صفحه‌ای خود که در دسترس اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل قرار گرفت از سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی و نیز وضعیت زندانیان دوتابعیتی ابراز نگرانی کرد و نتیجه‌گیری کرد که سطح سرکوبها، آزارها و نقض حقوق انسانی از جمله کشتار، زندانی، ناپدید شدن اجباری، شکنجه، تجاوز، آزار

جنسی و تعقیب به حدی است که ممکن است در سطح جرائم بین‌المللی و به ویژه «جنایت علیه حقوق بشر» قرار گیرد.<sup>۲۴۶</sup>

جاوید رحمان در گزارش خود می‌نویسد: سرکوب در جمهوری اسلامی به حد جرایم بین‌المللی رسیده و لازم می‌آید کسانی که مرتکب جنایت علیه بشریت و نقض جدی حقوق شده‌اند مورد حسابرسی قرار گیرند. او در این گزارش بیان رویکردهای امنیتی، قهرآمیز و خشونت‌بار دستگاه‌های سرکوب جمهوری اسلامی در جریان خیزش سراسری مردم ایران را ارائه داده است. این گزارش مفصلاً، موارد نقض فاحش حقوق بشر در دادرسی‌ها، صدور احکام اعدام، حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومیتی، تشکلهای صنفی و سرکوب بی‌امان معترضان و پایمال شدن حقوق همگانی را تا پایان سال ۲۰۲۴ مستند و رده‌بندی کرده و با تاکید و تمرکز بر سرکوب معترضان، تعدی و تعرض و جان باختن بیش از ۴۷۶ نفر و ۱۸ هزار بازداشت‌توانم با بدرفتاری و ناپدید شدن قهری شهروندان خواستار توقف این وحشی‌گری‌ها شده است.

گزارش با مرور قتل ۶۴ کودک طی پنج ماه و آمار بالای قربانیان از اقلیت‌های قومی و مذهبی به ویژه کردها و بلوچ‌ها، جزییات خشونت و سرکوب در مراسم سوگواری کشته شدگان و محروم کردن معترضان مجروح از خدمات درمانی را شرح داده است.

جاوید رحمان در نوامبر ۲۰۲۳ (آذر ماه ۱۴۰۲)، در کنفرانس مطبوعاتی خود از «مصونیت مزمن» مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی در موضوع نقض حقوق بشر انتقاد کرده و خواهان پاسخگویی آنها در باره مرگ مهسا امینی و احترام به حقوق بنیادین شهروندان ایرانی شد و بی‌رحمی سردمداران جمهوری اسلامی در قبال معترضان را محکوم کرد.<sup>۲۴۷</sup>

۲۴۶ - جاوید رحمان، همان گزارش ۲۰ صفحه‌ای.

۲۴۷ - جاوید رحمان، کنفرانس در پارلمان انگلستان «در جستجوی عدالت برای قربانیان جنایت علیه بشریت در ایران»، اول آذر ۱۴۰۲.

جاوید رحمان در پایان گزارش خود تأکید کرده که سطح سرکوب‌ها، ناپدید شدن اجباری، کشتار، شکنجه، تعرض، تجاوز جنسی و تعقیب و تعدی شهروندان در جمهوری اسلامی به حدی رسیده که در رده جرایم بین‌المللی از جمله «جنایت علیه بشریت» قرار گیرد.<sup>۲۴۸</sup> او در کنفرانس دیگری در پارلمان انگلستان گفت: پس از کشتارهای سال ۱۹۸۸، جلادان مشتاق خمینی به مقام‌های بالاتری در سیاست و در قوه قضاییه ارتقا پیدا کردند، این موضوع نگران‌کننده از جمله سئوالات جدی در مورد نقش رئیس‌جمهور فعلی آقای ابراهیم رئیسی به عنوان یکی از اعضای کمیته مرگ و امکان استفاده از صلاحیت جهانی برای محاکمه افراد برای جنایات جدی، از جمله جنایات علیه بشریت و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر بوجود آورده است.<sup>۲۴۹</sup>

همزمان با آخرین گزارش جاوید رحمان، در تاریخ ۱۹ ژئن ۲۰۲۴ (۳۰ خرداد ۱۴۰۳) یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو توسط «کمیته دادخواهی برای قربانیان قتل عام ۶۷ در ایران» برگزار گردید. جاوید رحمان، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره جنایات هولناک و نقض وحشتناک حقوق بشر توسط رژیم ایران در سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ و ۱۳۶۷، آخرین گزارش خود را ارائه داد. این جلسه برای حسابرسی از جنایات مستمر علیه بشریت توسط رژیم ایران در ژنو با حضور جاوید رحمان و شماری از سفرا و هیأت‌های نمایندگی عضو شورای حقوق بشر، کارشناسان حقوق بشر و نمایندگان مطبوعات برگزار شد. این جلسه به ویژه متمرکز بود بر این که رژیم ایران در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ مرتکب «نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت» شده و علیه مخالفان و زندانیان سیاسی به‌خاطر وابستگی و تعلقات مذهبی آنها اقدام به اعدام‌های دسته جمعی کرده و به اعدام‌های

<https://www.youtube.com/watch?v=1nQGYxxBqwc>

۲۴۸- جاوید رحمان، همان سرکوب در جمهوری اسلامی .

۲۴۹ - جاوید رحمان، همان کنفرانس در پارلمان انگلستان.

فراقضایی هزاران زندانی سیاسی که به‌طور خودسرانه دستگیر شده بودند دست زده است، اعدام‌هایی که مصداق جنایت علیه بشریت، ناپدیدشدگی اجباری، شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی دارند. اعدام‌هایی که دربرگیرنده اعدام زنان که برخی از آنها قبل از اعدام مورد تجاوز قرار گرفته بودند و تعداد زیادی از کودکان نیز در بین آنها بوده‌اند. استنادات این گزارش بر اساس مصاحبه‌های گزارشگر ویژه ایران با ۸۰ شاهد از بازماندگان و خانواده‌های قربانیان این جنایات و صدها فقره اسناد و مدارک مختلف دیگر تنظیم شده است. کمیته دادخواهی برای قربانیان قتل عام سال ۱۳۶۷، اسامی و مشخصات ۵۹ گور جمعی و یکصدتن از اعضای کمیسیونهای مرگ را در اختیار نماینده ویژه قرار داده است که مقامات رژیم به یک کارزار سیستماتیک برای نابودی گورهای هزاران زندانی سیاسی مبادرت کرده‌اند.

در یک مصاحبه اختصاصی در این کنفرانس، جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد ایران گفت: به‌خوبی مشخص شده است که بین ماههای ژوئیه و سپتامبر ۱۹۸۸ هزاران زندانی سیاسی به قتل رسیده و نابود شده‌اند. قتل‌های شتاب‌زده، خودسرانه و فراقضایی در زندانهای سراسر ایران صورت گرفته. تخلفاتی که برخی از آنها نقض‌های ادامه دار حقوق بشرند، مانند ناپدیدسازیهای اجباری. به‌معنای واقعی کلمه هزاران نفر از خانواده‌ها، از آنچه برای عزیزانشان اتفاق افتاده بی‌اطلاع هستند، به‌همین دلیل مهم است که جامعه جهانی و کشورهای عضو سازمان ملل و هم‌چنین جامعه مدنی و طرف‌های ذینفع، توجه کنند و ما باید در راستای پاسخگویی کار کنیم و تضمین کنیم که افرادی که مرتکب این جنایات جدی شده‌اند پاسخگو باشند، من این جنایات را علیه بشریت و هم‌چنین نسل‌کشی دانسته‌ام، باید تضمین کنیم که این جنایات در دادگاه‌های قانونی مورد حسابرسی و مجازات قرار گیرند.

جاوید رحمان گفت: من فکر می‌کنم دلایل زیادی وجود دارد که چرا ما به‌طور کامل از قتل عام سال ۱۳۶۷ مطلع نشدیم. اول این که رژیم ایران مخفیانه عمل کرده و این

کشتارها و قتل‌های دسته‌جمعی همان‌طور که می‌دانید مخفیانه صورت گرفته است، هزاران نفر در مزارهای جمعی دفن شدند. این رژیم در واقع نتوانسته هیچ توضیحی ارائه بدهد. استدلال آنها تماماً رضایت بخش نبوده است، به همین دلیل ما تنها در طول زمان، نسبت به جدیت این وضعیت مطلع شده‌ایم و یکی از شواهد کلیدی، مزارهای دسته‌جمعی است که ما نگران آن هستیم، زیرا رژیم ایران تلاش کرده جنایات خود را با نابود کردن این مزارهای دسته‌جمعی پنهان کند.

جاوید رحمان تاکید دارد: اگر بخواهم به‌طور خاص در مورد سالهای دهه ۱۳۶۰ و سال ۱۳۶۷ به‌طور خلاصه بگویم، خواهم گفت که جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی صورت گرفته است. مسأله ناپدیدسازی اجباری مداوم بوده که جامعه بین‌المللی باید به آن رسیدگی کند. من در پی پاسخگویی برای جنایاتی هستم که به ویژه در سال ۱۳۶۷ صورت گرفته است و می‌خواهم جامعه بین‌المللی مکانیسم‌هایی را ایجاد کند. یکی از راه‌های پیشبرد این موضوع چه بسا از طریق یک دادگاه بین‌المللی، به‌عنوان یک دادگاه قانونی باشد که می‌تواند تصمیم بگیرد. ما معتقدیم که محاکمه در دادگاه سوئد عادلانه بوده است و یک چیز را ثابت کرد، صلاحیت جهان‌شمول هم‌چنان یک راه حل بسیار مهم برای حسابرسی از افراد است، به‌ویژه در رابطه با کشوری که در آن شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید حاکمیت قانون و محاکمات عادلانه انجام شود. بنابراین فکر می‌کنم ما هم‌چنان باید این مسیر را دنبال کنیم. جاوید رحمان در این مصاحبه<sup>۲۵۰</sup> بر محورهای زیر تاکید کرد:

- حسابرسی از جنایات مستمر رژیم ایران بر علیه مخالفین و معترضین، به ویژه جنایات هولناک و نقض وحشتناک حقوق بشر در سالهای ۶۰، ۶۱، ۶۲ و سال ۱۳۶۷.

۲۵۰ - کنفرانس مطبوعاتی در ژنو توسط کمیته دادخواهی برای قربانیان قتل عام ۶۷ در ایران برای «حسابرسی از جنایات مستمر علیه بشریت توسط رژیم ایران»، بعد از ظهر چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ (۱۹ ژوئن ۲۰۲۴).

- قتل عام ها و اعدامهای سال ۱۳۶۷ جنایت علیه بشریت و نسل کشی بوده است.
- فتوای خمینی حاکی از این است که او مجاهدین را نه فقط به دلایل سیاسی بلکه به خاطر اعتقادات مذهبی می خواست از بین ببرد و چون یک نیت مذهبی در کار بوده، این جنایت علاوه بر «جنایت علیه بشریت»، «نسل کشی» هم به حساب می آید.
- این جنایات هولناک دربرگیرنده وخیم ترین و فاحش ترین موارد نقض حقوق بشر در تاریخ معاصر است. مقامات ارشد حکومتی نه فقط برای جنایت علیه بشریت و نسل کشی توطئه و طراحی کرده اند بلکه به طور فعال در این جنایات شرکت داشته و به ارتکاب و اجرای آنها دستور صادر کرده اند.
- اعدامهای دسته جمعی و فراقضایی هزاران زندانی سیاسی که به طور خودسرانه دستگیر شده بودند، مصداق جنایت علیه بشریت، ناپدیدشدگی اجباری، شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی است. این اعدامها دربرگیرنده اعدامهای زنان، که برخی از آنها قبل از اعدام مورد تجاوز قرار گرفته بودند که تعداد زیادی از کودکان نیز در شمار این اعدام ها هستند.

## سارا حسین

شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ (۳ آذر ۱۴۰۱) ساز و کار ویژه ای برای راستی آزمایی و حقیقت یابی درباره کشتار و سرکوب معترضان در ایران در اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، که پس از کشته شدن مهسا امینی، به خیابانها آمده بودند، با انتخاب کمیته ای تعیین کرد.

این کمیته در روز، ۱۸ مارس ۲۰۲۴ (۲۸ اسفند ۱۴۰۲)، گزارش خود را به شورای حقوق بشر در ژنو ارائه داد و اعلام کرد که حکومت ایران در سرکوب اعتراضات سال گذشته مرتکب نقض جدی حقوق بشر و مرتکب «جنایت علیه بشریت» شده است.<sup>۲۵۱</sup>

خانم سارا حسین رئیس هیات حقیقت یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران در نشست خبری در ژنو در پاسخ به پرسش خبر نگاران اعلان کرد که هیات حقیقت یاب، دریافته که مسئول نقض فاحش حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات آغاز شده پس از جان باختن مهسا امینی مقامات حکومتی جمهوری اسلامی هستند که برخی از این موارد نقض جدی حقوق بشر تا سطح «جنایت علیه بشریت» پیش رفته است.

سارا حسین حقوقدان بنگلادشی و مسئول کمیته حقیقت یاب سازمان ملل در این نشست گفت نقض فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی شامل مواردی چون قتل‌ها، اعدام‌های غیرقانونی، استفاده غیرضروری و نامتناسب از زور، دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه، رفتارهای تجاوز جنسی و ناپدید شدن اجباری می باشند. او افزود: «این اقدامات در چارچوب یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه زنان و دختران و سایر افرادی که از حقوق بشر حمایت می کنند، انجام شده است. بنابراین، برخی از این موارد نقض جدی حقوق بشر تا سطح جنایات علیه بشریت پیش رفته است.»<sup>۲۵۲</sup>

## جفری نایس

جفری نایس (Jeffrey Nice) دادستان اصلی در محاکمه اسلوبودان میلوسویچ در لاهه در سخنان خود در کنفرانس نقض حقوق بشر در ایران در روز ۱۱ اسفند ۱۴۰۰ در ژنو گفت: مدارک و اسناد و اطلاعات متقنی وجود دارد برای هر کسی که بخواهد بداند در قتل عام سال ۱۳۶۷ چه نوع جنایتی، در چه زمانی و توسط چه کسانی صورت گرفته

۲۵۱ - سارا حسین، مصاحبه بی‌بی‌سی فارسی با رئیس کمیته حقیقت یاب سازمان ملل در امور ایران، ۲۸

اسفند ۱۴۰۲ <https://www.youtube.com/watch?v=۱۵۵nHkCg4tM>

۲۵۲ - همان.

است. در مورد قتل عام ۶۷، دو واقعیت به ثبت رسیده است: اولاً، یک جنایت علیه بشریت واقع شده است و ثانیاً، جامعه بین‌المللی به استانداردها و به دادرسی عادلانه ای در این باره عمل نکرده است. باید توجه داشت که وقتی جنایات علیه بشریت افشا می‌شوند امیدی را امکان پذیر می‌کند که رهبران رژیم‌های جنایتکاری چون رژیم اسلامی هم در سیستم‌های قضایی بین‌المللی جوابگو خواهند شد، کما اینکه میلسویچ هم فکر نمی‌کرد که روزی در دام عدالت بیفتد، که افتاد. ۲۵۳

## لرد سلین

لرد هدلی گوردون سلین (Lord Slynn) قاضی بریتانیایی و دادستان کل دیوان دادگستری اروپا بود. او یکی از لردهای استیناف در مجلس اعیان بریتانیا بود که به مقام مشاور ملکه رسید. وی در سال ۱۹۷۸ به‌عنوان رئیس دادگاه تجدید نظر منصوب شد. در سال ۲۰۰۱، او به‌عنوان رئیس دادگاه استیناف جزایر سلیمان، منصوب و در ادامه به ریاست مادام‌العمر بنیاد حقوق اروپایی نائل شد. در تحلیلی انتقادی از استدلال لرد سلین پیرامون مصونیت رؤسای دولت در قبال جرایم بین‌المللی، او در بیانیه‌ای حقوقی که واجد اهمیت نظری و عملی قابل توجهی در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی است می‌نویسد: «آشکار است که حقوق بین‌الملل ارتکاب شکنجه، نسل‌کشی یا سایر جنایات بین‌المللی را به‌عنوان بخشی ذاتی یا وظیفه‌ای مشروع از وظایف رسمی یک رئیس کشور به رسمیت نمی‌شناسد. اما این واقعیت که یک رئیس کشور در حین اجرای وظایف حکومتی خود، اگر مرتکب رفتاری غیرقانونی گردد، خود به‌تنهایی کافی نیست تا آن رفتار را از شمول وظایف رسمی خارج کرده و آن را صرفاً عملی شخصی یا فاقد مصونیت تلقی کنیم. اگر چنین تفسیری پذیرفته شود، اساساً مفهوم مصونیت قضایی که به موجب حقوق بین‌الملل برای رؤسای کشورها قائل شده‌ایم، تا حد

۲۵۳ - جفری نایس، کنفرانس در ژنو، در «نقض حقوق بشر در ایران»، ۱۱ اسفند ۱۴۰۰

زیادی تهی و بی‌محتوا خواهد شد. به باور من، نباید برای این منظور، میان اعمالی که از منظر شدت جرم بودن یا وخامت اخلاقی، درجات متفاوتی دارند، تمایز قائل شد.<sup>۲۵۴</sup>

این سخن لرد سلین در پیوند با یکی از بنیادین‌ترین مناقشات در حقوق بین‌الملل معاصر که مرز میان مصونیت مقام رسمی و پاسخگویی کیفری در قبال جنایات بین‌المللی را طرح می‌کند، اسلین بر این باور است که اگرچه ارتکاب جنایاتی چون شکنجه یا نسل‌کشی به خودی خود نمی‌تواند به عنوان بخشی از وظایف رسمی یک رئیس دولت تلقی شود، اما صرف این که در خلال انجام سایر وظایف (مثلاً صدور فرمان جنگ، حفظ امنیت ملی یا اعمال حاکمیت) ارتکاب جرم نیز رخ دهد، نباید به معنای آن باشد که فرد، دیگر از مصونیت برخوردار نیست. به عبارت دیگر، لرد سلین از مفهوم کارکرد مصونیت دفاع می‌کند و نه از ماهیت اخلاقی یا کیفری آن، بلکه نسبت آن با کارکرد رسمی فرد مسئول.

دیلی تلگراف انگلستان در تاریخ نهم آوریل ۲۰۰۹ (۱۳۸۸/۰۱/۲۰) در مقاله‌یی درباره درگذشت لرد سلین، وی را اندیشمندی فوق‌العاده، مدافع سرسخت قانون و عدالت، شخصیتی اجتماعی و پرشور توصیف کرد و نوشت: لرد سلین موفقیتی حیرت‌انگیز داشت. وی یک کارزار حقوقی را در حمایت از مقاومت ایران هدایت کرد که در نهایت منجر به خارج شدن نام این مقاومت از لیستهای سیاه بریتانیا و اتحادیه اروپا گردید.

## آنالیزا چیامپی

پروفسور آنالیزا چیامپی (Analiza Ciampi) گزارشگر ویژه سابق سازمان ملل و قاضی ویژه سابق دادگاه حقوق بشر اروپا در سخنرانی خود در کنفرانس ژنو گفت: من یکی از امضاکنندگان نامه ای هستم که در دی ماه سال جاری خطاب به اعضا و ناظران شورای حقوق بشر ارسال شد. این نامه خواستار تحقیقات بین‌المللی در مورد قتل عام سال ۱۳۶۷ شده بود. این حقایق را چه به عنوان جنایات علیه بشریت و چه به عنوان نسل‌کشی تلقی

254 - Lord Slynn of Hadley, R v Bow Street Metropolitan Stipendiary Magistrate, ex parte Pinochet Ugarte (No. 3) [2000] 1 AC 147.

کنیم، من معتقدم برای رئیس جمهور فعلی رژیم ایران و رئیس قضایه و سایر مقامات رژیم ایران مسئولیت کیفری بین المللی به دنبال دارد. او افزود: گزینه های پیش روی شورای حقوق بشر چیست؟ چگونه می توان درخواست برای حسابرسی را عملیاتی کرد؟ قوی ترین گزینه می تواند تشکیل یک کمیسیون تحقیق باشد، همانطور که در بروندی تشکیل شد.

قاضی ویژه دادگاه سابق حقوق بشر اروپا با اشاره به سرکوب قیام آبان ۱۳۹۸ توسط رژیم ایران افزود: ما از کشورهای عضو شورای حقوق بشر می خواهیم که اراده خود را برای پیگیری آنچه در سال ۱۳۶۷ و در آبان ۱۳۹۸ در ایران رخ داد به کار بگیرند. زیرا تا زمانی که تحقیقات صورت نگیرد و امکان حقیقت یابی به قربانیان داده نشود، این جنایات کیفری همچنان ادامه خواهند داشت.

او گفت: من به فراخوان گزارشگر ویژه می پیوندم، خصوصاً که جنایات و نقض حقوق بشر در همان ابعاد در ایران همچنان ادامه دارند. گزینه هایی که در مقابل شورای حقوق بشر وجود دارد این است که یک کمیته تحقیق، مشابه بروندی راه اندازی کنند. این یک فراخوان برای پیگرد قانونی است. برای اینکه مانع از استمرار نقض حقوق بشر در ایران شویم. کما اینکه در جریان تظاهرات آبان ۱۳۷۷ باز شاهد همان جنایات دهشتناکی بودیم، که قبلاً نیز اتفاق افتاده بود.<sup>۲۵۵</sup>

## ویلیام بوردون

ویلیام بوردون (William Bourdon)، وکیل فرانسوی عضو کانون وکلای پاریس که ریاست دفتر وکالت «بوردون و شرکا» را بر عهده دارد. او از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ دبیر کل فدراسیون بین المللی حقوق بشر بود. متخصص جنایات علیه بشریت که هدفش «برداشتن مصونیت قضایی مقامات رسمی ایرانی» و جوابگو کردن آنها در مورد کشتارهای دهه ۶۰ و ۸۸ شمسی در ایران بود

ویلیام بوردون در روز دهم آذر ۱۳۹۶ در «کنفرانس پاریس»<sup>۲۵۶</sup> در حمایت از جنبش دادخواهی قتل عام ۶۷ گفت: در حالی که کشتار زندانیان در سال ۱۹۸۸ اشاره می‌کنیم که بیش از سی سال از آن گذشته، اولین چیزی که به چشم می‌خورد این است که این کشتار، بی‌شک بزرگترین کشتار زندانیان سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم است. معادل دیگری در این رابطه نمی‌یابیم، نه به لحاظ ارقام، نه به لحاظ زمان کوتاهی که طی آن این اعدام‌های گسترده صورت گرفته‌اند. تنها معادل آن، اعدام‌های گسترده‌ی است که طی سالیان اخیر در زندان‌های سوریه توسط رژیم صدامی چون بشار اسد به عمل آمده که متأسفانه هنوز دادخواهی نشده است.

بنابر این صحبت از یک جنایت گسترده، از قبل طراحی شده و سازمان یافته در ایران است. این جنایت، دارای همه ویژگی‌های «**جنایت علیه بشریت**» در تمامی معیارهای فکری در سطح بین‌المللی است. جنبه همه گیر این جنایت، انکارناپذیر است. جنبه سیستماتیک این جنایت، انکارناپذیر است. هم چنین انکارناپذیر است که این زندانیان، با معیار تعلق سازمانی شان هدف قرار گرفته‌اند. من افتخار همراهی با این مقاومت را از چندین سال پیش دارم. تناقضی که اگر حل و فصل می‌شد نیازی به سخن گفتن امروز ما نبود این است که طی این ۲۰، ۳۰، ۴۰ سال اخیر، بشریت قربانی جنایات گسترده‌ی بوده که تماماً در دسته‌بندی جنایت علیه بشریت می‌گنجد و هم‌زمان جنایاتی هستند که کم‌تر از هر جنایت دیگری مورد مجازات قرار گرفته‌اند. این مصونیت است که امروزه قابل تحمل نیست و به هیچ وجه قابل قبول نیست. نه فقط به خاطر قربانیان یا کسانی که حقی از آنها پامال شده یا جوامعی که مورد تعرض قرار گرفته و سوگواری، بلکه برای همه جوامع مردان و زنان. این مصونیت قطعاً روزی به پایان خواهد رسید و ما اقدامات لازم را به عمل خواهیم آورد تا بدون این که نیاز به رجوع به تصورات و رویاها باشد، این مصونیت روزی با توافق یا به زور پایان پذیرد. متأسفانه به نظر می‌رسد این امر بیشتر با توسل به زور محقق خواهد شد تا با توافق.

روی کاغذ، این جنایت‌ها کاملاً مستند هستند. مدارک بی‌شماری در این رابطه وجود دارد. عوامل این جنایت‌ها مشخصند و حتی در مجموع جنایات گسترده‌ی که بعد از جنگ جهانی دوم توسط زنجیره سلسله‌مراتب سیاسی و نظامی یک کشور صورت گرفته، این جنایت از همه مستندتر است. نسبت به سایر جنایت‌ها، این جنایت دارای اسناد بیشتری است برای اثبات جزیی‌ترین دستورات و اجرای آن در مدت زمانی به این کوتاهی برای اجرا کردن این جنایت گسترده هولناک.

۲۵۶ - ویلیام بوردون، کنفرانس پاریس: <https://tinyurl.com/۳۳۴evfzr>

دژخیمان تهران در حال زندگی آسوده هستند و این زندگی آسوده را همیشه خواهند داشت. آنها افرادی هستند که دارای منافعی در خارج هستند که آشکار یا پنهانند و ما جامعه حقوقدانان که در خدمت قربانیان و شاکیان هستیم با سماجت به شکار آنها ادامه خواهیم داد. آنها را تعقیب خواهیم کرد و هر جایی که ممکن و ضروری باشد، تلاش خواهیم کرد قضات سراسر جهان را در برابر مسئولیت‌هایشان قرار دهیم.

امروز به نظر می‌رسد که زمان تحویل حریف به عدالت شده است، چون منافع کشوری و منطق زور، بر منافع و شرف قربانیان اولویت پیدا کرده. با این حال، زمان به‌نوعی متحد قربانیان شده و خواهد شد. چون در رابطه با کشتارهای گسترده که در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۹۸۸ صورت گرفته، جرم شامل مرور زمان نمی‌شود پس زمان، متحد آنهايي است که افتخار و کالتشان را دارم.

محکوم کردن دژخیمان (حاکم) تهران امری حیاتی است، نه فقط برای قربانیان در ایران، بلکه به دلیل این که امروز در بخشی از خاورمیانه سایه انداخته و برای کل بشریت به خطری بزرگ تبدیل شده است، دژخیمان تهران در خدمت دژخیمان دمشق قرار گرفتند و بدین ترتیب مطرودترین و نفرت‌انگیزترین تشکل جنایتکاران بین‌المللی دهه‌های اخیر را شکل داده‌اند. جنایات بزرگی که در قرن بیستم رخ داده، به ما آموخته‌اند که تا وقتی جنایات گذشته مجازات نشده‌اند، این به مثابه دعوتی شوم و تشویق برای ادامه جنایات‌ها در زمان حال و فردا خواهند شد. به همین دلیل وظیفه داریم که همگی با هم به‌طور جمعی تلاش کنیم که این روند را متوقف سازیم.

## ملانی او براین

ملانی او براین (Melanie O'Bryn) رئیس انجمن دانشمندان بین‌المللی محققین نسل‌کشی و استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه وسترن استرالیا گفت: «وقتی پدیده نسل‌کشی مورد حسابرسی قرار نمی‌گیرد این نسل‌کشی تکرار می‌شود، این چیزی است که ما در ایران شاهد هستیم جنایت علیه بشریت یک تعرض علیه مردم است. کشتاری که در سال ۱۳۶۷ در ایران انجام گرفته، «جنایت علیه بشریت» محسوب می‌شود. کسانی که در این جنایت علیه بشریت دست داشتند به بالاترین مقامات در ایران رسیدند، از

جمله ابراهیم رئیسی به ریاست جمهوری رژیم رسید. شورای امنیت ملل متحد باید پرونده این جنایت را به دیوان عالی بین المللی ارائه دهد.<sup>۲۵۷</sup>

او در کنفرانس نیویورک گفت: کشتار سال ۱۳۶۷ جنایت علیه بشریت بود. بازداشت، ناپدید شدن، شکنجه و کشتار تعداد زیادی از غیرنظامیان ایرانی در سال ۱۳۶۷، امروز به عنوان یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه مردم غیرنظامی قابل توصیف است. جنایاتی که در سال ۱۳۶۷ علیه ایرانیان انجام شد و امروز به جنایات قتل علیه بشریت تبدیل شده است. شکنجه، حبس یا محرومیت شدید از آزادی، آزار و اذیت به دلایل سیاسی و مذهبی، ناپدید شدن اجباری و اعمال غیرانسانی دیگر، مصونیت از مجازات پیرامون این جنایات تنها عاملان را جریرتر کرده است. با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی، واضح است که در داخل ایران، عدالت برای قربانیان وجود نخواهد داشت و فقط خشونت ادامه دارد.<sup>۲۵۸</sup>

## طاهر بومدرا

طاهر بومدرا (Tahar Boumedra) رئیس سابق دفتر حقوق بشر یونامی و نماینده حقوق بشر در عراق در کنفرانس نقض حقوق بشر ژنو از جمله گفت: فتوای خمینی در واقع یک حکم اعدام برای همه اپوزیسیون و بطور خاص برای مجاهدین بود. هدف این بود که چیزی از اپوزیسیون باقی نماند و این یک نسل کشی بود. اعدام های فرا قضایی بود که معمولاً حقوقدانان آنرا تحت عنوان جنایت علیه بشریت می نامند.

۲۵۷ - ملانی اوبراین، «قتل عام ۶۷؛ «نسل کشی» و «جنایت علیه بشریت»، سخنرانی شخصیت های سیاسی و حقوقی، وکلا و کارشناسان ویژه ملل متحد و قانونگذاران از کشورهای مختلف جهان در پاریس، ۱۳/۰۴/۱۴۰۲. <https://tinyurl.com/3p67db27>

۲۵۸ - ملانی اوبراین، کنفرانس در نیویورک، ضرورت حسابرسی از سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت در قتل عام ۶۷، ۳۰/۰۷/۱۴۰۲.

همانگونه که آقای جفری رابرتسون و حقوقدانان دیگر استدلال می کنند، بدلیل فتوای خمینی بر علیه مجاهدینی که بر سر موضع خود بودند، بدلیل ایدئولوژی بود که آنها را مستحق اعدام می دانست، بنابراین، این کشتارها مصداق نسل کشی است. بومدرا افزود تمایز بین جنایت علیه بشریت و نسل کشی شدت جنایت است. رئیسی، بر اساس موازین حقوق بشری، بعنوان یکی از اصلی ترین عاملان قتل عام ۶۷ باید تحت پیگرد قرار گیرد. ۲۵۹

بومدرا در کنفرانس ژنو گفت: قتل عام ۱۳۶۷ و کشتار تظاهرات آبان ۱۳۹۸ جنایاتی هستند که مشمول مرور زمان نخواهد شد و عدالت درباره قربانیان آن اجرا خواهد شد. کلماتی که امروز در سخنرانیها استفاده شد نظیر جنایات علیه بشریت و نسل کشی، بدون شک تشکیل یک کمیسیون تحقیق را که از فوریت هم برخوردار است ایجاب می کند. ما می دانیم که حاکمیت در ایران بیهوده تلاش می کند که مدارک این جنایت و کشتار و شکنجه ها و گورهای دستجمعی و اعدامهای دستجمعی را مخفی کند. اما ابعاد جنایت آنچنان وسیع است که نمی توان همه چیز را مخفی کرد.

بومدرا با اشاره به نامه های گزارشگران سازمان ملل به رژیم آخوندها در مورد تحقیق درباره قتل عام ۱۳۶۷ و گزارش اخیر جاوید رحمان و تاکید وی بر لزوم برداشته شدن معافیت از مجازات سران رژیم در ایران گفت: قتل عام ۱۳۶۷ یک جنایت بین المللی از پیش طراحی شده بود، به محض اینکه خمینی قدرت را در ۱۳۵۷ به دست گرفت و مشغول آماده کرده قانون اساسی رژیم شد، مقدمات را برای ریشه کن کردن و نابودی همه مخالفان فراهم کرد و در ادامه همین کار موضوع فتوای مشهورش یا همان حکم شرعی برای نابودی همه مخالفان و به ویژه اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را صادر کرد و این جنایتی بود برای اعدام گسترده و قتل عام زندانیان سیاسی که حاضر به دست

۲۵۹ - طاهر بومدرا، کنفرانس درباره نقض حقوق بشر و موج اعدامها در ایران، هم زمان با اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل در مقر اروپایی ملل متحد در ژنو، ۱۷ مهر ۱۴۰۳

كشيدن از عقايد خود نبودند. به همين خاطر، اين يك اعدام فرا قضايى بود، كه آن را به عنوان جنايت عليه بشريت توصيف مى كنند. به نظر من هم جنايت عليه بشريت و هم نسل كشي، موضوع صلاحيت دادگاه كيفرى بين المللى است. بنابراين رئيسى و همدستانش، كه قتل عام سال ۱۳۶۷ را مرتكب شدند. امروز به دليل جنايت عليه بشريت و به عنوان يكي از عاملان اصلى تحت تعقيب تعدادى از مراجع قضايى است كه صلاحيت جهاني را بخاطر جنايات سنگين در حقوق بين الملل را اعمال مى كنند. سازمان ملل متحد پس از سالها سكوت درباره آنچه درباره زندانيان سياسى در ايران رخ داده، كميته دادخواهى مدارك متقن را به دست آورده كه بعد از تحقيقات انجام شده، هفتاد (۷۰) اسم از عوامل رژيم را پيدا کرده كه فرمان خميني را اجرا کرده اند. ۲۶۰

## چيله ابواسوجى

پروفسور شيل بيو-ابواسوجى (Chile Eboe-Osuj) رئيس دادگاه جنايى بين المللى لاهه (۲۰۲۱) بر روى موضوع قتل عام سال ۱۳۶۷ در ايران مى گويد: اين قتل عام مشمول جنايت ناپديد سازى اجبارى است، جنايت ناپديد سازى اجبارى يك جنايت سابقه دار است كه هنوز هم ادامه دارد.

فكر مى كنم تابلويى با اسامى ۱۵۲ شخصيت برجسته از سراسر جهان وجود دارد كه همگى خواستار تحقيق رسمى سازمان ملل در مورد كشتار ۱۳۶۷ شده اند. البته من برجسته نيستم، اما اميدوارم بتوانيد نام مرا به صداهاىي كه به سازمان ملل فراخوان مى دهند، اضافه كنيد.

آن فراخوان در واقع بر مبنای قولی است كه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به جهان داده است. قول مسئوليت محافظت از حقوق و حيثيت مردم و معنى اين مسئوليت اين است كه هر كشورى يك الزام اوليه دارد كه به حقوق و شرافت مردم در داخل مرزهاى

خود احترام بگذارد و هم چنین محافظت از آنها در برابر نقض جدی قوانین بین‌المللی. زیرا زمانی که آنها در انجام این کار شکست می‌خورند، جامعه بین‌المللی در این مورد حرفی برای گفتن دارد و یک عنصر حیاتی این مسئولیت برای حفاظت از دکترین یا تعهد، عنصر پاسخگویی است. به همین دلیل است که من قویاً به فراخوان برای یک تحقیق صحیح و رسمی در مورد موضوع قتل عام سال ۱۳۶۷ می‌پیوندم.

من می‌دانم که در سال ۲۰۱۸ توطئه‌ی برای بمب‌گذاری در یک گردهمایی که در محلی نزدیک پاریس برگزار شده بود، وجود داشت، اما خنثی شد. پیام آن این است که ما باید پیامدهای این نوع رفتار را به دقت در نظر بگیریم. مردم فکر می‌کنند دولت‌ها از خود راضی می‌شوند که فکر می‌کنند از اعضای «اساسنامه رم» یا دادگاه بین‌المللی کیفری نیستند. بنا بر این دیوان کیفری بین‌المللی دستش به ما نمی‌رسد. من فکر می‌کنم که دولت روسیه امروز این را نخواهد گفت. دولت میانمار این را نخواهد گفت. چرا از این دو دولت یاد می‌کنم؟ دیوان کیفری بین‌المللی درباره آنچه در میانمار رخ داده، مدعی داشتن صلاحیت است. زیرا روهینگیاها در میانمار تحت آزار و اذیت قرار گرفتند. آنها از مرز میانمار به بنگلادش رفتند، بنگلادش یکی از کشورهای عضو اساسنامه رم است و این به دادگاه بین‌المللی کیفری صلاحیت داد. در رابطه با اوکراین، اوکراین اعلام کرد که صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری را پذیرفته است. به همین دلیل آنچه در اوکراین اتفاق افتاد مستقیماً به حوزه قضایی دیوان بین‌المللی کیفری که ما از آن صحبت می‌کنیم منتقل شد، نه برای فردا که روسیه یا به عضویت اساسنامه رم در بیاید یا نه و یا میانمار که ممکن است عضو اساسنامه رم بشود یا نشود. ما امروز در مورد صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر دولتهایی صحبت می‌کنیم که دولتهای عضو اساسنامه رم نیستند. ما در حال حاضر در مورد این موضوع صحبت می‌کنیم که مهم است که تأکید کنیم و در این زمینه دوباره نظر جورج شوئنبرگ را مورد بازبینی قرار می‌دهیم که وقتی این صلاحیت ادعا می‌شود، ماده ۲۷ اساسنامه رم می‌گوید هیچ کس، حتی سران کشورها، از مصونیت در

برابر حوزه قضایه ICC (دیوان بین المللی کیفری) برخوردار نیستند. از جنبه قضایی من فکر می‌کنم مهم است که روی آن تأکید کنم.

## گرگوری استانتون

گرگوری استانتون (Gregory Stanton)، بنیان‌گذار و دبیر کل سازمان «دید بان نسل کشی» و طبقه‌بندی کشتار جمعی در ایران به عنوان «جنایت علیه بشریت» قبل از سال ۲۰۱۰ و چهره کلیدی در طبقه‌بندی جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی ایران است، او به ویژه سخنان احمدی‌نژاد را مصداق خشونت جمعی دانسته است.

استانتون می‌نویسد: نسل‌کشی یک روند است که در ده مرحله شکل می‌گیرد و قابل پیش‌بینی و البته قابل تغییر است. در هر مرحله، با تدابیر و اقدامات پیشگیرانه از وقوع نسل‌کشی می‌توان جلوگیری کرد. روند نسل‌کشی یک روند خطی نیست و مراحل آن ممکن است همزمان اتفاق بیفتند. از لحاظ منطقی هر مرحله نسل‌کشی به ترتیب اتفاق می‌افتد اما همه مراحل در تمام روند ادامه یافته و عمل می‌کند. این مراحل شامل طبقه‌بندی، نمادسازی، تبعیض، انسانیت‌زدایی، سازمان‌دهی، آماده‌سازی، قطعی‌سازی، آزار و اذیت، نابودسازی و انکار است.

جالب است بدانیم، استانتون در طبقه‌بندی‌های جامعه در امر نسل‌کشی چه دقیق نظریه‌ها بر رسی کرده و نظریه مهمی را اینگونه یاد آور می‌شود: در تمامی فرهنگ‌ها طبقه‌بندی‌های قومی، نژادی، دینی یا ملی وجود دارد که مردم را به دو گروه «ما» و «آن‌ها» تقسیم می‌کنند. مانند آلمانی و یهودی، هوتو و توتسی. در جوامع دو قطبی مانند رواندا و بروندي که فاقد طبقه‌های مختلط هستند، احتمال بیشتری برای وقوع نسل‌کشی وجود دارد. یکی از طبقه‌بندی‌های مهم در سیستم دولت-ملت‌های کنونی، موضوع شهروندی در یک ملت است. عدم اعطا و یا انکار تابعیت یک گروه ملی یک راه قانونی برای انکار از حقوق مدنی و بشری آن‌هاست. اولین قدم به سوی نسل‌کشی یهودیان و رومی‌ها در آلمان نازی، ایجاد قوانینی بود که آن‌ها را از حق تابعیت در آلمان محروم می‌کرد. قانون تابعیت سال ۱۹۸۲ در کشور میانمار مردم روهینگیا را از حق داشتن تابعیت محروم کرد. در هندوستان، قانون تابعیت راه مسلمانان را برای گرفتن تابعیت مسدود می‌کند. بعد از قرن‌ها نسل‌کشی و کشتار، به بومیان امریکا نیز تا سال ۱۹۲۴ میلادی تابعیت داده نمی‌شد.

قدم اصلی برای پیشگیری در این مرحله ابتدایی، ایجاد نهادهای همه‌شمول و فراتر از تقسیمات قومی و نژادی هستند که به طور فعالانه به مدارا، رواداری و درک متقابل می‌پردازند. این نهادها طبقه‌بندی‌هایی را تبلیغ می‌کنند که ورای این تقسیمات هستند. در رواندا کلیسای کاتولیک می‌توانست چنین نقشی را ایفا نماید؛ اما کلیسا نیز توسط همان شکاف‌های قومی جامعه رواندا دچار تفرقه شده بود. ترویج یک زبان مشترک در کشورهای چون تانزانیا موجب ترویج هویت ملی بهتری شده است. قوانینی که راه را برای اعطای تابعیت به مهاجران و پناهنجویان هموار می‌کند، موانع برای برخورداری از حقوق مدنی را از بین می‌برد. پیدا کردن زمینه‌های مشترک در جلوگیری زود هنگام از نسل‌کشی یک امر حیاتی است.<sup>۲۶۱</sup>

## دومینیک آتیاس

دومینیک آتیاس (Dominique Attias)، وکیل فرانسوی که در زمینه حقوق اشخاص، حقوق کودکان و خشونت علیه زنان تخصص دارد، چهره‌ای شاخص در حفظ حقوق کودکان در فرانسه و در عرصه بین‌المللی و معاونت «شورای کانون و کلا» فرانسه را عهده دار است. او رئیس بزرگترین فدراسیون کانون و کلاهای اروپا با بیش از ۸۰۰ هزار عضو است که قتل عام ۶۷ را «نسل‌کشی» نامید، او در کنفرانسی با شرکت بیش از ۱۰۰۰ زندانی سیاسی آزاد شده ایران شرکت کرد و خواهان توقف بی‌عملی اروپائیان شد. او خطاب به زندانیان گفت: «شما ستاره تابان در ایام تاریکی هستید. امروز روز مهم و دردناکی است. این نوری که از سوی زنان ایران خواهد تابید. به یمن تلاش‌های شما و زنان ایرانی به یمن مردانی که در کنارشان هستند همه این زنان شهید انتقام‌شان گرفته خواهد شد. چون جلاخان در پی مرگ بودند مادران را کشتند. خواهران و حتی نوجوانان را کشتند. او در ادامه می‌گوید: «بله این یک نسل‌کشی بود و **«جنایت بر علیه بشریت»** است. باید این بی‌عملی اروپا متوقف شود. امروز یک جلاخان باستانی خون‌آلود رئیس‌جمهور شده ما هرگز نخواهیم پذیرفت. اگر چشمان‌مان را ببندیم کشور ما هم این‌طور خواهد بود. من همیشه در کنار شما خواهم بود همه و کلا»

در کنارتان خواهد بود. ما تا به آخر در کنارتان خواهیم بود، باید این جنایت مانند جنایت سربرینیتسا پیگیری شود. ۲۲۲

## اروین کاتلر

اروین کاتلر (Irwin Cotler) وکیل، سیاستمدار و فعال حقوق بشر و وزیر دادگستری و دادستان کل کانادا بود. سردبیر مجله «حقوق مک گیل» و مشاور ویژه وزیر امور خارجه در دیوان کیفری بین المللی و عضو افتخاری بنیاد بین المللی رائل والنبرگ می باشد. کاتلر در سال ۲۰۰۹ بر علیه محمود احمدی نژاد به دلیل «تحریک به نسل کشی» اقدام حقوقی مهمی انجام داد و خواستار تعقیب بین المللی مقامات ایرانی و پیگیری شکایت بین المللی علیه مسئولان ایرانی به جرم تحریک به نسل کشی شد، به دلیل همین اقدام حقوقی، وی تهدید به قتل شد.

روزنامه «گلوب اند میل» کانادا ۲۸ آبان ۱۴۰۳ گزارش داد دولت کانادا توطئه رژیم جمهوری اسلامی ایران برای ترور اروین کاتلر بخاطر فعالیتهای حقوق بشریش را خنثی کرده است. این گزارش افزود که کاتلر در اواخر اکتبر ۲۰۲۴ اطلاع یافت که با تهدید قریب الوقوع ترور از سوی عوامل رژیم جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد. ۲۳۳

۲۶۲ - کنفرانس بین المللی با حضور بیش از ۱۰۰۰ زندانی از بند رسته - سخنرانی شاکیان و شاهدان و بستگان شهیدان. <https://tinyurl.com/ys5dzydk>

۲۶۳ - ربرت فیف، «ایران ظاهراً قصد داشته اروین کاتلر، فعال برجسته حقوق بشر را ترور کند»، سایت <https://tinyurl.com/ytd979dv> : گلوب اند میل، ۱۸ نوامبر ۲۰۲۴

## اریک داوید

پروفسور اریک داوید (Eric David) رئیس کمیسیون مشورتی حقوق انسان‌دوستانه بین‌المللی در صلیب سرخ بلژیک، و عضو کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب بشر دوستانه وابسته به سازمان ملل از جمله دو کتاب معروف دارد به نامهای «مزدوران و داوطلبان در حقوق عمومی بین‌المللی» و «اصول قانون در گریه‌های مسلحانه». او برای کتاب «مزدوران و داوطلبان در حقوق عمومی بین‌المللی» در سال ۱۹۷۷ جایزه «هانری رولن» را دریافت کرد و برای کتاب «اصول قانون در گریه‌های مسلحانه» جایزه صلح سال ۱۹۹۳ بنیاد آشویتس و مرکز صلح آنتورپ و جایزه پل رویتر در سال ۱۹۹۴ که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اهدا می‌شود را دریافت کرد. کتاب مهم دیگر او کتابی است دربارهٔ محاکمهٔ سران نازی در دادگاه نورنبرگ.<sup>۲۶۴</sup>

اریک داوید وکیل و از مدافعان سرسخت حقوق بشر در ایران و جنبش دادخواهی قتل عام ۶۷ بود. او در نظریه‌های حقوقی خود اثبات کرده که قتل عام ۶۷ مصداق بارز «جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی» است. به زیر نویس نگاه کنید<sup>۲۶۵</sup>:

اریک داوید در سخنرانی خود در تظاهرات ایرانیان در مرکز بروکسل و در مقابل اتحادیه اروپا، جنایات صورت گرفته توسط رژیم از جمله کشتار ۱۵۰۰ نفر در جریان قیام آبان ۱۳۹۸ را با استدلال‌های حقوقی، جنایت علیه بشریت نامید و گفت: «من می‌خواهم به‌عنوان یک حقوقدان صحبت کنم. و به‌عنوان حقوقدان می‌توانم بگویم، نامگذاری واقعیاتی که در ایران اتفاق می‌افتد به‌عنوان **جنایت علیه بشریت**، به هیچ‌وجه یک نامگذاری غیرواقعی و ناروا نیست، و دقیقاً مطابق با تعریفی است که ما در اساسنامه

۲۶۴ - به نمونه تالیفات او در این سایت نگاه کنید: <https://tinyurl.com/y2em9485>

۲۶۵ - (مستندات کشتار ۱۳۶۷): <https://www.centrerapo.com/Files-Gen/34.docx>

دادگاه کیفری بین المللی در ماده ۷ اساسنامه می یابیم، یعنی این که معیارهای مادی را کاملاً برآورده می کند.»<sup>۲۶۶</sup>

او در مجامع بین المللی و در کنفرانس هایش در نقاط مختلف جهان در دفاع از حقوق بشر در ایران سنگ تمام می گذاشت، بطوری که هیچ کس در هیچ کجا در علم حقوق، یاری انکار و مقابله با نظریات حقوقی که او در این زمینه ارائه می کرد را نداشت.<sup>۲۶۷</sup> از این رو رژیم جنایتکار اسلامی که از اریک داوید کینه ای عمیق داشت و با وزارت خارجه و اطلاعاتش، او را که یکی از برجسته ترین حقوقدانان معاصر بود در لیست تروریستی و تحریم های خود قرار داد. پس از این لیست گذاری، اریک داوید به روزنامه لالیبر بلژیک (۱۴ دسامبر ۲۰۲۲) گفت: «به شدت (به خاطر این لیست گذاری) به خودم می بالم».

سخنان اریک داوید در کنفرانس دیگری در بلژیک در ۲۲ آبان ۱۳۸۸ در رابطه با تشکیل یک ارگان قضایی بین المللی برای بررسی جنایت رژیم، این بود که باید قطعاً ایده بررسی جنایات رژیم را تشویق کرد و البته نباید فراموش کرد که خود ماهیت جنایت، صلاحیت های بین المللی را مورد تأیید قرار می داد.

می توان حتی فراتر از این، صحبت از یک نسل کشی کرد، چرا که قربانیان به دلیل تعلقشان به جریانی از اسلام کشته شدند که حکومت آخوندها آن را نفی می کند. پس این افراد به دلایل مذهبی و تعلق مذهبی شان قتل عام شدند این کاملاً منطبق است با ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ در رابطه با نسل کشی. بنابراین بدون هیچ تردیدی می توان گفت که این وقایع شامل نسل کشی می شوند. گرچه از واژه نسل کشی بعضاً استفاده های غیردقیقی

۲۶۶ - اریک دیوید، همان کنفرانس بین المللی : <https://tinyurl.com/3ca5x7hv>

۲۶۷ - همان نمونه تالیفات اریک داوید : <https://tinyurl.com/y2em9485>

می شود، ولی در این مورد مشخص، قتل عام‌های سال ۱۳۶۷ به لحاظ قضایی شامل تعریف نسل کشی می‌شود.<sup>۲۶۸</sup>

او در سخنرانی خود در کنفرانس پارلمان اروپا در روز ۲۳ اسفند ۱۳۹۳ گفت: «همان‌طور که می‌دانید، مجاهدین از سال ۱۳۵۸ (۱۹۸۰) قربانی نقض فاحش حقوق هستند. برای یادآوری، در سالی که گذشت، در قتل عامی که در اشرف در اول سپتامبر ۲۰۱۳ رخ داد ۵۲ نفر در کمال خونسردی به قتل رسیدند و این بدون در نظر گرفتن حملات مستمری است که علیه کمپ لیبرتی صورت می‌گیرد. این حملاتی که در سپتامبر ۲۰۱۳ صورت گرفتند، جنایت علیه بشریت بودند. این وضعیت که بدون حسابرسی باقی مانده است باید متوقف شود. به همین خاطر است که اروپا باید نقش خود را ایفا کند. بنابراین این تنها من نیستم، بلکه اعضای پارلمان که اینجا هستند باید از اروپا بخواهند در سطح سازمان ملل اقدام کنند. از دادگاه بین‌المللی جنایی بخواهند که شورای امنیت قتل عام‌های فجیع در اشرف را به دادگاه بین‌المللی جنایی ارجاع دهد. من می‌دانم عراق جزء کشورهای عضو این دادگاه نیست، ولی شورای امنیت وظیفه دارد که دادگاه را طبق ماده ۲ اساسنامه‌اش موظف کند به این موضوع بپردازد و نقطه پایانی بر این عدم حسابرسی در عراق بگذارد. این آرزویی است که من دارم.»

روزنامه‌ی لوسواریک بلژیک طی گزارشی درباره‌ی درگذشت اریک داوید، می‌نویسد: «اریک داوید شخصیتی استثنایی بود و دوران حرفه‌ی عظیمی را در حقوق بین‌الملل پشت سر گذاشت. زمانی که احساس ضرورت می‌کرد، هرگز از ورود به آن امر دریغ نمی‌کرد. جای صدایش خالی خواهد بود.»<sup>۲۶۹</sup>

پیر گالان، (رئیس سازمان جهانی علیه شکنجه در اروپا)، می‌گوید: «برای من، اریک داوید مظهر حقوق بین‌الملل بود. قانونی که او به شکل‌گیری آن کمک کرد.» پیر گالان

۲۶۸ - اریک دیوید، همان کنفرانس بین‌المللی : <https://tinyurl.com/3ca5x7hv>

۲۶۹ - روزنامه‌ی لوسواریک، ۳۱ اوت ۲۰۲۳ (۹ شهریور ۱۴۰۲)

گفت: «او یک انسان گرا بود. کسی که همواره مرا با توانمندی‌اش در گفتن خوبی‌های دیگران، شوکه می‌کرد». او در صحنه نیز حضور بسیار فعالی داشت، مانند زمانی که ما به رواندا رفتیم تا گزارشی درباره تأمین مالی نسل‌کشی تهیه کنیم. او هم‌چنین در چندین هدف از جمله برای مجاهدین خلق ایران یا فلسطین نقش مهمی داشت. لوسوار زیر عنوان «یک دوران حرفه‌یی بسیار غنی» می‌افزاید: «خلاصه کردن دوران حرفه‌یی اریک داوید ساده نیست. ۳۱ صفحه معرفی‌نامه رسمی او به خوبی گواه این موضوع است.»

اریک داوید در مورد جنایات علیه بشریت در کتاب خود می‌گوید: دو دسته آخر جرایم شامل «کشتار دسته جمعی» یا ژنوسید و «جنایت علیه بشریت» است که صراحتاً ذکر شده است. برعکس جنایات جنگی در حقوق بین‌الملل عمومی معاصر کشتار دسته جمعی و جنایات علیه بشریت با وقوع مناقشه مسلحانه مربوط نشده است، چه این مناقشات بین‌المللی باشد یا نباشد با این همه، ماده ۵ اساسنامه این همه دور نمی‌رود و دایره اعمال جنایت‌های ضدبشری را به اعمالی که در جریان یک مناقشه مسلحانه روی داده است، محدود می‌سازد، لیکن تصریح می‌کند که این مناقشه ممکن است جنبه بین‌المللی یا داخلی داشته باشد. نگاه کنید به استنادات اریک داوید ۲۷۰:

## دادگاه بین‌المللی مردمی آبان

دادگاه بین‌المللی مردمی آبان یک دیوان مردمی، یا نهادی است که به ابتکار سه سازمان فعال در زمینه حقوق بشر «عدالت برای ایران»، «حقوق بشر ایران» و «سازمان بین‌المللی با

---

۲۷۰ - اریک داوید، «دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق»، مترجم: دکتر مصطفی رحیمی،

هم‌علیه اعدام» برای گامی در مسیر بررسی آنچه در جریان کشتار و سرکوب معترضان در آبان سال ۱۳۹۸ توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران رخ داد بوجد آمد.<sup>۲۷۱</sup> در پایان پنج دور برگزاری جلسات، این دادگاه در نتیجه‌گیری این جلسات دادگاه، کشتار و جنایات رژیم را اینگونه ارزیابی می‌کند و می‌نویسد: «دادستانی مدعی است که برخورد دولت ایران با اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ «**جنایت علیه بشریت**» بوده است. مطابق ماده ۲-۶ اساسنامه دادگاه آبان عملی که «به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک به جمعیتی غیرنظامی و با آگاهی از حمله» ارتکاب یافته جنایت علیه بشریت تلقی می‌شود.»<sup>۲۷۲</sup> دادستانی دادگاه آبان مدعی است که دولت ایران و نیروهای امنیتی آن به شیوه‌های گوناگون از جمله با آزار و اذیت آنان، کشتار غیرقانونی، شکنجه و سایر بدرفتارها، ناپدیدسازی قهری و خشونت جنسی حقوق معترضان را نقض کرده‌اند. به عقیده دادستانی، دولت ایران و مقامات دولتی و امنیتی مختلف از جمله علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در مقام دولت و فرد دارای مسئولیت کیفری در قبال جرائمی هستند که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند. برای آگاهی بیشتر از این دادگاه به زیرنویس نگاه کنید<sup>۲۷۳</sup>:

---

۲۷۱ - دادگاه بین‌المللی مردمی آبان از ۱۹ الی ۲۳ آبان ۱۴۰۰، طی ۵ جلسه به بررسی ابعاد این اعتراضات پرداخت و همچنین شهادت برخی از بازماندگان، بستگان کشته‌شده‌ها و شاهدان حاضر در اعتراضات آبان شنیده شد

۲۷۲ - حکم نهایی دادگاه بین‌المللی آبان، ۲۰۲۲ (۱۴۰۱): <https://abantribunal.com/fa>

۲۷۳ - اعتراض بیش از ۴۶۰ قاضی برجسته بین‌المللی: <https://tinyurl.com/3at9bamx>

## فراخوان ۳۰۰ کارشناس بین‌المللی

در ۲۵ ماه مه ۲۰۲۵، ائتلافی متشکل از بیش از ۳۰۰ کارشناس سازمان ملل متحد، برندگان جایزه نوبل، سفرای پیشین، قضات، متخصصان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، و نهادهای مردمی، با امضای بیانیه‌ای فوری از سازمان ملل خواستند تا برای توقف اعدام قریب‌الوقوع زندانیان سیاسی در ایران وارد عمل شود. این بیانیه، کارزار فزاینده جمهوری اسلامی در زمینه اعدام‌های با انگیزه سیاسی را به‌شدت محکوم کرده است. متن کامل بیانیه و امضاکنندگان آن را در پاورقی ملاحظه کنید.<sup>۲۷۴</sup>

در پی این فراخوان پنج شخصیت حقوقی و سیاسی فرانسوی، دومینیک آتیاس (رئیس شورای اداری بنیاد وکلای اروپا)، پاتریک بودوان (حقوقدان و رئیس افتخاری جامعه دفاع از حقوق بشر فرانسه و فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشر)، ژان فرانسوا لوگاره (رئیس بنیاد مطالعات خاورمیانه)، ژان پییر مینار (نویسنده و حقوقدان)، ژیلبر میتران (فرزند رئیس جمهوری فقید فرانسه و رئیس بنیاد دانیل میتران-فرانس لیبرته<sup>۱</sup>) با انتشار متنی در روزنامه لیبراسیون، دولت فرانسه را به شکستن سکوت در قبال اعدام‌های رژیم جمهوری و جلوگیری از اعدام‌های زندانیان سیاسی عقیدتی در ایران فراخواندند. آنان نوشته‌اند: «سکوت ما همانند مناسبات دیپلماتیک ما با رژیم اعدام در ایران و بی‌اعتنایی نسبت به وضعیت فاجعه‌بار مردم این کشور حکم خیانت به اصول جمهوری فرانسه را دارد و در تضاد با تعهدات بین‌المللی این کشور در دفاع از حقوق بشر است» آنان از دولت فرانسه خواسته‌اند که مناسبات خود را با رژیم ایران به توقف اعدام‌ها در این کشور مشروط سازد.

امضاکنندگان متن، رسانه‌ها و حکومت‌های غربی را در سراسر جهان به مسئولیت و اقدام فوری برای جلوگیری از اعدام سه زندانی سیاسی عقیدتی فراخوانده‌اند. آنان گفته‌اند که «فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران از طریق اعدام‌ها می‌کوشد از وقوع خیزش آینده در این کشور جلوگیری کند.» همزمان با انتشار نامه شخصیت‌های سیاسی حقوقی فرانسوی در روزنامه لیبراسیون، سازمان حقوق بشر ایران خبر داد که چهارشنبه نهم اکتبر و در آستانه روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام، دوازده نفر در ایران

۲۷۴ - «فراخوان بیش از ۳۰۰ شخصیت جهانی برای مداخله سازمان ملل و توقف اعدام زندانیان سیاسی در

ایران»، سوم مه ۲۰۲۵:

اعدام شدند. به گزارش همین سازمان از آغاز سال جاری میلادی تا کنون ۵۳۱ نفر از جمله یک کودک و هجده زن توسط جمهوری اسلامی ایران اعدام شده‌اند.<sup>۲۷۵</sup>

## شاهدان

استروان استیونسون، نماینده سابق اسکاتلند در پارلمان اروپا و برخی خانواده‌های زندانیانی که توسط حکومت ایران اعدام شده‌اند، ضمن درخواستی رسمی از پلیس انگلستان خواسته بودند در صورت شرکت ابراهیم رئیسی در نشست تغییرات اقلیمی گلاسگو، وی را به اتهام «نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت» بازداشت کند.<sup>۲۷۶</sup>

آن چه که مستقیماً از سخنان شهود و قضات در دادگاه لاهه هلند و دادگاه استکهلم سوئد شنیده شد توسط مسئولین این دادگاه منتشر شده‌اند، شنیده‌هایی که اوج وحشی‌گری حکومت اسلامی در دهه شصت، تابستان سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸)، را نشان می‌دهد. چندین هزار زندانی سیاسی را که تنها جرمشان آزادی خواهی و عدالت‌جویی و مقاومت در برابر سرکوب‌های وحشیانه حکومت و دفاع از دستاوردهای انقلاب بود دسته‌دسته در زندان‌های سراسر ایران قتل عام کردند، و این در حالی بود که اکثر آنها حکم حبس خود را می‌گذراندند و برخی از آنها حتی بعد از سپری شدن دوران محکومیت خود هنوز در زندان منتظر آزادی خود بودند!

وحشی‌گری‌ها و آدم‌کشی‌های جمهوری اسلامی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن با سانسور، سرکوب مردان و زنان آزاد اندیش، حمله به کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، سیستان و بلوچستان، برپایی دادگاه‌های صحرائی چند دقیقه‌ای و

275 - « Trois nouveaux condamnés à mort en Iran : la France doit sortir du silence », site Liberation, 10/11/2024 :

<https://tinyurl.com/bdhrdr28>

اعدام های گروهیِ خلخالی به فرمان خمینی (بنیان گذار حکومت جهل و جنات و ترور) در همه شهرهای ایران، و ترور مخالفین در داخل و خارج کشور آغاز شد و تا امروز نیز ادامه دارد و کاهش پیدا نکرده است. کشتارهای جمهوری اسلامی فقط به سال ۶۷ محدود نبود، در تابستان ۶۷ وحشی گری سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، علیه مردم آزاده در سراسر ایران به اوج خود رسید.

نگاه کنیم بر آن چه که در جلسات و در گزارش های دادگاههای مربوط به قتل عامهایی که سال ۶۷ در ایران اتفاق افتاده است. دادگاه تریبونال ایران در «دیوان عالی لاهه» در سه روز و دادگاه عالی استکهلم در سوئد به مدت ۹ ماه، در ۹۲ جلسه، با ۳۴ شاکی و با بیش از ۲۶ شاهد بر گزار شد، از زبان شاهدان زنده، کلمات و گفته هایی را که مستقیماً در لابلائی سخنان جسورانه آنها به گوش می رسید و وکلا آنها را ثبت می کردند بسیار نگران کننده بود، کلمات و جملات موجزی که قلب انسان را تکان می داد و هر کلمه با خود رنجامه ای همراه داشت، واژه ها و جملاتی چون:

زندان، شکنجه، اعدام، دار زدن، تیرباران، تیر خلاص زدن، تجاوز به زندانی در زیر شکنجه، وادار کردن زندانی به همکاری با حکومت، تجاوز به زندانی، طلب هزینه تیراز خانواده های اعدام شدگان، تجاوز به دختران باکره زندانی قبل از اعدام، مادر را اعدام کردند، پدر را کشتند، عمویم را کشتند، همسرم را کشتند، دخترم را کشتند، پسر را کشتند، به ما ملاقات نمی دادند، خانواده ها را جلو زندان ها مورد ضرب و شتم قرار می دادند، خانواده ها را تهدید می کردند، آتش زدن خانه بهائیان در شیراز و دستگیری آنها، حتی به آن ها می گفتند که حق ندارید برای عزیزان خود که در زندان ها اعدام شده اند مراسم بگیرید، من گورکن این گورستان هستم و... در این گورستان تا چشم کار می کند اعدامیان به شکل گمنام دفن شده اند، جنازه هایی که شبانه آوردند تا من دفن کنم همه جوان بودند، خلخالی که اوایل شب وارد این شهر شد در نیمه های شب ۶۰ جنازه را به این جا آوردند تا من دفن شان کنم، مرا وادار کردند در میدان اعدام زندانیان سیاسی، انگشت خودم را روی ماشه تفنگ پاسداری که لوله آن را به سینه یک

زندانی نشانه رفته بود بود بچکانم، من ۵ سال زندانی بودم، من ۸ سال زندانی بودم، من ۹ ماه در تابوت های حاجی دادود رحمانی بودم، لاجوردی در اوین، قاضی مرتضوی، امامی، قاضی صلواتی، حاج آقا قاضی، اکبر خوش کوش در کمیته نازی آباد ... مرا سه روز سرپا نگه داشتند ...؛ مرا به تخت بستند و آن قدر کابل زیر پاهایم زدند تا بیهوش شدم؛ مرا به صورت قپانی آویزان کردند شانه هایم آسیب دیده و خوب نمی شوند؛ نصف شب ما را به اتاق هیئت مرگ حسینعلی نیری، اشراقی، مصطفی پورمحمدی، رئیسی و ... بردند؛ فتوای خمینی برای کشتار زندانیان سیاسی ...؛ لشکری و ناصرین در تهدید و شکنجه زندانیان نقش مهمی داشتند ...؛ ما در یک بند ۸۰ نفر بودیم که طرفیت آن خیلی کم تر بود ...؛ هم بندی های ما ۱۲۰ نفر بودند که در اعدام های سال ۶۷، فقط چند نفر باقی ماندیم و بقیه اعدام شدند؛ زندان تبریز، زندان سنندج، زندان ارومیه، زندان اردبیل، زندان عادل آباد شیراز، زندان مشهد، زندان اوین، زندان گوهردشت، زندان قزل حصار، کمیته مشترک، باغ شاه، زندان سپاه، زندان شهربانی، بند ۲۱۰، بند هشت؛ اعدام ها در حسینه زندانی صورت می گرفت؛ در پارکینگ زندان اعدام می کردند؛ زندانی را حتی در بهداری هم بازجویی می کردند و ...؛ در پارچه می پیچیدند؛ در گوشها آنقدر زنگ می زدند تا سرگیجه بیاورند؛ تن همه را به لرزه درمی آوردند و ...

آری، این کلمات که به قلب انسانها چنگ می زدند برای نشان دادن جنایات بی شمار جمهوری اسلامی ایران بر علیه بشریت بود و همگان را به مبارزه و پیکار بی امان در راه برقراری آزادی و برابری و عدالت و لغو هرگونه شکنجه روحی و جسمی و اعدام در ایران فرا می خواند. این دادگاهها گرچه قدرت اجرایی ندارد اما به گسترده ترین شکلی جنایات دهه شصت جمهوری اسلامی را از طریق رسانه ها به خانه های مردم ایران و حتی بخشی از مردم جهان برده و یک بار دیگر نشان دادند که مبارزه مردم ایران برای سرنگونی کلیت این حکومت، تا چه اندازه بر حق ایستاده و نیازمند حمایت افکار عمومی جهانی است. این دادگاهها نشان دادند که دولت های جهان، نسبت به کشتار زندانیان

سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی و نقض گسترده حقوق بشر و جنایت های گسترده علیه بشریت، بی تفاوت بوده اند. برای آگاهی بیشتر از این رنجها، به بیانات پیش از یکصد شاهد در این مجموعه در زیر نویس نگاه کنید. ۲۷۷

## حاصل سخن

در دوران باستان استبدادهای فراگیر فرعونیان، در دوران قرون میانه استبداد فراگیر جدید کلیسا و در قرون معاصر نیز استبدادهای، نازیسم، استالینیسم و فاشیسم، تصفیه های خونین و عبرت انگیزی را در تاریخ از خود باقی گذاشتند. فرعون برای بر انداختن نسل مرد ها، با فرمان کشتن نوزادان پسر، قوم موسی را مجبور می کرده که نوزادان پسر خود را بدست خودشان بکشند و با سازمانی که از راه ایجاد رعب و وحشت ایجاد کرده بود، اقوام زیر سلطه را در انقیاد خود در آورده و ادعای خدایی می کرد.

در جنگهای صلیبی اول، مسیحیان خداترس که گناهمانی مرتکب شده بودند مأمور ترور شدند و با ایجاد وحشت، فریب و آدم خواری و شرکت در جنگهای صلیبی به منظور آرمزیده شدن گناهان را راهی برای فرار از جاودانه شدن در جهنم تصور می کردند. اینکه چه اعمالی سبب بخشیده شدن گناهان می شود و کشته شدن لازم است، از بحثهای داغ در زمان جنگهای صلیبی بود. بر اساس سخنرانیهای پاپ اوربان دوم آرمزش فقط نصیب کسانی می شد که به قصد نابودی مسلمانان در جنگ برای بازپس گیری بیت المقدس کشته می شدند.<sup>۲۷۸</sup>

در کتاب «سرزمینهای خونین» دیوید اسنایدر (T.D. Snyder) می خوانیم: هیلتر و استالین، علی رغم اهداف متناقضشان هر دو مرتکب قتل عام در اروپای مرکزی و شرقی

---

278- Dana Carleton Munro, « The Speech of Pope Urban II at Clermont, 1095, » *The American Historical Review*, Vol. 11, No. 2 (Jan. , 1906), pp. 23-242 in JSTOR.

شدند، بطوری که میزان کشتار غیرنظامیان در آن مناطق بین سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۴۵ به حدود ۱۴ میلیون نفر رسید.<sup>۲۷۹</sup>

در آغاز قرن بیستم، در حالی که بقیه جهان در جنگ جهانی درگیر بود، عثمانیان علیه ارمنیان بزرگترین جنایت را مرتکب شده و آرامنه را قتل عام کردند، این نسل‌کشی، هر چند به اندازه هالوکاست شناخته نشد، اما بسیار دلخراش بود، مردان و زنان را بصورت قومی به دالان مرگ فرستاده می‌شدند، تمامی روستاها را با ساکنانشان به آتش می‌کشیدند، در این نسل‌کشی بیش از ۱/۵ میلیون ارمنی به دست نیروهای عثمانی کشته شدند. اگر تاریخ‌نگاران این جنایات و قتل‌عامها را ثبت نکرده بودند، و مألوف به توصیف و تشریح آن نمی‌شدند، این واقعه نیز طعمه فراموشی در تاریخ می‌شد، اما مورخان غرب ناگزیر شدند به وجود این سازمان‌های ترور اعتراف و اشکال بس و حشیانه و خشونت بار آنها را بازگو و معرفی کنند.

در روزگار ما، از جمله در ایران باز شاهد همان تصفیه‌های خونین، سازمان یافته و هدفمندی هستیم که خمینی فریبکارانه، سازمانی را با نظریه «ولایت مطلقه فقیه» یا «تئوری زور» برای خود بوجود آورد، تئوری قدرتی که از آغاز حاکمیت تا امروز، ساز و کار «تقسیم به دو» و «حذف یکی از دو» را رویه خود کرد. تمرکز قدرت در یک شخص، رهبری مطلقه که از راه خصومت آمیز کردن تضادها و نابرابریها، حذف‌های پی در پی را ممکن ساخت، و از آنجایی که ضابطه، مبتنی بر اطاعت مطلق است، دستیاران استبداد ولایت مطلقه فقیه نیز بیکار نمانده و عامل تشدید برخوردها در درون و بیرون حاکمیت می‌شدند.

بیان اعدام‌های جمع‌آوری شده در فصل پنجم همین نوشتار نشان می‌دهد از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۲ بیش از یکصد هزار نفر در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم ولایت فقیه

---

279 -William Spencer, *Islamic Fundamentalism in the Modern World*, Twenty-First Century Books, p. 89.

اعدام شده اند! بنا بر اسناد مهم بدست آمده که توسط سازمانهای زندانهای خود رژیم تهیه شده است، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۲،۰۰۰،۳۸۰ نفر ایرانی زندانی شده‌اند. این لیست، زندانیان سیاسی دهه شصت با ۳۰ هزار زندانی که در سال ۱۳۶۷ اعدام شده اند را در بر نمی‌گیرد. بر اساس «گزارش محرمانه و طبقه بندی شده» ای که در مرداد ۱۳۹۴ برای کابینه حسن روحانی تهیه شده، «سالانه حدود ۶۰۰،۰۰۰ نفر در ایران زندانی می‌شوند.»<sup>۲۸۰</sup>

در طول تاریخ اسلام و تاریخ شیعه در ایران، دستگاه روحانیت، شبکه های تار عنکبوتی خود را در روابط و در حاشیه قدرتهای حاکم حفظ نموده است، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ این شبکه ها باز سازی شدند و بردولت، بر بنیاد های دینی و غیر دینی چنگ انداختند. قدرت در خانواده خمینی نماند زیرا شبکه روابط شخصی در خانواده ضعیف بود، و گرنه چه بسا می توانست، چون سلسله صفویه، صدها سال، سلسله ای از «رهبران نظام» را تشکیل دهد. البته بر اساس منابع دقیق تاریخی تشابهات فراوانی بین سلسله صفویه در سالهای ۸۷۹ تا ۱۱۱۴ شمسی (۱۵۰۱ تا ۱۷۳۶ میلادی) و دستگاه ولایت مطلقه فقیه روح الله خمینی وجود دارند، انقلاب ۱۳۵۷ در ایران رخدادی بود که بدون برنامه ریزی مدون و از پیش آماده شده در تاریخ ایران اتفاق افتاد، از نظر عقاید مذهبی و مرامی نمونه هایی از نقش مذهب در این انقلاب را در پیوندهای نزدیکی که دین در مشروعیت بخشیدن به دولت وجود داشت را می توان به روشنی در دوران صفویه مشاهده نمود، نمونه مذهبی و رفتاری ولایت مطلقه فقیه خمینی با نام جمهوری اسلامی را به روشنی در سر سلسله حکومت صفویه در قرن نهم هجری که هدف آشکار آن حکومت «شیعه

---

۲۸۰ - حمید عنایت، ۱۲ میلیون زندانی، ۵۱۷۹ اعدام در ایران :

اثنی عشری» بعنوان دین رسمی ایرانیان بود را بخوبی می توان دید،<sup>۲۸۱</sup> سازمانهای در هم تنیده نظامی و نهادهای مذهبی و مناصب دولتی طوری طراحی شده بود که حاکمان و فرمانروایان دولتی تحت امر و تابع مستقیم مقامات روحانی و فقهای حکومتی قرار گرفته بودند.<sup>۲۸۲</sup>

آنچه رژیم جمهوری اسلامی سال ۱۳۵۷ را با حکومت صفویان در ایران در اندیشه فقهی حاکمیت بر جسته می سازد، مفهومی است که، بیش از آن که به ماهیت نظام سیاسی مربوط شود، به جزمیت مذهبی رهبری حاکم معطوف می شود، یعنی به شیوه انحصاری فرمانروا یا آمریت و فصل الخطاب بودن رهبری نظام مربوط می شود. این شیوه انحصاری در زمان خمینی در غالب «ولایت مطلقه فقیه» تبیین شد که به معنای آمریت «فقیه» یعنی رهبری خمینی تبدیل شد. اینگونه آمریت فقیهان شیعه را همانگونه که قبلاً اشاره شد، در قرون میانی می توان یافت که معروفترین آنها محقق کرکی در زمان صفویه ۳۱۸ تا ۸۳۹ شمسی (۹۴۰ تا ۱۴۶۱ میلادی) و یا محمد باقر مجلسی دوم در همان دوران ۴۸۹ تا ۱۰۷۷ شمسی (۱۱۱۱ تا ۱۶۹۹ میلادی) بودند، فقیهان قدرتمندی که در دولت صفویان، در دربار شاه طهماسب مسئولیت امور قضایی حکومت را بر عهده داشتند. آنچه خمینی را به عنوان یک فقیه دینی یگانه و منحصر به فرد می سازد، مدعای

---

۲۸۱ - بر مبنای مستندات ثبت شده در تاریخ، علیرغم این که در دوران صفویان، اغلب اقوام ایرانی و اکثر قبائلی که بر ایران حکومت میکردند، سنی مذهب بودند، اما حاکمان سلسله صفویه مذهب رسمی دولت را مذهب «شیعه اثنی عشری» اعلام و اجرا کردند.

282 - Jean Aubin, «*Etudes Safavides I, Sah Isma'il et les notables de l'Iraq person*», Journal of the Economic and Social History of the Orient, 1959, p. 180-186.

و نگاه کنید به تذکرت الملوک (راهنمای اداره صفوی)، ترجمه و توضیح مینورسکی، نشر کتابفروشی

زوار، لندن، لوزاک، ۱۹۴۳، صص ۴۱-۴۳

او بود که می گفت: «فقیه صرفاً یک مقام عالی رتبه در کنار سایر مقاماتی که ستون فقرات دولت را می سازند، نیست، بلکه ناظری عالی، قاضی و ولی حکومت است.»<sup>۲۸۳</sup> باز هم می توان امتداد این اندیشه و خیال را دورتر و به عقبتر برد، تا برسد به دوران ایران قبل از اسلام، یعنی می توان به دوران امپراتوری ساسانیان از ۲۲۴ تا ۶۳۷ میلادی برد، و دید که حکومت آنها نیز نمونه ای متناظر و مشابه با حکومتهای مبتنی بر ایدئولوژی و مذهب در عصر خود بوده اند، زیرا آنان نیز الگوی معینی از رابطه میان ملک و دین یا میان سلطه سیاسی و شریعت بر پایه نظریه سیاسی حاکم بر متون داشتند.<sup>۲۸۴</sup>

آنچه در این حاصل سخن مهم است، تاکید مجدد بر اثبات نسل کشی در ایران و ارتباط آن با تئوری ولایت مطلقه فقیه است. اتهام نسل کشی از طریق ولایت مطلقه، اتهام سخت و سنگینی است و باید با دقت مسئولیت و عواقب این مدعا را پذیرفته و مورد بررسی دقیق قرار داد. اثبات ادعای نسل کشی از سوی ولایت مطلقه، البته نیازمند تحقیقات گسترده تر، جمع آوری دقیق اطلاعات و بررسی های حقوقی دارد که باید از سوی دیوان بین المللی کیفری سازمان ملل به اثبات برسد. آنچه به این مطالعه مربوط می شود، همانا تجسم و روشن کردن «مؤلفه های نسل کشی» و ربط آنها با تئوری ولایت مطلقه فقیه است، از اینرو گزارشات رسمی سازمانهای بین المللی، همچون دیوان بین المللی کیفری یا سازمان عفو بین الملل و نظریه های قضات سرشناس جهانی در ارتباط با اعدامهای کلان رژیم در ایران سنجش و مورد بررسی قرار گرفته است. بنا بر تأیید این سازمانها، این جنایات هدفمند و سیستماتیک بوده اند، هدفمندند زیرا این اعدامها آگاهانه، عمدانه بوده و مصداق واقعی نسل کشی داشته که هدفش نابودی اعتقاد دینی افراد با نگرشی

۲۸۳ - ولایت فقیه، صص ۵۰ - ۵۱

۲۸۴. حمید عنایت، مفهوم نظریه ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی، ترجمه: سعید محبی، ص. ۱۶۹

دیگر به دین صورت گرفته و به روشنی بیانگر سر به نیست کردن هر تفکری بوده که بر خلاف تفکر فقهای ولایت بوده است.

توجه به کثرت و عمق این قتل عامها، از گزارشگران ویژه سازمان ملل گرفته تا سازمان حقوق بشر ایران، تا سازمان عفو بین الملل و نمایندگان اتحادیه اروپا و شهادت‌های رسمی شاهدان زنده قربانیان که در فصل پنجم همین مجموعه آمد نشان دهنده اقدامات نسل‌کشی در ایران را گواهی می‌کنند.

توجه به مؤلفه‌های نسل‌کشی در رابطه با مؤلفه‌های تئوریک ولایت مطلقه فقیه و انطباق و این همانی این مؤلفه‌ها بر یکدیگر بر اساس عناصر اصلی که کنوانسیون قطعنامه سازمان ملل، در تعریف نسل‌کشی به مؤلفه‌هایی چون: کشتن یا آسیب بدنی، وارد کردن صدمات روحی عامدانه به اعضای یک گروه، نقل و انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر با خشونت، و یا وارد کردن خسارات به شرایط زندگی اعضای گروه‌های انسانی به منظور نابودی فیزیکی بخش یا تمامیت گروه تاکید و شناخته است، را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد.

یکی از جنایات خطیر در حقوق بین الملل کیفری، جنایت نسل‌کشی (ژنوساید) می‌باشد. نسل‌کشی هم در رویه بین المللی و هم در معاهدات بین المللی و اساسنامه‌های دادگاه‌های بین المللی کیفری به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شده است. نسل‌کشی جنایتی است که با شیوه‌های مختلف (کشتن، آزار جسمی، انتقال اجبار و ...) به قصد از بین بردن، جزء یا کل یک گروه مذهبی، ملی، قومی یا نژادی صورت بگیرد.<sup>۲۸۵</sup> بنا بر این اعدام‌های سال ۱۳۶۷ با فتوی رسمی خمینی بطور ویژه و به روشنی بیانگر نسل‌کشی عقیدتی و مرامی بوده که هر کس بر سر عقیده خود ایستادگی کرده سریعاً اعدام شده

---

۲۸۵ - گیدنز آنتونی و بُرد سال کارن (Anthony Giddens et Brad Sall, Karen)، جامعه‌شناسی،

ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۹، ص. ۳۷۵

است، این اعدامها آگاهانه، عامدانه و «هدفمند» بوده و مصداق واقعی نسل کشی دارد که هدفش نابودی اعتقاد دینی افراد یک گروه بوده است.

فتوهای خون کشیدن از محکومان به اعدام، تجاوز به دختران قبل از اعدام و مباح بودن خون و جان و مال مجاهدین و مبارزین سیاسی که صورت گرفت، در واقع روند تئوریزه کردن ولایت مطلقه فقیه در ساختار اداری و پیوند آن با قانون اساسی بود که آرام آرام ولایت مطلقه فقیه استخوان بندی قانون اساسی رژیم شد و دیدیم که احکام حدود قضایی، در قانون مجازات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به ثبت رسید.

فراتر از این فتواها خمینی مدعی بود که: «هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک آمیز است و تردید نیست که امام(ع) فقها را برای حکومت تعیین فرموده است. بر عموم مسلمانان لازم است که از این فرمان امام(ع) اطاعت نمایند. علماء اسلام از طرف امام(ع) بمقام قضاوت منصوبند و این منصب همیشه برای آنها منوط می باشد.»<sup>۲۸۶</sup> «حکومت اسلامی تابع قانون اسلام است که از مردم و از نمایندگان آنها نشأت نمی گیرد، بلکه مستقیماً از خدا و اراده الهی می آید. قانون قرآنی، که همان قانون الهی است، پیامبر، خلفا و مردم باید به این قوانین ابدی خداوند که از طریق قرآن و پیامبر به بشر منتقل شده‌اند، اطاعت مطلق داشته باشند. در زمینه اراده الهی، هیچ فردی، حتی اگر پیامبر باشد، حق دخالت ندارد، فقط وظیفه اطاعت دارند.»<sup>۲۸۷</sup>

از این رو به نظر می رسد، راهی جز چالش و در افتادن فکری با فقه ولایت مطلقه و با نظام قضائی قدرت محور آن که زیر بنای همه مشکلات فقه حقوقی امروز نیز شده است وجود نداشته باشد. دو گانگی (دو آلیسم) فقه ولایت فقیه در احکام با حقوق ذاتی انسان، مثلاً در تقسیم انسانها به مسلمان و کافر و یا تقسیم کل زمین به دار الاسلام و دار الحرب

۲۸۶ - ولایت فقیه، ص ۱۷۲

۲۸۷ - یان ریچارد، *ایران مدرن. ریشه ها و نتایج انقلاب ایران*، انتشارات دانشگاه ییل، ۲۰۰۳، ص. ۲۴۰

یا تفاوت های حقوقی نا برابر در مورد مرد و زن و مسلمان و غیر مسلمان یا قبول احکام عبادی و کیفری همچون، حدود و قصاص، شهادت، جهاد و مانند اینها که فقه سنتی برای هر کدام تکلیفی و جرمی معین کرده است همه این قوانین فقهی بر محور قدرت ساخته شده که حاصل آن استحاله انسان حقوق مدار به انسان تکلیف مدار است و کشمکش های دائمی را بین دو نوع اندیشه و تفکر دامن زده است.

احکام فقه ساخته ولایت مطلقه فقیه، در قرآن وجود ندارند. اساساً فقهات پایه قرآنی ندارد. در قرآن، اصول و آیاتی وجود دارد که حقوق انسانها، بدون توجه به نژاد، ملیت، یا دینشان را به رسمیت می شناسد و زندگی و حریم شخصی آنها را محترم می داند. علاوه بر آن برای مبارزه با ظلم و استبداد و برقراری عدالت اجتماعی تأکید دارد. بعنوان نمونه در آیه ۳۲ سوره مائده، قرآن کشتن یک انسان را معادل کشتن تمام انسانها و حیات بخشیدن به یک انسان را معادل حیات بخشیدن به تمام انسانها می داند. ولایت مطلقه فقیه با قوانین «تحریر الوسیله» ای قرون وسطایی اش به بهانه های : مفسد، محارب، مرتد، منافق و ... هزاران هزار نفر انسان بیگناه را اعدام کرده است، اعدامهای ضد انسانی که با پیام عفو و رحمت قرآن در تعارض مطلقند. اصول راهنمای «حقوق ذاتی انسان» با دینامیسمی که قرآن بر آن بیان می کند، احکام ضد انسانی ولایت مطلقه فقیه را یقیناً مردود می داند.

نه با اسلام و نه با قرآن، دعوا و جنگی وجود ندارد، جای دفاع یا دشمنی با اسلام و قرآن هم ربطی به موضوع مطالعه ما ندارد، در اینجا حتی بحث احترام به عزت و کرامت انسانها هم نیست، دفاع یا دشمنی با کرامت انسانی نیز جا و محل بحث بایسته و لازم خود را دارد.

بحث ما در اینجا یک کلام بیشتر نیست، کلامی که در طول نیم قرن دو نسل ایران را بیهوده تباه و نابود کرده، حرث و نسل یک دوره تاریخی پر شکوه ایران را به جهنمی سیاه تبدیل نمود و من و ما را در دام فریبی انداخت که اگر چاره ای برای آن نیندیشیم، و اگر نخواهیم در انتظار شرایط بمراتب وحشناک تر این فریب بمانیم، لاجرم باید

«تئوری زور ولایت مطلقه» را به چالش بکشیم و مانع اعدام و جنایت و خونریزی بیشتر این رژیم بشویم. باید تلاش بر این باشد که با مجموعه اسناد و مدارک موجود و همه مستنداتی که در اختیار سازمان ملل، عفو بین الملل و دیگر نهاد های حقوقی و افکار عمومی جامعه جهانی است، بصورت قانونی و حقوقی در دادگاههای ذیصلاح بین المللی این بلیه مخرب تئوری زور ولایت مطلقه فقیه را به مصداق واقعی نسل کشی و جنایت بر علیه بشریت به اثبات برسد.

جای بسی امیدواری است که علیرغم جنایتها و شقاوتهای جمهوری اسلامی، نسل جوانی به میدان آمده که تمام قامت در برابر این استبداد مذهبی ایستاده و حقوق از دست رفته خود را مطالبه می کند. علیرغم این همه سرکوب و فشار، اما، صدها و هزاران الگو در میدان و در زندانها این چنین استوار ایستاده و می گویند: «گردنم افراشته و سرم بلند است که هم‌میهنانی اینچنین دارم. نوروز یادگار هم‌سرنوشتی کهن ما در این پهنه سرزمینی است، سرزمینی که تبعیض و ستم و فقدان منزلت انسانی جراحتهای عمیقی بر چهره‌اش به جا گذاشته، و وظیفه‌ی ماست که ایران‌مان را از مدخل همین جراحتهای به یاد بیاوریم. در این هشتمین بهار در اسارت، آرزویم این است که این پاره‌های عمرم، چیزی به التیام این زخم‌ها و نجات نهایی ملت ایران علاوه کند. اگر این عمر، سهم من است از دنیا، حاضرم آن‌را یک‌جا بدرقه راه تحقق اراده‌ی ملت کنم، بی‌هیچ ملال و شکایتی. اینکه جمهوری اسلامی بدل به غیراخلاقی‌ترین عنصر حیات روزمره ایرانیان شده و بقای او نافی بقای ما، فرزندان ما و سرزمین‌مان است. ما به غلط تصور می‌کردیم می‌توان پی‌جویی مستقیم فضیلت آزادی را وانهاد و یا به تعلیق درآمدنش را نادیده گرفت و به فضیلت دیگری پرداخت. غافل از اینکه قادر نیستیم کژتابی این انتخاب سیاسی و پیامدهای عیان آن علیه جان مردم را مهار کنیم. نباید از نزاع‌ها، عدم توافق‌ها و

جدال‌های ناگزیر نا امید شد ... آنچه در ید اختیار ماست، عزم ما برای آزادی و بازپس‌گیری ایران‌مان است.»<sup>۲۸۸</sup>

در میانه آنچه گذشت و می‌گذرد دلم بر حال وطنم و هموطنانم می‌سوزد، دلم بر حال فرهنگ با شکوه، فاخر و هستی‌گسترش می‌سوزد، دلم بر این آرامش و مهربانی هستی می‌سوزد ... اما با تمام وجودم ایمان قاطع دارم، اگرچه در خرابات جهان و در کشمکش روزگار، صوفیان و ایستادند و رخت تنها دل‌قشان شد، اما اراده پولادین مردم این میهن از چشمه‌گه خورشید آمده و به پردیس همیشه بهار نیک بختی نیز رسیده است، نه دیر که زود خویشتن را، و تنها با اتکا به توان شگفت‌انگیز و بی‌بدیل و بی‌همانند خود، ازین ورطه بلا نجات خواهند بخشید و پویایی ابدی خویش را به سوی خطه‌فرداها از سر خواهند گرفت، مروری بر تاریخ ملت بزرگ و بزرگ‌اندیش ما می‌نمایاند که در گذرگاه زیست‌شان، اگر گاه، ابلسانی ضحاک منش راه را برایشان بسته‌اند و یا دجلانی آدم‌خوار با جادو و جنبر، با دغل و فریب راه‌بند مسیر شدند، اما تغییر قطعی است، اراده ایستادگی بر پا و بشارت فردای روشنی را دارد.

شایسته است در همین جا سپاسگزاری فراوان خودم را نسبت به همسر و فرزندان عزیزم بجا آورم، زیرا آنان در پیشبرد این تحقیق و همه مطالعات دیگر، یاور و مشوق و مدد کار من بوده‌اند.

## کتابشناسی

### فارسی، عرب

- احمد آذری قمی، شیخ اعظم انصاری و مساله ولایت فقیه، کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳
- احمد خمینی، سیری در کشف الاسرار و حکومت اسلامی، انتشارات سعید، تهران.
- اسماعیل راثین، قتل عام ارمنیان در دوران سلاطین آل عثمان. تهران.
- اوهانجانیان آرتم، شواهد و مدارک انکارناپذیر (اسناد اطریشی پیرامون قتل عام ارمنیان در سال ۱۹۱۵). ترجمه ادیک باغداساریان. تهران.
- آرسالان آنتونیا، مرگ پرنده، مرگ انسان. ترجمه کاملیا رفعت نژاد و آرموش آراکلیان.
- آرلن مایکل. جی، کشتار ارمنیان در ترکیه. ترجمه جواد هاتفی.
- آکچام تانر، اقدام شرم آور. ترجمه بابک واحدی و محسن قائم مقامی.
- باربر نول، فرمانروایان شاخ زرین. ترجمه عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی.
- باغداساریان ادیک، نژادکشی ارمنیان. نگاهی به نژادکشی ارمنیان؛ و محاکمه طلعت پاشا، و دادگاه سوغومون تهلیریان. انتشارات لویس.
- بیتوو (Botiveau)، حقوق و حقوق اسلامی در جوامع عرب، تغییرات در سیستم های حقوقی خاورمیانه، پاریس، ۱۹۹۳
- پاور سامانتا، معضلی برخاسته از جهنم. ترجمه مارینا بنیاتیان. نشر چشمه.
- پرویز دستمالچی، نقدی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظام ولایت فقیه، آلمان، برلین، ۱۹۹۵
- تقی المجلسی، طحف العقول (مقاله در بحارالانوار ج ۱)
- توین بی آرنولد، کشتار یک ملت. ترجمه [محمد فاضل ملک‌نیا.
- جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، نگارش جعفر خوشنویس ترجمه داود الهامی، قم، ۱۳۷۰

- جلال الدین فارسی، فرهنگ واژه های انقلاب اسلامی ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا، تهران، ۱۳۷۶
- جوادی آملی، ولایت فقیه رهبری در اسلام، نشر رجاء، ۱۳۶۷
- جهانشاه ناصر، تاملی در معنای ولایت فقیه از نظرگاه اسلام، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲
- جهانگیر محمودی نژادبان، رژیم احزاب سیاسی یا دموکراسی مستقیم در نظام ولایت فقیه، قم، ۱۳۶۹
- حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه فارسی دراسات فی ولایت الفقیه ترجمه محمود صلواتی
- حوریه قرعه داغی، نسل کشی ایرانیان، (با این تیتراژ ۱۲ جلد منتشر شده است)، جلد اول، ۱۳۹۹ (۲۰۲۱)، نشر آوای بوف، نروژ.
- حوریه قره داغی، ترورهای برون مرزی سپاه پاسداران، نشر آوای بوف، نروژ ۱۳۹۹
- درآوانسیان، کتاب نسل کشی ارمنه و ۱۰۰ سال مطبوعات ایران. آونگ، ۱۳۹۴
- روح الله خمینی، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۴
- صارافیان آرا، کتاب گزارش طلعت پاشا درباره نسل کشی ارمنیان، ۱۹۱۷ م. ترجمه آریبار پطروسیان. کتاب سیامک.
- صالحی نجف آبادی، ولایت فقیه حکومت صالحان، نشر رسا، ۱۳۶۳
- طباطبایی، تفسیر المیزان، چهارم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴
- عبدالکریم بی آزار شیرازی، مقام رهبری در فقه اسلامی، بعثت، تهران ۱۳۶۹ (با استفاده از کتاب البیع امام خمینی)
- عزت مصلی نژاد، کتاب نسل کشی در عصر حاضر، (و تنی چند از فعالین حقوق بشریه زبان انگلیسی)
- فائز الحسین عرب و نعیم بیگ ترک، مجموعه خاطرات فائز الحسین عرب و نعیم بیگ ترک در مورد نژاد کشی ارمنیان. ترجم، دکتر آ. ساهاکیان.
- کارزو ژان ماری، ارمنستان ۱۹۱۵ قتل عام وحشیانه. ترجمه فریبرز برزگر. تهران: انتشارات جاویدان.
- کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ترجمه کاظم یزدی، قم.
- کوربین اچ، اسلام ایرانی. جنبه های معنوی و فلسفی، گالیمار، پاریس، ۱۹۷۲

- کوربین اچ، تاریخ فلسفه اسلامی، پاریس، چاپ سوم، گالیمار، پاریس، ۱۹۸۶
- کول (Cole, J.)، فقه امامیه و نقش علما: مرتضی انصاری در «تقلید از نمونه عالی» R. Keddie دین و سیاست در ایران. تشیع از ساکت گرابی تا انقلاب، نیوهون-لندن، ۱۹۸۳
- کونتسلر یاکوب، کتاب در سرزمین اشک و خون. ترجمه دکتر سعید فیروز آبادی. نائبری.
- لینا ملکمیان، نسل کشی ارمنه، نشر آئیش، تهران، ۱۳۹۴
- مجتبی آزادی، تاریخ قتل عام مسلمانان آذربایجان توسط جیلو ها، ناشر حسام الدین چلبی، ارومیه، ۱۳۸۹
- محسن مهاجر، اندیشه های سیاسی شیخ انصاری، کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳
- محمد باقر صدر، اندیشه های سیاسی صدرالدین قیابنچی ترجمه شریعتمدار.
- محمد تقی مصباح، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹
- محمد حسن فاضل گلپایگانی، شیخ انصاری و مساله ولایت فقیه، کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳
- محمد ملکی، شورا در اسلام، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹
- محمود حسنی طباطبایی بروجردی، نظام رهبری در اسلام، دارالنشر، قم، ۱۳۷۰
- محمی الدین حائری شیرازی، ولایت فقیه، ۱۳۶۰
- محمد جواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، تهران، ۱۳۹۰
- ملا احمد نراقی، شوون فقیه، ترجمه دکتر سید جمال موسوی، بنیاد اسلامی بعثت، تهران، ۱۳۷۳
- مهدی کامران، جلوه های فقاقت و ولایت، تهران، ۱۳۶۵
- مهرداد اردوان، تاریخ محکوم می کند، محاکمه عاملان قتل عام ارمنیان، تهران: کتاب سیامک، ۱۳۸۴
- ویلفرد ماد لونگ، مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، ترجمه جواد قاسمی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵
- هوهانسیان نیکلای، نسل کشی ارمنیان، ترجمه گارون سرکسیان.
- یوسف صانعی، ولایت فقیه، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱

یونانسیان ایساک، کتاب نسل کش ارمنیان ریشه‌ها و پیامدها. ثالث.

## زبانهای انگلیسی و فرانسه

- Abrahamian Ervarnd, *The Iranian Mojahedin*, Yale, 1989.
- Abrahamian Ervarnd, *Tortured Confessions: Prisons and Public Recantations in Modern Iran*, University of California Press, 1999.
- Abū Ḥanīfa, *Al-Fiqh Al-Akbar*, Hyderabad, 2<sup>e</sup> Éd., 1979.
- Al-Majlisī, Taqī, *Tuḥaf al-uqūl* (article in *Biḥār al-anwār*, vol. 1).
- Arjomand Said Amir, *The Turban for the Crown: The Islamic Revolution in Iran*, Oxford, 1988.
- Axworthy Michael, *Iran Empire of the Mind*, Penguin, 2007.
- Azimi Fakhreddin, *The Quest for Democracy in Iran*, Harvard, 2008.
- Azīmī, Ḥabībollāh, *Tārīkh-E Fiqh Va Fuqahā*, Téhéran, 1385 H.S./2006.
- Bentham, *Introduction Aux Principes De Législation Et De Morale*, Paris, Vrin, 2011
- Bergman Ronan, *The Secret War with Iran*, One World, 2009.
- Botiveau, Bernard., *Loi Islamique Et Droit Dans Les Sociétés Arabes, Mutations Des Systèmes Juridiques Du Moyen-Orient*, Paris, 1993.
- Cassese Antonio, *International Criminal Law*, Oxford, 2003.
- Cole, J. R., « Imami Jurisprudence And The Role of the Ulama: Murtaḍā Ansari On Emulation The Supreme Exemplar », In N. R. Keddie, Éd. *Religion And Politics In Iran. Shi'ism From Quietism To Revolution*, New Haven-London, 1983.
- Corbin Henry., *Histoire De La Philosophie Islamique*, Paris, 3<sup>e</sup> Édition, Gallimard, Paris, 1986.
- Corbin Henry., *Velāyat-E Faqīh*, Mu'asseseh Nashr-E Āsār Khomeini, Téhéran, 1356 H.S./1977.

- Corbin Henry., *En Islam Iranien. Aspects Spirituels Et Philosophiques*, Gallimard, Paris, 1972.
- Dabashi Hamid, *Theology of Discontent: The Ideological Foundation of the Islamic Revolution in Iran*, Transaction, 2005.
- Dilip Hiro, *The Longest War: The Iran-Iraq Military Conflict*, Paladin, 1990.
- Esfandiari Haleh, *My Prison, My Home: One Woman's Story of Captivity in Iran*, 9002.
- Geoffrey Robertson *QC*, *Crimes Against Humanity – The Struggle for Global Justice*, Penguin, 2006); *The Tyrannicide Brief* (Vintage, 2009).
- Ginsburg Tom, *Rule by Law: The Politics of Courts in Authoritarian Regimes*, Cambridge, 2008.
- Heikal Mohamed, *The Return of the Ayatollah: The Iranian Revolution from Mossadeq to Khomeini*, Andre Deutsch, 1891.
- Hiro Dilip, *Islamic Fundamentalism*, Paladin, 1988.
- Kingery, Paul, *Yezidi Sunset: The Genocide by ISIS in Iraq*, Kindle Edition.
- Mackay Sandra, *The Iranians: Persia, Islam and the Soul of a Nation*, Penguin, 1996.
- Marina Nemat, *Prisoner of Tehran*, John Murray, 2007.
- Meron Theodore, *War Crimes Law Comes of Age*, Oxford, 1998.
- Molavi Afshin, *The Soul of Iran: A Nation's Journey to Freedom*, WW Norton, 2002.
- Nafisi Jafar, *Reading Lolita in Tehran*, Random House, 2007.
- Newton Michael and Scharf Michael, *Enemy of the State: The Trial and Execution of Saddam Hussein*, St Martin's Press, 2008.
- Peter Nicolaus, *Sex-Slavery: One Aspect of the Yezidi Genocide*, Caucasian Centre for Iranian Studies, Yerevan Serkan Yuce Human Rights Lawyer, Washington DC
- Polk William R., *Understanding Iran: From Cyrus to Ahmadinejad*, Palgrave, 2009.
- Raphael Lemkin, *On Genocide Format Kindle*, Édition Steven Leonard Jacobs,

- Robert Fisk, *Genocide Old & New*, de Jean-Paul Sartre, 2012
- Roberts Adam and Guelff Richard, *Documents on the Laws of War*, Clarendon Press, 2nd edn, 2002.
- Rodley Nigel S., *The Treatment of Prisoners in International Law*, Oxford, 2009.
- Ryszard Kapuscinski, *Shah of Shahs*, Harcourt, 1985.
- Satrapi Majane, *Persepolis*, Vintage, 2008.
- Schabas William « A., Genocide in International », *international Journal on World Peace* Vol. 28, No. 1, 2011.
- Serkan Yuce, *The Yezidi Genocide in the Light of the Genocide Convention and the Rome Statute* (forthcoming).
- Spencer William, *Islamic Fundamentalism in the Modern World*, Twenty-First Century Books
- Stephen Kinzer, *All the Shah's Men: An American Coup and the Roots of Middle East Terror*, John Wiley, 2008.
- Takeyh Ray, *Guardian of the Revolution: Iran and the World in the Age of the Ayatollahs*, OUP, 2009.
- Tatoni Yuma, *The Tokyo War Crime Trial*, Harvard, 2008.
- Veronica Buffon, Allison Christine, *The Gendering of Victimhood: Western Media and the Sinjar Genocide*, *Kurdish Studies*, Vol. 4: 176-196. Kingery, Paul, 2016.
- Yezidi Sunset, *The Genocide by ISIS in Iraq*, Kindle Edition.

## ضمائم

### این همانی

#### ولایت مطلقه فقیه با خلافت داعش البغدادی

قبل از هر چیز لازم است، هر چند کوتاه، خلاصه ای از تاریخچه پیدایش و فلسفه فکری، دولت اسلامی عراق و شامات موسوم به «داعش» رایاد آور شویم، داعش بعنوان گروهی منشعب از گروه القاعده محسوب میشود که از نظر گرایشات عقیدتی و باور فکری وهمچنین از جنبه های رفتاری رویکردی یکسان بلکه خشن تر با القاعده دارد. می دانیم قبل از حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق در سال ۲۰۰۳، القاعده در عراق حضور نداشت و فقط احمد فاضل الخلايله، موسوم به ابو مصعب الزرقاوی، مؤسس آنچه امروز داعش نامیده می شود در عراق حضور داشت. ابو مصعب الزرقاوی پس از آزادی از زندان در اردن در سال ۱۹۹۹، تا سال ۲۰۰۱ مسئولیت بخشی از گروههای داوطلبان جهادی در افغانستان را برعهده داشت که در سال ۲۰۰۱ به عراق آمد و به گروه انصار الاسلام پیوست، در سال ۲۰۰۴ گروههای مسلح مختلفی برای مقابله با نیروهای آمریکائی شکل گرفت که یکی از مهمترین این گروه ها جماعت التوحید و الجهاد بود که رهبری آنرا ابو مصعب زرقاوی بعهدہ داشت. با پیوند خوردن ابو مصعب زرقاوی با گروه القاعده بن لادن، گروه «القاعده فی بلاد الرافدین» یا «القاعده العراقی» تشکیل گردید. «شبکه القاعده در بلاد الرافدین» در شرایط اشغال عراق از سوی آمریکا به عنوان یک گروه جهادی ضد نیروهای آمریکایی خود نمایی کرد و شماری از جوانان عراقی که برای مبارزه با نیروهای اشغالگر در کشورشان تلاش می کردند به آن گروه پیوستند و سرعت

به قوی ترین گروه شبه نظامی در عراق تبدیل شدند. اما استراتژی القاعده العراقي به رهبری ابو مصعب زرقاوی در ایجاد جنگ فرقه ای در عراق مورد انتقاد رهبران القاعده قرار گرفت و ایمن الظواهری در نامه ای در ۲۰۰۵ استراتژی و تاکتیک های زرقاوی را زیر سؤال برد که اعمال خشونت در مقابل غیر نظامیان شیعی و نهادهای مذهبی و کشتار مردم میتواند حمایت مردم عراق از القاعده و بصورت وسیع تر آن مقاومت سنی را تضعیف کند. ابو مصعب زرقاوی در سال ۲۰۰۶ در یک نوار ویدئویی تشکیل «شورای مجاهدین» به ریاست عبدالله رشید البغدادی را اعلام کرد

پس از کشته شدن زرقاوی توسط نیروهای آمریکائی در سال ۲۰۰۶ ابو حمزه مهاجر به ریاست این گروه (القاعده عراق) تعیین شد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ در پی نشست چندین گروه مسلح در چارچوب معاهده موسوم به «حلف المطیین» دولت اسلامی عراق اعلام موجودیت کرد و ابو عمر البغدادی را به ریاست آن انتخاب کرد. در دوران ریاست ابو عمر البغدادی عملیات این گروه گسترش یافت از جمله، حمله به بانک مرکزی، وزارت دادگستری، یورش به زندان ابو غریب و الحوث و ... بود.

## فطرت ابو بکر البغدادی

«ابراهیم بن عواد بن ابراهیم البدری» در سال ۱۹۷۱ در شهر سامراء عراق متولد شد. وی دارای نام و القاب زیادی است از جمله «علی البدری السامرائی»، «ابو دعاء»، «دکتر ابراهیم»، «الکرار» و بالاخره «ابوبکر البغدادی». وی در خانواده ای دارای عقاید سلفی تکفیری متولد شد. شیخ عواد بن ابراهیم پدر او از بزرگان عشیره «آل بو بدری» در عراق است که اصل آن به قریش باز می گردد.

او فارغ التحصیل دانشگاه اسلامی بغداد است و دوره های لیسانس و فوق لیسانس و دکترا را در این دانشگاه گذرانده و به عنوان استاد و معلم و داعیه مذهبی در عراق فعالیت کرده

و با فرهنگ اسلامی و علوم و فقه شرعی آشنا است و اطلاعات زیادی نیز در علوم تاریخی دارد.

البغدادی فعالیت های خود را در زمینه های تبلیغ مذهبی آغاز کرد ولی بعداً مسیر خود را به سوی فعالیت های جهادی تغییر داد و بعنوان یکی از قطب های سلفی جهادی و از برجسته ترین رهبران مذهبی در استانهای دیالی و سامراء مطرح شد.

نخستین فعالیت های جهادی او از مسجد امام احمد بن حنبل آغاز شد و گروههای جهادی کوچکی در منطقه تشکیل داد که به عملیات تروریستی در عراق دست زدند. وی سپس گروهی به نام «گروه اهل سنت و جماعت» را تشکیل داد و فعالیت های خود را در بغداد، سامراء و دیالی گسترش داد و با این گروه به مجلس «شورای مجاهدین» پیوست و هیئت های شرعی را در این مجلس سازماندهی کرد او به عنوان یکی از اعضای مجلس شورای مجاهدین تا اعلام «دولت اسلامی عراق» در اکتبر ۲۰۰۶ در این شورا عضویت داشت. در دولت اسلامی از معاونان ابوعمر البغدادی و از نفرات نزدیک به او بود، بطوریکه ابوعمر البغدادی وصیت کرد که ابوبکر البغدادی جانشین او شود.

از هنگامی که ابوبکر البغدادی رهبری دولت اسلامی را به عهده گرفت، به عملیات و حملات تروریستی گسترده ای در خاک عراق دست زد که مشهورترین این عملیات (قبل از موصل) حمله به مسجد ام القری در بغداد بود که به کشته شدن خالد الفهداوی نماینده مجلس عراق انجامید. همچنین حملات انتقام جویانه در رابطه با قتل اسامه بن لادن رهبر القاعده مسئولیت یکصد عملیات انتحاری را در سایت القاعده به عهده گرفته است.

در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰ نظامیان آمریکائی و عراقی طی یک عملیات در منطقه الثرثا منزلی را هدف قرار دادند که ابوعمر البغدادی و ابوحزمه المهاجر در آن بودند. پس از درگیریهای شدید، با حملات هوایی به این منزل هر دو آنها کشته شدند. یک هفته پس از این حمله این گروه در بیانیه ای کشته شدن ابوعمر البغدادی و المهاجر را رسماً اعلام کردند و حدود ۱۰ روز بعد، مجلس شورای اسلامی عراق تشکیل جلسه داد و ابوبکر

البغدادی را بعنوان جانشین ابو عمر البغدادی و ناصرالدین سلیمان را بعنوان وزیر جنگ انتخاب کردند.

خلافت اسلامی البغدادی، جنبش جهادگرایی که بخش بزرگی از شمال شرقی سوریه و شمال غربی عراق را زیر کنترل داشت، از قاطعیت و از اعتماد به نفسی برخوردار بود که منطقه پیرامونی خویش را دچار سردرگمی کرده بود. این تشکیلات به یک حکومت کشوری جدید شباهت ندارد زیرا مفهوم مرز و حدود را رد می کند و علاقه ای به نهاد سازی مقطعی ندارد. در عوض، به طرح های زیادی در مورد خاور نزدیک و به ویژه حکومت های منطقه و نیز سیاست های خارجی غربی می اندیشد. این جنبش کشورگشا، با توجه به ترکیب آن و داوطلبانی که از همه جای جهان می آیند، و هویت جدیدی از خود نشان می دهد. این ماجراجویی زمانی در عراق آغاز شد که این کشور توسط امریکا در سال ۲۰۰۳، اشغال و جمعی از مجاهدین پیشین جنگ افغانستان، شاخه ای از القاعده را در عراق به راه انداختند. روش تهاجمی آنها خیلی زود از سازمان مادر خود جدا و اولویت تهاجمات را بیشتر به دشمن نزدیک می دادند تا حریف دور دستی که ایالات متحده یا اسرائیل می توانستند باشند. ۲۸۹

## ماهیت ولایت مطلقه

اگر چه خمینی نظریه ولایت فقیه را در منابع شیعه به دوره سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۷۹۷/۱۲۱۲)، ملا احمد نراقی (۱۸۳۰/۱۲۴۵)، و ... منتسب می کند و این تئوری نوظهور را با روایاتی معجول در فرهنگ دینی خود در حوزه علمی نجف مرور می کرد، اما یک دهه بعد، با تشکیل حکومت اسلامی در ایران آنرا با مفاهیمی مبهم و ذهنیتی موهوم درهم، در می آمیزد و با نگاه صغار نگری فقط از مریدان اطاعت می طلبد. او حکومت ولایت فقیه را منحصر به خدا و فرمان و حکم الله می داند و قانون اسلام یا

فرمان خدا را بر همه افراد و بر دولت اسلامی واجب دانسته، و تا ابد تاین قوانین را تابع قانون الهی می داند و می گوید، ولایت فقیه، ولایت و حکومت فرد نیست، بلکه حکومت الهی بر مردم است و فقیه صرفاً کارشناس و متخصص در شناخت احکام الهی و مسئول اجرای آن است و در عصر غیبت حضرت مهدی، باید اجرای احکام الهی صورت گیرند و به هیچ عنوان نباید این احکام تعطیل شوند. باید حدود الهی اجرا شوند.<sup>۲۹۰</sup> برای اجرای احکام الهی، نیازمند شخصی است که ولایت داشته باشد که این ولایت باید به اذن خداوند باشد، «اگر فقیه عالم و عادل بپاخاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را دارد که پیامبر در امر اداره جامعه داشته است و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.»<sup>۲۹۱</sup> خمینی از این هم فراتر رفت و مدعی شد که معنای خلافت در صدر اسلام امر مجهول نبود که محتاج به بیان باشد، بلکه از پیامبر خواسته می شد اشخاص را معرفی کند و ایشان با همین وصف آنها را معرفی می کرد، که «مردم ناقص اند و نیازمند کمال اند، پس به حاکمی که قیم امین صالح باشد محتاجند.» «ولایت فقیه واقعی جز قرار دادن و تعیین قیم برای صغار ندارد.»<sup>۲۹۲</sup> حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، یک طرفه و در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی که مخالف مصالح اسلام باشد، از آن جلوگیری کند.

---

۲۹۰ - ولایت فقیه، ص ۳۴

۲۹۱ - ولایت فقیه، ص ۳۵

۲۹۲ - ولایت فقیه، ص ۳۷

## آئینه عقاید خلافت داعش

حال پس از گذشت سه دهه از به اجرا در آمدن ولایت مطلقه خمینی، به ادعاها و تئوریهای جدید البغدادی می رسیم، ولایت حکومت اسلامی داعش نیز که در واقع ادامه تشکیلاتی یک گروه از سلفی های جهادی در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی است که خود را مرید ابن تیمیه و در اعلامیه های خود همواره به فتواهای ابن تیمیه استناد می کند. خلیفه موصل نیز خود را دنباله رو افکار ابن تیمیه می داند. ابن تیمیه ای که پدر معنوی همه گروههای جهادی و افکار و اندیشه او با اندیشه و عقل بکلی مخالف است مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تایید نقل و احادیث باشد.<sup>۲۹۳</sup> او هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را تقییه و حرام می داند. او از جمله تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آنها را کافر می داند. گروههای جهادی داعش و در رأس ابوبکر بغدادی خلیفه، نیز خود را سرسختانه دنباله رو ابن تیمیه می داند و هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را جایز ندانسته و تفکرات شیعی را نیز مردود و آنها را کافر می پندارد، برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه شرعی خود می داند و بخاطر تفسیر و قرائت خشن و هابیت از اسلام، بر خشونتگری بر علیه شیعه و مسیحیان،<sup>۲۹۴</sup> معروف است و به قدری تندرو و سخت گیر است که با دیگر گروه های اسلام گرای سلفی از جمله جبهه النصره شاخه رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شده و در فوریه ۲۰۱۴ ایمن الظواهری، رهبر القاعده به طور رسمی هر گونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است.<sup>۲۹۵</sup>

293 - Sly Liz, «Al-Qaeda disavows any ties with radical Islamist ISIS group in Syria, Iraq», *The Washington Post*. Retrieved 2014, p.6-14.

294 - Bulos, Nabih (20 June 2014). «Islamic State of Iraq and Syria aims to recruit Westerners with video». *Los Angeles Times*. Retrieved 23 June 2014

295 - *Ibid*,

ضیایی، محقق امور فرقه های دینی و گروه های سیاسی معتقد است سه پدیده دینی، سیاسی و نظامی وهابیت، اخوان المسلمین و داعش به گونه ای به یکدیگر پیوند خورده اند که تفکیک هر یک از دیگری کاری بس دشوار شده است، اما داعش را نمی توان مولود مستقیم وهابیت دانست، بلکه همان نقشی را که وهابیت در شکل دهی اخوان المسلمین در طول تاریخ ایفا کرده است، همان حرکت را اخوان المسلمین در شکل دهی داعش بازی کرده است، اما همچنان که بین وهابیت، سلفیه و اخوان اختلافاتی ماهوی وجود دارد، بین داعش و اخوان المسلمین نیز اختلافاتی به چشم می خورند.

در چگونگی پیدایش گروههای افراطی وابسته به داعش و حزب الله مانند جیش المهدی در گزارشی از سوی حزب الله در سال ۱۳۹۱ همراه با تفسیر پیرامون این گروهها می نویسد: حزب الله لبنان در سال ۲۰۰۵ یک واحد سری برای آموزش «جیش المهدی» و گروه «عصائب اهل حق» به عراق اعزام می کند. این سازماندهی به تشکیل واحدی به نام «۳۸۰۰» از سوی حزب الله می انجامد که قبلاً نیز یک گروه سری معروف به نام «۲۸۰۰» در حزب الله وجود داشته است. البته حزب الله ظاهراً به تشکیل واحدهای سری تحت حمایت ایران متکی و قبل از این ماجراها نیز، تشکیلات محرمانه دیگری به نام «۱۸۰۰» بوجود می آورد که وظیفه آن حمایت تسلیحاتی و آموزشی به حماس بوده است. اینکه چرا حزب الله مرتب روی کد سازمانی روی عدد «۸۰۰» برای نیروهایش تاکید داشته نامعلوم است. گفتیم که سپاه قدس در مقاطعی به نیروهای سنی هم کمک می کرده است. یک گزارش ن موسسه مطالعات جنگ تاکید دارد که گروه سری حزب الله جایگزین یک گروه فوق سری دیگر به نام «لشکر ۹۰۰۰» در عراق شده است که این لشکر وابسته به «سپاه رمضان» از شاخه های سپاه قدس بوده است. سپاه رمضان در عراق به گروه های تروریست سنی در کشتن نیروهای آمریکا کمک می کرد. تمام این گروه ها نیز در کنار حمایت هایی که از محافل مختلف دریافت می داشتند بیشتر از همه متکی به حمایت نامحدود مالی و نظامی از رژیم ایران و حمایت از دولت دمشق می باشند،

آخرین موضعگیری رهبری حزب الله از قول محمد عقیف مشاور رسانه‌ای سید حسن نصرالله در مصاحبه با روزنامه نیویورک تایمز می‌گوید: حزب الله با پیوستن لبنان به ائتلاف جهانی ضد داعش موافق نیست و نسبت به حمله به مواضع داعش بدون هماهنگی با دولت دمشق هشدار می‌دهد. ۲۹۶

با این مختصر لازم است در باب اندیشه و تئوری نو ظهور خلیفه مسلمین که در آئینه و جعل همان ولایت مطلقه فقیه ابدائی روح الله خمینی است پردازیم. همه می‌دانیم که روح الله خمینی در ایران دوران سیاه بنیادگرایی را به نام ولایت مطلقه فقیه احیاء کرد، خلف‌های او نیز بیش از چهل سال است که همان بنیادگرایی ارتجاعی را تبلیغ و توجیه می‌کنند، مماشات گران غرب نیز با حمایت از عقب‌افتاده‌ترین قشر بنیادگرایی، از ایران گرفته تا خاور میانه و خاور دور و همه کشورهای منطقه، دور جدیدی از بنیادگرایی را بازتولید، تبلیغ و به رشد سریع آن دامن می‌زنند.

حقیقت این است که موج داعش و داعش‌یسم البغدادی یک پدیده خلق الساعه و نو ظهوری نبود، داعش‌یسم باوری بود که ابتدا خمینی با ولایت مطلقه فقیه ابدائی اش پدید آورد و یک‌دهه بعد البغدادی آن را با لعابی دیگر و در شمایل عربی آن در سطح جهان بازتولید و گسترش داد.

شعار محوری خلافت اسلامی داعش، که بر پرچمها و تبلیغات آنان دیده می‌شود، شعار «شریعت» همراه با لفظ «تکفیر» است، شعاری، عاریه گرفته از ابن تیمیه (۷۲۸ هجری) که امروز آنرا در سرزمینهای اشغال شده به زعم آنها به عمل و اجرا گذاشته‌اند، برای پیاده کردن این شعار از تئوری: «شرع الله لن تنفذ الا بالسلح» (شریعت اسلام پیاده نخواهد شد، الا با زور سلاح). شریعت هم همان مجموعه احکام لایتغیری است که توسط علما و فقیهان اولیه سنی مسلک، تدوین شده است، تدوین شده از میراث و

مجموعه ای از آداب عبادی در شروع قرن دوم هجری که در تمامی پهنه های مختلف زندگی خصوصی فردی و اجتماعی مردم پیش رفته است.

به شعار بُرداری «شَرع الله لن تنفذ الا بالسلاح» البغدادی که همان شعار محوری «النصر به الرعب»<sup>۲۹۷</sup> ولایت مطلقه فقیه که خمینی آنرا تقدیس می کرد بنگریم، چگونه خمینی با تقدیس این خشونت، جنایت را برای ایجاد رعب وحشت بین مردم مجاز دانست.

مقایسه کنیم خنجر آجین کردن فروهر ها را با تمام گُش کردن اسرای زخمی توسط داعش، رژیِم خونریز روح الله خمینی هم می گفت که زخمی ها را نباید به بیمارستان برد باید همانجا کارشان را تمام کرد. اعدامهای دسته جمعی بعد از تظاهرات خرداد ۱۳۶۰ که با شبی پنجاه نفر شروع شد و به چهارصد اعدام در یک روز کشیده شد، در تابستان سال ۶۷ بعد از سرکشیدن جام زهر و شکست در جنگ ایران و عراق در سه شب تا چهار هزار اعدام صورت گرفت. در حقیقت در ایران بیش از چهل سال است که با چنین رژیِمی روبرو هستیم، اینگونه است که امروز داعش می تواند چنین جنایت های وحشیانه ای را در قلمروی که تصرف کرده برقرار کند. داعشی ها با غیر خودیها هر گونه رفتاری را مجاز می دانند. در ایران دوره آقای خمینی مردم را با دسته بندی به مکتبی، غیر مکتبی، نیمه مکتبی، ضد مکتبی، خودی و غیر خودی تقسیم کردند. مگر داعش همین کارها را نمی کند؟

ابومصعب الزرقاوی بعد از تاسیس گروه «جماعت توحید و جهاد» در مقاله ای که در سال ۲۰۰۶ در رسانه ها منتشر کرد، او اهداف استراتژیک خود را این گونه تفسیر می کند: جهاد عبارت است از مین های کارگذاری شده و موشک ها و خمپاره هایی که از دور شلیک می شوند. ما به دفعات به آن ها اعلام کرده ایم که سلامت و پیروزی با هم تحقق نمی یابند و این درخت بدون خونریزی رشد نمی کند. ما باید با حضور در مناطق عمومی و با گذشت زمان، جنگ را شعله ور و مردم را به وسط عملیات ها بکشانیم تا اینکه به

۲۹۷ - به کتاب مصباح یزدی «جنگ و جهاد در قرآن» و نظریه «النصر بالرعب» خامنه ای نگاه کنید.

یاری خداوند جنگی واقعی صورت گیرد. همان‌طور که می‌دانید، جهاد امت در راه خدا در سرزمین رافدین (عراق) واجب است و در جریان هستید که این عرصه همانند دیگر عرصه‌ها نیست.<sup>۲۹۸</sup>

نکته بسیار مهم و شایان یادآوری این‌که، مطابق منابع مستند باقی مانده از همان دوران اولیه اسلام، فقهای اولیه تدوین‌کننده گان این احکام، خود بر سر جزئیات اجرای احکامشان اختلافات شدیدی داشتند که طی ۱۲ قرن گذشته حل نشده و همواره موارد تازه‌ای نیز از اختلاف جدید هم ظهور کرده است. اختلافات و دعواهایی بسیار کهنه و شناخته شده، دعوی اصلی ابن حنبل‌ها در برابر معتزله‌ای‌ها، دعوی متعصبین سنت‌گرا در برابر خردگرایایی که می‌گویند خود صاحب شعور و تشخیص برای حل مسائل روز خودشان هستند، دعوی بین حدیث‌گرایایی که به جز به کتاب و به سنت به چیز دیگری بین خود و خدایشان قائل نیستند و واسطه‌ای برای دخالت دادن نظر شخصی نمی‌پذیرند و مشروع نمی‌دانند.

از نظر مبانی ایدئولوژیک، داعش در درون خود به مبانی فکری جریان سلفی در دوران معاصر شناخته می‌شود، سلفی‌گری خود قرائتی خاص از اسلام است، این طرز تفکر ضمن نقد نحله‌های مختلف فلسفی، کلامی و فقهی تأکید بر وجود انحرافها و بدعت‌ها در نگرش‌های سنتی به اسلام دارد و خواستار بازگشت به سیره «سلف» بعنوان اسلام محمدی است و خود را منادی بازگشت به این شیوه فکری می‌داند.<sup>۲۹۹</sup> نگاه و تئوری اولیه این دکترین توسط فقهایی همچون ابن تیمیه، ابن قیم و محمد ابن عبدالوهاب شکل گرفت که هدف آنها بازگشت به قرائت خاص اندیشه‌های حنبلی و اهل حدیث بود که شکلی افراطی و حتی در مواردی مخالف با آموزه‌های اصلی احمد ابن حنبل (۲۴۱)

۲۹۸ - نگاه کنید به ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۳۲، و محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۵، ص ۳۳۲

۲۹۹ - نگاه کنید به «افکار و عقاید ابن تیمیه پدر فکری مکتب زرقاوی»، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

هجری) و بزرگان اهل حدیث می باشد. عموماً سلفی ها بر اساس مبانی فکری این دو فقیه به تفسیر دین می پردازند. در حالی که اندیشه این فقها، در همان زمان مورد اعتراض علما و فقهای سنتی زمان خود قرار می گرفتند.

محمد عبد الوهاب با احیاء مجدد این عقائد در چند قرن بعد تلاش کرد تا قرائتی خاص از اسلام ارائه دهد که منجر به آن شد که ایشان عقائد بسیاری از مسلمانان را نادرست و انحرافی و آنها را مشرک و یا کافر بدانند، به همین دلیل می توان ایدئولوژی او را نوعی ایدئولوژی تکفیری نامید.

احکام شریعت که سنت گرایان، از خلفای اهل سنت گرفته اند و تا روح خمینی و ابوبکر البغدادی مورد استفاده قرار گرفته اند، و بر سه اصل اساسی استوارند:

- احکام فقه، شرعی و الهی می باشند و بدون چون چرا لازم الاجرا هستند.
- اجرای این احکام جز با بدست گرفتن قدرت سیاسی و حاکمیت بر مردم امکان پذیر نیستند.
- قدرت سیاسی بایستی در اختیار فقیه باشد، فقیهی که صلاحیت تشخیص و تدوین این احکام شرع را داشته باشد.

## داعش و نسل کشی؟

دیوان بین المللی کیفری بر اساس تعریف نسل کشی و مستندات خود، داعش را «مصدق نسل کشی» میشناسد و عملیات متعدد نظامی گروه داعش، از جمله کشتار ایزدی های کردستان عراق، کشتار دسته جمعی شیعیان مسلمان عراق و کشتار سنی های عراق به خاطر مذهب آنها همگی این جنایات را معادل نسل کشی ارزیابی کرده است. بنا بر تعریف نسل کشی و با توجه به توضیحات فوق در مورد جنایت علیه بشریت، گروه داعش هر سه شرط تحقق جنایت علیه بشریت دارا می باشد، یعنی حمله علیه جمعیت غیر نظامی که در فلوجه و سایر مناطق عراق و سوریه موجب کشته شدن و آواره شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان شده، و در مورد گسترده بودن و سازمان یافته بودن حمله ها

که شرط دوم نسل کشی است و نیز باید گفت گروه تروریستی داعش به صورت گسترده با نیروهای شبه نظامی خود به منظور تصرف برخی شهرهای عراق و سوریه مثل فلوجه و تدمیر و ... اقدام به کشتار و آواره کردن اهالی غیر نظامی منطقه کرده است، در مورد شرط سوم که علم از حمله برای تحقق جنایت علیه بشریت وجود داشته باشد نیز باید گفت بدون وجود آگاهی به اینکه کشتار مردم، آواره کردن مردم، تخریب مکانهای مذهبی و تاریخی یک کشور و... که هر کدام از این شرایط برای اثبات آن کافی است، نمی تواند بدون علم و آگاهی صورت گیرد .. از جمله رفتارهایی که توسط این گروه تروریستی صورت گرفته می توان به قتل، ریشه کن کردن، به بردگی بردن و تمام مواردی که در ماده هفت اساسنامه دیوان بین المللی آمده است.

میثم طاهری دهکردی داعش را از نگاه حقوق بین الملل مورد تحقیق و بررسی قرار داده و ارزیابی می کند جنایات داعش در دیوان کیفری بین المللی از دیدگاه حقوق بین الملل، گروهی تروریستی است که بخش های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه را در تصرف خود داشته و عملکرد آن در عراق و سوریه به انبوهی از جرایم بین المللی تبدیل شده است. وقایع رخ داده در سوریه و عراق در مسیری قرار گرفته که جهانیان و طرفداران حقوق کیفری بین الملل انتظار دارند که مسئول فعلی اجرای عدالت کیفری، یعنی دیوان کیفری بین المللی به محاکمه و بازخواست از کسانی پردازد که حقوق اولیه انسان ها را نادیده گرفته و شنیع ترین جرایم را رقم می زنند. از سوی شمار وسیعی از رفتارهای مجرمانه جرم انگاری شده ذیل عناوین جنایت های جنگی و جنایت های علیه بشریت و حتی جنایت نسل زدایی، توسط جنایت پیشه های گروه داعش به فعلیت رسیده و صلاحیت موضوعیت در دیوان را احراز کرده است و از سوی دیگر، سوریه و عراق، عضو این دیوان نیستند. به نظر می رسد با لحاظ این دو موضوع و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی می توان با چهار سازوکار جنایت های داعش را در دیوان کیفری بین المللی تحت تعقیب قرار داد :

- ۱ - ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان؛
- ۲ - پذیرش صلاحیت دیوان در مورد «جرم» خاص از سوی کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق؛
- ۳ - عضویت کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق در دیوان کیفری بین‌المللی؛
- ۴ - وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو کیفری بین‌المللی، و در قلمرو کشورهای غیرعضو مانند سوریه و یا عراق.<sup>۳۰۰</sup>

هوفینگت پست مجموعه‌ای از جنایات دولت اسلامی داعش را جمع‌آوری و اینگونه نتیجه‌گیری کرده است: نسل‌کشی ایزدی‌ها به جنایات جنگی، کشتار جمعی برنامه‌ریزی شده و هدفمند ایزدیان و به بردگی جنسی کشاندن زنان بدست حکومت اسلامی عراق و شام (داعش) علیه اقلیت مذهبی کردزبان ایزدی سال ۲۰۱۴ میلادی در عراق و سوریه اشاره دارد. در ژوئن ۲۰۱۶ سازمان ملل متحد گفته‌است داعش علیه ایزدیان مرتکب نسل‌کشی شده‌است و داعش به دنبال نابودی کامل دین ایزدیان و به اجبار مسلمان کردن آنها برآمده است.<sup>۳۰۱</sup>

بر خلاف بسیاری از فجایع بشری تاریخ معاصر که روند دادخواهی و رسیدگی قضایی به آنها سالها بعد صورت گرفته، کشتار ایزدیان، با فاصله کوتاهی پس از وقوع آن، از سوی سازمان ملل متحد به عنوان «نسل‌کشی» معرفی شده است. شاید این مهمترین دستاورد برای جامعه ایزدیان باشد که دو سال پیش در چنین روزهایی، به فجیع‌ترین شکل ممکن، هدف کشتار سازماندهی شده گروه موسوم به «دولت اسلامی» (داعش) قرار گرفتند.

ایزدیان گروهی از اقلیت مذهبی کردی است که به‌دست نیروهای داعش، کشتار جمعی و آواره شده‌اند. پس از حمله داعش به منطقه ایزدیان، هفتصد هزار نفر از ساکنان منطقه

---

۳۰۰ - میثم طاهری، بررسی جنایات داعش در خاورمیانه از منظر حقوق جزای بین‌الملل، کنفرانس بین‌المللی رویکرد‌های نوین در علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۵

301- «Islamic State Killed 500 Yazidis, Buried Some Victims Alive», Huffington Post, 10 August 2014.

شنگال از ترس قتل‌عام توسط داعش به کوه‌ها پناه بردند. داعشی‌ها مردان را قتل‌عام کرده و زنان و بچه‌ها را به اسارت بردند و در برخی مناطق اقدام به بریدن سر، کشتن و به دار آویختن ساکنین این مناطق کردند. در همان هنگام، ایزدیان از نظر ذخیره غذایی و آب در موقعیت بدی به سر می‌بردند و در گزارشی از یونیسف نیز اعلام کرده بود که ۴۰ کودک ایزدی نیز به خاطر اقدامات نیروهای داعش جان خود را از دست داده‌اند.<sup>۳۰۲</sup> تاکنون چندین گور دسته‌جمعی از اجساد ایزدیان که توسط داعش قتل‌عام شده‌اند کشف شده‌است، یکی از سه گور دسته‌جمعی کشف شده شهر شنگال در استان نینوا، متعلق به گور دسته‌جمعی زنان بوده است.<sup>۳۰۳</sup>

---

302- John Kerry, Elise Labott, «responsible for genocide» CNN. Retrieved March 17, 2016.

303- Humeyra Pamuk, « Smugglers and Kurdish militants help Iraq's Yazidis flee to Turkey», Reuters, 26 August 2014.

## جدول مقایسه تئوریک

## اشتراکات فکری ولایت مطلقه فقیه و ابوبکر البغدادی

تئوریهای البغدادی	تئوریهای ولایت مطلقه
ادعای خلیفه مسلمین داعش از اسلام ناب محمدی	ادعای ولایت مطلقه از اسلام ناب محمدی
اجرای دستورات شرع توسط داعش	اجرای دستورات الهی توسط ولایت مطلقه
ادعای خلیفه دولت اسلامی در عمل منتسب به سنت رسول الله	ادعای ولی فقیه در عمل به سنت رسول الله خمینی: «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم(ص) بیشتر از حضرت امیر(ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است.» (ولایت فقیه، ص ۴۰) «حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام نماز و روزه و حج.» (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۲)
ادعای خلیفه دولت اسلامی در تقدیس خلیفه مسلمین	خمینی: «مردم ناقص‌اند و نیازمند کمال‌اند و ناکامل‌اند، پس به حاکمی که قیم امین صالح باشد محتاجند. ولایت فقیه» (حکومت اسلامی، روح الله الموسوی الخمینی، بی‌نا، ص ۵۸)

<p>ادعای خلیفه دولت اسلامی در اطاعت امر خلیفه</p>	<p>خمینی: «ولایت فقیه واقعی جز قرار دادن و تعیین قیم برای صغار ندارد». (ولایت فقیه، روح الله الموسوی الخمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم، تابستان ۷۸، ص ۴۱) جنتی: «ولی فقیه نسبت به جان و مال و ناموس مردم اختیار دارد. همان اختیاری که پیغمبر اکرم (ص) داشت. فقیه این مقام و ولایت را به منظور حفظ مصلحت امت دارد.» (سمینار ولایت فقیه در ساری، رادیو تهران، اخبار ساعت ۲۰ روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۱)</p>
<p>اختیار داشتن خلیفه مسلمین دولت اسلامی بر جان و مال و ناموس مردم!</p>	<p>اختیار داشتن حق بر جان و مال و ناموس ملت یتیم و صغیر و ناقص می دانند!</p>
<p>پرچم داعش، پرچمی با نماد محمد رسول الله</p>	<p>نماد لا اله الا الله و در زمان ولی امر مسلمین</p>
<p>خلیفه مسلمین (داعش) مراکز مذهبی ایزدی ها و شیعیان مورد حمله قرار داده و تخریب کرد</p>	<p>در حاکمیت ولایت فقیه مساجد اهل سنت در زاهدان و کردستان تخریب شد و خانقاه های دراویش ایران در قم - بروجرد - کرمانشاه - بیرجند مورد حمله و تخریب گشت</p>
<p>روش ابوبکر البغدادی «شرع الله لن تنفذ الا بالسلاح»</p>	<p>روش حکومتی خمینی و خامنه ای «النصر بالرعب»</p>
<p>به گور کردن ایزدی ها و مسیحیان به دستور خلیفه دولت اسلامی در عراق</p>	<p>بسیاری از مبارزان را در تابوت یا قبر زنده به گور کردند نمونه چند ده زندانی ای که در تابوت قرار دادند تا از</p>

	<p>اذربایجان غربی (آستارا) به رشت آورده شوند که همگی فوت کردند</p>
<p>ترور و قتل و اعدام کشیشان مسیحی موصل و... به دستور خلیفه مسلمین دولت اسلامی</p>	<p>ترور و قتل کشیشان مسیحی به دستور ولی امر مسلمین اعدام مسلمان مسیحی شده یا زردشتی شده</p>
<p>قتل عام دستگیر شدگان ایزدی در سنجر عراق و دفن دسته جمعی آنها به دستور ولی امر مسلمین داعش در عراق</p>	<p>قتل عام دسته جمعی زندانیان سیاسی در زندانها در سال ۱۳۶۷ که حدود ۵ هزار نفر و در سال ۸۸ و دفن دسته جمعی در گورهای خاوران و بهشت زهرا</p>
<p>تجاوز به برخی دختران دستگیر شده ایزدی و مسیحی در عراق توسط نیروهای تحت امر ولی امر مسلمین دولت اسلامی</p>	<p>تجاوز به دختران شیعه مخالف حکومت در زندانهای ایران در طول سالهای حاکمیت ولایت فقیه</p>
<p>متن توبه نامه خلیفه دولت اسلامی در عراق و سوریه «من (اسم) (نام فامیل) (عضو گروه ...)، ماندن داخل این گروه و جنگیدن با گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را نبرد و جنگ با خدا و رسول خدا دانسته و قول می‌دهم بار دیگر برضد گروه داعش نجنگم.» در ادامه این توبه‌نامه آمده است: «همچنین تعهد می‌کنم بدون اطلاع گروه (داعش) در هیچ گروه دیگری عضو نشوم و خودم هم گروه جدید تاسیس نکنم. من تعهد می‌کنم تمامی سلاح‌ها و مهماتی را که داشته‌ام به داعش تحویل دهم و به مناطقی که</p>	<p>در حاکمیت ولایت فقیه هر گونه مخالفت جنگ با خدا و رسول تلقی میشود و مجازات مرگ و زندان دارد مگر اینکه توبه کند. اجبار به توبه کردن نیروهای مخالف و در برخی اوقات دادن توبه نامه به مخالفینی که تغییر موضع داده بودند.</p>

<p>تخت کنترل گروه‌های جبهه‌النصره، جبهه اسلامی و... است نروم و اگر یکی از شروط این توبه نامه را زیر پا بگذارم خودم را برای مجازات آماده کنم. مجازات توبه شکنان مرگ خواهد بود.»</p>	
<p>و نمونه های دیگر ...</p>	<p>و نمونه های دیگر ...</p>

## جدول مقایسه تصویری

### جنايات ولايت مطلقه فقيه و داعش

سنگسار داعش در سوریه



سنگسار در ولايت فقيه



قتل های گروهی داعش



رستوران میکونوس



داعش شلیک در مغز



قتل ندا تک تیر انداز



سربری توسط داعش



AhlulBayt News Agency

سر بریدن بختیار



قتل داعش



قتل فروهرها



قتل امریکایی



قتل اسقف هایک



داعش قطع دست



قطع دست در شیراز



ISNA/PHOTO:Received

قتل های ایزدی ها



قتل های زنجیره ای



و نمونه های دیگر ...

و نمونه های دیگر ...

## کنوانسیون پیشگیری

### مجازات جنایت کشتار گروهی

کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد ۰۹ دسامبر ۲۰۰۱). ۳۰۴ مجمع عمومی متن قرارداد ضمیمه مربوط به جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) را تصویب و به موجب ماده ۱۱ همان قرارداد آن را برای امضاء و تصویب و الحاق در دسترس دول می‌گذارد. قرارداد برای جلوگیری از کشتار جمعی ژنوسید:

طرف‌های متعاقد با در نظر گرفتن اینکه مجمع سازمان ملل متحد بوسیله قطعنامه شماره ۱-۸۶ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌الملل ارتکاب می‌شود و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان به اینکه در تمام دوره‌های تاریخ این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته‌است و با اطمینان باینکه برای رهائی عالم انسانیت از چنین بلیه و وحشتناک همکاری بین‌المللی ضرورت دارد در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده ۱:

طرف‌های متعاقد تصدیق و تأیید می‌کنند که (ژنوسید) اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ به موجب حقوق بین‌المللی جنایت محسوب می‌شود و تعهد می‌کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.

304 - Nations Unies, «Convention pour la prévention et la répression du crime de génocide», 11 décembre 1946.

<https://www.ohchr.org/fr/instruments-mechanisms/instruments/convention-prevention-and-punishment-crime-genocide>

ماده: ۲

در قرارداد فعلی مفهوم کلمه (ژنوسید) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار:

۱. قتل اعضاء آن گروه.
۲. صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه.
۳. قرارداد عمده گروه در معرض وضعیات زندگانی نامناسبی که منتهی بزوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.
۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل آن گروه صورت گیرد.
۵. انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.

ماده: ۳

۱. (ژنوسید) کشتار جمعی.
۲. تبانی بمنظور ارتکاب ژنوسید.
۳. تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید.
۴. شروع به ارتکاب به ژنوسید.
۵. شرکت در جرم ژنوسید.

ماده: ۴

اشخاصی که مرتکب ژنوسید و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند اعم از اینکه اعضاء حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند مجازات خواهند شد.

ماده: ۵

طرفهای متعاقد ملتزم می شوند که بر طبق قوانین اساسی مربوط خود تدابیر قانونی لازم برای تأمین اجرای مقررات این قرارداد اتخاذ نمایند و مخصوصاً کیفرهای مؤثر درباره مرتکبین ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سوم را در نظر بگیرند.

ماده: ۶

اشخاص متهم بارتکاب ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سه به دادگاههای صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرفهای متعاقد صلاحیت آنرا شناخته باشد جلب خواهند شد.

ماده ۷:

عمل ژنوسید و اعمال دیگر مذکوره در ماده سه از لحاظ استرداد مجرمین، جرم سیاسی محسوب نمی‌شود. در این قبیل موارد طرفهای متعاقد تعهد می‌کنند طبق قوانین کشور خود و قراردادهای موجود استرداد موافقت نمایند.

ماده ۸:

هر یک از متعاهدین می‌توانند از مراجع صلاحیت‌دار سازمان ملل بخواهد که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی بعمل آورد.

ماده ۹:

اختلافات حاصله میان متعاهدین در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این قرارداد منجمله اختلافات راجع به مسئولیت یک دولت در مورد عمل ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌شود.

ماده ۱۰:

این قرار داد که متن‌های چینی و انگلیسی و فرانسه و روسی و اسپانیولی آن متساویاً معتبر شناخته می‌شود تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ را خواهد داشت.

ماده ۱۱:

این قرارداد تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضای اعضای سازمان ملل متحد و هر دولت غیر عضوی که مجمع عمومی در این خصوص از آن دعوت کرده باشد آماده خواهد بود. این قرارداد بتصویب رسیده و نسخ مصوب آن به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ هر عضو سازمان ملل یا هر دولت غیر عضویکه به شرح بالا از آن دعوت شده باشد می تواند به این قرارداد ملحق شود.

ماده ۱۲:

هر دولت متعاهدی در هر موقع می تواند با اعلام به دبیرکل سازمان ملل متحد مقررات این قرارداد را به کشورها یا یک کشوری که امور خارجی مربوط به آن را عهده دار است شامل نماید.

ماده ۱۳:

همین که بیست سند تصویب یا اسناد الحاق به دبیرکل سازمان برسد صورت مجلسی در این باب از طرف او تنظیم شده و رونوشت آن صورت مجلس را برای تمام اعضاء ملل متحد و دول غیر عضو مذکور در ماده ۱۱ خواهد فرستاد.

این قرارداد پس از نود روز از تاریخ تسلیم بیستین سند مصوب یا اسناد الحاق بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

هر تصویب یا الحاقیکه بعد از آن تاریخ صورت گیرد نود روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق معتبر خواهد بود.

ماده ۱۴:

مدت قرارداد از تاریخ اجرای آن ده سال خواهد بود پس از پایان مدت مزبور نیز مادام که طرفهای متعاهد لااقل شش ماه قبل از انقضاء آن را فسخ ننموده اند پنج سال خود بخود تمدید خواهد شد.

فسخ قرارداد مزبور کتباً اعلام و بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید.

ماده ۱۵:

هرگاه برابر فسخ این قرارداد عده متعاهدین به کمتر از شانزده برسد قرارداد مزبور از تاریخ اعلام فسخ و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

ماده ۱۶:

هر یک از متعاهدین در هر موقع حق دارد به وسیله اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل تجدید نظر در این قرارداد را تقاضا نماید.

مجمع عمومی درباره این تقاضا به نحو مقتضی تدابیر لازم اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۱۷:

دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب ذیل را به کشورهای عضو سازمان و دولتهای غیرعضو مذکوره در ماده ۱۱ اعلام خواهد کرد:

الف - امضاءها و تصویبها و الحاقهایی به دبیرکل واصل گردد.

ب - اعلامهایی که در اجرای ماده ۱۲ می‌رسد.

پ - تاریخی که این قرارداد بموجب ماده ۱۳ بموقع اجرا گذارده می‌شود.

ت - اعلام فسخ قرارداد به موجب ماده ۱۴

ث - الغاء قرارداد بموجب ماده ۱۵

ج - اعلامهایی که بموجب ماده ۱۶ دریافت گردد.

ماده ۱۸:

نسخه اصلی این قرارداد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد گردید. یک نسخه

مصدق برای هر یک از اعضای سازمان ملل متحد و دول عضو مذکور در ماده ۱۱ فرستاده خواهد شد.

ماده ۱۹:

این قرارداد از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ اجراء به ثبت خواهد رسید.

## دو دیدگاه در فقه

### فقه سنتی در برابر حقوق ذاتی

اینک می توان در مقام رفع نزاع بین دو دیدگاه یا دو نظریه برآمد: نظریه اول، دیدگاه باورمندانی است که احکام فقه شیعه را احکامی الهی، مقدس، آسمانی و کامل می پندارند و خود را با این احکام سازگار ساخته و رستگاری خود را در اجرای بی چون چرای این احکام می دانند زیرا خدا یگانه و مطلق است و کلام خدا نیز حقیقت مطلق است و باید آن را پذیرفت. در نظر این باورمندان و معتقدان به احکام فقهی سنتی، قانون هائی که جایگزین قوانین خدا در آیند، حقانیت ندارند. مثلاً در جرائم کیفری، خداوند احکام قتل و دزدی یا زنا را در قرآن مقرر کرده است. مؤمن چگونه میتواند با وجود حدود (مجازاتهای) شرعی معین شده «الهی»، مجازات های قانونی دیگری را بپذیرد؟ از این بیشتر، فقهای جانبدار این نظریه مدعی اند که قوانین اسلام مبتنی بر «فطرت» است. از این رو اجرای آنها، پاسداری از فطرت و جلوگیری از تجاوز به آن است. به همین علت، بعضی مرتکبان جرائم مستوجب آنند که حد در باره آنها اجرا شود. این مجرمان، با تشخیص فقیه قاضی، قابل بخشش نیستند. زیرا این جرائم در شمار جرائم ناقض حقوق انسان یا حق الناس نیست تا آدمی بتواند از آن بگذرد. بلکه ناقض «حق الله» است و آدمی نمیتواند حق خدا را ببخشد.

نظریه دوم، دیدگاهی است که نگاهی دیگر و روشی دیگر بر زندگانی خود بر گزیده است، دیدگاهی که شیوه زندگی را بر اندیشه و روش جامعه شناسی اجتماعی انسان تنظیم می کند. شیوه زندگی را با رعایت قوانین اجتماعی ساخت بشر یا قوانین موضوعه و قوانین زمینی، که منشأ آن قوانین را در استقلال تصمیم گیری مردم دانسته و به «حقوق ذاتی انسان» نیز باور دارد و برای زندگی آزاد، روی این کره خاکی، خود قانون وضع و اجرا می کند.

بر این اساس، هرگاه نظر گاه دوم، باور خود را بر اصل برخوردارى انسان از «حقوق ذاتی» خویش قرار دهد، و مبنای کار را بر این قرار دهد که هر انسان، حق بر تنفس، حق بر تغذیه، حق بر پوشش، حق بر مسکن، حق بر کار خود و در یک کلام، حق بر تصمیم گیری حق بر حیات دارد و خود تصمیم می گیرد چگونه زندگی کند، بنا بر این، می تواند بنیاد نوینی را پیشنهاد کند، بنیادی که اگر رابطه میان حقوق موضوعه را با «حق ذاتی» حیات سنجیده و با آن این همانی بر قرار کند، سؤال بر تناقض منشاء قانون خداست، وحی است یا انسان و عقل؟ پاسخ خواهد گرفت: اصول راهنمای قضاوت هستند که باید رعایت شوند و مجازات ها باید انعطاف پذیر باشند، یعنی حد اقل و حد اکثر داشته باشند و بر قاضی است و بر وفق اصول راهنما، بنا بر وضعیت علل مخففه (کسی که قبلاً جرم مهمی نداشته) و یا علل مشدده (کسی که قبلاً به تکرار جرم داشته) در نظر بگیرد و حکم صادر کند. این واقعیت که صاحبان نظریه ها با وجود قائل بودن به پیروی فرع از اصل، از اصول راهنمای قضاوت مقرر در قرآن، یکسره غافل بوده اند، بما می گوید چرا نظام قضائی را که قرآن رهنمود می دهد، اندر نیافتند و در طول تاریخ نتوانستند یک نظام قضائی ارائه کنند. گرفتار و ایجابات دولت های جبار، عامل و دلیل دیگر این نا توانی است. نظام قضائی که قرآن رهنمود می دهد، هر گاه با سامانه های حقوقی دیگر، مقایسه واقعی و نه مقایسه صوری بگردد، بسا جامعه ها بتوانند نظام قضائی همانندی پیدا کنند، رها از توقعات قدرت و عامل برخوردارشان همگان از همه حقوق و امکان رشد.

به نظر می رسد، راهی جز چالش و در افتادن فکری با فقه سنتی و نیز نظام های قضائی قدرت محور دیگر که زیر بنای همه مشکلات فقه قضائی امروز است وجود نداشته باشد. بر داشت فقه سنتی در شیعه از احکام و حقوق در کلیات همانند یکدیگرند، مثلاً در تقسیم انسانها به مسلمان و کافر و یا تقسیم کره زمین به دار الاسلام و دار الحرب یا تفاوت های حقوقی نا برابر در مورد مرد و زن و مسلمان و غیر مسلمان یا قبول احکام عبادی و کیفری همچون، حدود و قصاص، شهادت، جهاد و مانند اینها که فقه سنتی

برای هر کدام تکلیفی معین کرده است. قوانین فقه بر محور قدرت ساخته شده اند. گویای از خود بیگانه شدن بیان استقلال و آزادی در بیان قدرت و استحاله انسان حقوق مدار به انسان تکلیف مدار است و حاصل آن کشمکش های دائمی بین دو نوع اندیشه و دو نوع طرز تفکر شده است می شود.

ارزیابی نظریه های مختلفی که از سوی فقهای مشهور و علمای مرجع، در باره جرم و مجازات ارائه شده اند ما را به این نتیجه می رساند که استدلال اصلی موافقان اجرای مجازات یا حدود اسلامی در دوران غیبت بر این پایه است که بر اساس منابع اولیه و منابع ثانویه حدود قضائی لازم الاجرا هستند. از جمله احکام مربوط به «حدود» (ومجازاتهایی) که عبارتند از: قتل، قصاص، قطع عضو در اِزای عضو مانند دست بریدن، پا بریدن، گوش بریدن، چشم در آوردن، جرائم هتک، مجازات مرگ برای سارق یا راهزن در صورت تکرار، مجازات باغی، مجازات محارب، سُب نبی و ... اینان مدعی اند که برخی از جنایت ها به قدری فجیع هستند که کشتن مجرم تنها واکنش و عکس العمل عادلانه است. بدیهی است نه اصول راهنما را شناسائی می کنند و نه قضاوت را تابع آنها می دانند و نه توانا به بنای نظام شده اند.

به نظر می رسد هیچکدام از استدلالهایی در مورد مجازات های خشونت بار و خشونت زا و غیر انسانی، نه تنها، با حقوق انسان و قواعد خشونت زدائی سازگار نیست، بلکه در مقایسه با نظام های قضائی امروز، واپس گرا تر و نا کار آمد تر است. هر چند نظام های قضائی معاصر نیز کامل نیستند و قدرت محور هم هستند اما غافل از منزلت انسان و حقوق او نیستند.

استدلال مخالفان اجرای حدود در زمان غیبت این است که برای اجرای حدود شرعی، حضور مجری صالح، امام معصوم و یا نائب خاص او لازم است. چرا که ادله قرآن و سنت

برای عصر غیبت اطلاق ندارند.<sup>۳۰۵</sup> استدلال مخالفان جواز یا مخالفین اجرای حدود بر این پایه است که اقامه کننده حدود باید امام معصوم یا نماینده بر گزیده او باشد. مخالفین در ابتدا به دنبال آن بودند تا ثابت کنند در دوران غیبت نماینده امام معصومی وجود ندارد. بنا بر این بدیهی است حدودی که حکم به آنها در صلاحیت امام معصوم است در دوران غیبت قابل اجرا نیستند. اینان نیز از اصول راهنمای قضاوت غافل و از دست یابی به نظام قضائی نا توان شده و مانده اند.

حاصل این که، از خود بیگانه شدن دین وقتی قدرتمندان آن را برای توجیه سلطه گری خود بکار می برند. نفوذ فقه یهودی و حقوق ایران باستان و یا حقوق رومی ممکن می شود. زیرا قوه قضائی و چند و چون قوانین آن از ستون پایه های اصلی دولت زورمدار است.

اگر قرآن مبنای کار این زعما می بود، قرآنی که حقوق انسان را در بر دارد و نظام قضائی در اختیار انسان می گذارد هر دو گروه و گروه های دیگر، رها از الزامات دولت های جبار، این نظام قضائی را باز می جستند و با تصدیق همه حقوق، (حقوق انسان و حقوق شهر وندی او و حقوقی که هر جامعه به مثابه جامعه دارد و حقوق طبیعت و جانداران و حقوق هر جامعه بعنوان عضو جامعه جهانی)، می تواند راهنمای جامعه در متحول کردن نظام های اجتماعی به نظام های باز بشود که در آن شهروندان با یکدیگر رابطه حق با حق بر قرار می کنند.

از دانسته های قرآن، از جمله نظام قضائی غفلت شده است. باز یافت این نظام می تواند از اسباب ایجاد یک جامعه با حقوق مستمر بگردد. بدیهی است که در کار آوردن نظام قضائی دگر گونی در نظام اجتماعی از بسته به باز و نهاد های اجتماعی در خدمت قدرت به نهاد های اجتماعی در خدمت انسان حقوقمدار را ایجاد می کند.

۳۰۵-سیدمصطفی محقق داماد؛ حدود در زمان ما: اجرا یا تعطیل؟، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵،

فراهم آمدن همه شرایط و دادن همه صلاحیت ها به یک نفر برای تصدی حکومت و قضاوت، ستم به او نیز هست زیرا او را بنده قدرت می کند. حق با مسئولیت همراه است پس شهروندان ذی حقوق در مسئولیت اداره جامعه خویش بر میزان حقوق اشتراک دارند، لذا، ولایت در امر قضا در دوران غیبت، حتی اگر چنین فقهی دارای اجازه نامه شخصی از امام معصوم هم باشد، چاره جز توسل به اعمال قدرت پیدا نمی کند و آلت فعل آن می گردد. از این رو، با برخورداری او دیگر انسان از حقوق نمی خواند.

در هر عصری قوه قضائی و قوانین جزائی از ستون پایه های اصلی قدرت بوده است، غفلت انسانها از حقوق ذاتی خویش حقوق و قضاوت آلت فعل قدرتمداری کرده است. قضاوت و اداره امور قضایی نخست سر پرستی، بخاطر غفلت از حقوق و نا چیز شدن در اعمال قدرت رفته رفته نهادی فریه گشت در خدمت قدرتمداری. نهاد دین تکلیف مدار وظیفه یافت که شریعت را بوجود آورد، توجیه آن بود که حفاظت از جامعه و مردم از فساد و از دشمن واجب است. به این دلیل بود قوه قضائی در ید فقها قرار گرفت و آنها هم راه سازگاری با دولت های استبدادی را پیش گرفتند. در دوران معاصر نزاع بوجود آمد زیرا دولت بر آن شد قوه قضائی و هر آنچه در ید فقها بود از دستشان بدر آورد.

دگرگون کردن قضای نفوذ سیاسی و مذهبی بنیاد دین را به ثبت رساند تا جایی که فقها با بهره گیری از سنتها و تفسیر هایی که ارائه دادند، خود را نایب امام زمان در دوران غیبت دانستند و در سمت یابی تاریخ جامعه های مسلمان نقشی مهم جستند و حاصل سمت یابی وضعیت کنونی این جامعه ها است.

راه حل اما، آتقدر هم پیچیده و بغرنج نیست، هرگاه نظام قضائی در خدمت حقوق پدید آید و قاضی بر میزان عدل رسیدگی قضائی را بعمل آورد و حق و ناحق را به دقت از یکدیگر مشخص کند بطوری که جانبدار حق مشاهده کند که حق او به رسمیت شناخته شده، و مرتکب ناحق نیز مشاهده کند که گناهی ثابت گشته است، جامعه باز بر میزان عدالت پدید آمدنی می شود. حیات مستقل هر جامعه در این است که هر دو طرف نزاع، اصل حقوقمندی و رابطه حق با حق را بپذیرند. اگر یک طرف نپذیرد و یا دو طرف عفو را نپذیرند، مجازات

هر چه باشد، مشکل را حل نمی‌کند. از جمله بر قاضی نیز هست که حقوقمندی و سنجیدن عمل به حق را همگانی کند. برای مثال، هر انسانی حق بر تغذیه و پوشش و مسکن دارد، پس هر کس حق کار دارد. حال اگر نظام اجتماعی حق غذا خوردن را در دسترس بی کاران قرار نداد و یا انسانهایی را از حق کار کردن محروم کرد، نمی‌توان بینوایان را با وجود حق آنها بخاطر خوردن غذا از مال مالداران، دزد شمرد و بی کار را بخاطر مطالبه حق کار متجاوز خواند و محکوم کرد بنا بر بیان آزادی، قضاوت برای بازداشتن متجاوز از تجاوز است و نه بازداشتن مورد تجاوز از احقاق حق است به سخن دیگر، آن نظامی عادلانه است که، در آن، هر انسانی از حقوق ذاتی خویش برخوردار باشد. هر گاه انسانها از حقوق ذاتی خویش برخوردار نبودند، حق دارند برای احقاق حقوق از دست رفته خود، علیه نظام حاکم قیام کنند. آری، چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.

## نتیجه گیری دو دیدگاه

- ۱ احکام جرائمی قضائی را که فقه ساخته است در قرآن وجود ندارد، و اساساً فقهات پایه قرآنی ندارد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، در صدور احکام قضائی بخاطر نبود نظام قضائی، از اصول راهنمای قضاوت قرآن پیروی نمی‌شود.
- ۲ اصول راهنمای قرآن ترجمان حق ذاتی انسان است. نظریه پردازان فقه که موافق جواز اجرای حدود و مجازات می‌باشند، می‌دانند حدود حد اکثر مجازات و مرگ‌زا است، اما نمی‌دانند که قضاوت باید تابع اصول راهنمای حقوق ذاتی انسان باشد و نه ناقض آن اصول.
- ۳ از خود بیگانه شدن احکام فقه، نتیجه اش، از خود بیگانه شدن دین حقمدار و تبدیل آن به دین تکلیف مدار است، وقتی حاکمیت تشنه قدرت، دین تکلیف مدار را برای توجیه و سلطه‌گری بکار می‌برد، حاصل آن تابعیت از

قوانین دوره جاهلیت می شود. اگر محتوی قانون حق باشد دیگر تابع وضعیت شرایط اجتماعی که قدرت تنظیم می کند نمی شود. بنابر این باید رابطه بایسته ای بین قانون و حقوق ذاتی ایجاد گردد، رابطه ای که وجدان اخلاقی و قانون، عمل را لاحق بسنجد.

## تحریر الوسيله

موضوع اصلی مورد مطالعه این تحقیق موضوع حقوق بشر در رژیم جمهوری اسلامی ایران است، رژیمی که با گذشت چهل و چهار سال و پایمال کردن حقوق اولیه مردم خود، در ارتکاب هر جرم و جنایتی هیچ مرزی نمی شناسد و پیوسته خون می ریزد. خمینی در نجف به حاشیه نویسی به کتابهای حوزه ها مشغول بود، در همین فرصت کتاب «تحریر الوسيله» را تنظیم کرد، این کتاب در اصل حاشیه یی بر رساله ای به نام «وسيلة النجاة» نوشته سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ هجری) که «وسيلة النجاة» خود نیز حاشیه یی است از رساله «ذخیره الصالحین» سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱۳۳۷ هجری). این کتاب چهار جلدی به سیاق کتابهایی از این نوع از طهارت، نماز، روزه شروع می کند و سپس به اطعمه و اشربه و نکاح و طلاق، می پردازد، حقوق قضایی، حدود، قصاص و دیات خاتمه بخش این کتاب است.

خلاصه ای از «تحریر الوسيله» را در ضمیمه این نوشتار به این دلیل آوردیم که اکثر قوانین مجازات ضد اسلامی و ضد انسانی که توسط مجلس رژیم تصویب و در قانون اساسی ایران ثبت شده و نصب العین حکام ضد شرع و دژخیمان دستگاه قضایی رژیم قرار گرفته، عموماً مستند به کتاب «تحریر الوسيله» که پایه سیستم قضایی کشور است می باشد.

## نمونه احکام

بطور خلاصه نمونه هایی از احکام حقوق قضایی «تحریر الوسيله»<sup>۳۰۶</sup> را در زیر ملاحظه می کنید.

---

۳۰۶ - نگاه کنید به ترجمه تحریر الوسيله خمینی جلد ۱ الی ۴ مرکز تحقیقات رایانهای قائمیه اصفهان، به ویژه از صفحه ۶۶۲ تا ۸۲۳

## قضاوت

قضا بمعنای داوری و حکم کردن بین مردم بمنظور بر طرف نمودن نزاع از بین آنان است با شرائطی که در این کتاب ذکر می شود، و این منصب از مناصب بسیار سنگین است که از ناحیه خدای متعال به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و از ناحیه آن جناب به ائمه معصومین علیه السلام و از ناحیه آن حضرات به فقیه جامع الشرائطی که بعدا ذکر می شود باشد واگذار شده است، و خطرناکی آن بر کسی پوشیده نیست تا بدانجا که در حدیث وارد شد.

## صفات قاضی

در قاضی چند شرط معتبر است: اول بلوغ، دوم عقل، سوم ایمان، چهارم عدالت، پنجم اجتهاد مطلق، ششم مرد بودن، هفتم طهارت مولد (ولدزنا نبودن)، هشتم اینکه بنابر احتیاط حافظه اش قوی باشد و فراموشی بر او غالب نباشد، بلکه اگر نسیان او به حدی است که دیگر نمی شود به گفته او اعتماد کرد اقوی این است که جائز نیست قضاوت کند، و اما اینکه سواد نوشتن داشته باشد در اعتبارش حرف است، شرط دهم که آن نزدیکتر به احتیاط است اینکه نایبنا نباشد.

## اقسام حقوق

حقوق با همه کثرتی که دارد دو قسم است: حقوق الله و حقوق الناس، اما حقوق الله در کتاب حدود می آید که در آنجا گفتیم بعضی از آنها با چهار شاهد عادل مرد و یا سه نفر مرد عادل و دو نفر زن عاقله و یا دو مرد و چهار زن ثابت می شود، و بعض دیگر با دو شاهد ثابت می گردند، خواننده می تواند بدانجا رجوع کند. مسأله ۲ - حق الناس چند قسم است: بعضی از حقوق الناس حقی است که جز با شهادت مرد ثابت نمی شود، و چنان نیست که شهادت دو نفر زن کار شهادت یک مرد را بکند مانند طلاق که در آن شهادت زنان پذیرفته نیست چه اینکه زنها به تنهایی شهادت دهند و چه بضمیمه مرد،

حال آیا این حکم یعنی پذیرفته نبودن شهادت زنان در مسئله طلاق شامل همه اقسام طلاق از قبیل خلع و مبارات می شود یا نه؟ اقرب آنست که بگوئیم آری شامل همه می شود در صورتیکه اختلاف طرفین نزاع در اصل طلاق گرفته و یا می خواهد بگیرد در اینجا شهادت منحصر مردان نیست.

حد سارق، محارب

اگر سارقی عنوان محارب هم بخود بگیرد حکمش همان است که درباره محارب گذشت (محارب به طور زنده مصلوب می شود و اگر حاضر به توبه نشد کشته می شود)، و اگر مصداق این عنوان نباشد احکامی دارد که در ذیل کتاب امر به معروف و نهی از منکر بیان شد. محارب را زنده بدار می زنند و جائر نیست بیش از سه روز بر روی دار نگهدارند، بلکه او را پائین آورده اگر مرده باشد غسل داده و کفن می پوشند و بر او نماز گذارده دفنش می کنند، و اگر زنده مانده باشد بعضی گفته اند نیمه جاننش را می گیرند و می کشند که این مشکل است، بله ممکن است کسی بگوید جائر است او را از اول طوری بدار بیاویزند که بمیرد (مثلا طناب را به گردنش بیندازند) لکن این نیز خالی از اشکال نیست.

سُب نَبی

اگر به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یا ائمه علیه السلام و به احتمالی غیر بعید فاطمه زهرا سلام الله علیها را ناسزا بگوید کشته می شود، همچنانکه اگر غیر آنها چنین کند حکمش قتل است.

ارتداد

البته در اینجا اقسام دیگری از ارتداد هست که در لحوق (بهم پیوستن) هر یک از آنها به مرتد فطری یا ملی اختلاف است و موکول به محل خودش می شود. مانع دوم ارتد قتل است.

### سرقه

حد سرقه در بار اول این است که چهار انگشت از دست راستش را از بیخ قطع می کنند و انگشت شست و کف دست او را باقی می گذارند، و اگر بعد از این قطع باز هم دست به سرقه بزند این بار نصف پای چپ او یعنی انگشتان و قسمتی از قدم او را که به بلندی قدم نرسیده قطع می کنند تا نصف دیگرش یعنی بلندی وسط قدم و اندکی از محل مسح وی تا بند پایش باقی بماند، و اگر بعد از اجرای این حد باز هم مرتکب دزدی بشود محکوم به حبس ابد می شود تا مرگش فرارسد، و اگر فقیر باشد زندگیش از بیت المال تامین می شود، و اگر باز هم تکرار کند حبس ابد و در تکرار بعدی کشته می شود. مسأله 3- با وجود دست راست دست چپ قطع نمی شود، حال چه اینکه دست راستش سالم و یا فلج و دست چپش سالم باشد و یا بعکس و یا هر دو فلج باشند، بلکه اگر در بریدن دست فلج به احتمال عقلائی و دارای منشائی عقلائی از قبیل پیش بینی طیب ترس مرگ وجود داشته باشد بخاطر احتیاط در زنده ماندن سارق آن دستش قطع نمی شود، حال آیا در این فرض دست چپ سالمش قطع می شود؟ اگر جاری ساختن حد و مثلاً بریدن دست دزد باعث سرایت جراحت به بالاتر شود نه حاکم ضامن آنست و نه اجراء کننده حکم او، هر چند که زمان اجرای حد زمان مناسبی نبوده باشد، مثلاً در شدت سرما و یا شدت گرما باشد، بلکه این دستور استجابی را داده اند که در تابستان اجرای حد را یا در ابتدای روز انجام دهند و یا در آخر روز، و در زمستان در وسط روز تا شدت گرمای تابستان و سرمای زمستان محکوم را عقوبت بیشتری ندهد.

قسامه

اگر در همان فرض قبلی بعد از اداء قسامه (اثبات وقوع جنایت) و محکوم شدن متهم دارای لوث (وجود قرائن) خواست قصاص کند و او را به قتل برساند باید نصف پول خون او را به او بدهد (چون فرض این بود که دو نفر را متهم به قتل کرده بود) ، و همچنین است آن فرد دوم که اگر (مدعی بینه آورد) و یا سوگند مردوده را اداء کرد و تصمیم گرفت او را نیز به قتل برساند واجب است نصف پول خونس را به او بپردازد و سپس به قتل برساند.

### کافر

صاحبان همه مذاهب اسلامی چه مذهب حق و چه باطل خون بهایشان برابر است مگر آن فرقه ای که شارع اسلام آن را محکوم به کفر کرده اند ، مانند ناصبی ها (کسانیکه با امام امیرالمومنین علیه السلام دشمنند و دشمنی با آن جناب را جزء دین خود می دانند) و غالی ها (کسانیکه بر خلاف دسته قبلی برای آن جناب مقام الوهیت قائلند) و اما اگر غلو آنان درباره آن جنایت به این حد نرسد محکوم به کفر نیستند ، و یکی دیگر خوارج.

### کافر حربی

در کشتن کافر کفارۀ واجب نمی شود ، چه کافر حربی و چه ذمی و چه معاهد ، چه قتل عمدی و چه غیر آن. اگر جماعتی در قتل یک نفر شریک باشند چه قتل عمدی و چه خطائی ، بر هر یک از آنان کفارۀ ایکه گفته شد واجب می شود.

### کفار ذمه مسلمین

کفاری که در ذمه مسلمین نیستند خونشان و اعضاء و جراحاتشان خون بها و دیه ندارد ، چه اینکه با مسلمین معاهده ای داشته باشند یا نه ، و چه اینکه دعوت از اسلام به آنان ابلاغ شده باشد یا نه ، بلکه ظاهر این است که اهل ذمه هم اگر از ذمه اسلام خارج شود

و یا از دین خودش به سوی دین دیگری که آن نیز دین ذمی است مرتد شود آیا دیه دارد یا نه؟ محل اشکال است، هر چند که بعید نیست داشته باشد.

## گناهان کبیره

گناهان کبیره عبارتند از هر گناهی که وعده آتش و یا عقاب در برابر آن وارد شده باشد و یا در اجتناب مردم از آن تشدید عظیمی شده باشد و یا دلیلی وارد شده باشد بر اینکه آن گناه از بعض گناهان کبیره بزرگتر و یا مساوی آن است و یا عقل حکم کند باینکه آن گناه کبیره است و یا در ارتکاز مردم متشرع این باشد که فلان گناه کبیره است و یا نصی بر کبیره بودن آن گناه رسیده باشد. و اینگونه گناهان بسیار است که بعضی از آن ها در اینجا ذکر می شود:

- ۱- نومییدی از رحمت خدای تعالی. ۲- ایمنی از مکر و عقاب خدا. ۳- دروغ بستن به خدا و یا رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا به اوصیاء آن جناب علیهم السلام. ۴- کشتن کسی که خدایتعالی کشتن او را تحریم کرده و خونش را محترم دانسته مگر آن که جنبه قصاص و اجراء حدود الهی داشته باشد. ۵- عاق پدر و مادر شدن. ۶- خوردن مال یتیم. ۷- نسبت زنا دادن به زنان پاکدامن. ۸- فرار از جنگ. ۹- قطع رحم. ۱۰- سحر. ۱۱- زنا. ۱۲- لواط. ۱۳- سرقت. ۱۴- قسم دروغ. ۱۵- کتمان شهادت. ۱۶- شهادت به ناحق دادن. ۱۷- عهد شکستن. ۱۸- و حیف در وصیت (که عبارت است از بیش از ثلث وصیت کردن). ۱۹- شراب نوشیدن. ۲۰- ربا خوردن. ۲۱- سحت (یعنی بهای چیزهای حرام و مزد کارهای حرام). ۲۲- قماربازی. ۲۳- خوردن گوشت مردار و گوشت خوک و خون و گوشت هر حیوانی که هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بوده باشند، مگر آن که ضرورت خوردن این چند چیز را ایجاب کند. ۲۴- در کیل و وزن خیانت کردن. ۲۵- رفتن و مهاجرت بمکانی که در آن جا انجام وظائف دینی میسر نیست. ۲۶- ظالم را در ظلمش کمک کردن. ۲۷- به کمک و پشتیبانی ظالم اعتماد داشتن. ۲۸- حقوق دیگران را بدون هیچ عذری نگهداشتن. ۲۹- دروغ. ۳۰- تکبر. ۳۱- اسراف و

ریخت و پاش کردن. ۳۲ - خیانت به امانات. ۳۳ - غیبت. ۳۴ - سخن چینی. ۳۵ - سرگرمی به لهو و لعب. ۳۶ - سبک شمردن حج و بی اعتنائی به آن. ۳۷ - ترک نماز. ۳۸ - ندادن زکوة. ۳۹ - اصرار بر گناهان کوچک. اینها گناهان کبیره بود. و اما شرک و وزیدن بخدای تعالی و انکار آن چه او بر پیامبرش نازل کرده و محاربه با اولیاء خدا از همه آن گناهان بزرگتر است و لکن شمردن آن ها در اعداد گناهانی که اجتناب از آنها در عدالت معتبر است نوعی مسامحه است (زیرا در حد کفر است). ۴۰ - حسد. ۳۷

## مجازات قانونی

### قانون اساسی جمهوری اسلامی

تئوری ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) قداستی یافته است. در اصول ۱۰۷ تا ۱۱۲ فصل هشتم قانون اساسی قدرتی فوق قانون برای رهبری (بخوانید ولی امر) اعطا کرده و می نویسد ولی امر باید «فقیهی شجاع، عادل، مدیر و مدبر» باشد که «دارای مقبولیت عامه» باشد. از جمله حقوق و اختیارات خاص رهبری عبارتند از نصب اعضای شورای نگهبان که بررسی و نظارت بر مصوبات مجلس از حیث انطباق با موازین شرعی، در شمار وظایف آن است.

بر حسب نظر مفسرین وفادار آرای خمینی، احکام و فتاوی چنین فقیه حاکمی دو نوع است: نوع اول صرفاً ناظر است به تکالیف و فرائض مسلم دینی بدون اینکه متضمن حکم جدیدی باشد که قبلاً وجود نداشته و کاشف از نظر شارع است، در حالی که نوع دوم احکامی است که حاکم فقیه بر اساس تشخیص و استنباط شخصی خود صادر می کند و آن را به مصلحت یا به نفع مردم می داند ولو اینکه هیچگونه پشتوانه یا سابقه دینی نداشته باشد. نمونه نوع اول، مثل اعلام رؤیت هلال ماه برای آغاز ماه های قمری و نمونه دوم مانند تعیین قیمت کالا و ارزاق. احکام نوع اول برای سایر فقها الزام آور نیست و آنها می توانند نظری مخالف حاکم فقیه داشته باشند، معذالک حاکم به نیت حل مناقشات می تواند در قوانینی که مربوط به حکومت است قائل بر استثنا شود، در غیر این صورت مناقشات تا ابد حل نشده می ماند. ولی احکام نوع دوم همواره لازمالاجراست: به خاطر حفظ وحدت مسلمین و نظم عمومی جامعه، برای همه حتی فقیهی که مخالف آن باشد لازم است که از آن پیروی کند.<sup>۳۰۸</sup>

۳۰۸. همان المکاسب المحرمه.

به طور کلی، استدلال خمینی در مورد ضرورت تبعیت فقهای که حکومت را در دست ندارند یا غیر سیاسی اند از فقیه حاکم صرفاً حقوقی یا مبتنی بر منابع سنتی دینی نیست، بلکه عملگرایی خود اوست. افزون بر این، اگر چیز نو یا بی سابقه ای در آرای ایشان در باب ولایت باشد، بیشتر همین ضرورت اولویت و برتری فقیه حاکم بر دیگر فقیهان است، تا نفس حکومت فقها.

رهبری سیاسی در جمهوری اسلامی، در واقع مبتنی بر نظرها و آرای است که ایشان در کتاب البیع خود ابراز کرده است. گرچه از «مرجعیت» سایر فقهای جامعالشرايط مصون مانده است، اما در مسائل سیاسی، احکام ولایی خمینی است که اغلب فائق است. سیستمی که در ایران پدیدار شده فی الواقع نوعی «اتوکراسی» است که مشکل می تواند با جمهوری خواهی یا دموکراسی چنان که در غرب فهمیده می شود، همسو باشد.

عامه شیعیان معمولی انتظار را این گونه می فهمند که تحقق واقعی عدالت چه به معنای عدالت جهانی و چه به مفهوم اجتماعی و حقوقی، منحصرأ مشروط به ظهور امام غایب است و فرج ایشان هنگامی انجام می شود که جهان پر از ظلم و جور شده باشد. خمینی بدون اینکه عقیده به مهدویت را رد کند، می کوشد آن را از محتوای سیاسی ش تھی کند. یعنی شیعیان را به تشکیل دولت اسلامی فرا می خواند و آشکارا این عقیده عامه را سخیف می خواند که عدالت حضرت مهدی هنگامی فائق می شود که سراسر جهان مملو از ظلم و جور شده باشد.<sup>۳۰۹</sup>

ذیلا، مهمترین احکام جزایی ولایت مطلقه فقیه و این همانی آنها را با احکام مجازات مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی را می آوریم:

اصل ۵۷

۳۰۹. روح الله خمینی، نامه ای از امام موسوی کاشف الغطاء، ص ۷۶

اصل پنجاه و هفتم: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال میگردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.<sup>۳۱۰</sup>

### حد قصاص

کتاب سوم قصاص، باب اول - حد قصاص نفس، فصل اول - قتل عمد، ماده ۲۰۴، قتل نفس بر سه نوع است: عمد، شبه‌عمد، خطا.

ماده ۲۰۷، هر گاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص (اعدام) می‌شود و معاونت در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود.

براساس مقررات فقه اسلامی و قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، علیرغم این که قتل ارتكابی عمدی است، مجازات قصاص ثابت نمی‌شود و بر حکم کلی قصاص در قتل عمدی استثنائاتی وارد می‌شود. یکی از استثنائات موجود در راه ثبوت قصاص رابطه خونی بین قاتل و مقتول است. یعنی اگر پدری فرزند خود را بکشد به رغم احراز عمدی بودن جنایت، پدر قصاص نخواهد شد، بلکه در اینجا مجازات وی مشتمل بر پرداخت دیه و تعزیر است. این حکم، براساس روایات اسلامی در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی منصوص شده است.

ماده ۲۲۰ قانون مجازات: در واقع مجرمین قتل‌های ناموسی در ایران در پناه دو ماده قانونی ۲۲۰ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بدون نگرانی از مجازات، اقدام به قتل زنان می‌کنند.

ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی: ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

۳۱۰ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهیه و تنظیم: محمد فتحی، کاظم کوهی اصفهانی، انتشارات

پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ ۱۳۹۷

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی: ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند.<sup>۳۱۱</sup>

#### حد سرقت

قانون مجازات اسلامی، کتاب اول، فصل چهارم، حد سرقت، ماده ۲۰۱، حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

ج- در مرتبه سوم حبس ابد.

د- در مرتبه چهارم اعدام است، ولو سرقت در زندان باشد.

#### حد محاربه

براساس تعریف قانون مجازات اسلامی هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض است و میان سلاح سرد (همچون چاقو، قمه، شمشیر، نیزه و...) و سلاح گرم (تفنگ، هفت تیر، مسلسل و...) تفاوتی نیست.

۳۱۱- پروین بختیاری، فاجعه خاموش قتل‌های ناموسی در ایران، چاپ آرش، توانا، ۲۰۱۰، ص ۵۵ (هادی قابل: این ماده مبنای قرآنی ندارند و روایت هستند)

در شرح قوانین کیفری مصوب مجلس شورای اسلامی ایران آمده است: شیخ مفید و گروهی دیگر از فقها، کیفر محارب را تخیری می دانند، ولی شیخ طوسی می گوید: کیفر محارب ترتیبی است. بدین معنا که محارب هرگاه کسی را کشته و مالی را برده باشد، مال از وی پس گرفته می شود و دست و پایش قطع می شود و سپس کشته و به دار آویخته می شود. و هرگاه مالی را ربوده و کسی را نکشته باشد، دست و پای او از راست و چپ قطع می شوند. و هرگاه کسی را زخمی کرده، و مالی نبرده باشد، قصاص عضو می شود و سپس تبعید می گردد. و اگر به برهنه کردن سلاح و ترسانیدن مردم اکتفا کرده باشد، فقط تبعید می شود. ۳۱۲

#### حد افساد فی الأرض

فصل سوم - حد محاربه و افساد فی الارض، ماده ۱۹۰، حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است:

- ۱ قتل
- ۲ آویختن به دار
- ۳ اول قطع دست راست و سپس پای چپ
- ۴ نفی بلد

#### سنگسار

#### آمار سنگسار

ایران یکی از شش کشوری است که سنگسار را در قوانین جزائی خود گنجانده است، علیرغم این که چنین حکمی در قرآن وجود ندارد، از نگاه فقها، در ایران این حکم به

۳۱۲ - علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ناشر: طبع و نشر، ۱۳۹۰، ص ۸۲۲.

عنوان مجازات و برای افراد متأهلی که با فرد دیگری غیر از همسر خود رابطه جنسی برقرار کنند و این رابطه با شهادت چهار شاهدی که دادگاه آنان را عادل تشخیص دهد یا چهار بار اعتراف فردی که مرتکب این عمل شده، ثابت شود قابل اجراست. اجرای این حکم در ایران همواره با موضع گیری‌های تند و انتقادی از جانب مجامع بین‌المللی و حقوق بشر و تلاش فعالان داخلی برای حذف این مجازات از قوانین جاری روبرو بوده است.

سنگسار یک نوع مجازات مرگ است که از طریق پرتاب سنگ (که به صورت گروهی انجام می‌شود) به طرف مجرم صورت می‌گیرد. سنگسار یا رجم در فقه ولایت مطلقه از مجازات‌ها و جزو حدود فقهی است و به جرائمی مانند زنا با شرایطی خاص تعلق می‌گیرد. در اجرای حکم سنگسار، مجرم را تا کمر، در گودالی قرار می‌دهند و به او سنگ پاتاب می‌کنند تا کشته شود.<sup>۳۱۳</sup>

#### حد ارتداد

از جمله مجازات ارتداد که در قرآن وجود ندارد، مجازات ارتداد در لایحه قانون مجازات جدید از سوی شورای نگهبان تأیید گردید، تصویب کنندگان لایحه جدید با اختصاص ماده ای مستقل به بحث ارتداد کوشیده اند تا مشکل کمبود قانون برای اعدام مرتدان را از پیش پای قاضیان بردارند و بدین ترتیب مجازات مرگ را برای مرتد در نظر گرفته اند که در ذیل به موارد مربوط به «ارتداد» در لایحه قانون مجازات اسلامی جدید اشاره می‌شود:<sup>۳۱۴</sup>

ماده ۱-۲۲۵: مسلمانی که به طور صریح اظهار و اعلان کند که از دین اسلام خارج شده و کفر را اختیار نموده، مرتد است.

۳۱۳ - مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۷۱

۳۱۴ - کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش، ماده ۲۲۵ - مرکز اسناد حقوق بشر در ایران.

ماده ۳-۲۲۵: مرتد بر دو نوع است: فطری و ملی.  
 ماده ۴-۲۲۵: مرتد فطری کسی است که حداقل یکی از والدین او در حال انعقاد نطفه مسلمان بوده و بعد از بلوغش اظهار اسلام کرده و سپس از اسلام خارج شود.  
 ماده ۵-۲۲۵: مرتد ملی کسی است که والدین وی در حال انعقاد نطفه غیر مسلمان بوده و بعد از بلوغش به اسلام گرویده و سپس از اسلام خارج و به کفر برگردد.  
 ماده ۷-۲۲۵: حد مرتد فطری قتل است.  
 ماده ۸-۲۲۵: حد مرتد ملی قتل است؛ اما بعد از قطعیت حکم تا سه روز ارشاد و توصیه به توبه می شود و چنانکه توبه ننماید، کشته می شود.

#### حد شراب خواری

ماده ۱۷۹: هر گاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود.

#### تعزیر

بند ۴ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی تعزیر مجرمین و اجرای حدود را وظیفه قوه قضائیه قرار داده است، در اصل ۴ این قانون نیز مقرر داشته که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی باید بر اساس موازین اسلامی باشد. در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی حدود در زمره مجازات‌های مقرر در این قانون بیان شده و تعریف حد نیز در ماده ۱۳ آمده است.

#### مجازات کور کردن

ماده ۴۰۶ قانون مجازات اسلامی: پلک دارای مژه، در برابر پلک بدون مژه قطع نمی شود لکن پلک چشم بینا در برابر پلک چشم نابینا قصاص می شود.  
 مطابق مواد ۴۰۲ تا ۴۰۶ قانون مجازات اسلامی که اشعار می دارد:

ماده ۴۰۲- اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می شود، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه ای به وی پرداخت نمی شود. این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است.

ماده ۴۰۳- اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مجنی<sup>۱</sup> علیه می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مجنی<sup>۲</sup> علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد، که در این صورت می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب، نصف دیه کامل را دریافت نماید.

ماده ۴۰۴- اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقه چشم دیگری، بینایی آن را از بین ببرد، فقط بینایی چشم مرتکب، قصاص می شود. چنانچه بدون آسیب به حدقه چشم، قصاص ممکن نباشد، مجازات تبدیل به دیه می شود و مجرم به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود.

ماده ۴۰۵- چشم سالم، در برابر چشمهایی که از لحاظ دید و یا شکل، متعارف نیستند، قصاص می شود.

ماده ۴۰۶- پلک دارای مژه، در برابر پلک بدون مژه قطع نمی شود لکن پلک چشم بینا در برابر پلک چشم نابینا قصاص می شود.

## اندکس

### A

AMIR-MOEZZI, 34  
Analiza Ciampi, 238  
Anthony Giddens, 264  
Awadh, 58

### B

Bernard, 35  
Botiveau, 35, 269, 272  
BOTIVEAU, 35  
Bouhler, 114  
Brill, 34

### C

Calder, 33  
CALDER, 33  
Cheela Abu Asuji, 244  
cide, 13  
Convention, 297

### D

Dominique Attias, 247  
Don Luigi Sturzo, 129

### E

Eric David, 249

### F

Fasces, 128  
Fascism, 127, 131

### G

geno, 13  
Geoffrey Robertson, 226, 273  
Gerhard Werle, 14  
Goldziher, 32  
GOLDZIHHER, 33  
Gregory Stanton, 246  
Gürtner, 114

### H

Harald, 34  
Hugh Trevor-Roper, 130

### I

Irwin Cotler, 248  
*Islam*, 33, 34

### J

Jeffrey Nice, 236, 237  
Joseph, 33, 38

### L

Logos, 29, 30  
Lord Slynn, 237, 238

### M

Melanie O'Bryn, 241  
Mohammad Ali, 34  
Motzki, 34

<b>N</b>	ابن ادريس حَلِّي ٥٠،
Nariman, 33	ابن البرَّاج ٥٠،
Nations Unies, 10, 297	ابن تيميه ٢٨٤، ٢٨٢، ٢٨٠، ١٠٥،
Nomos, 29	ابن زهره ٥٠،
Norman, 33	ابو المكارم عزَّالدين ٥٠،
Nyhaesham, 158	ابو جعفر شلمغانى ٨٩،
<b>O</b>	ابو حنيفه ١٠٥،
Opera Omnia, 129	ابو دعاء ٢٧٦،
<b>P</b>	ابو مصعب الزرقاوى ٢٧٥،
Paris, 31, 33, 34, 38	ابوالحسن اصفهانى ٣٠٩،
PMOI, 228	ابوالحسن بنى صدر ١٤٨،
<b>R</b>	ابوبكر البغدادي ٢٧٨، ٢٧٧، ٢٧٦،
Rothschild, 88	ابوحمز ه المهاجر ٢٧٧،
<b>S</b>	ابوريجينال ١٦،
SCHACHT, 33, 38	ابوعمر البغدادي ٢٧٧، ٢٧٦،
Schact, 33	ابوغريب ٢٧٦،
<b>T</b>	ابومسلم ٦،
Tahar Boumedra, 242	ابى خديجه ٨٨،
Tyan, 34	اتحاد شوروى ٢١،
TYAN, 34	احد عزيزى ١٤٤،
<b>I</b>	احسان خيرى ١٦٩،
ابراهيم ٢٤٢، ٢٣٢، ١٢٥، ٨،	احمد بن حنبل ٢٧٧، ١٠٥،
ابراهيم رئيسى ٢٥٥، ٢٤٢، ٢٣٢، ١٢٥،	احمد حيدرى ١٦٩،
ابراهيم البدرى ٢٧٦،	احمد خمينى ٢٦٩، ١٣٩، ١٠٨،
ابراهيم يزدي ٨٤،	

اسپانيا ۱۲۸ ،	احمد خوانساری ۵۰ ،
اسپانيولی ۲۹۹ ،	احمد رشیدی ۷۹ ،
استالین ۲۵۹ ،	احمد شهید ۲۲۹، ۲۲۸ ،
استرالیا ۲۴۱، ۱۲۱، ۱۷، ۱۶ ،	احمد طالبی ۱۵۹ ،
استروان استیونسون ۲۵۵ ،	احمد فاضل الخلایلہ ۲۷۵ ،
اسحاق بن یعقوب ۱۰۴ ،	احمد گنجہ ای ۱۴۳ ،
اسد اللہ لاجوردی ۱۱۷ ،	احمد نراقی ۲۷۸، ۳۷ ،
اسد اللہ اعلم ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۶۸ ،	احمد ہندی ۵۷ ،
اسرائیل ۲۷۸، ۲۲۵، ۱۷۸، ۱۲۰، ۷۲ ،	احمد جنتی ۱۰۰ ،
اسفار ۵۸ ،	احمد حسین فلاحي ۱۹۲ ،
اسفندیار صادق زادہ ۱۶۱ ،	اخوان المسلمین ۲۸۱ ،
اسماعیل آقا سیمقتو ۲۲ ،	اراکت ۵۸ ،
اشراقی ۲۵۷، ۱۲۵، ۱۱۲، ۱۰۲ ،	ارامنه ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۰، ۱۱۵، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۴ ،
اصغر اخوان قدس ۱۴۴ ،	ارتداد ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۲۴، ۱۱۱، ۵۴، ۴۹، ۴۸ ،
اصغر فلاحي ۱۴۴ ،	۳۲۱، ۳۱۲، ۳۱۱، ۲۲۷، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۰ ،
اصغر ہارون رشیدی ۱۷۰ ،	اردشیر امیرارجمند ۱۷۲ ،
اصفہان ۱۷۶، ۱۷۲، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۴۳، ۵۸ ،	اردشیر خانی ۱۴۴ ،
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۳۰۹	ارسطو سیاح ۱۸۰ ،
	ارسنجانى ۷۰ ،
	ارگنجی ۱۴۵ ،
	ارمنستان ۵ ،
	ارومیہ ۲۷۱، ۲۵۷، ۱۲۱، ۲۶، ۲۳، ۲۲ ،
	اروین کاتلر ۲۴۸ ،
	اریک داوید ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹ ،
	افلاطون ۲۹ ،
	اکبر گنجی ۱۸۳ ،

البقرة ٤٣ ،	ايرلند ١٦ ، ٤ ،
التهديب ٣٨ ،	ايزديان ٢٨٧ ،
العالمى ١٠٥ ، ١٠٤ ،	ايلخانى ٦ ،
القاعده ٢٧٥ ،	ايمن الظواهرى ٢٧٦ ،
الكافى ٣٨ ،	
الكرار ٢٧٦ ،	آ
المكاسب ٥٩ ،	آبادان ١٣٩ ، ١٣٨ ،
النصر به الرعب ٢٨٣ ،	آتن ٢٩ ،
النصره ٢٨٠ ،	آذربايجان ٢٧١ ، ١٧٥ ، ١٣٧ ، ١٢١ ،
النهايه ٣٨ ،	آرش خدرى ١٦٩ ،
الوسائل ١٠٥ ، ١٠٤ ،	آسشويتس ٢٤٩ ،
امجديه ١٤٤ ،	آفريقا ٢٠ ،
اموى ١١٩ ، ٦ ،	آفا پطرس ٢٢ ،
امير كبير ٢٨ ،	آل بو بدرى ٢٧٦ ،
امير المومنين ٣١٣ ،	آلمان ١٥٨ ، ١٢٨ ، ٨٤ ، ٢٥ ، ٢١ ، ١٩ ، ١٨ ، ٥ ،
امير عبد اللهيان ١٧٦ ،	١٦١ ، ١٦٢ ، ٢٦٩ ،
امير على حاجى زاده ١٧٥ ،	آلن درشويتز ١٢٠ ،
امين رمضانى ١٦٩ ،	آليڪ ٢٣ ،
انصار ٢٧٥ ، ١٩٠ ، ١٨٩ ،	آمريكا ١٢٣ ،
انگلستان ٢٥٥ ، ٢٣٨ ، ٢٣٢ ، ٢٣١ ، ٢٢١ ، ٧١ ،	آمل ١٤٥ ، ١٤٤ ،
انگليس ٢٧٥ ، ٢٦ ، ٢٢ ،	آموزگار ٧٩ ،
انگليس ٨٤ ،	آناتولى ٦ ،
اهواز ١٧١ ، ١٤٧ ،	آناليزا چامپى ٢٣٨ ،
ايتاليا ١٢٩ ، ١٢٨ ، ١٢٧ ،	آنتورپ ٢٤٩ ،
	آينگ ٢٣ ،

پ

پاریس، ۲۶۹، ۲۴۵، ۱۵۹، ۱۵۸، ۹۷، ۸۳، ۸۲،  
۲۷۰، ۲۷۱  
پاوه ۱۴۶،  
پردیس ۲۶۸،  
پرویز دستمالچی ۲۶۹، ۱۶۱،  
پروین صادقی ۱۴۳،  
پوران ۲۶۸،  
پیر گالان ۲۵۱،  
پیراهن قهوه‌ای ۱۳۲،  
پیگمی ۲۰، ۴،

ت

تاتانوس میکائیلیان ۱۸۲،  
تامیل‌ها ۲۵۸،  
تبریز ۲۵۷،  
تبریز ۶۲،  
تحریر الوسیله، ۵۹، ۵۶، ۵۳، ۵۲، ۴۰، ۳۹،  
۲۶۶، ۳۰۹  
ترکیه ۲۶۹، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۶۰، ۱۸، ۴،  
تعزیر ۳۲۲،  
تنبيه الامم و تنزيه الملة ۱۰۲،  
توتسی ۲۱، ۲۰،  
تورات ۳۰،

ب

بخارست ۱۵۸،  
برلین ۲۶۹، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۳۰،  
بروجردی ۶۸، ۶۷، ۶۱،  
بریتانیا ۱۷۶، ۱۳۰، ۲۲، ۱۶،  
بغداد ۲۷۷، ۲۷۶، ۸۲، ۳۹،  
بلالی ۸۹،  
بلژیک ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹،  
بلوچستان ۲۵۵، ۲۰۷، ۱۷۵،  
بن شمس‌الدین محمد ۵۱،  
بن فهد حلی ۵۰،  
بندرانزلی ۱۹۵،  
بندرعباس ۱۴۴،  
بنیامین مارشیمون ۲۲،  
بنی قریظه ۱۷۹،  
بنی‌نضیر ۱۷۹،  
بورسای ترکیه ۷۹،  
بهاء‌الله ۱۸۴،  
بهرام دهقانی ۱۸۱،  
بهرام رحمانی ۲۵۸، ۲۵۳،  
بهشت زهرا ۲۹۱، ۸۴،  
بهشتی ۸۶،  
بیت المقدس ۳۱،  
بیروت ۱۷۷، ۴۵، ۴۲،

تهران ، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۸، ۴۷، ۵۴، ۵۷، ۶۱، ۸۳، ۸۴، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۷، ۲۹۰، ۳۲۱

تیمورخان ۶،

تیمورلنگک ۶،

### ج

جاوید رحمان ، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۱۸۴، ۲۴۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۱۱، جرج اورول ۱۲۷، جعفر صادق ۳۷، جعفری نایس ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۷، ۲۳۶، جلالیه ۵، جلیل مرادپور ۱۴۳، جمهوری ۲۹، جنگ‌های صلیبی ۱۱، ۲۵۹، جواد کریمی قدوسی ۱۶۹، جوانی جنتیلی ۱۳۱، جيش العدل ۱۴۷، جیلولوق ۲۶، ۲۱،

### چ

چاتام ۱۶، ۱۵، چالمرز جانسون ۸۰، چریک‌های فدایی ۱۲۱، ۶۰، چنگیزخان ۶، چیله ابو اسوجی ۲۴۴،

### ح

حائری ۶۷، حد ۵۳، حدود ۳۰۵، حزب الله ۲۸۱، ۱۸۹، ۱۱۳، حزب بعث ۱۱۱، حسن (شاهین) تر کاشوند ۱۷۰، حسن دهقانی ۱۸۱، حسن روحانی ۲۶۱، حسن نصرالله ۲۸۲، حسین تکبعلی زاده ۱۳۹، حسین راستی کاشانی ۱۰۰، حسین رشنو ۱۶۹، حسین سالار محمدی ۱۴۴، حسین سودمند ۱۸۱، ۱۵۳، حسین موید عابدی ۱۹۵، حسین شفیع زاده ۱۶۹،

حسینعلی منتظری، ۱۹۳، ۱۵۰، ۱۲۵، ۱۰۲، ۱۰۰،  
۲۲۱، ۲۷۰  
حسین قمی ۶۳،  
حکیم ۶۱،  
حمد ۵۹،  
حمزه بن علی ۵۰،  
حمزه لشنی ۱۶۹،  
حمید روحانی ۸۵،  
حمید عنایت ۲۶۳، ۲۶۱،  
حمیدرضا رضایی ۱۴۴،  
حیفا ۱۷۸،

## خ

خالد الفهداوی ۲۷۷،  
خاور نزدیک ۲۷۸،  
خراسان ۱۹۶، ۶،  
خرسندی ۵،  
خلخالی ۲۵۶، ۱۹۸، ۱۴۶، ۱۴۱،  
خلفای راشدین ۸۹،  
خمینی ۵۳، ۵۲، ۴۸، ۴۲، ۴۰، ۳۹، ۳۷، ۳۶،  
۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳،  
۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵،  
۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸،  
۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸،  
۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹،  
۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱،

۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹،  
۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲،  
۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۹،  
۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۲،  
۲۴۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳،  
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳،  
۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۹  
خمین ۵۸،  
خمینی ۶۸، ۶۷، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۳۷،  
۱۰۲، ۹۰، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۷۹،  
۳۰۹، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۲، ۱۳۵،  
خوانساری ۶۱،  
خیرالله اقبالی نژاد ۱۴۴،

## د

دادگاه بین المللی مردمی آبان ۲۵۳، ۲۵۲،  
دار الاسلام ۳۰۳، ۲۶۵، ۱۰۶،  
دار الحرب ۳۰۳، ۲۶۵، ۱۰۶،  
دار یوش همایون ۷۹،  
داعش ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۵، ۱۴۷،  
۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۴،  
۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳،  
داود سلیمانی ۱۴۴،  
دریای سیاه ۱۷،  
دره گز ۱۴۳،  
دزق سر ۵۷،  
دومینیک آتیاس ۲۵۴، ۲۴۷،

دیلی تلگراف ۲۳۸،

دیوید اسنایدر ۲۵۹،

روضه الصفا ۱۱۳،

روهینگیا ۲۴، ۲۶، ۲۴۶،

## ذ

ذخیره الصالحین ۳۰۹،

## ر

رابر تسون ۲۴۳، ۲۲۶، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۱۳۵،

راتکو ملادیچ ۲۱،

رافائل لمکین ۱۳،

رامسر ۱۴۴،

رائول والنبرگ ۲۴۸،

رشت ۲۹۰، ۲۰۷، ۱۴۵، ۱۴۳،

رضا حامدی ۱۴۴،

رضا مظلومان ۱۵۸، ۱۵۴،

رضا ملک ۱۲۲،

رضاخان ۹۷، ۷۰، ۶۳،

رضاشاه ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۵۹،

رواندا ۲۲۷، ۲۲۵، ۱۴۰، ۲۵، ۲۱، ۲۰، ۱۱،

روتجیلد ۸۷،

رودسر ۱۴۴،

روزنامه اطلاعات ۱۴۸، ۸۰، ۷۹،

روسی ۲۹۹،

روسیه ۲۴۵، ۲۲۷، ۱۳۱، ۲۲،

## ز

زاهدان ۲۹۰، ۲۰۷، ۱۷۶، ۱۷۵،

زرتشتی ۱۸۰، ۱۷۷، ۱۳۷،

زهرا رجبی ۱۵۷،

## ژ

ژان پل سارتر ۱۲،

ژیسکاردستن ۸۴،

ژینا ۲۳۰، ۲۰۷، ۲۰۶،

## س

سارا حسین ۲۳۶، ۲۳۵،

سارو قهرمانی ۱۷۰،

ساسانیان ۳۳،

سامراء ۲۷۷، ۲۷۶،

سانفرانسیسکو ۲۰۴،

سَبَّ النَّبِيِّ ۴۸،

سَبَّ نَبِيِّ ۳۰۴،

سَبْت ۳۰،

سپاه رمضان ۲۸۱،

سپاه قدس ۲۸۱،

سپهد بدره ای ۸۵،

## ش

- شاپور بختیار ۱۵۷،  
شامات ۲۷۵،  
شاه شجاع ۱۱۳،  
شریعی نمیری ۸۹،  
شریعتمداری ۶۱، ۶۲،  
شکرالله مشکین فام ۱۴۴،  
شهاب الدین مرعشی ۱۰۰،  
شهاب امان اللهی ۱۷۰،  
شهرام اسماعیلی ۱۴۵،  
شهرمهاباد ۱۴۶،  
شیخ طوسی ۳۸، ۴۵، ۵۳، ۳۲۰،  
شیخ کلینی ۳۸،  
شیخ مفید ۳۸، ۳۲۰،  
شیخ محمد خیابانی ۶۲،
- سریلانکا ۲۵،  
سعید امامی ۱۵۲،  
سقز ۲۰۷، ۱۷۴، ۱۴۶،  
سلطان آباد ۵۸،  
سلطان محمود ۱۱۳،  
سلماس ۲۶، ۲۳،  
سمیه نقره خواجا ۱۴۵،  
سنگسار ۵۳،  
سنندج ۲۵۷، ۲۰۷، ۱۴۶،  
سوره أحزاب ۵۱،  
سوریه ۲۸۵، ۲۸۰، ۲۷۸، ۱۵۷، ۱۷،  
۲۸۷، ۲۹۳  
سولدوز ۲۶،  
سولون ۲۹،  
سولیوان ۸۳،  
سوئد ۲۵۶، ۲۵۵، ۱۹۹، ۱۵۸، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹،  
سوئیس ۲۱۶، ۱۵۹،  
سیاوش شمس ۱۴۳،  
سیما صباغ خوشکار ۱۴۴،  
سیمین بهروزی ۱۹۵،  
سینا قنبری ۱۷۰،  
سیدمصطفی ۳۰۵،  
سید یعقوب ۶۲،  
سید یونس اردبیلی ۶۳،

## ص

- صادق خلخالی ۶۸، ۶۷،  
صادق شرفکندی ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۷،  
صادق قطب زاده ۸۴،  
صحیفه ۳۷، ۴۱، ۵۷، ۵۹، ۶۶، ۷۴، ۷۷، ۷۹،  
۹۱، ۹۴، ۱۱۳، ۲۸۹  
صحیفه نور ۲۸۹، ۹۱، ۷۷، ۷۵، ۷۴، ۶۶،  
صلام ۱۱۱،

عباس امیری ۱۸۲،	صدوق ۱۰۴،
عباس عمانی ۱۴۲،	صدیقه طاهره ۴۸،
عباسیان ۳۹، ۳۸، ۳۳،	صربرنیتسا ۱۱،
عبدالرحمان برومند ۱۴۷،	صغار ۲۹۰، ۲۷۸، ۱۲۳، ۹۰، ۸۶، ۴۱، ۳۷،
عبدالرحمن قاسمو ۱۵۷،	صفویه ۲۶۱، ۳۸، ۳۳،
عبدالشریف ۱۶۲،	صفویان ۲۶۲،
عثمان محمد امین ۱۵۸،	صلیب ۱۳۸، ۴۵، ۴۴،
عثمانی ۲۶۰، ۲۵، ۲۲، ۲۱، ۱۸، ۱۷،	صنم قریشی ۱۴۴،
عراق ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۱۱، ۱۰۱، ۹۴، ۸۵، ۸۲،	صوراسرافیل ۲۱۸،
۱۵۷، ۱۸۲، ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۷۵، ۲۷۶،	صوفیان ۲۶۸،
۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵،	
۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱	
عربستان ۲۷،	<b>ض</b>
عزیز غفاری ۱۶۱،	ضیایی ۲۸۱،
عطاله ایاد ۱۶۳،	
عفو بین الملل ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۷۲، ۱۴۵، ۱۴۱،	<b>ط</b>
۱۹۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۶۴	طالبانی ۱۹۱،
علامه حلی ۳۸،	طاهر بومدر ۲۴۲،
علی اکبر رفسنجانی ۱۳۸، ۱۰۸،	طور ۵۴، ۴۸، ۴۳، ۳۶، ۳۰، ۲۴، ۲۰، ۱۸، ۶،
علی بن محمد سمری ۸۹،	۵۹، ۷۱، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۰۳،
علی خامنه ای ۱۲۴، ۹۰،	۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۰، ۳۱۱،
علی رازینی ۱۹۶،	۳۱۷، ۳۲۱
علی ربیعی ۱۶۸،	طهماسب ۲۶۲،
علی سیستانی ۱۲۵،	
علی فلاحیان ۱۶۲، ۱۵۳، ۱۲۲،	<b>ع</b>
	عارف کبیر ۱۲۷،

- فتح عبدلی ۱۶۱،  
 فرانسه ۲۹۹، ۱۶۰، ۱۵۹، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۲۶، ۲۲،  
 فرانسیسکو ۱۵،  
 فرخرو پارسا ۷۱،  
 فرعون ۲۵۹، ۴۳،  
 فروغ جاویدان ۲۲۷،  
 فروهر ۲۹۵، ۲۸۳، ۱۵۵، ۱۵۴،  
 فریدون فرخزاد ۱۵۷،  
 فریسیان ۳۰،  
 فضل الله نوری ۸۵،  
 فلوجه ۲۸۵،  
 فواد علی صالح ۱۵۹،

## غ

- غزالی ۱۰۶،  
 غلام حسین شهاب ۱۶۹،  
 غلامحسین محسنی اژه‌ای ۱۶۹،  
 غلامرضا حسنی ۱۲۱،

## ف

- فاضل دربندی ۳۷،  
 فاطمه ۱۵۴، ۱۵۳، ۵۷،  
 فاطمه رحیمی ۱۴۵،  
 فاطمه زهرا ۳۱۱،  
 فاطمه کریمی ۱۴۵،

## ق

- قاجار ۱۴۰، ۴۲،  
 قارنای ۱۴۶،  
 قاسملو ۱۵۸، ۱۵۳،  
 قائم شهر ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۴۲،

### قتل‌های زنجیره‌ای ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۳۹،

- قرآن ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۳۴، ۳۲، ۸،  
 ۱۰۲، ۸۸، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۲، ۶۹، ۵۵، ۵۴،  
 ۲۶۵، ۲۲۳، ۱۸۴، ۱۳۸، ۱۱۹، ۱۰۸، ۱۰۵،  
 ۳۰۷، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۲۷۱، ۲۶۶،  
 ۳۲۱، ۳۲۰،  
 قربانعلی دری نجف آبادی ۱۵۳، ۱۵۲،

قره باغی ۸۳،	کشف الاسرار ۲۶۹، ۵۸، ۴۴،
قریش ۲۷۶،	کمپ لیبرتی ۲۵۱،
قزوین ۱۴۴،	کواکیان ۱۷۲،
قطب‌الدین راوندی ۵۰،	کورش ۱۷۹،
قفقاز ۲۲، ۱۷،	کینتور هند ۵۷،
قم ۱۳۹، ۱۰۰، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۶، ۷۱، ۶۱، ۵۸،	
۱۸۰، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۹۰،	ک
۳۱۵	کاشانی ۸۵،
قوم لوط ۴۳،	کشان پاریس ۸۲،
	کفایه الاصول ۱۰۲،
ک	کلنل پسیان ۶۲،
کارن خانلری ۲۳،	کمال‌الدین ۱۰۴،
کاشف الغطاء ۲۷۰، ۹۰، ۴۲،	
کاظم دارابی ۱۶۳،	گ
کاظم رجوی ۱۵۹، ۱۵۷،	گتو ها ۱۹،
کاک سعید ۱۶۱،	گرگوری استانتون ۲۴۶،
کانادا ۲۴۸،	گلاسگو ۲۵۵،
کپنهاگ ۱۵۸،	گلپایگانی ۶۲، ۶۱،
کدیور ۱۰۵،	گلوب اند میل ۲۴۸،
کرج ۱۷۶، ۱۷۲، ۱۷۰، ۱۶۷، ۱۴۵،	گنابادی ۲۰۰، ۱۷۷، ۱۶۹،
کردستان ۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۳۷،	گنکی ۶،
۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۵۵،	گوادلوپ ۸۴، ۸۳،
۲۸۵	گوهرشاد ۶۳،
کریستوفر کلمبوس ۱۵،	گیلان ۶۳، ۶۲،
کریمه ۱۱،	

ل

لاهیجان ۱۴۴،  
 لرد هدلی گوردون سلین ۲۳۷،  
 لکنو ۵۸،  
 لواط ۵۳،  
 لیلا مولوی ۱۹۶،

م

مارک مالوک ۲۱۹،  
 مای لای ۱۱،  
 مائده ۲۶۶، ۴۶، ۴۵، ۸،  
 مسبوط ۵۳،  
 محارب ۲۲۶، ۲۲۰، ۱۱۱، ۴۸، ۴۶، ۴۵، ۴۴،  
 ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۱، ۳۰۴، ۲۶۶،  
 محاربه ۲۲۰، ۱۹۳، ۱۱۱، ۵۳، ۴۶، ۴۵، ۴۴،  
 ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۵، ۲۲۶، ۲۲۳، ۲۲۱،  
 محسن ۱۰۵،  
 محسن رضانی ۱۵۶،  
 محسن رفیق ۱۵۶،  
 محسن عادل ۱۶۹،  
 محسن کدیور ۱۰۵،  
 محسن ویرایشی ۱۶۹،  
 محقق ۳۰۵،  
 محقق کرکی ۳۸،

محمد ۵۰، ۴۶، ۴۵، ۳۸، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۸،  
 ۱۱۳، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۲، ۷۵، ۶۷، ۶۲، ۵۲،  
 ۱۶۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۲۴، ۱۱۹، ۱۱۶،  
 ۳۱۸، ۲۹۰، ۲۸۴، ۲۷۱، ۲۶۹، ۱۸۰، ۱۷۷،  
 محمد ابراهیمی ۱۶۹،  
 محمد ابن عبدالوهاب ۲۸۴،  
 محمد اتریس ۱۶۳،  
 محمد باقر مجلسی ۲۸۴، ۲۶۲،  
 محمد باقر یوسفی ۱۸۲،  
 محمد پیامبر ۱۸۴،  
 محمد تقی مصباح ۲۷۱، ۱۲۴، ۱۲۳،  
 محمد جابری ۱۸۲،  
 محمد چوباک ۱۶۹،  
 محمد حسین نقدی ۱۵۷،  
 محمد خیابانی ۲۲،  
 محمد رضا پهلوی ۶۴،  
 محمد رضا شاه ۱۴۱، ۹۷، ۷۵، ۷۴، ۶۸، ۶۷،  
 محمد رضا گلپایگانی ۱۰۰،  
 محمد صادق صادقی گیوی ۱۴۱،  
 محمد صدوقی ۱۰۰،  
 محمد طلعت پاشای ۱۱۴،  
 محمد عقیف ۲۸۲،  
 محمد علوی تبار ۱۳۹،  
 محمد علی امیر معزی ۳۴،  
 محمد علی بشارتی ۱۵۶،

محمد غرضی ۱۵۶،	مرتضی پسندیده ۵۸،
محمد کاظم خراسانی ۱۰۲،	مرضیه ابراهیمی ۱۹۰،
محمد کاظم شریعتمداری ۱۰۰،	مرعشی ۶۲،
محمد محمدزاده کریمی ۱۵۸،	مری رایینسون ۲۱۹،
محمد محمدی گیلانی ۱۱۹،	مربوان ۲۰۷، ۱۴۶،
محمد مصدق ۶۲، ۵۹،	مسجد ام القری ۲۷۷،
محمد موسوی خوئینی ها ۱۵۲،	مسعود رجوی ۱۴۴،
محمد مهدی بحر العلوم ۲۷۸،	مسعود میراشاد ۱۶۱،
محمد تقی بهجت ۱۸۰،	مسیح ۱۷۹، ۳۰، ۲۹،
محمد تقی فاضل میبدی ۱۹۲،	مسیحیت ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۳۳، ۳۴، ۳۱، ۳۰،
محمد حسن آصفری ۱۹۱،	مشهد ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۶۸، ۱۳۸، ۷۱، ۶۳، ۶۱،
محمد حسین نایینی ۱۰۲،	۲۵۷، ۲۰۷، ۱۹۶، ۱۹۰،
محمد رضا پهلوی ۶۹،	مصر ۱۱۳،
محمد رضا شاه ۷۰، ۵۹،	مصطفی ۲۵۲، ۱۴۶، ۱۲۵، ۵۷، ۱۲،
محمد علی جعفرزاده ۱۸۲،	مصطفی پورمحمدی ۲۵۷، ۱۹۶، ۱۲۵،
محمد کاظم طباطبایی یزدی ۳۰۹،	مصطفی ذاکری ۱۴۴،
محمود احمدی نژاد ۲۴۸، ۱۶۵، ۱۱۹،	مظفرالدین شاه ۵۸،
محمود طالقانی ۱۴۱،	معتضد بالله عباسی ۱۱۳،
محمود کمال پاشا ۱۱۶، ۱۱۵،	مغول ۵، ۶،
مدرسه فیضیه ۷۲،	مفسد فی الارض ۴۴، ۴۳،
مرتد ۳۱۲، ۲۶۶، ۲۲۳، ۵۵، ۵۴، ۴۸، ۴۷،	مکاسب ۱۰۱،
۳۱۴، ۳۲۱، ۳۲۲	ملا حسنی ۱۲۱،
مرتضی ۲۷۱، ۱۵۵، ۱۲۵، ۵۷، ۵۳،	ملانی اوبراین ۲۴۲، ۲۴۱،
مرتضی انصاری ۲۷۱، ۱۰۱،	منافقین ۲۲۶، ۲۲۰، ۱۱۱، ۱۰۹،

## ن

- نازیسم ۲۵۹، ۱۲۸، ۱۲۶،  
نازی‌ها ۱۲۸، ۱۹، ۱۸، ۴،  
ناصر محمدی ۱۴۴،  
ناصر مکارم ۱۲۴،  
ناصرالدین سلیمان ۲۷۸،  
نجف ۲۷۸، ۲۷۰، ۹۶، ۷۸، ۶۱، ۶۰، ۴۰، ۳۷،  
۳۰۹  
نسرین رستمی ۱۴۳،  
نعمت‌الله صالحی ۱۷۰،  
نعمت‌الله شفیعی ۱۶۹،  
نگار مسعودی ۱۹۰،  
نورالدین ۵۷،  
نوراله محمد پور دهکردی ۱۶۱،  
نورنبرگ ۲۴۹، ۱۳،  
نوفل لوشاتو ۸۳، ۸۲،  
نیری ۲۵۷، ۱۲۵، ۱۱۲،  
نیشابور ۱۹۰، ۱۶۸،  
نیویورک ۲۸۲، ۲۴۲، ۲۱۰، ۱۸۸،
- منوچهر افغانی ۱۸۱،  
موریوری ۱۶، ۱۵،  
موسولینی ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸،  
موسوی اردبیلی ۸۶، ۶۷،  
موسی ۲۵۹، ۳۰،  
موسی کاظم ۳۷،  
موصل ۲۹۱، ۲۸۰، ۲۷۷،  
مولود آغا خانم ۵۷،  
مه‌دویت ۳۱۷،  
مه‌دی ۱۶۹، ۱۶۶، ۱۶۱، ۱۵۴، ۱۴۱، ۱۱۹، ۱۰۳،  
۳۱۷، ۲۷۸، ۲۷۱، ۱۸۲، ۱۸۱،  
مه‌دی ابراهیم زاده ۱۶۱،  
مه‌دی دیباج ۱۸۲، ۱۸۱،  
مه‌دی کهزادی ۱۶۹،  
مه‌دی بازرگان ۸۳،  
مه‌سا امینی ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۱، ۲۱۴، ۱۷۴،  
مینمار ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۶، ۲۴،  
میثم طاهری ۲۸۷، ۲۸۶،  
میرحسین موسوی ۱۷۲، ۱۶۶،  
میکونوس ۲۹۳، ۱۶۲، ۱۶۰،  
میلوسویچ ۲۳۶،  
میرزا کوچک خان ۶۳،  
میلانی ۶۱،
- ## و
- وحید حیدری ۱۷۰،  
وحید گرجی ۱۵۹،  
ودود پیراهنی ۱۴۵،

- 
- هوفینگ پست ۲۸۷،  
هولاگو ۶،  
هولو کاست ۱۳،  
هویدا ۱۴۱، ۸۰، ۷۹،  
هیتلر ۱۲۸، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۹، ۱۸،  
هیتلری ۱۳۲، ۱۲۸، ۵،  
هیتلر ۲۵۹،  
هاشم عبداللهی ۱۵۸،  
هامبورک ۱۵۸،  
هانری رولن ۲۴۹،  
هایک ۲۹۵، ۱۸۲، ۱۸۱،  
هرزگوین ۲۵،  
هلالی ۸۹،  
همایون اردلان ۱۶۱،  
هوتوها ۲۱،  
هوسپیان ۱۸۱،
- هوفینگ پست ۲۸۷،  
هولاگو ۶،  
هولو کاست ۱۳،  
هویدا ۱۴۱، ۸۰، ۷۹،  
هیتلر ۱۲۸، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۹، ۱۸،  
هیتلری ۱۳۲، ۱۲۸، ۵،  
هیتلر ۲۵۹،
- یوسف امین ۱۶۳،  
یوسف نادرخانی ۱۸۳،  
یوگسلاوی ۱۱،  
یونان ۲۹،  
یونیسف ۲۸۸،  
یهودیت ۲۲۴، ۱۳۳، ۳۴،
- ی

# فهرست مطالب

## نسل کشی در ایران

۳..... مقدمه

### فصل اول

۹..... تاریخچه نسل کشی

۹..... مبانی

۱۰..... سابقه

۱۵..... نمونه ها

۲۵..... جمع‌بندی

### فصل دوم

۲۷..... ولایت فقیه، ولایت مطلقه فقیه

۲۷..... پیشگفتار

۳۶..... پیدایش ولایت فقیه

۳۷..... ریشه‌یابی احکام جزایی ولایت فقیه

۳۹..... کتاب ولایت فقیه

۴۲..... نمونه احکام جزایی ولایت فقیه

۴۳..... مفسد فی الارض

۴۵..... محاربه

۴۸..... اهانت به مقدسات (سب)

۴۹..... چالشها در احکام جزایی

۵۲..... تحریرالوسیله و قوانین جزایی رژیم

### فصل سوم

۵۷..... پیدایش و سقوط خمینی

۵۷..... شجره نامه

۵۹..... زندگی سیاسی

۶۳..... سکوت در برابر رضاخان

---

۶۴.....	مخالفت با حق رأی زنان
۶۷.....	دیدار با محمد رضا شاه
۶۸.....	تسامح با محمد رضا شاه
۷۹.....	اقامت در بورسا و در نجف
۸۲.....	اقامت در فرانسه
۸۴.....	بازگشت به ایران
۸۶.....	ارتجاع خمینی
۹۳.....	صدور انقلاب
۹۴.....	صدور انقلاب تا رفع فتنه در جهان
۹۵.....	تصویب صدور انقلاب در قانون اساسی
۹۶.....	جمع‌بندی

### فصل چهارم

۹۹.....	فرضیه
۹۹.....	ولایت مطلقه فقیه = «تئوری زور»
۱۰۱.....	ارتباط ولایت مطلقه فقیه با نسل کشی
۱۰۱.....	ولایت مطلقه فقیه مصداق شرک
۱۰۴.....	فقاقت پایه قرآنی ندارد
۱۰۷.....	فرامین قتل عام خمینی
۱۱۰.....	فتوای قتل عام
۱۱۴.....	تشابه فرمانهای قتل عام
۱۱۴.....	هیتلر: فرمان قتل یهودیان
۱۱۵.....	محمد طلعت پاشا
۱۱۷.....	دستیاران قتل در ولایت
۱۱۷.....	اسد الله لاجوردی
۱۱۹.....	محمدی گیلانی
۱۲۱.....	غلامرضا ملا حسنی
۱۲۲.....	علی فلاحیان
۱۲۲.....	رضا ملک

۱۲۳.....	دستیاران تنوریک در ولایت .....
۱۲۳.....	مصباح یزدی .....
۱۲۴.....	مکارم شیرازی .....
۱۲۵.....	علی سیستانی .....
۱۲۶.....	از ولایت مطلقه فقیه تا فاشیسم دینی .....
۱۲۷.....	فاشیسم .....
۱۲۹.....	فاشیسم دینی .....
۱۳۵.....	جمع‌بندی .....

### فصل پنجم

۱۳۷.....	جنایات هدفمند ولایت مطلقه فقیه .....
۱۳۷.....	پیشگفتار .....
۱۴۱.....	کشتار سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۰ .....
۱۴۱.....	اعدام سران حکومت شاه .....
۱۴۲.....	کشتار مجاهدین خلق .....
۱۴۶.....	کشتار مردم کردستان .....
۱۴۸.....	اعدام های سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ .....
۱۴۸.....	۳۰ خرداد ۱۳۶۰ .....
۱۵۰.....	اعدام های سال ۱۳۶۷ .....
۱۵۰.....	فتوای خمینی .....
۱۵۲.....	کشتار سال ۱۳۷۸ .....
۱۵۳.....	قتلهای درون و برونمرزی .....
۱۵۳.....	قتلهای زنجیره ای .....
۱۵۶.....	قتلهای برونمرزی .....
۱۵۸.....	ترورهای هدفمند برونمرزی .....
۱۵۹.....	ترور در پاریس .....
۱۶۰.....	ترور در برلین .....
۱۶۵.....	اعدام های سال ۱۳۸۸ .....
۱۶۵.....	جنبش سبز .....

۱۶۸.....	کشتار های سال ۱۳۹۶.....
۱۷۱.....	جنایت های سال ۱۳۹۸.....
۱۷۱.....	قیامهای سراسری.....
۱۷۴.....	کشتار های خیزش سال ۱۴۰۱.....
۱۷۷.....	سرکوب اقلیت های مذهبی.....
۱۷۹.....	نمونه کشتار یهودیان.....
۱۸۰.....	نمونه کشتار مسیحیان.....
۱۸۳.....	نمونه کشتار بهائیان و دیگر اندیشان.....
۱۸۶.....	سرکوبهای ابداعی رژیم.....
۱۸۶.....	نابینا کردن سیستماتیک.....
۱۸۸.....	اسید پاشی به خانمها.....
۱۹۰.....	مسمومیت های زنجیره ای.....
۱۹۳.....	تجاوز به دختران قبل از اعدام.....
۱۹۸.....	جمعبندی.....

### فصل ششم

۲۰۳.....	گزارشها و اسناد رسمی.....
۲۰۳.....	پیشگفتار.....
۲۰۶.....	کمیساریای عالی حقوق بشر.....
۲۰۹.....	«جنایت علیه بشریت».....
۲۱۲.....	عفو بین الملل.....
۲۱۴.....	سونامی شکنجه.....
۲۱۵.....	گورهای دسته جمعی و مخفی.....
۲۱۶.....	دروغ وزیر در اجلاس سازمان ملل.....
۲۱۸.....	قضات شناخته شده بین المللی.....
۲۱۸.....	مشاهیر حقوق.....
۲۲۰.....	جفری رابرتسون.....
۲۲۸.....	احمد شهید.....
۲۳۰.....	جاوید رحمان.....

۲۳۵	.....	سارا حسین
۲۳۶	.....	جفری نایس
۲۳۷	.....	گُرد سلین
۲۳۸	.....	آنالیزا چیامپی
۲۳۹	.....	ویلیام بوردون
۲۴۱	.....	ملانی او براین
۲۴۲	.....	ظاهر بومدرا
۲۴۴	.....	چیله ابو اسوجی
۲۴۶	.....	گرگوری استانتون
۲۴۶	.....	ذرژدچژش ش زرخ حزبی)
۲۴۷	.....	دومینیک آتیاس
۲۴۸	.....	اروین کاتلر
۲۴۸	.....	زجدژرا دنجسزپ)
۲۴۹	.....	اریک داوید
۲۵۲	.....	دادگاه بین المللی مردمی آبان
۲۵۴	.....	فراخوان ۳۰۰ کارشناس بین المللی
۲۵۵	.....	شاهدان

### حاصل سخن

۲۶۹	.....	کتابشناسی
۲۶۹	.....	فارسی، عرب
۲۷۲	.....	زبانهای انگلیسی و فرانسه
۲۷۵	.....	ضمائم
۲۷۵	.....	این همانی
۲۷۶	.....	فطرت ابو بکر البغدادی
۲۷۸	.....	ماهیت ولایت مطلقه
۲۸۰	.....	آئینه عقاید خلافت داعش
۲۸۵	.....	داعش و نسل کشی؟
۲۸۹	.....	جدول مقایسه تئوریک

## فهرست مطالب

---

۲۹۳	جدول مقایسه تصویری.....
۲۹۷	کنوانسیون پیشگیری.....
۳۰۲	دو دیدگاه در فقه.....
۳۰۹	تحریر الوسيله.....
۳۰۹	نمونه احکام.....
۳۱۴	گناهان کبیره.....
۳۱۶	مجازات قانونی.....
۳۲۴	اندکس.....
۳۴۰	فهرست مطالب.....









